

اسم الرحمن

سیاست‌های حمایتی بخش کشاورزی

با تمرکز بر رویکردهای مبتنی بر بازار
(از طریق بورس‌های کالایی)

نویسندگان:

حامد سلطانی نژاد، علیرضا ناصرپور، جواد فلاح، محبوبه نارویی

شرکت بورس کالای ایران

(سهامی عام)



شرکت بورس کالای ایران
(سهام عام)

انتشارات بورس وابسته به شرکت اطلاع‌رسانی و خدمات بورس
دفتر: تهران، خیابان حافظ، نرسیده به جمهوری، بن‌بست ازهری،
شماره ۱۰، تلفن: ۶۴۰۸۴۰۰۰
نمایشگاه و فروشگاه: تهران، میدان ونک، خیابان ملاصدرا،
شماره ۲۵، تلفن: ۸۸۶۴۸۱۹۲، دورنگار: ۶۴۰۸۴۹۲۶
تارنمای انتشارات: www.boursepub.ir
رایانامه: info@boursepub.ir



- سیاست‌های حمایتی بخش کشاورزی، با تمرکز بر رویکردهای مبتنی بر بازار (از طریق بورس‌های کالایی)
- مؤلفان: حامد سلطانی‌نژاد، علیرضا ناصرپور، جواد فلاح، محبوبه نارویی
 - ناشر: انتشارات بورس وابسته به شرکت اطلاع‌رسانی و خدمات بورس
 - کارشناس چاپ: سیدعلی اصغر حسینی
 - کارشناس تولید: علی اسماعیل‌پور
 - طراح جلد: سید احمد موسوی
 - چاپ دوم: ۱۳۹۶
 - قیمت: ۳۰۰/۰۰۰ ریال
 - شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه
 - چاپ و صحافی: جنگل
 - شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۷۸۷۲-۱۰-۹

همه حقوق محفوظ و متعلق به ناشر است.

عنوان و نام پدیدآور: سیاست‌های حمایتی بخش کشاورزی، با تمرکز بر رویکردهای مبتنی بر بازار (از طریق بورس‌های کالایی) / نویسندگان حامد سلطانی‌نژاد... [و دیگران]؛ [به سفارش] شرکت بورس کالای ایران.

مشخصات نشر: تهران: شرکت اطلاع‌رسانی و خدمات بورس، انتشارات بورس، ۱۳۹۵.

مشخصات ظاهری: ح، ۲۷۲ص.

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۷۸۷۲-۱۰-۹

وضعیت فهرست‌نویسی: فیا

یادداشت: نویسندگان حامد سلطانی‌نژاد، علیرضا ناصرپور، جواد فلاح، محبوبه نارویی.

موضوع: ۱. کشاورزی -- جنبه‌های اقتصادی / Agriculture -- Economic aspects
۲. کشاورزی و دولت / Agriculture and state
۳. کشاورزی و دولت -- ایران -- جنبه‌های اقتصادی / Agriculture and state -- Iran -- Economic aspects
۴. کشاورزی -- قیمت‌ها -- حمایت / Agricultural price supports
۵. فرآورده‌های کشاورزی -- صنعت و تجارت / Produce trade

شناسه افزوده: سلطانی‌نژاد، حامد، ۱۳۵۷ - / Soltani Nejad, Hamed
شناسه افزوده: شرکت بورس کالای ایران
رده‌بندی کنگره: ۱۳۹۵ س/ HD۱۴۱۵
رده‌بندی دیویی: ۳۳۸/۱
شماره کتابشناسی ملی: ۴۴۳۸۹۷۴

فهرست کتاب

۳	سخنی با خوانندگان.....
۵	پیشگفتار.....
۹	مخاطبان کتاب.....
۱۱	فصل اول:.....
۱۱	انواع و تجربه سیاست‌های حمایتی در بخش کشاورزی.....
۱۳	مقدمه.....
۱۵	۱- انواع سیاست‌های حمایتی در بخش کشاورزی.....
۱۶	۱-۱- سیاست‌های حمایتی غیرقیمتی.....
۲۱	۲-۱- سیاست‌های حمایتی قیمتی.....
۳۱	۲- بورس‌های کالایی بستر اجرای موفق سیاست‌های حمایتی قیمتی بازار محور.....
۳۵	۳- تجربه سیاست‌های حمایتی کشورهای منتخب در خصوص مدیریت ریسک قیمت.....
۳۸	۳-۱- آمریکا.....

و □ سیاست‌های حمایتی بخش کشاورزی

۴۱	۲-۳- اتحادیه اروپا.....
۴۴	۳-۳- برزیل.....
۵۰	۴-۳- کاستاریکا.....
۵۱	۵-۳- مکزیک.....
۵۲	۶-۳- ایران.....
۵۸	جمع‌بندی.....
۶۱	فصل دوم:.....
	بررسی و ارزیابی تحولات سیاست‌های کشاورزی کشورهای عضو سازمان همکاری‌های اقتصادی
۶۱	و توسعه و اقتصادهای نوظهور.....
۶۳	مقدمه.....
۶۳	۱- سازمان همکاری‌های اقتصادی و توسعه.....
۶۴	۱-۱- شاخص‌های حمایتی سازمان همکاری اقتصادی و توسعه.....
	۲- تحولات در حمایت‌ها و سیاست‌های کشاورزی کشورهای عضو OECD و اقتصادهای
۷۳	نوظهور.....
۷۳	۱-۲- تحولات کلیدی اقتصاد و بازار.....
۷۷	۲-۲- چارچوب سیاست کشاورزی در کشورهای OECD.....
۸۱	۳-۲- مذاکرات چند جانبه در سازمان تجارت جهانی برای رسیدگی به سیاست‌های کشاورزی.....
۸۳	۴-۲- تحولات در حمایت از کشاورزی.....
۱۰۳	جمع‌بندی.....
۱۰۷	فصل سوم:.....
۱۰۷	ابزارهای بازاری مدیریت ریسک قیمت محصولات کشاورزی.....
۱۰۹	مقدمه.....
۱۱۰	۱- ریسک‌های قیمت کالا.....
۱۱۳	۲- از رویکرد تثبیت تا رویکرد مبتنی بر بازار.....
۱۱۳	۱-۲- رویکرد تثبیت.....
۱۱۵	۲-۲- رویکرد مبتنی بر بازار.....
۱۱۷	۳- ابزارهای مدیریت ریسک قیمت.....

فهرست کتاب □ ز

- ۱۲۰-۳-۱- پیمان‌های آتی.....
- ۱۲۷-۳-۲- قراردادهای آتی.....
- ۱۵۵-۳-۳- قراردادهای اختیار معامله.....
- ۱۷۰-۳-۴- قراردادهای معاوضه.....
- ۱۷۴-۳-۵- بیمه درآمد.....
- ۱۷۸-۳-۶- مثال‌هایی از استفاده کشورهای در حال توسعه.....
- ۱۹۳..... جمع‌بندی.....
- ۲۰۳..... فصل چهارم:.....
- ۲۰۳..... چشم‌انداز سیاست‌های حمایتی بخش کشاورزی در بورس کالای ایران.....
- ۲۰۵..... مقدمه.....
- ۲۰۷-۱- سیاست قیمت تضمینی در سال ۱۳۹۴.....
- ۲۰۹-۱-۱- اصلاح سیاست قیمت تضمینی.....
- ۲۱۲-۲- سیاست قیمت تضمینی در سال ۱۳۹۵.....
- ۲۱۳-۳- راه‌اندازی معاملات قرارداد اختیار فروش برای محصولات مشمول خرید تضمینی.....
- ۲۱۴-۳-۱- رویکرد اول در استفاده از قراردادهای اختیار فروش.....
- ۲۱۶-۳-۲- رویکرد دوم در استفاده از قراردادهای اختیار فروش.....
- ۲۲۱-۴- راه‌اندازی معاملات قراردادهای آتی.....
- ۲۲۵-۵- راه‌اندازی معاملات اختیار معامله.....
- ۲۲۶-۶- راه‌اندازی معاملات گواهی سپرده کالایی.....
- ۲۲۷-۶-۱- مفهوم اساسی تأمین مالی قبض انبار.....
- ۲۲۸-۶-۲- مزایای سیستم قبض انبار.....
- ۲۳۰-۶-۳- اهمیت قانون قبض انبار.....
- ۲۳۲-۷- راه‌اندازی صندوق‌های کالایی.....
- ۲۳۵-۷-۱- صندوق‌های کالایی قابل معامله در بورس.....
- ۲۳۶-۷-۲- حوزه‌های مختلف فعالیت صندوق‌های کالایی.....
- ۲۳۷-۸- معاملات نسبه و خرید دین.....
- ۲۳۸-۸-۱- انتشار اوراق خرید دین با حضور نهاد واسط.....

ح □ سیاست‌های حمایتی بخش کشاورزی

- ۲۳۹-۸-۲- انتشار اوراق خرید دین بدون حضور نهاد واسط.....
- ۲۴۰-۸-۳- تنزیل اسناد تجاری یا اعتباری اسنادی توسط صندوق‌های کالایی یا بانک.....
- ۲۴۱-۹- سلف و سلف موازی استاندارد.....
- ۲۶۲..... جمع‌بندی
- ۲۶۷..... منابع و مآخذ.....

سخن ناشر

شرکت اطلاع‌رسانی و خدمات بورس وابسته به سازمان بورس و اوراق بهادار، با هدف توسعه ابزارها و زیرساخت‌های اطلاع‌رسانی و فرهنگ‌سازی در بازار سرمایه، در سال ۱۳۸۳ تأسیس گردید. این شرکت از بدو تأسیس اقدام به خدمت‌رسانی به آحاد جامعه در خصوص موضوعات مرتبط با بازار سرمایه نمود. از جمله این خدمات می‌توان به راه‌اندازی پایگاه اطلاع‌رسانی بازار سرمایه ایران^۱، راه‌اندازی سامانه اینترنتی تالار مجازی بورس ایران^۲ با هدف آموزش و آشنایی علاقه‌مندان سرمایه‌گذاری در بورس ایران با سازوکار مناسب سرمایه‌گذاری، طراحی نرم‌افزار مدیریت بورس همراه با هدف تسهیل دسترسی فعالان بازار سرمایه به اطلاعات بازار از طریق گوشی تلفن همراه و بسیاری از فعالیت‌های دیگر اشاره نمود.

یکی از فعالیت‌های اصلی این شرکت در راستای اطلاع‌رسانی و خدمت‌دهی در بازار سرمایه ایران، نشر کتب مختلف و متعدد مرتبط با مسایل مالی و سرمایه‌گذاری است، به همین منظور شرکت در سال ۱۳۹۰، با اخذ مجوز رسمی از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، انتشارات بورس را تأسیس نمود. انتشارات بورس وابسته به شرکت اطلاع‌رسانی و خدمات بورس، با هدف نیل به مرجعیت کتب مالی به طور عام و کتب مرتبط با سرمایه‌گذاری به طور خاص، در داخل کشور اقدام به نشر کتب می‌نماید. امید است با انتشار این‌گونه کتب، گامی مؤثر در راستای اعتلای دانش و توانمندی فعالان بازار سرمایه برداشته شود.

۱. به نشانی: www.sena.ir

۲. به نشانی: www.irvex.ir

سخنی با خوانندگان

بخش کشاورزی همچون سایر بخش‌های اقتصاد با برخی از مشکلات و تنگناها مواجه می‌باشد که همواره در کانون توجه اندیشمندان و متخصصان این حوزه بوده است. تغییرات ناگهانی در شرایط جوی، بروز آفات، حوادث و بلایای طبیعی مانند سیل، زلزله و ... سایه‌ای از نااطمینانی را بر عرصه فعالیت‌های بخش کشاورزی گسترانده است و این موضوع کشاورزان، صاحبان صنایع تبدیلی محصولات کشاورزی و حتی نهادهای نظارتی و حاکمیتی را دچار بیم، سردرگمی و بلا تکلیفی نموده و به عبارت ساده‌تر امکان برنامه‌ریزی دقیق کسب و کار را مختل می‌نماید.

بررسی سیر تحول سیاست‌های دولت در حوزه بخش کشاورزی نشان می‌دهد کشورهای توسعه یافته و برخی از کشورهای در حال توسعه با اذعان به ناکارآمدی سیاست‌های مداخله‌ای دولت، به سمت استفاده از ابزارهای مبتنی بر نظام بازار حرکت

۴ □ سیاست‌های حمایتی بخش کشاورزی

کرده‌اند. البته این تغییر در سیاست‌ها به دلیل حساسیت‌های موجود در بخش کشاورزی به صورت تدریجی اعمال شده‌اند.

ابزارهای مالی نظیر گواهی سپرده کالایی، سلف و سلف موازی استاندارد، صندوق‌های کالایی، قراردادهای آتی و اختیار معامله و ... روش‌هایی برای تسهیل معاملات، تأمین مالی و مدیریت ریسک‌های مربوط به نوسانات قیمت در نتیجه تغییر در عوامل مؤثر بر عرضه و تقاضای محصولات کشاورزی می‌باشند. بورس‌های کالایی یکی از نهادهایی می‌باشند که می‌توانند در ارائه راه‌کارهای مبتنی بر نظام بازار برای حل مشکلات بخش کشاورزی مشارکت نمایند. به طور کلی بورس‌های کالایی نقش بسیار مهمی در بخش کشاورزی دارند و با ارائه روش‌های گوناگون، گام بزرگی در راستای برطرف شدن برخی از محدودیت‌های موجود در بخش کشاورزی بر می‌دارند.

تاکنون کتابی در راستای تعامل بورس کالا و بخش کشاورزی و به‌کارگیری ابزارهای بازاری مدیریت ریسک کشاورزی چاپ نشده است و لذا این کتاب می‌تواند تا حدودی فتح بابی برای آغاز مطالعات بیشتر بر روی ابزارهای بازاری مدیریت ریسک در بخش کشاورزی باشد.

شایان ذکر است که علی‌رغم تلاش وافر در گردآوری و تألیف این مجموعه، با توجه به پیشگامی، کتاب حاضر خالی از ضعف و اشکال نیست. لذا از تمامی مخاطبان این کتاب صمیمانه درخواست می‌نمایم که نقطه نظرات و اصلاحات خود را منتقل نمایند تا در چاپ‌های آتی کتاب لحاظ گردد. در پایان لازم می‌دانم از همکاران خود در شرکت بورس کالای ایران علیرضا ناصر پور، جواد فلاح، محبوبه نارویی و حمید شهاب‌الدینی پاریزی که در تألیف کتاب نقش بسزایی داشتند تشکر نمایم.

حامد سلطانی‌نژاد

تهران - آبان‌ماه ۱۳۹۵

پیشگفتار

براساس گزارش پیش و ارزشیابی سیاست‌های کشاورزی در کشورهای عضو سازمان همکاری اقتصادی و توسعه (OECD) و هشت اقتصاد نوظهور در سال ۲۰۱۵ میلادی که در مجموع ۴۹ کشور با تولید حدود ۸۸ درصد از محصولات کشاورزی جهان را شامل می‌شود، ملاحظه می‌گردد که علی‌رغم وجود تفاوت‌های ساختاری کشورهای بررسی شده، اهداف سیاست‌های اقتصادی آن‌ها در موارد زیر اشتراک دارد:

۱. قابلیت سوددهی اقتصادی بخش کشاورزی و به طور کلی‌تر مناطق

روستایی؛

۲. تولید مواد غذایی کافی و مغذی برای برطرف کردن نیازهای جمعیت

جهانی رو به رشد و مرفه‌تر؛

۳. بهبود پایداری زیست محیطی طولانی‌مدت تولید مواد غذایی؛

رویکردهای سیاستی کشورها، ارزش‌های متفاوتی برای این اهداف قائل می‌باشند.

۶ □ سیاست‌های حمایتی بخش کشاورزی

برخی از کشورها به دلیل اهمیت بخش کشاورزی در ایجاد اشتغال و رشد اقتصادی به دنبال استفاده از حداکثر ظرفیت این بخش صرف نظر از محدودیت‌های زیست محیطی هستند در حالی که برخی دیگر از کشورها رسیدگی به محدودیت‌های زیست محیطی را که بستر فعالیت‌های کشاورزی می‌باشد، در صدر اهداف سیاست‌های این بخش قرار داده‌اند. در کنار این دو برخی دیگر از کشورها بر سیاست جان‌شینی واردات و افزایش تولید داخلی مواد غذایی تأکید می‌نمایند.

هرچند مطالعات نشان می‌دهد تغییر سیاست‌ها در حوزه کشاورزی با سرعت بسیار کندتری نسبت به سایر بخش‌ها در حال اعمال است ولی در طول سال‌ها مجموعه سیاست‌ها به سمت انحراف کمتر در مکانیسم بازار، توسعه سیاست‌ها و ابزارهای مدیریت ریسک، کنترل اثرات مثبت و منفی زیست محیطی بخش کشاورزی و ایجاد نوآوری در شیوه‌های با بهره‌وری بیشتر و نیاز کمتر به منابع زیست محیطی تکامل یافته است. بر اثر این تغییرات، سیاست‌های کنترل تجارت خارجی به منظور افزایش قیمت‌های داخلی در راستای انتقال منابع از مصرف‌کنندگان مواد غذایی به تولیدکنندگان بخش کشاورزی، به سیاست‌هایی که پرداخت‌های مستقیم را برای تولیدکنندگان فراهم می‌آوردند تبدیل شده‌اند. به عبارت دیگر مداخله‌ی دولت‌ها در مکانیسم بازار و کشف نرخ کالاها براساس عرضه و تقاضا جای خود را به پرداخت‌های مستقیم دولت به کشاورزان داده است.

براساس مطالعات می‌توان چشم‌انداز سیاست‌های کشاورزی در جهان را با پنج رویکرد متفاوت به شرح ذیل تقسیم‌بندی کرد:

۱. **پرداخت‌های مستقیم به کشاورزان:** دولت‌ها تلاش می‌کنند با پرداخت‌های مستقیم به تولیدکننده علاوه بر حمایت از کشاورزان امکان کشف نرخ قیمت کالا براساس مکانیسم عرضه و تقاضا را نیز فراهم نمایند. این سیاست که اتحادیه اروپا و سوئیس از جمله اجراکننده‌های آن می‌باشند علاوه بر هدف بهبود معیشت کشاورزان، بهبود عملکرد زیست محیطی بخش کشاورزی را از

طریق تدوین مقررات پیگیری می‌نماید.

۲. **ارائه سیاست‌ها و ابزارهای مدیریت ریسک:** ایجاد سیاست‌ها و ابزارهای

مدیریت ریسک نظیر قراردادهای مشتقه و بیمه‌ها که موجب کاهش مخاطرات کاهش‌دهنده درآمد در بخش کشاورزی می‌شود از دیگر سیاست‌ها و ابزارهای حمایتی مبتنی بر نظام بازار است که توسط آمریکا و کانادا پیگیری می‌شوند.

۳. **کاهش هزینه سرمایه و نهاد:** اعطای یارانه به نهاده‌های کشاورزی نظیر

انرژی و کود که اخیراً در کشورهای اندونزی و مکزیک با اهمیت‌تر گشته‌اند و طرح‌های اعطای تسهیلات ارزان قیمت برای تحریک سرمایه‌گذاری که در برزیل، کلمبیا، روسیه و قزاقستان پیگیری می‌شوند.

۴. **حمایت از قیمت بازار داخلی:** این سیاست که در کشورهای چین، کلمبیا،

ایسلند، اندونزی، فلسطین اشغالی، ژاپن، قزاقستان، کره جنوبی، نروژ، روسیه، سوئیس و ترکیه غالب می‌باشد با استفاده از تعرفه واردات و جایزه‌های صادراتی تلاش می‌کند از تولید محصولات در داخل کشور حمایت نماید.

۵. **بهبود محیط کسب و کار برای کشاورزی:** توسعه خدمات عمومی نظیر

آموزش، زیرساخت‌های حمل و نقل، زیرساخت‌های بهداشتی و ... که منجر به بهبود فضای کسب و کار در بخش کشاورزی می‌شوند از جمله سیاست‌های این گروه می‌باشند. کشورهای استرالیا، شیلی، نیوزیلند و آفریقای جنوبی در این گروه قرار دارند.

در این کتاب از میان پنج گروه فوق، بر روی سیاست‌ها و ابزارهای حمایتی مدیریت ریسک مبتنی بر بازار بخش کشاورزی که در ارتباط با بورس‌های کالایی قرار دارند به عنوان بخشی از سیاست‌های مناسب برای کشور ایران تمرکز خواهد شد تا در انتها براساس نتایج مطالعات، پیشنهاد مشخصی برای همکاری بورس کالای ایران با بخش کشاورزی به منظور کمک به محقق شدن سه هدف مذکور از سیاست‌گذاری در حوزه کشاورزی ارائه گردد.

شبه‌نگارش کتاب

فصل اول کتاب، انواع سیاست‌های حمایتی بخش کشاورزی شامل سیاست‌های حمایتی غیرقیمتی و سیاست‌های حمایتی قیمتی بررسی شده‌اند. با توجه به این‌که سیاست‌های قیمتی موضوع اصلی این کتاب می‌باشد، ادامه این فصل تجربه ایران و برخی از کشورهای منتخب در خصوص اجرای سیاست‌های قیمتی را بررسی کرده است. در مجموع این فصل در خصوص انواع سیاست‌های حمایتی دید مناسبی به خواننده می‌دهد.

فصل دوم کتاب، خلاصه‌ای از نتایج گزارش پایش و ارزشیابی سیاست‌های کشاورزی در کشورهای عضو سازمان همکاری اقتصادی و توسعه (OECD) و هشت اقتصاد نوظهور در سال ۲۰۱۵ میلادی را که به بررسی تحولات سیاست‌های حمایتی از بخش کشاورزی در ۴۹ کشور جهان می‌پردازد، بازگو کرده است. این فصل نشان می‌دهد مجموعه سیاست‌ها به سمت انحراف کمتر در مکانیسم بازار و توسعه ابزارهای مدیریت ریسک حرکت کرده است. با توجه به ماهیت و رسالت بورس کالای ایران در تقویت نظام بازار و ارائه سیاست‌ها و ابزارهای مدیریت ریسک می‌توان نتیجه گرفت استفاده از بستر بورس در اعمال سیاست‌های حمایتی در بخش کشاورزی با جهت‌گیری کشورهای توسعه یافته و نوظهور در بخش کشاورزی سازگاری کامل دارد. در فصل سوم کتاب، سیاست‌ها و ابزارهای بازاری مدیریت ریسک قیمت محصولات کشاورزی شامل پیمان‌های آتی، قراردادهای آتی، اختیار معامله، قراردادهای معاوضه و بیمه مورد بررسی قرار گرفته است. قراردادهای مشتقه و بیمه ایده‌آل‌ترین ابزارهایی هستند که می‌توانند در چارچوب مکانیسم بازار جهت مدیریت ریسک قیمت در خدمت توسعه بخش کشاورزی قرار گیرند.

در فصل پایانی کتاب نقش پیشنهادی برای بورس کالای ایران در اجرای سیاست‌های حمایتی از بخش کشاورزی در قالب سیاست خرید تضمینی، سیاست قیمت تضمینی، انتشار اوراق اختیار فروش در قالب سیاست قیمت تضمینی، راه‌اندازی

پیشگفتار □ ۹

معاملات قراردادهای آتی و معاملات اختیار معامله، انتشار اوراق گواهی سپرده کالایی و معاملات آن، راه‌اندازی صندوق‌های کالایی، راه‌اندازی و توسعه معاملات نسیه و خرید دین و توسعه معاملات سلف و سلف موازی استاندارد بررسی شده است.



مخاطبان کتاب

طراحی مطالب این کتاب به گونه‌ای بوده است که سیاست‌گذاران بخش کشاورزی کشور، محافل دانشگاهی و علاقمندان بازارهای کشاورزی هر یک بتوانند به فراخور جایگاه خود از آن بهره‌مند گردند. از منظر سیاست‌گذاری در این کتاب تلاش گردیده است با تولید یک محصول فکری و بسته سیاستی مطابق با نیازهای کشور و استانداردهای جهانی، مجموعه‌ای از راهکارهای عملی جهت ساماندهی قسمتی از چالش‌های بخش کشاورزی ارائه گردد.

فعالان بخش کشاورزی ضمن مطالعه این کتاب با چارچوب کلی حمایت دولت از بخش کشاورزی آشنا می‌شوند. در عین حال نباید فراموش کرد که یکی از انگیزه‌های اصلی نگارش این کتاب پاسخگویی به نیاز و خواسته سیاست‌گذاران این بخش در

۱۰ □ سیاست‌های حمایتی بخش کشاورزی

زمینه‌آشنایی با روش‌های مبتنی بر بازار در حمایت از بخش کشاورزی بوده است. اساتید و دانشجویان رشته‌های اقتصاد و مهندسی کشاورزی نیز می‌توانند از مطالب این کتاب جهت غنای مطالب علمی خود استفاده نمایند. امید است این کتاب با پیشنهاداتی که ارائه کرده است بتواند راه را برای استفاده بیشتر از ظرفیت‌های بالقوه بورس کالای ایران در اعمال کاراتر سیاست‌های حمایتی دولت از بخش کشاورزی هموارتر سازد.

فصل اول:
انواع و تجربه سیاست‌های حمایتی در بخش کشاورزی

فصل اول در یک نگاه

انواع سیاست‌های حمایتی در بخش کشاورزی

○ سیاست‌های حمایتی غیرقیمتی

○ سیاست‌های حمایتی قیمتی

تجربه سیاست‌های حمایتی مدیریت ریسک قیمت در:

○ آمریکا

○ اتحادیه اروپا

○ برزیل

○ کاستاریکا

○ مکزیک

○ ایران

فصل اول: انواع و تجربه سیاست‌های حمایتی □ ۱۳

مقدمه

حمایت از بخش کشاورزی در کشورهای مختلف دنیا با استفاده از سیاست‌ها و ابزارهای گوناگون و عمدتاً برای رسیدن به اهدافی از قبیل تقویت قابلیت سوددهی اقتصادی بخش کشاورزی و به طور کلی تر مناطق روستایی، افزایش تولید مواد غذایی کافی و مغذی برای برطرف کردن نیازهای جمعیت جهانی رو به رشد با رفاه اقتصادی بیشتر و بهبود پایداری محیط زیست انجام می‌شود.

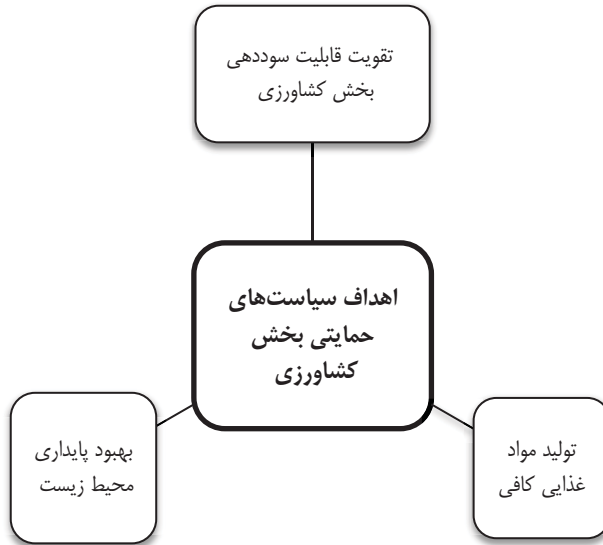
مقایسه سطوح حمایت در بخش کشاورزی کشورهای مختلف دنیا نشان می‌دهد با وجود تفاوت‌هایی از نظر نوع و گستردگی سیاست‌های اعمال شده، اغلب کشورها سطح بالایی از حمایت را اعمال می‌نمایند که این موضوع به ویژه در سیاست مشترک کشاورزی اتحادیه اروپا و قانون زراعی جدید آمریکا قابل مشاهده است.

عمده‌ترین سیاست‌های حمایتی در سیاست مشترک کشاورزی اتحادیه اروپا شامل سیاست‌های قیمتی، پرداخت‌های درآمدی غیرمستقیم (نرخ بهره، نهاده‌های تولید، کاهش مالیات)، پرداخت‌های مستقیم درآمدی (جبران خسارات طبیعی) و سایر مخارج دولتی برای تحقیق، تبلیغات و بازاریابی می‌باشد. براساس قانون زراعی جدید آمریکا، حمایت‌های انجام شده شامل یارانه، وام‌های کشاورزی، حفاظت از منابع، حمایت‌های قیمتی، بیمه محصولات و یارانه‌های صادراتی است.

سیاست‌های حمایتی در بخش کشاورزی ایران را نیز می‌توان در سه قالب کلی معرفی نمود. گروه اول شامل معافیت‌ها و امتیازات قانونی است که می‌توان از معافیت‌های مالیاتی، موانع و تعرفه‌های وارداتی، نرخ‌های ترجیحی برای اعتبارات بانکی، آب و سوخت و سایر امتیازات نام برد. گروه دوم یارانه‌هایی است که بصورت آشکار و تحت همین عنوان از محل بودجه عمومی دولت پرداخت می‌گردد و شامل دو بخش اصلی یارانه‌های مصرفی و یارانه‌های تولیدی است. یارانه‌های مصرفی برای فراهم نمودن امکان مصرف کالاهای اساسی از قبیل گندم، روغن نباتی، قند و شکر، محصولات لبنی و غیره پرداخت می‌شود. بخش اعظم یارانه‌های تولیدی نیز مربوط به یارانه نهاده‌های تولید شامل کود، سم، بذر و علوفه است. بخش دیگر این یارانه‌ها نیز

۱۴ □ سیاست‌های حمایتی بخش کشاورزی

شامل خرید تضمینی محصولات، قیمت تضمینی، کمک‌های بلاعوض، جبران خسارات ناشی از حوادث طبیعی (از قبیل خشکسالی) و بیمه محصولات کشاورزی است. در چند سال اخیر پرداخت یارانه به کالاهای صادراتی نیز به طور منظم آغاز شده است. گروه سوم سیاست‌های حمایتی که می‌توان آن‌ها را تحت عنوان خدمات عمومی بخش کشاورزی معرفی نمود، پرداخت‌های بودجه‌ای است که به منظور توسعه زیرساخت‌های کشاورزی، تحقیقات و ترویج، حفاظت از محیط زیست و سایر فعالیت‌های عمرانی بخش کشاورزی پرداخت می‌گردد.

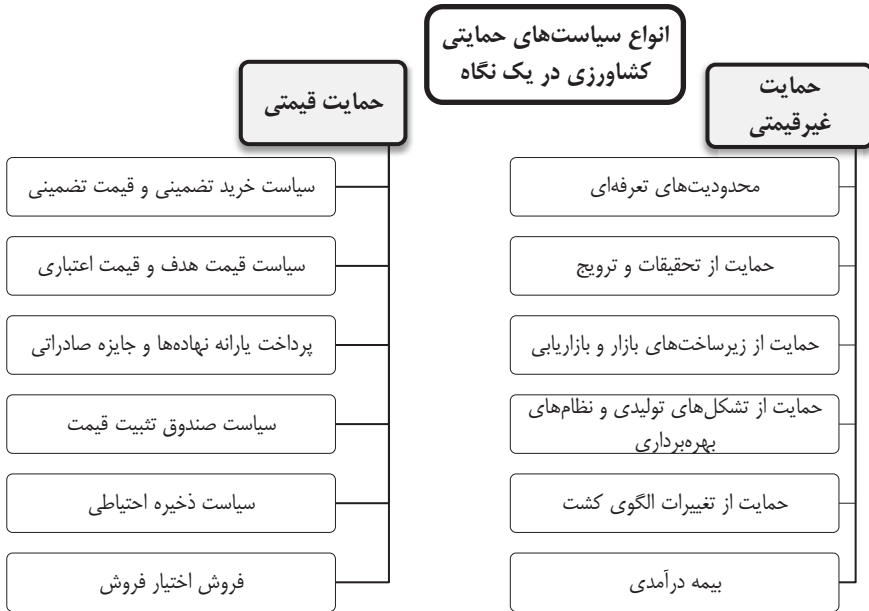


شکل ۱-۱- اهداف سیاست‌های حمایتی بخش کشاورزی

در این فصل ابتدا به بررسی انواع سیاست‌های حمایتی غیرقیمتی و قیمتی در بخش کشاورزی در کشورهای مختلف پرداخته شده است. سپس تجربه اجرای سیاست‌های حمایتی در برخی از کشورهای منتخب و ایران شرح داده شده است.

۱- انواع سیاست‌های حمایتی در بخش کشاورزی

اگرچه دخالت دولت‌ها در بازار محصولات کشاورزی، به شکل‌های متفاوتی صورت می‌گیرد، اما به هر حال به نحوی بر بازارهای داخلی و خارجی تأثیر می‌گذارند. معمولاً برای بحث درباره سیاست و ابزار تنظیم بازار، ابتدا از سیاست‌های کلان که رفتار متغیرهای اقتصادی را در سطح کلان تحت تأثیر قرار می‌دهد، صحبت به میان می‌آید. این سیاست‌ها شامل سیاست‌های مالی و پولی همچون تغییر در مخارج عمومی و مالیات‌ها، و سیاست‌های تطبیقی است. منظور از سیاست‌های اخیر، دعوت عاملین بازار به خواسته‌های دولت است که بر اساس آن دولت با بیانیه‌های مختلف، استراتژی‌هایی را اعلام می‌کند و انتظار دارد دست‌اندرکاران بازار از آن پیروی کنند. در مجموع می‌توان ابزارها و سیاست‌های حمایتی در بخش کشاورزی را به دو دسته قیمتی و غیرقیمتی تقسیم کرد. مجموع سیاست‌ها و ابزارهای سیاستی قیمتی و غیرقیمتی منجر به حمایت از درآمد تولیدکننده بخش کشاورزی می‌گردد. انواع سیاست‌های غیرقیمتی و قیمتی در بخش کشاورزی در ادامه بحث شرح داده شده است.



شکل ۱-۲- انواع سیاست‌های حمایتی کشاورزی در یک نگاه

۱-۱- سیاست‌های حمایتی غیرقیمتی

در سیاست‌های غیرقیمتی، متغیرهای هدف شامل درآمد، میزان تولید، میزان مصرف نهاده و یا عواملی است که بطور غیرمستقیم بر روی قیمت دریافتی توسط تولیدکننده برای محصول و یا قیمت پرداختی برای نهاده تأثیر می‌گذارد. به طور خلاصه انواع سیاست‌های حمایتی غیرقیمتی را می‌توان این گونه برشمرد:

أ. اقدامات و محدودیت‌های تعرفه‌ای بر روی واردات

سیاست‌های حمایتی غیرقیمتی بسیار گسترده هستند. از مهم‌ترین سیاست‌های غیرقیمتی، اقدامات مرزی یا وضع تعرفه‌ها بر روی واردات کالاهای مشابه داخلی است. اگرچه براساس قوانین سازمان تجارت جهانی، کشورها موظف به کاهش محدودیت‌های تعرفه‌ای خود هستند، اما با این حال، کشورهایی مانند آمریکا، اتحادیه

فصل اول: انواع و تجربه سیاست‌های حمایتی □ ۱۷

اروپا، هر ساله به دلیل حمایت‌های گسترده از بخش کشاورزی خود، از سوی سازمان تجارت جهانی^۱، مورد تذکر قرار می‌گیرند^۲. این موضوع نشان دهنده، میزان حمایت کشورهای مذکور از تولیدکنندگان بخش کشاورزی است.

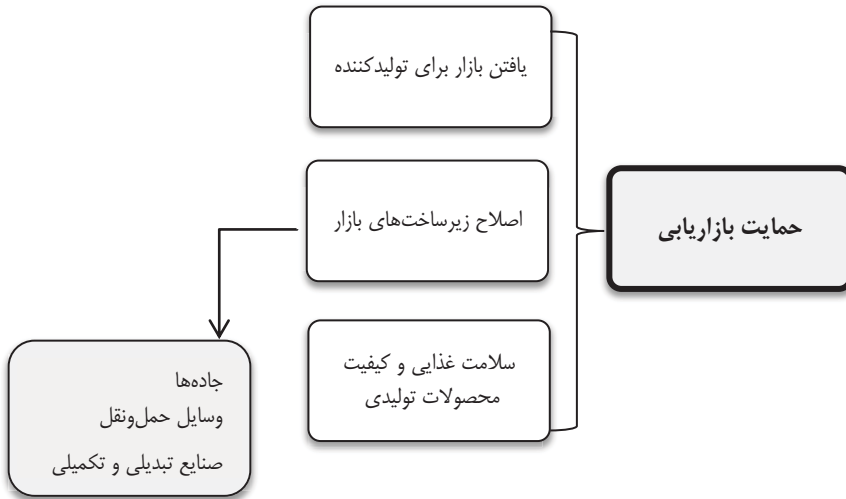
ب. حمایت از زیرساخت‌های بازار و بازاریابی

حمایت از زیرساخت‌های بازار و بازاریابی از سیاست‌های حمایتی غیرقیمتی مهم دیگری است که می‌توان به آن اشاره کرد. حمایت‌های بازاریابی، تنها یافتن بازار برای تولیدکننده نیست، بلکه از مهم‌ترین بخش‌های این سیاست، ایجاد و اصلاح زیرساخت‌های بازار است. این زیرساخت‌ها شامل جاده‌ها، وسایل حمل‌ونقل، صنایع تبدیلی و تکمیلی و مواردی از این دست می‌باشد. این سیاست، به ویژه در کشورهای توسعه‌یافته و حتی کشورهای در حال توسعه نیز در کنار سیاست‌های قیمتی مورد استفاده قرار می‌گیرد. در این کشورها حمایت‌های بازاریابی بسیار گسترده است، به طوری که جهت تشویق تولیدکنندگان و توانمندسازی آن‌ها برای حضور در بازارهای جهانی، حتی اقدام به برگزاری جشنواره‌های بازاریابی می‌کنند.

از موارد دیگری که در مجموعه‌ی حمایت‌های بازاریابی قرار می‌گیرند، می‌توان به مواردی چون سلامت غذایی، کیفیت محصولات تولیدی و غیره اشاره کرد. سیاست‌های بازاریابی محصولات نیز در زیر مجموعه سیاست‌های حمایتی غیرقیمتی قرار دارد که اصطلاحاً به آن‌ها زیرساخت‌های بازار نیز گفته می‌شود. دولت‌ها موظف به ایجاد زیرساخت‌های لازم برای بازار محصولات کشاورزی هستند. آن‌ها مسئولیت دارند حداقل زمینه‌های لازم را برای انجام این فعالیت‌ها ایجاد کنند.

1. World Trade Organization (WTO)

۲. سازمان تجارت جهانی WTO سازمانی است که برای گسترش تجارت خارجی در سطح بین‌المللی برپا شده است. برای پیوستن به این سازمان و برخورداری از مزایای آن، کشورها ملزم به رعایت اصل رقابت‌پذیری، اصلاح نظام مالیاتی و گمرکی و قواعد تجارت جهانی هستند و در صورت عدم رعایت این اصول توسط کشورها، با تذکر این سازمان و حتی لغو عضویت مواجه خواهند شد.



شکل ۱-۳- چارچوب حمایت بازاریابی

ج. حمایت از تغییرات الگوی کشت

نوع دیگری از سیاست‌های حمایتی غیرقیمتی، حمایت از تغییرات الگوی کشت است. به عنوان مثال در مقطعی، تب تولید گوجه‌فرنگی گل‌خانه‌ای، کشور را فرا می‌گیرد؛ در نتیجه تمام تولیدکنندگان به دنبال تولید گوجه‌فرنگی می‌روند و یا می‌توان به تب تولید سیب‌زمینی اشاره کرد، به طوری که تمام مناطق مستعد برای کشت سیب‌زمینی شروع به تولید آن می‌کنند؛ در حالی که این وظیفه دولت است تا با سیاست‌گذاری درست، الگوی کشت مناسبی را براساس مزیت‌های نسبی هر منطقه ایجاد کند. برای این منظور باید مشخص شود چه محصولی برای کدام منطقه مناسب است و چه نوع نظام بهره‌برداری منجر به افزایش تولید می‌شود. چنین مسئله‌ای در تمام بخش‌های زراعت، شیلات، باغبانی و غیره وجود دارد.

د. حمایت از تشکلهای تولیدی و نظام‌های بهره‌برداری

در برخی از کشورها، اتحادیه‌ها دولت را مجبور می‌کنند که سیاست‌های حمایتی

فصل اول: انواع و تجربه سیاست‌های حمایتی □ ۱۹

متناسب را در زمینه حمایت از تولیدکنندگان طراحی کند. به همین دلیل است که گفته می‌شود وکیل تولیدکنندگان اتحادیه‌های آن‌ها هستند. قدرت این اتحادیه‌ها در برخی از کشورها به اندازه‌ای زیاد است تا حدی که نمایندگان این اتحادیه‌ها حتی در جلسات سیاست‌گذاری مربوط به تولیدکنندگان نیز شرکت می‌کنند. تشکیل این تشکل‌ها خود نیازمند فرهنگ‌سازی است. این اقدام بر عهده بخش ترویج و آموزش است و خود مقوله‌ی ترویج نیز از جمله سیاست‌های حمایتی غیرقیمتی است.

ه. راه‌اندازی بیمه درآمد کشاورزان

در این سیاست دولت به کشاورزان بیمه درآمد اعطا می‌کند تا بر اساس آن، در صورتی که به دلیل کاهش قیمت‌ها یا بلایای طبیعی درآمد کاهش یافت بیمه، جبران خسارت نماید. این سیاست یکی از کارآمدترین سیاست‌ها در حوزه حمایت از درآمد کشاورزان می‌باشد زیرا بدون هیچ دخالتی در مکانیسم بازار درآمد کشاورزان را تضمین می‌نماید.

و. حمایت از تحقیقات و ترویج

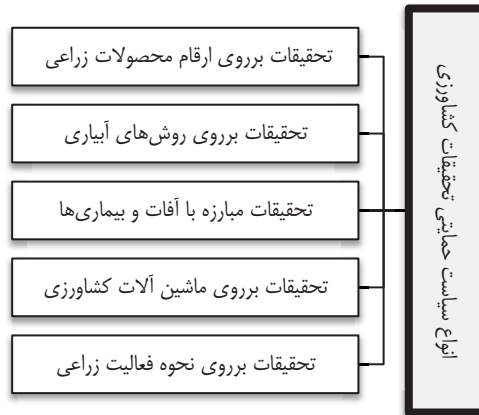
شاید مهم‌ترین سیاست حمایتی غیرقیمتی، که می‌تواند بیشترین تأثیرگذاری بر روی تولیدکنندگان بخش کشاورزی داشته باشد، سیاست حمایتی تحقیقات کشاورزی است؛ این در حالی است که در اکثر کشورهای در حال توسعه، به موضوع تحقیقات توجه زیادی نمی‌شود. به طوری که بودجه‌های تحقیقاتی در اکثر این کشورها و همچنین در ایران، کم‌تر از یک درصد کل تولید ناخالص داخلی می‌باشد، چراکه حمایت از تولید کننده به صورت خودکار بر روی مصرف کننده اثر می‌گذارد؛ یعنی اگر از تولیدکننده حمایت شود قطعاً مصرف کننده نیز از این حمایت منتفع می‌شود. بنابراین اکثر کشورهایی که حمایت جامع و کاملی از بخش کشاورزی داشته‌اند، سرمایه‌گذاری‌های بسیار عظیمی در زمینه تحقیقات انجام داده‌اند. سرمایه‌گذاری بر روی تحقیقات برعهده دولت است، به بیان دیگر، این موضوع دقیقاً از جمله‌ی وظایف حاکمیتی دولت است. این سرمایه‌گذاری تا جایی می‌تواند ادامه داشته باشد که به رشد قابل قبولی در تولید

۲۰ □ سیاست‌های حمایتی بخش کشاورزی

ناخالص داخلی دست یافت، از این مرحله به بعد می‌توان به تدریج، تحقیقات را به بخش خصوصی واگذار کرد، اما در مراحل اولیه، انجام این کار بر عهده دولت است. تحقیقات تنها بر روی ارقام محصولات زراعی صورت نمی‌گیرد، بلکه در بخش‌های متعددی همچون روش‌های آبیاری، مبارزه با آفات و بیماری‌ها، ماشین‌آلات، نحوه فعالیت زراعی و غیره نیز انجام می‌شود. چنانچه انجام تحقیقات در کنار سیاست‌های حمایتی قیمتی قرار گیرد، باعث افزایش درآمد، افزایش بهره‌وری، کاهش هزینه‌های تولید، افزایش کیفیت محصول و به دنبال آن منتفع شدن مصرف‌کننده خواهد شد. بنابراین تحقیقات نقش مهمی در بخش کشاورزی دارد. در اکثر کشورهای دنیا مانند مالزی، چین و غیره راهکار برون‌رفت از دوره توسعه‌نیافتگی بخش کشاورزی، هدایت حجم انبوهی از اعتبارات دولتی به سمت تحقیقات کشاورزی بوده است. در حال حاضر، کشورهای توسعه‌یافته به جایی رسیده‌اند که تحقیقات آن‌ها خصوصی شده است. چراکه در ابتدای مراحل توسعه، حجم زیادی از اعتبارات خود را به تحقیقات اختصاص داده بودند.

سیاست حمایتی غیرقیمتی دیگر، ترویج است که پس از تحقیقات مطرح می‌شود، چراکه تحقیقات به هر میزان که خوب انجام گرفته باشد، چنانچه با یک زبان ساده و در یک سطح گسترده به تولیدکنندگان بخش کشاورزی منتقل و ترویج نشود، کارایی و اثر مورد انتظار را نخواهد داشت. به بیان دیگر افزایش بهره‌وری و به دنبال آن افزایش حمایت از تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان و افزایش رفاه اقتصادی را در پی نخواهد داشت.

فصل اول: انواع و تجربه سیاست‌های حمایتی □ ۲۱



شکل ۱-۴- انواع سیاست‌های حمایتی تحقیقات کشاورزی

۱-۲- سیاست‌های حمایتی قیمتی

تولیدکنندگان بخش کشاورزی با ریسک‌های مختلفی مواجه هستند. گروهی از این ریسک‌ها، ریسک‌های تولیدی هستند که بر روی تولید یا عملکرد تولیدکننده تأثیر می‌گذارند؛ از جمله‌ی این ریسک‌ها می‌توان به تغییرات آب و هوایی، بیماری‌ها، آفات و غیره اشاره کرد. گروه دوم از ریسک‌ها که اصطلاحاً به آن‌ها ریسک‌های قیمتی^۱ گفته می‌شود، بر روی قیمت دریافتی تولیدکننده یا قیمت پرداختی برای نهاده‌اش تأثیر می‌گذارد، و در نتیجه در قیمت‌ها ایجاد نوسان می‌کند. به گروه سوم از ریسک‌ها، ریسک‌های سیاست‌گذاری یا نهادی گفته می‌شود. تولیدکنندگان همواره با این گروه از ریسک‌ها مواجه هستند؛ بطور مثال سیاست‌های دولت در رابطه با حمایت از تولیدکنندگان به طور ناگهانی تغییر، وضع یا حذف می‌شود. گروه چهارم از ریسک‌ها که اصطلاحاً به آن‌ها ریسک‌های بازار^۲ گفته می‌شود، ناشی از شرایط بازار محصولات کشاورزی و کاستی زیرساخت‌های بازار است. گروه پنجم از ریسک‌هایی که دولت باید

1. Price Risk
2. Market Risk

۲۲ □ سیاست‌های حمایتی بخش کشاورزی

تدابیر لازم را برای مواجهه با آن‌ها بیانده‌اند، ریسک‌های سلامت یا بهداشت است. در این‌جا منظور بهداشت و سلامت مصرف‌کننده نیست بلکه بهداشت و سلامت خود تولیدکننده است. چرا که تولیدکننده به عنوان یک انسان خود بخشی از عملیات تولید را انجام می‌دهد که در بسیاری از مواقع جانشینی ندارد.



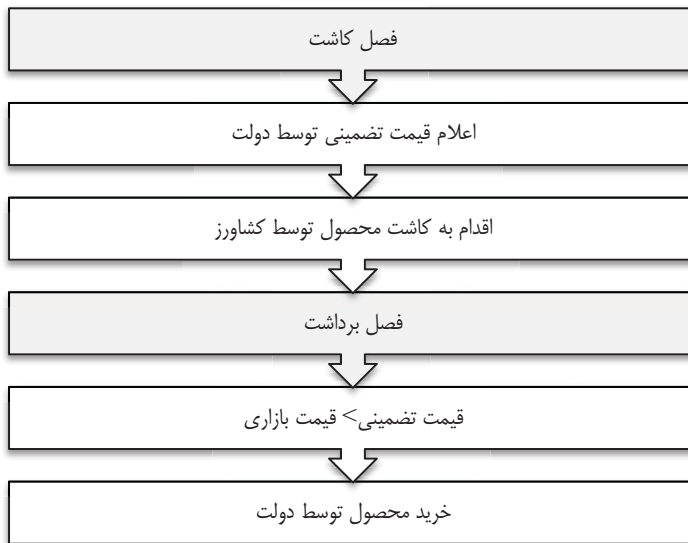
شکل ۱-۵- انواع ریسک در بخش کشاورزی

سیاست‌ها و ابزارهای قیمتی، شامل ابزارهایی هستند که متغیر سیاستی هدف آن‌ها، حمایت از قیمت دریافتی تولیدکننده برای محصول تولیدی و یا قیمت پرداختی برای نهاده‌های مورد استفاده در تولید است. سیاست‌های حمایتی قیمتی در ادامه به طور خلاصه معرفی شده‌اند. این سیاست‌ها در جهت مدیریت ریسک بخش کشاورزی به کار می‌روند. با توجه به این‌که فصل سوم کتاب به تفصیل به بررسی سیاست‌ها و ابزارهای مدیریت ریسک مبتنی بر بازار پرداخته است لذا در این بخش فقط اشاره مختصری به این موضوع شده است.

فصل اول: انواع و تجربه سیاست‌های حمایتی □ ۲۳

ا. سیاست خرید تضمینی

از جمله مهم‌ترین ابزارهای حمایتی قیمتی، سیاست خرید تضمینی است. در سیاست خرید تضمینی دولت با اعلام قیمت تضمینی در زمان قبل از کاشت محصول و یا قبل از دوره‌ای که تولیدکننده تصمیم به تولید بگیرد، خرید محصول به قیمت تضمینی را در هنگام برداشت و یا زمانی که تولیدکننده قصد عرضه محصول به بازار را داشته باشد تضمین می‌کند. با اجرای این سیاست کشاورز با اطمینان خاطر از قیمت فروش محصول در فصل برداشت اقدام به کشت محصول می‌نماید.

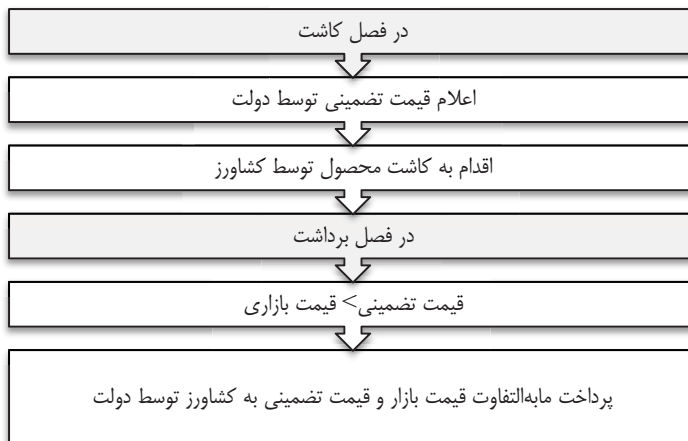


شکل ۱-۶- فرایند سیاست خرید تضمینی

ب. سیاست قیمت تضمینی

یکی دیگر از مهم‌ترین ابزارهای حمایت قیمتی، سیاست قیمت تضمینی است. در این روش دولت قیمت حداقلی را به عنوان قیمت تضمینی اعلام می‌کند و هیچ الزامی برای خرید محصول ندارد؛ کشاورز محصول تولیدی خود را برای فروش براساس مکانیسم بازار عرضه می‌کند در صورتی که قیمت بازار برابر یا بالاتر از قیمت تضمینی باشد

دولت تعهدی در مقابل کشاورز ندارد ولی در صورتی که قیمت بازار کمتر از قیمت تضمینی باشد دولت مکلف است به صورت نقدی مابه‌التفاوت قیمت بازار و قیمت تضمینی را به عنوان یارانه به کشاورز پرداخت نماید.



شکل ۱-۷- فرایند سیاست قیمت تضمینی

در برخی از کشورها دولت به جای این که برای پرداخت یارانه مقدار کشت محصول در سال زارعی را ملاک عمل قرار دهد، رکورد تولید کشاورز در سال‌های مختلف را مبنای پرداخت یارانه بر اساس قیمت تضمینی که اعلام کرده است قرار می‌دهد.

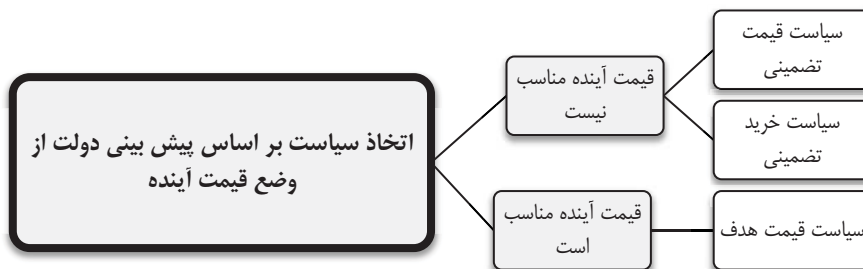
ج. سیاست قیمت هدف

بر اساس این سیاست، دولت با توجه به هزینه‌های تولید، شرایط بازارهای جهانی و سایر عوامل مؤثر در شکل‌گیری قیمت، قیمتی را به عنوان قیمت هدف یا ارشادی اعلام می‌کند که تنها یک نشانه برای تولیدکننده بخش کشاورزی است؛ این نشانه از جمله خدمات مشاوره‌ای است که دولت به تولیدکننده ارائه می‌دهد و در واقع قیمت پیش‌بینی شده‌ی دریافتی تولیدکننده برای سال آینده است. در این صورت تولیدکننده بهتر می‌تواند تصمیم‌گیری کند که بطور مثال چه سطحی از زمین زراعی خود را به

فصل اول: انواع و تجربه سیاست‌های حمایتی □ ۲۵

کشت محصول مورد نظر اختصاص دهد. بنابراین، دولت در این جا نقشی ارشادی دارد. برای نمونه؛ تولیدکننده با توجه به شرایطی که ممکن است بازار محصولی مانند سیب‌زمینی در سال آینده داشته باشد، تصمیم به تولید این محصول می‌گیرد، اما دولت در این جا به تولیدکنندگان هشدار می‌دهد که اگر تمام تولیدکنندگان اقدام به کاشت سیب‌زمینی کنند، این مسئله باعث کاهش قیمت سیب‌زمینی برای تولیدکننده می‌شود، بنابراین بهتر است میزان کاشت محصولات مدیریت شود تا محصول در سطح معینی کشت شود و قیمت آن افت زیادی نداشته باشد. همانطور که اشاره شد در قیمت هدف، سعی دولت بر این است که با برنامه‌ریزی، قیمت مطلوب تحقق یابد و افت نکند.

در واقع هنگامی که دولت پیش‌بینی می‌کند قیمت بازار در آینده برای تولید کننده مناسب نیست؛ از ابزارهایی مانند خرید تضمینی و یا قیمت تضمینی استفاده می‌کند، اما هنگامی که به این نتیجه برسد که قیمت بازار در آینده برای تولید کننده مناسب است، قیمت هدف را اعلام می‌کند و از این سیاست برای حمایت از تولیدکنندگان استفاده می‌کند.



شکل ۱-۸- اتخاذ سیاست بر اساس پیش‌بینی قیمت

د. سیاست قیمت خرید اعتباری

نوع دیگری از ابزارهای حمایتی قیمتی، سیاست قیمتی خرید اعتباری و یا اصطلاحاً وام

اعتباری^۱ است. براساس این سیاست قبل از آن‌که تولیدکننده تصمیم به تولید محصول بگیرد، دولت قیمتی را تحت عنوان قیمت خرید اعتباری برای هر کیلوگرم محصول اعلام می‌کند. پس از برداشت محصول، چنانچه تولیدکننده بخواهد محصول خود را به دولت بفروشد؛ در این جا دولت، میزان محصولی را که تولیدکننده قصد فروش و تحویل آن را دارد در قیمت از پیش اعلام شده برای این سیاست ضرب نموده و بهای آن را به تولیدکننده پرداخت می‌کند، اما محصول را از تولیدکننده تحویل نمی‌گیرد محصول نزد تولیدکننده به امانت گذاشته می‌شود، و به تولیدکننده گفته می‌شود که ظرف مدت معینی مثلاً شش تا نه ماه، اگر توانست محصول را به قیمت بالاتر از قیمت اعتباری به فروش برساند، وام خود را با دولت با کارمزدی مشخص تسویه کند و اگر نتوانست محصول را در پایان مدت قرارداد به قیمت بالاتر از قیمت اعتباری بفروشد محصول را به دولت تحویل دهد. کارمزد این وام‌ها بسیار پایین است و از طرفی مبلغ باقی‌مانده‌ی حاصل از فروش محصول با قیمت بالاتر نیز می‌تواند به عنوان سود تولیدکننده تلقی شود. بنابراین سیاست قیمت اعتباری، عموماً برای محصولات با فسادپذیری کم، قابلیت کاربرد دارد.

این سیاست به کشاورز این امکان را می‌دهد که خود به دنبال مشتری برای محصول باشد و به تدریج براساس مکانیسم عرضه و تقاضا در بازار روی پای خود بایستد، زیرا در غیر این صورت، تولیدکننده همواره وابسته به دولت باقی خواهد ماند و هیچ تلاشی در جهت افزایش بهره‌وری انجام نخواهد داد.

1. Loan rate price policy

فصل اول: انواع و تجربه سیاست‌های حمایتی □ ۲۷



شکل ۱-۹- فرایند سیاست قیمت اعتباری

۵. سیاست پرداخت یارانه نهاده‌ها

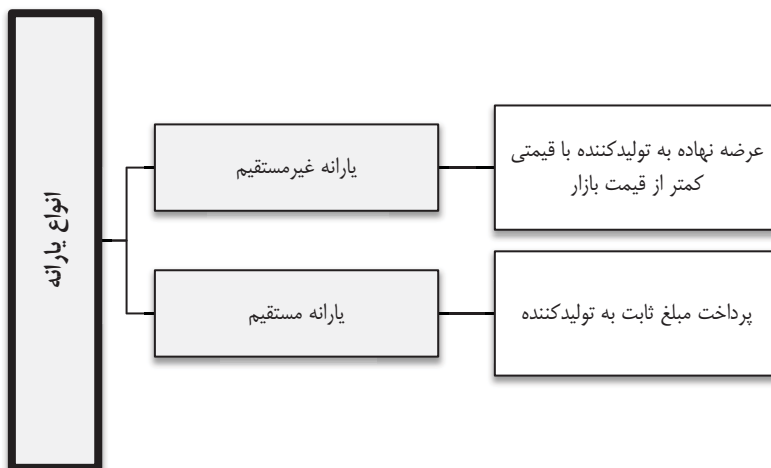
از ابزارهای دیگر حمایت قیمتی، سیاست پرداخت یارانه برای نهاده‌ها است. یارانه‌ها را می‌توان به دو بخش، یارانه‌ی مستقیم و غیرمستقیم تقسیم کرد.

در سیاست یارانه‌ی غیرمستقیم دولت نهاده‌ها را به قیمتی کمتر از قیمت بازاری آن در اختیار تولید کننده قرار می‌دهد.

اما در سیاست یارانه‌ی مستقیم دولت مبلغ ثابتی را به عنوان یارانه به تولیدکننده پرداخت می‌کند. در این سیاست بازار نهاده‌ها، بازاری آزاد است که دولت هیچ دخالتی در آن ندارد. بر اساس این سیاست بابت نهاده‌ها به ازای هر هکتار زمین زراعی و یا براساس میزان تولید و یا سهمی که تولیدکننده هر محصول از کل تولید ملی داشته

۲۸ □ سیاست‌های حمایتی بخش کشاورزی

است مبلغی به عنوان یارانه پرداخت می‌شود.



شکل ۱-۱-۱- انواع یارانه کشاورزی

و. سیاست جایزه صادراتی

در این سیاست دولت به ازای صادرات محصولات کشاورزی به صادرکننده محصول مبلغی را بر اساس ارزش صادرات به عنوان یارانه پرداخت می‌نماید. این سیاست زمانی می‌تواند کارآیی لازم را در حمایت از تولیدکنندگان بخش کشاورزی داشته باشد که مطمئن بود یارانه صادراتی به ایجاد انگیزه در تولیدکننده جهت افزایش میزان و بهبود کیفیت محصول تولیدی منجر گردد. باید توجه کرد که این یارانه تنها در جایی اثر کامل خود را به تولیدکننده منتقل می‌کند که تولیدکننده خود صادرکننده باشد، در غیر این صورت ممکن است واسطه‌ها از این یارانه منتفع گردند و سهم کمی از یارانه روی قیمت دریافتی کشاورز به وی منتقل شود.

ز. سیاست صندوق تثبیت قیمت

پرداخت بخشی از زیان تولیدکنندگان از محل وجوهی که قبلاً توسط دولت و نیز

فصل اول: انواع و تجربه سیاست‌های حمایتی □ ۲۹

تولیدکنندگان، ذخیره شده است، به سیاست صندوق تثبیت قیمت معروف است. در این سیاست صندوقی با منابع کشاورزان و کمک دولت تشکیل می‌شود و مواقعی که قیمت محصول به پایین‌تر از مقدار مشخصی رسید صندوق وارد عمل شده و به کشاورزان یارانه پرداخت می‌کند. این صندوق همانند سیاست قیمت تضمینی عمل می‌کند با این تفاوت که ساز و کار شناسایی و پرداخت و همچنین تأمین بخشی از منابع صندوق بر عهده کشاورزان می‌باشد.

ح. سیاست ذخیره احتیاطی

از طریق این سیاست دولت عرضه و تقاضای محصول را کنترل می‌کند. بر اساس این سیاست کنترل مقدار محصولات به صورت کنترل مقدار عرضه اعمال می‌شود. در دوره‌هایی که مقدار عرضه بیش از حد است دولت آن را خریداری و در دوره‌های کمبود، آن را عرضه می‌نماید. به این سیاست ذخیره احتیاطی می‌گویند.

ط. فروش اختیار فروش توسط دولت

در این روش دولت به کشاورزان اختیار فروش می‌فروشد و کشاورزان در سررسید اگر قیمت بازار از قیمت اعمال قرارداد اختیار پایین‌تر باشد اختیار را اعمال می‌نمایند. کشاورزان حق فروش این اختیارها را در بازار ثانویه ندارند ولی دولت می‌تواند اختیارها را به دیگران منتقل نماید یا در سررسید تسویه نقدی نماید.

مطالعه‌ای که توسط سن^۱ در سال ۲۰۰۵ در کشور هند انجام شده است نشان می‌دهد استفاده مناسب از قراردادهای اختیار معامله در بورس می‌تواند جایگزین برنامه‌ی دولت هند برای اتخاذ راهکار حداقل قیمت حمایتی برای گندم شود که بسته به ساختار و هدف برنامه، می‌تواند بین ۳۵ تا ۱۵۱ دلار در هر تن در هزینه‌ها صرفه جویی نمایند.

در قرارداد اختیار معامله فروش، دارنده‌ی اختیار می‌تواند در سررسید قرارداد،

1. Sen

دارایی پایه‌ی قرارداد اختیار معامله را به قیمتی که در قرارداد مشخص شده است به فروشنده‌ی اختیار تحویل دهد.

در این مدل دولت به جای اعلام قیمت تضمینی، اقدام به فروش قراردادهای اختیار معامله‌ی فروش از طریق بورس‌های کالایی به کشاورزان خواهد کرد. حال اگر در زمان برداشت محصول، قیمت آن محصول در بازار کمتر از قیمت مشخص شده در قرارداد اختیار فروش باشد، کشاورز محصول خود را به انبارهای معرفی شده توسط دولت حمل خواهد کرد و پس از دریافت گواهی سپرده‌ی کالایی از انبار مورد نظر، درخواست اعمال اختیار خود را به دولت اعلام خواهد نمود. دولت پس از اخذ گواهی سپرده کالایی، طبق قرارداد اختیار، مبلغ مشخص شده در قرارداد را به کشاورز پرداخت خواهد نمود. البته در صورتی که قیمت محصول در بازار بالاتر قیمت مشخص شده در قرارداد اختیار معامله‌ی فروش باشد، کشاورز از اختیار خود استفاده نخواهد کرد و محصول را به فرد دیگری که حاضر است قیمت بالاتری پرداخت نماید، خواهد فروخت.

پرداخت مابه‌التفاوت توسط دولت به فروشنندگان اختیار معامله شیوه دیگری از اجرای این سیاست است. در این روش بخش خصوصی اقدام به فروش قرارداد اختیار فروش به کشاورزان می‌کند. لذا کشاورزان با خرید اختیار معامله ریسک خود را در مقابل کاهش قیمت کالاها پوشش می‌دهند. از سوی دیگر دولت برای تشویق فروشنندگان اختیار معامله و کاهش قیمت اختیار که کشاورزان مکلف به پرداخت آن هستند، متعهد می‌شود در صورتی که در سررسید قرارداد اختیار قیمت محصول در بازار از یک رقم مشخصی پایین‌تر بود مابه‌التفاوت را به فروشنده اختیار به عنوان یارانه پرداخت نماید. به عبارت دیگر در این روش سقف زیان فروشنده اختیار مشخص می‌شود و ریسک وی کاهش می‌یابد.

در روشی دیگر، کشاورزان می‌توانند اقدام به خرید اختیار فروش نمایند و درصدی از قیمت اختیار را از دولت به صورت یارانه دریافت کنند. در صورت اعمال اختیار معامله و کسب سود، مبلغ پرداختی اولیه توسط کشاورز بابت خرید اختیار معامله

فصل اول: انواع و تجربه سیاست‌های حمایتی □ ۳۱

جبران و سوسبید پرداختی دولت نیز برگشت داده می‌شود و سود احتمالی اعمال اختیار معامله نیز به کشاورز داده می‌شود.



شکل ۱-۱۱- فرایند فروش قرارداد اختیار فروش

۲- بورس‌های کالایی بستر اجرای موفق سیاست‌های حمایتی قیمتی بازار محور
با توجه به مشکلات و کاستی‌های سیاست‌های خرید تضمینی و قیمت تضمینی، در دهه‌های اخیر دولت‌های کشورهای در حال توسعه برای حل مشکلات دیرپای توسعه در بخش کشاورزی، به راه‌حل‌های مبتنی بر بازار متوسل شده‌اند. بررسی تجربیات اقتصادهای نوظهور نشان می‌دهد که در این کشورها برای حمایت از بخش کشاورزی، رشد بهره‌وری آن و نیز توسعه اقتصادی در سطح کلان، بورس‌های کالایی نقش مهمی ایفا می‌کنند. بازار کارآمد برای محصولات کشاورزی اصولاً از طریق بورس‌های کالا شکل می‌گیرد و به عبارتی بهتر وظیفه‌ی کشف قیمت‌ها و از این‌رو سازماندهی نیروهای عرضه و تقاضا جهت تخصیص بهینه‌ی منابع به این نهاد بسیار مهم وگذار گردیده است. علاوه بر این در بورس‌های کالایی ابزارهای مالی مناسبی برای حل مشکلات نظام مبتنی بر بازار، طراحی می‌گردد و از این رو توانایی بازار برای سازماندهی فعالیت‌های این بخش به نحو چشمگیری افزایش می‌یابد. همچنین در اکثر

کشورها برنامه‌های حمایتی بخش کشاورزی از طریق بورس‌های کالایی اجرا می‌شود. گذشته از آن، بورس‌های کالایی اطلاعات دقیق و ارزشمندی از بازار محصولات کشاورزی در اختیار سیاست‌گذاران این بخش قرار می‌دهد. براساس تجارب موجود در سایر کشورهای دنیا، مشکلات موجود در بخش عرضه، تقاضا و توزیع، نوسان شدید قیمت محصولات، فساد پذیری و حجیم بودن محصولات، فصلی بودن تولیدات و وجود برخی پدیده‌ها همچون پدیده تار عنکبوتی در این بخش، فعالان بخش کشاورزی را به سمتی هدایت کرده تا ابزارهای معاملاتی جدیدی را به‌کار گیرند که بتوانند مشکلات مذکور را تا حدی تعدیل و مرتفع کنند.

بر اساس تجربیات جهانی محل راه‌اندازی چنین ابزارهایی بورس‌های کالایی هستند؛ این بورس‌ها با ایجاد نظام مالی پایدار مواردی از قبیل کاهش هزینه‌های معاملاتی، ساماندهی مناسب بازار و افزایش سرعت انتقال اطلاعات از بازار به تولیدکننده و مصرف‌کننده، بهبود مزیت‌های نسبی و ارتقای سطح کیفیت کالا تا رسیدن به استانداردهای بورس و پس از آن استانداردهای جهانی، گرایش سرمایه‌گذاری‌ها از بخش‌های غیرمولد واسطه‌گری به بخش‌های مولد و کاهش هزینه‌های مبادلاتی را در پی دارند.

از طرفی آزادسازی و کنترل‌زدایی منجر به توقف بسیاری از کارکردهای حمایتی سابق دولت‌ها از بخش کشاورزی شده است. بنابراین نوسان قیمت‌های کالا اکنون در سطح کشاورزان، که ضعیف‌ترین و آسیب‌پذیرترین حلقه در زنجیره عرضه هستند، احساس می‌شود. در چنین شرایطی است که رویکردهای جدید به مدیریت ریسک قیمت کالاها که در استفاده از ابزارهای بازار و مؤسساتی همچون بورس‌های کالا که آن‌ها را تسهیل می‌کنند در کشورهای در حال توسعه اهمیت بیشتری یافته‌اند.

مزایا و اهمیت مدیریت ریسک قیمت محصولات کشاورزی از طریق ابزارهای مالی نوین در بورس‌های کالایی در چند دهه‌ی گذشته توسط متخصصان بانک جهانی، آنکتاد و سایر سازمان‌ها و موسسات پژوهشی بین‌المللی به خوبی مشخص شده‌اند. این بنیان‌های فکری از اواخر دهه ۱۹۹۰ با تأسیس گروه ضربت بین‌المللی مدیریت ریسک

فصل اول: انواع و تجربه سیاست‌های حمایتی □ ۳۳

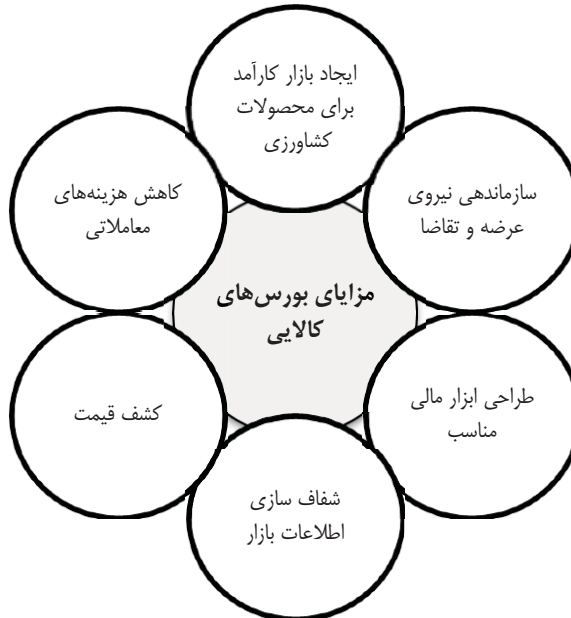
کالا در کشورهای در حال توسعه (پروژه‌ای با مؤسسات بخش خصوصی و بخش عمومی به رهبری بانک جهانی که آنکتاد نیز در آن شرکت داشت) به اجرا درآمده است. این گروه ضربت، برای ارزیابی تولیدکنندگان کوچک در کشورهای در حال توسعه به منظور مدیریت بهتر آسیب‌پذیری در برابر ریسک‌های کالا از جمله ریسک قیمت و شرایط جوی، رویکردهای خلاقانه‌ای را به کار بسته است. در ارتباط با ریسک قیمت، تأکید بر ایجاد ارتباط میان کشاورزان کشورهای در حال توسعه با بازارهای مشتقات در کشورهای توسعه یافته بوده است. این اقدام، بویژه در مواردی که نهادهای سازمان یافته‌ای همچون تعاونی‌های کشاورزان و تأمین‌کنندگان مالی برای تجمیع نیازمندی‌های کشاورزان در صحنه حضور داشته‌اند تا حدی با موفقیت همراه بوده است. ولی در بسیاری از شرایط، این رویکرد با چالش‌های بزرگی روبروست که گاهی غیرقابل حل هستند لذا آنکتاد نیز برای دستیابی به رویکرد جایگزین از جمله تأسیس بورس‌های کالا در کشورهای در حال توسعه، تلاش کرده است و در برنامه‌ی گسترده‌ی حمایت فنی و پژوهشی مستقیم، توصیه‌های سیاستی و آگاهی بخشی را به اجرا گذارده که هدف ایجاد و تقویت بورس‌های کالا در کشورهای در حال توسعه را دنبال کرده است.

البته عدم توسعه بازارهای مالی در بخش کشاورزی در کشورهای در حال توسعه یکی از مشکلات اساسی در استفاده از بورس‌های کالایی و ابزارهای بورسی مدیریت ریسک نظیر قراردادهای مشتقه کالایی می‌باشد. به عنوان مثال گروه بورس بازرگانی شیکاگو^۱ که بازار مرجع برای محصولات کشاورزی در دنیا می‌باشد در سال ۲۰۱۳ در هر روز معاملاتی شاهد معامله بیش از ۱ میلیون قرارداد بوده است در حالی که در همین دوره در بورس برزیل^۲ به صورت متوسط روزی کمتر از ۹ هزار قرارداد در حوزه محصولات کشاورزی معامله شده است که از این مقدار نیز نیمی از آن مربوط به دام بوده است. سال ۲۰۱۵ بیش از ۱۰۰ نوع قرارداد در حوزه محصولات کشاورزی در گروه

1. Chicago Mercantile Exchange Group

2. BM&F Bovespa

بورس بازرگانی شیکاگو قابل معامله بوده در حالی که در همان زمان تنها ۱۰ نوع قرارداد در بورس برزیل قابل معامله بوده است. معاملات در گروه بورس بازرگانی شیکاگو پوشش دهنده معاملات در برزیل نیز می باشد لذا برخی از تولیدکنندگان که امکانی برای پوشش ریسک در برزیل برایشان فراهم نیست از این بازار نیز استفاده می کنند. قراردادهای آتی و قراردادهای اختیار معامله ابزارهایی هستند که بورس برزیل برای کشاورزان فراهم کرده است. در سال ۲۰۱۳ از نظر تعداد ۷ درصد و از نظر ارزش ۲ درصد معاملات در این بورس به قراردادهای اختیار معامله و مابقی به قراردادهای آتی اختصاص داشته است. این آمار نشان می دهد این معاملات هنوز پاسخگوی نیاز برزیل برای مدیریت ریسک قیمت در بازار کالاهای کشاورزی نیست.



شکل ۱-۱۲- مزایای بورس های کالایی

۳- تجربه سیاست‌های حمایتی کشورهای منتخب در خصوص مدیریت ریسک قیمت

برای اولین بار در سال ۱۶۶۰ میلادی در انگلستان واژه یارانه بکار گرفته شد. بدین ترتیب که دولت از بودجه عمومی کشور سالانه مبلغی به طور نقدی و رایگان به خانواده سلطنتی می‌پرداخت. در سال ۱۶۶۳ در انگلستان قانون غلات به تصویب رسید که در آن مقرر شده بود برای حمایت از تولیدکنندگان غلات، عوارضی بر روی غلات وارداتی از بندرها وضع شود. همچنین بر اساس همین قانون، تولیدکنندگان غلات مجاز به صادرات بودند و حتی بعد از سال ۱۶۷۳ دولت اعطای جایزه صادراتی (یارانه صادراتی) به صادرکنندگان را تضمین کرده بود.

تاریخچه نوین پرداخت یارانه‌ها به جنگ جهانی دوم بر می‌گردد که طی آن به خاطر نگرانی دولت‌ها در تأمین منابع استراتژیک، سیاست‌هایی برای سوق دادن تولید و مصرف به سمت نیازهای جنگی و شرایط اقتصادی خاص آن دوره، اجرا شد. پس از جنگ جهانی دوم، کشورها برای توسعه و پیشرفت اقتصادی و بهره‌برداری حداکثر از منابع اقتصادی جهت افزایش تولید و رفاه داخلی به سمت برنامه‌ریزی اقتصادی همراه با انواع حمایت‌های داخلی روی آوردند. بر این اساس دولت‌ها با توجه به اهداف خود، یارانه‌های گوناگونی پرداخت می‌کردند. در سال‌های اخیر بویژه از دهه ۸۰ میلادی به این سو، سیاست‌های آزادسازی اقتصادی و رفع محدودیت‌ها و کنترل‌های دولتی در اقتصاد دنیا فراگیر شده است که این امر سیاست‌های حمایتی بخش کشاورزی را نیز در بر می‌گیرد. این روند با تشکیل سازمان تجارت جهانی^۱ از طریق مذاکرات منظم و رسمی بین کشورهای عضو پیگیری می‌شود. با این حال در مورد سیاست‌های حمایتی در کشاورزی، بحث‌ها و کشمکش‌های فراوانی بین کشورهای مختلف وجود دارد و تصمیم‌گیری در مورد کاهش سطوح حمایت و رعایت قوانین از سوی کشورهای عضو سازمان تجارت جهانی بسیار پیچیده و طولانی به نظر می‌رسد.

1. World Trade Organization(WTO)

در ایران نیز اولین نظام سهمیه‌بندی توأم با پرداخت یارانه که در آن نان مهم‌ترین کالای سهمیه‌بندی بود در زمان جنگ جهانی دوم شکل گرفت و تا قبل از افزایش درآمدهای نفتی رقم قابل توجهی نبود. اما سابقه حمایت از تولید محصولات کشاورزی در ایران به سال ۱۳۴۳ و پس از شروع اصلاحات ارضی بر می‌گردد. در آن زمان حمایت، از طریق توزیع ارزان قیمت نهاده‌های کشاورزی صورت می‌گرفت و دولت بر بازار محصولات کشاورزی به ویژه گندم نظارت داشت و در مواقع بحران در امر خرید، تبدیل و توزیع محصولات و جبران کمبود آن‌ها از طریق واردات نیز اقدام می‌کرد.

در اوایل دهه ۱۳۵۰ همزمان با افزایش درآمدهای نفتی و به دنبال آن، افزایش حجم عملیات جاری و عمرانی دولت، سطح درآمدها و میزان تقاضا بالا رفت که به علت محدودیت در تأمین کالای مورد تقاضا، دولت تسهیل واردات را در پیش گرفت و حجم یارانه به شدت افزایش یافت. در سال ۱۳۵۳ به علت بروز تورم ناشی از مشکلات توزیعی (ضعف سیستم حمل و نقل و ناکافی بودن تأسیسات بندری)، صندوق حمایت از مصرف‌کننده برای تمرکز بر امور مربوط به یارانه با هدف حمایت از مصرف‌کننده در برابر تغییرات قیمت و تغییر هزینه‌های تولید در بازارهای داخلی و خارجی و حمایت معقول از تولیدکننده، شکل گرفت.

در سال ۱۳۵۶ قانون تأسیس سازمان حمایت از مصرف‌کننده تصویب شد که عملاً فعالیت آن از سال ۱۳۵۸ آغاز گردید. پرداخت یارانه در دوران جنگ (۶۷-۱۳۵۹) نیز ادامه یافت ولی جهت‌گیری عمده آن به سمت تأمین حداقل مصرف خانوارها و حفظ وضع موجود بود. بعد از جنگ تحمیلی با از بین رفتن محدودیت‌های زمان جنگ و اجرای سیاست تعدیل اقتصادی، اهداف پرداخت یارانه‌ها بیشتر جنبه اقتصادی یافت و تصمیم گرفته شد با بهبود مکانیسم پرداخت یارانه‌ها به اقشار آسیب‌پذیر به تدریج از میزان آن کاسته شده و در نهایت پرداخت آن به شکل عام حذف شود. از سال ۱۳۶۸ با تصویب قانون تضمین خرید محصولات زراعی، دخالت در بازار محصولات کشاورزی شکلی قانون‌مند یافت و در واقع بکارگیری ابزار حمایتی خرید تضمینی در کنار تداوم

فصل اول: انواع و تجربه سیاست‌های حمایتی □ ۳۷

اعطای یارانه نهاده‌ها به طور قانونی پیگیری شد. اجرای سیاست خرید تضمینی بار مالی زیادی را به دولت تحمیل کرد؛ چراکه دولت مکلف بود ۱۰۰ درصد نقدینگی مورد نیاز برای خرید تضمینی محصولات را فراهم کند. در سال ۱۳۸۹ قانون افزایش بهره‌وری بخش کشاورزی و منابع طبیعی که ماده ۳۳ آن در خصوص اجرای سیاست قیمت تضمینی می‌باشد، تصویب شد. بر اساس این ماده قانونی از تاریخ تصویب این قانون، علاوه بر اجرای قانون خرید تضمینی محصولات کشاورزی، در قالب بودجه‌های سنواتی و اعتبار مصوب، سیاست قیمت تضمینی نیز برقرار شده است. این سیاست یک بازی برد-برد برای کشاورزان و دولت است، چراکه از یک طرف فرایند کشف قیمت و فروش محصول و دریافت درآمد برای کشاورز راحت‌تر و کاراتر صورت می‌پذیرد و از طرف دیگر ضمن کاهش بار مالی دولت، استانداردهای کیفی محصولات کشاورزی ارتقاء می‌یابد.

به طور کلی اهم سیاست‌های حمایتی بکار رفته در بخش کشاورزی ایران طی سال‌های گذشته تاکنون به شکل زیر بوده است:

۱. توزیع نهاده‌های مورد نیاز کشاورزان نظیر کود، سم، بذر و ماشین‌آلات با اعطای یارانه؛
۲. اعطای اعتبارات و تسهیلات با نرخ پایین و بازپرداخت در مدت زمان طولانی؛
۳. تقبل بخشی از حق بیمه محصولات کشاورزی و پرداخت غرامت و خسارت به کشاورزان؛
۴. قیمت‌گذاری و خرید تضمینی محصولات اساسی کشاورزی؛
۵. معافیت‌های مالیاتی تولیدکنندگان کشاورزی؛
۶. برقراری تعرفه‌های ترجیحی برای واردات برخی محصولات و ماشین‌آلات کشاورزی؛
۷. اجرای سیاست قیمت تضمینی محصولات اساسی کشاورزی؛

در این قسمت سیاست‌های حمایتی دولت‌ها در خصوص مدیریت ریسک قیمت در بخش کشاورزی در آمریکا، اتحادیه اروپا و برخی از کشورهای آمریکای جنوبی شامل

۳۸ □ سیاست‌های حمایتی بخش کشاورزی

برزیل، مکزیک و کاستاریکا بررسی شده‌اند. دلیل انتخاب کشورهای مذکور نقش پررنگ بخش کشاورزی این کشورها در دنیا و استفاده این کشورها از ابزارهای نوین مالی در مدیریت ریسک بخش کشاورزی بوده است. در انتهای این بخش سیاست‌های قیمتی دولت در ایران شامل سیاست خرید تضمینی و سیاست قیمت تضمینی نیز بررسی شده‌اند.

ایران	جهان
<ul style="list-style-type: none">• جنگ جهانی دوم: نظام سهمیه بندی توأم با پرداخت یارانه• سال ۱۳۴۳: حمایت از تولید محصولات کشاورزی و اصلاحات ارضی• دهه ۱۳۵۰: پرداخت یارانه• سال ۱۳۶۸: تصویب قانون خرید تضمینی• سال ۱۳۸۹: تصویب قانون افزایش بهره‌وری و اجرای سیاست قیمت تضمینی	<ul style="list-style-type: none">• سال ۱۶۶۳ میلادی: قانون غلات در انگلستان• سال ۱۶۷۳ میلادی: پرداخت یارانه صادراتی به صادرکنندگان در انگلستان• جنگ جهانی دوم: پرداخت یارانه در راستای نیازهای جنگی• بعد از جنگ جهانی دوم: تداوم سیاست‌های حمایتی از بخش کشاورزی با وجود تشکیل سازمان تجارت جهانی

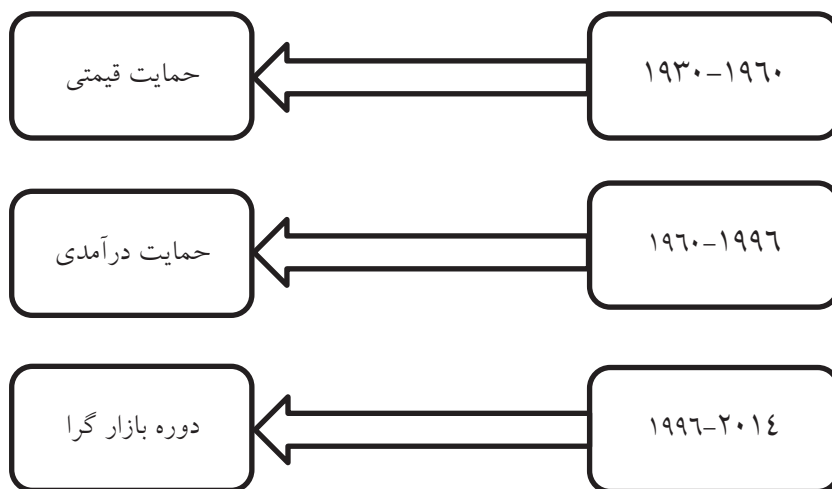
شکل ۱-۱۳- تاریخچه سیاست‌های حمایتی جهان و ایران

۳-۱- آمریکا

سیاست‌های کشاورزی آمریکا در قالب برنامه‌های ۵ تا ۷ ساله تعیین می‌شود. اولین برنامه مربوط به سال ۱۹۳۳ می‌باشد. در آن دوره سیاست‌های حداقل قیمت در قالب خرید تضمینی ابزار اصلی برای حمایت از کشاورزان و کاهش فقر در بخش کشاورزی بود که این سیاست‌ها تا ۱۹۸۰ ادامه یافت. پرداخت مستقیم یارانه به کشاورزان به منظور حمایت از درآمد آن‌ها اولین بار در اواسط دهه ۱۹۶۰ معرفی شد و در سال

فصل اول: انواع و تجربه سیاست‌های حمایتی □ ۳۹

۱۹۸۱ به دلیل وجود هزینه بالای سیاست خرید تضمینی ناشی از وجود شکاف زیاد بین قیمت‌های بین‌المللی و قیمت‌ها در آمریکا با قدرت بیشتری پیگیری شد. پرداخت مستقیم یارانه به کشاورزان بر اساس میزان محصول تولیدی آن‌ها از نیمه دوم دهه ۱۹۸۰ با شدت بیشتری پیگیری شد و در سال ۱۹۹۶ این سیاست دچار یک تغییر بنیادی شد. از این سال به بعد دولت براساس بالاترین رکوردی که کشاورز در سال‌های گذشته محصول را تولید کرده است، یارانه پرداخت می‌کند. این تغییر برای این اعمال شد که کشاورز تصمیم خود برای تولید را براساس مکانیسم‌های بازار و مستقل از سیاست‌های حمایتی دولت اتخاذ نماید تا سیاست‌های دولت باعث ایجاد انحراف در مکانیسم بازار نگردد.



شکل ۱-۱۴- انواع سیاست‌های حمایتی در آمریکا در گذر زمان

با توجه به مغایر بودن سیاست قیمت تضمینی با سیاست‌های سازمان تجارت جهانی، دولت آمریکا براساس برنامه‌های ۵ تا ۷ ساله کشاورزی و از سال ۲۰۰۷ به بعد سیاست‌های مدیریت ریسک را مورد توجه قرار داد. یکی از مهمترین ابزارهای این سیاست، بیمه درآمد است که براساس آن تولیدکنندگان محصولات کشاورزی در مقابل

۴۰ □ سیاست‌های حمایتی بخش کشاورزی

کاهش درآمد بیمه می‌شوند. حوزه‌های اصلی تحت پوشش سیاست بیمه درآمد که برای محصولات خاص به کار گرفته می‌شود، شامل موارد زیر هستند: ۱- تضمین بازده محصول^۱ که مقدار مشخصی از بازده یک محصول را تضمین می‌کند و زیان ناشی از کاهش قیمت، کاهش بازدهی محصول و یا ترکیبی از این دو را تحت پوشش قرار می‌دهد. ۲- حفاظت درآمدی^۲ که کاهش درآمد ناخالص محصول را زمانی که تولید یا قیمت با شکست مواجه می‌شوند، را حمایت می‌کند.

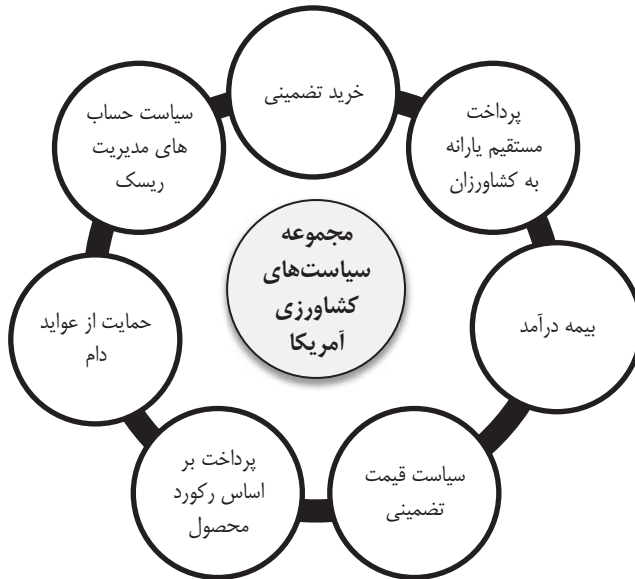
سیاست حمایت از عواید دام از دیگر سیاست‌های مدیریت ریسک در آمریکاست که بر اساس آن کاهش ریسک تولیدکنندگان دام از طریق قیمت یا مدیریت ریسک عواید را به دنبال خواهد داشت.

در نهایت سیاست حساب‌های مدیریت ریسک نیز برای کشاورزان فرصتی را فراهم می‌کنند تا قسمتی از درآمد خالص را در طول سال‌های خوب پس انداز و زمانی که درآمد کمی دارند، استفاده کنند. این سیاست با هدف کاهش ریسک درآمد کشاورزان اعمال شده است.

1 .Crop revenue coverage (CRC)

2 .Income protection

فصل اول: انواع و تجربه سیاست‌های حمایتی □ ۴۱



شکل ۱-۱۵- مجموعه سیاست‌های حمایتی کشاورزی در آمریکا

۳-۲- اتحادیه اروپا

در اتحادیه اروپا نیز مسیری مشابه آمریکا طی شده است. اتحادیه اروپا از دهه ۱۹۶۰ برای حمایت از بخش کشاورزی به منظور افزایش درآمد سرانه این بخش تا رسیدن به سطح سایر بخش‌های اقتصاد با در نظر داشتن امنیت غذایی مردم سیاست مشترک کشاورزی (CAP)^۱ را در قالب سیاست تضمین حداقل قیمت آغاز کرد. بودجه این سیاست از طریق صندوق مشترک اروپا^۲ تأمین می‌شود.

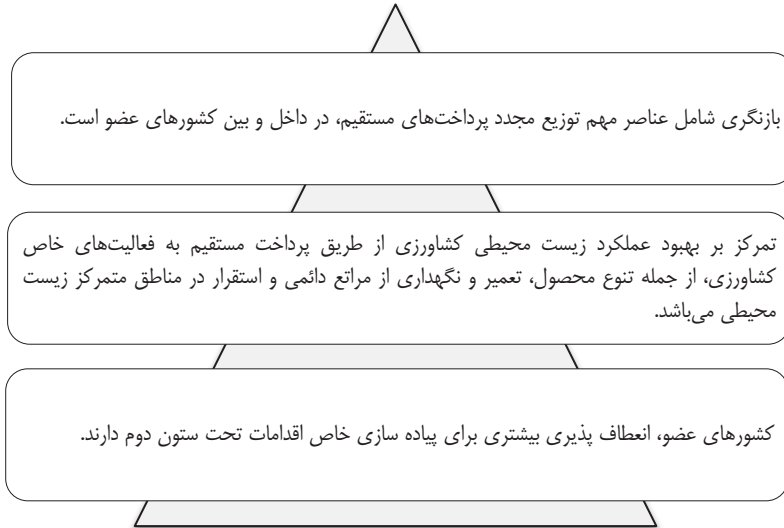
1. Common Agricultural Policy
2. Common European Fund

سیاست مشترک کشاورزی		
سیاست مشترک کشاورزی از دو ستون تشکیل شده است:	ستون یک، که به طور کامل از طریق بودجه اتحادیه اروپا تأمین می‌شود، حمایت مستقیم به کشاورزان و اقدامات مالی بازار را فراهم می‌کند.	ستون دوم، که توسط کشورهای عضو اتحادیه اروپا تأمین مالی می‌شود، حمایت از توسعه روستایی و همچنین اقدامات کشاورزی، محیط زیستی و پرداخت به مناطق با محدودیت‌های منابع طبیعی را پوشش می‌دهد.

شکل ۱-۱۶ - سیاست مشترک کشاورزی در اتحادیه اروپا

در دهه ۱۹۸۰ به دلیل تولید بیش از حد محصول و افزایش هزینه‌های ذخیره‌سازی قیمت خرید تضمینی محصولات بالاتر از قیمت‌های جهانی شد و عملاً صادرکنندگان مجبور به دامپینگ شدند و این مسأله هزینه این اتحادیه را برای ادامه سیاست به شدت افزایش داد؛ به عبارت دیگر در این دوره اتحادیه برای صادرات محصولات یارانه پرداخت می‌نمود. بر همین اساس از سال ۱۹۸۴ بازنگری در سیاست مشترک کشاورزی (CAP) آغاز شد اما سیاست تضمین حداقل قیمت از طریق خرید تضمینی تا اول دهه ۱۹۹۰ ادامه یافت، تا این که در این دوره پرداخت یارانه نقدی به کشاورزان برای حمایت از درآمدها جایگزین سیاست خرید تضمینی شد. البته به مرور زمان هم در اتحادیه اروپا و هم در بازارهای بین‌المللی برای کمک به افزایش رقابت دامنه سیاست‌های حمایت از قیمت کاهش یافته است. بر همین اساس از اواخر دهه ۱۹۹۰ و اوایل دهه ۲۰۰۰ اصلاحات برای استفاده از پرداخت مستقیم به کشاورزان و معرفی یک‌سری از روش‌ها که منجر به افزایش بهره‌وری شوند جایگزین سیاست خرید

تضمینی شد.



شکل ۱-۱۷- بازنگری سیاست مشترک کشاورزی اتحادیه اروپا

در نهایت با اضافه شدن ۱۰ کشور جدید به اتحادیه اروپا در دهه ۲۰۰۰، هزینه ادامه سیاست خرید تضمینی برای این اتحادیه به شدت افزایش یافت. بر همین اساس در سال ۲۰۰۳ میلادی سیاست پرداخت یارانه مستقیم به کشاورزان به صورت جدی جایگزین سیاست خرید تضمینی شد و این باعث شد کشاورزان در اتحادیه اروپا در کنار داشتن آزادی عمل در واکنش به شرایط و تغییرات بازار، با نوسانات قیمت نیز مواجه شوند. اما با توجه به این که این سیاست نیز مغایر با سیاست‌های سازمان تجارت جهانی می‌باشد و کشورهای عضو سازمان موظفند به منظور تقویت مکانیسم بازار سیاست پرداخت یارانه را به سیاست حمایت‌های غیرنقدی سوق دهند اتحادیه به سمت اعطای بیمه‌ها حرکت کرده است. از جمله سیاست‌های حمایتی تشویقی اتحادیه اروپا به کشاورزان می‌توان به موارد ذیل اشاره نمود:

۱. عرضه گروهی محصول توسط کشاورزان با تشکیل سازمان‌های تولید کننده؛
۲. افزایش قدرت رقابت پذیری کشاورزان در بازار با بهبود کیفیت و افزایش

مقدار محصول؛

۳. تولید ویژه مبتنی بر کشاورزی ارگانیک؛
۴. روابط قراردادی در طول زنجیره غذایی؛
۵. ایجاد صندوق‌های مالی و بیمه‌ای به کشاورزان در زمان افت قیمت محصول یا بی‌ثباتی بازار؛
۶. استفاده از اطلاعات جدید، مدیریت ریسک، ابزارهای بازاریابی به منظور افزایش سطح آگاهی و دانش کشاورزان در راستای تقویت قدرت چانه زنی آن‌ها در طول زنجیره غذایی.

۳-۳-۳- برزیل

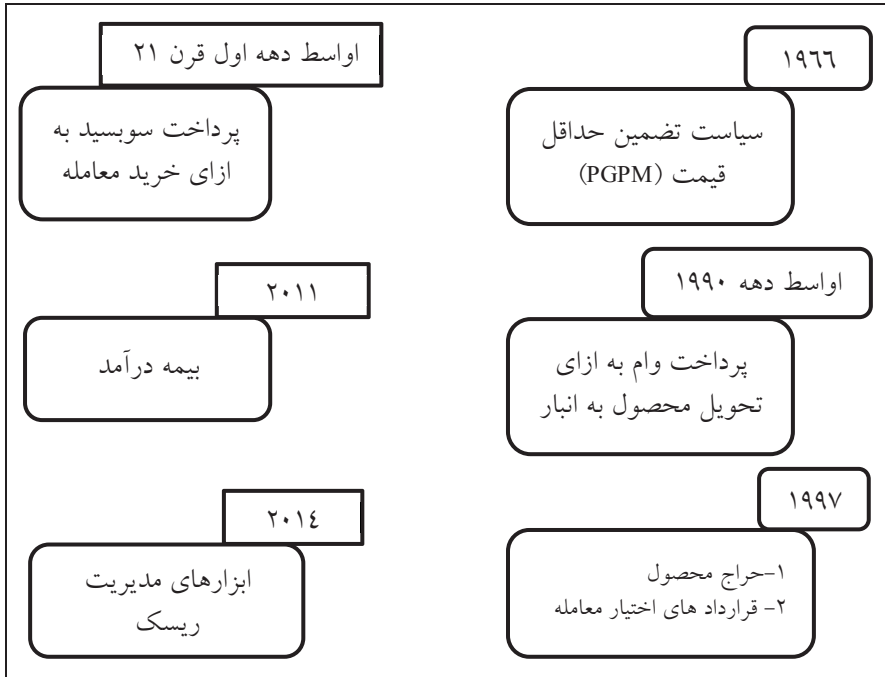
برزیل به عنوان یک اقتصاد نوظهور اقداماتی را در خصوص گذار از مدل مداخله‌گر به مدل مبتنی بر بازار انجام داده است ولی در سال ۲۰۱۳ بیش از ۱ میلیارد دلار برای حمایت‌های مبتنی بر سیاست‌های سنتی هزینه کرده است.

سیاستی می‌تواند به عنوان یک سیاست بهینه در خصوص مدیریت ریسک قیمت محصولات کشاورزی تلقی شود که تولیدکننده را در مقابل تغییرات قیمت محصول بیمه نماید بدون این‌که در تخصیص تولیدات کشاورزی مداخله نماید. به عبارت دیگر محصولات به همان مصرف‌کنندگانی برسد که در غیاب شوک قیمت می‌رسید.

خرید تضمینی توسط دولت با یک قیمت حمایتی نمونه‌ای از یک سیاست ناکارآمد حمایتی در برابر تغییرات قیمت می‌باشد. براساس این سیاست زمانی که قیمت محصول در بازار به پایین‌تر از قیمت موردنظر دولت، سقوط می‌کند، دولت محصول کشاورز را برای توزیع مجدد یا ذخیره‌سازی با قیمت بالاتر از قیمت بازار خریداری می‌کند. این سیاست در کنار این‌که از کشاورزان در مقابل کاهش قیمت حمایت کرده است با تعطیلی مکانیسم بازار ناکارآمدی ایجاد می‌کند. اول این‌که مصرف‌کننده نهایی این محصول متفاوت از مصرف‌کننده نهایی در سناریوی عدم دخالت دولت خواهد بود و ثانیاً کالای تولید شده برای اهدافی مصرف می‌شود که ارزشی کمتر از تخصیص مبتنی

فصل اول: انواع و تجربه سیاست‌های حمایتی □ ۴۵

بر مکانیسم بازار ایجاد می‌نماید. به عبارت دیگر دستکاری در مکانیسم بازار باعث انحراف از تخصیص بهینه و کاهش کارایی در اقتصاد خواهد شد.



شکل ۱-۱-۱۸- انواع سیاست‌های حمایتی کشاورزی در برزیل در گذر زمان

البته سیاست خرید تضمینی در گذشته مهمترین روش حمایت از بخش کشاورزی در مقابل نوسانات قیمت به شمار می‌رفت به طوری که در ایالات متحده آمریکا بین سال‌های ۱۹۳۰ تا ۱۹۷۰ و در اروپا تا سال ۱۹۹۰ از سیاست خرید تضمینی به عنوان مهمترین ابزار حمایت از کشاورزان در مقابل تغییرات قیمت محصولات استفاده می‌شد. از سال ۱۹۹۱ شرکت عرضه برزیل^۱ زیر نظر وزارت کشاورزی برزیل سیاست

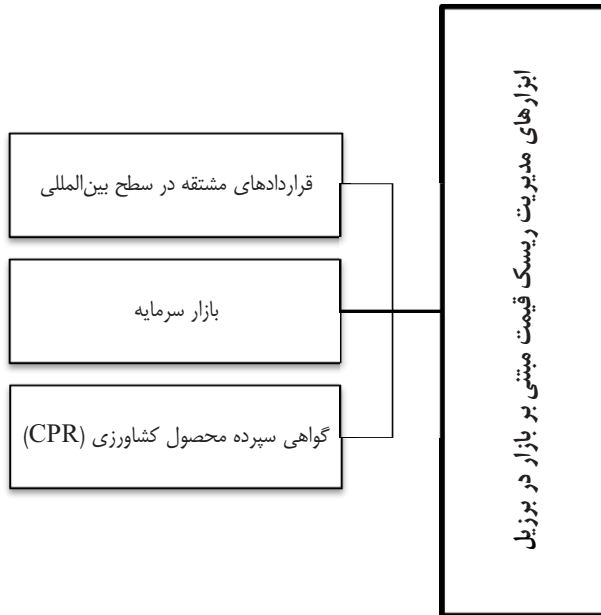
1. Brazilian Supply Company (Cona)

تضمین حداقل قیمت^۱ (PGPM) را اجرا کرده است و از سال ۱۹۶۶ این سیاست اصلی‌ترین ابزار حمایت از تولیدات محصولات کشاورزی در مقابل نوسانات قیمت بوده است. هرچند تا کنون این سیاست‌ها تغییر چندانی نکرده‌اند ولی در طول زمان ابزارهای جدیدی به ابزارهای سنتی اضافه شده‌اند.

در اواسط دهه ۱۹۹۰ در برزیل یک ابزار جدید معرفی شد، که در آن دولت به کشاورزانی که تمایل به فروش محصول خود در قالب خرید تضمینی نداشتند، در ازای سپردن محصول خود به انبار، وام پرداخت می‌کرد تا کشاورز بتواند در خارج از فصل برداشت و یک فرصت بهتر از نظر قیمت، محصول خود را به فروش رساند. ممکن بود کشاورز در پایان سررسید وام یک اختیار فروش به دولت به قیمت تضمینی را داشته باشد یا دولت چنین اختیاری را به وی نداده باشد که در این صورت کشاورز مجبور بود خود به دنبال مشتری برای فروش محصولش و بازپرداخت وام باشد و دولت تعهدی در قبال خرید محصول از وی نداشت و یا این‌که با هزینه شخصی خود همچنان محصول را در انبار نگهداری نماید. هرچند این روش جدید همچنان هزینه بالایی به دولت تحمیل می‌کرد ولی این تغییر سیاست راه را برای ابداعات جدید مبتنی بر مکانیسم بازار گشود.

1. Minimum Price Guarantee Policy

فصل اول: انواع و تجربه سیاست‌های حمایتی □ ۴۷



شکل ۱-۱۹- ابزارهای مدیریت ریسک در برزیل

سال ۱۹۹۷ آغاز یک تحول جدید در سیاست‌های حمایتی دولت در برزیل بود. براساس سیاست جدید، دولت با برگزاری یک حراج، اجازه داد کشاورزان کالای خود را عرضه کنند و خریداران با قیمتی که براساس برابری عرضه و تقاضا کشف می‌شد اقدام به خرید نمایند. دولت مکلف شد، در صورتی که این قیمت از قیمت تضمینی اعلام شده توسط دولت پایین‌تر باشد، مابه‌التفاوت را به عنوان یارانه نقدی به کشاورز پرداخت نماید. این سیاست جدید باعث می‌شد کالا از مناطقی که مازاد عرضه داشت به مناطقی که مازاد تقاضا مواجه بودند منتقل شود و نظام بازار احیا گردد.

همچنین در سال ۱۹۹۷ قراردادهای اختیار معامله محصولات کشاورزی معرفی شدند. براساس این روش دولت به کشاورزان اختیار فروش در قیمت تضمینی اعطا می‌کرد تا اگر در سررسید، قیمت بازار از قیمت اعمال اختیار پایین‌تر بود کشاورزان از

اختیار خود استفاده نمایند. در این روش کشاورزان حق واگذاری قرارداد اختیار خود به سایرین را نداشتند به عبارت دیگر این قراردادها بازار ثانویه نداشتند. اما دولت مجاز بود موقعیت خود را باز خرید کرده یا موقعیت تعهدی خود را به فرد دیگری واگذار نماید و مابه‌التفاوت را پرداخت کند.

تغییر سیاست برای استفاده از ابزارهای مبتنی بر بازار در اواسط دهه اول قرن ۲۱ با معرفی یک روش جدید ابعاد گسترده‌تری یافت. دولت در سیاست جدید خود به کشاورزانی که از بازار خصوصی قرارداد اختیار معامله خریداری می‌کردند بابت خرید اختیار فروش، سوبسید پرداخت نمود. هرچند روش جدید گامی بزرگ به سمت استفاده از مکانیسم بازار برای حمایت بود ولی همچنان نقش دولت در انتخاب محصول، قیمت، کیفیت، مقدار و مقصد پررنگ بود.

بیمه درآمد یک نوع آوری دیگر برای حمایت از بخش کشاورزی در برزیل بود. در سال ۲۰۱۱ یک شرکت خصوصی اقدام به فروش بیمه درآمد برای کشاورزان کرد. البته این تجربه برای محصولات محدود و طیف خاصی از کشاورزان ارائه شد.

استفاده از ابزارهای جدید مبتنی بر بازار در کنار سیاست خرید تضمینی در دو دهه گذشته با هدف کاهش هزینه‌های عمومی و تداوم حمایت از تولیدکنندگان اهداف سیاست‌های جدید در حوزه‌ی کشاورزی برزیل بوده است. با همه این تحولات، همچنان از بودجه ۲/۴ میلیارد دلاری سیاست حمایتی قیمتی بیش از ۴۰ درصد آن برای جمع‌آوری و ذخیره‌سازی کالا در قالب سیاست خرید تضمینی صرف شده است. همان‌طور که اشاره شد این نوع از حمایت‌ها به دلیل منطبق نبودن بر مکانیسم بازار باعث کاهش کارایی می‌شوند و باید از آن‌ها اجتناب شود.

قبل از شروع سیاست تضمین حداقل قیمت در دهه ۱۹۶۰ ساختار کشاورزی در برزیل بسیار متفاوت از آن چیزی بود که در حال حاضر وجود دارد. در آن دوره اکثر کشاورزان در مقیاس کوچک، فقیرتر و آسیب‌پذیرتر از امروز بودند. در آن دوره سیاست تضمین حداقل قیمت به وجود آمد تا با از بین بردن فقر در کشاورزان رشد بخش کشاورزی را افزایش داده و کشاورزان را در مقابل شوک‌های قیمت مصون نماید.

فصل اول: انواع و تجربه سیاست‌های حمایتی □ ۴۹

امروزه به دلیل تغییر ساختار بخش کشاورزی در برزیل و ماهیت تقاضا برای خدمات، سیاست تضمین حداقل قیمت به ایجاد ابزارهای مناسب مدیریت ریسک تغییرات قیمت تغییر کرده است.

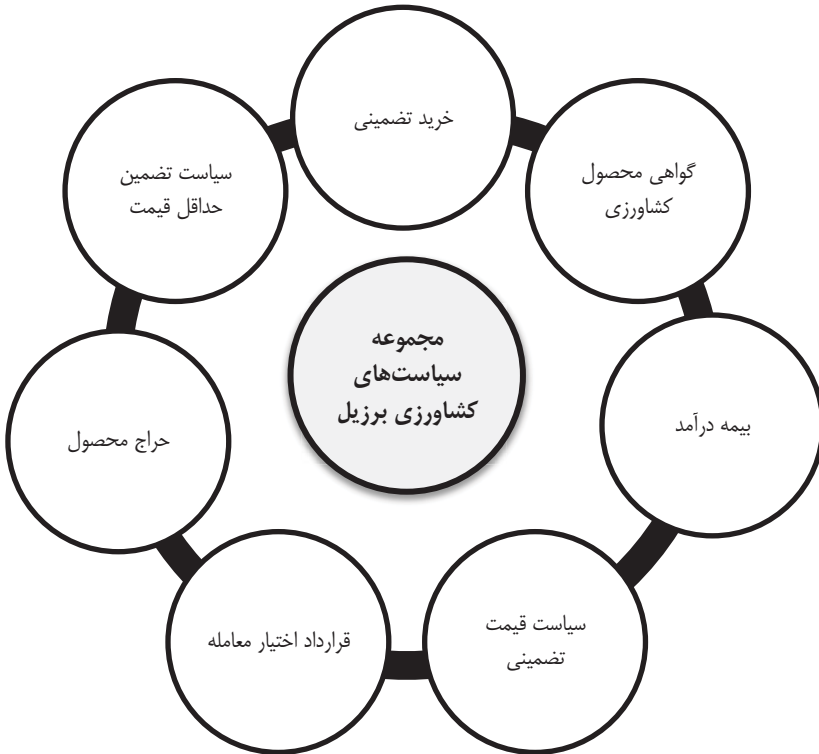
شرکت تحقیقات کشاورزی (Embrapa) که در سال ۱۹۷۳ تشکیل شد منشأ توسعه و پیشرفت در کشاورزی برزیل بوده است. همچنین شکل‌گیری تولیدکنندگان بزرگ محصولات کشاورزی در منطقه سرادو^۱ که از سال ۱۹۷۰ آغاز شد، نقش به‌سزایی در توسعه تجارت محصولات کشاورزی برزیل داشته‌اند. شواهد نشان می‌دهد تولیدکنندگان بزرگ محصولات کشاورزی در برزیل که به ابزارهای مدیریت ریسک مبتنی بر نظام بازار نظیر قراردادهای مشتقه در سطح بین‌المللی دسترسی دارند نسبت به تولیدکنندگان کوچک‌تر یا تولیدکنندگانی که برای بازار داخلی تولید می‌کنند و به این بازارها دسترسی ندارند از وضعیت بهتری برای مدیریت ریسک برخوردارند.

بازار سرمایه برزیل در ارائه ابزارهای پوشش ریسک به کشاورزان در مقابل نوسانات قیمت مراحل اولیه توسعه خود را سپری می‌کند. شواهد نشان می‌دهد کشاورزان تولیدکننده به ندرت از این ابزارهای عمدتاً بورسی استفاده کرده‌اند و اغلب تعاونی‌ها، معامله‌گران و حتی دولت به عنوان واسطه در این معاملات حضور داشته‌اند. به نظر می‌رسد شناخت کم کشاورزان برای استفاده از این ابزارها در کنار بالا بودن هزینه معاملات از عوامل اصلی عدم مشارکت فعال کشاورزان باشد.

در برزیل کشاورزان از نوعی قرارداد به نام گواهی محصول کشاورزی (CPR)^۲ استفاده می‌کنند که معادل قراردادهای سلف در ایران است. در این نوع قراردادها فروشنده (کشاورز)، محصول را که در آینده تولید خواهد شد، پیش فروش کرده و پول را دریافت می‌کند. این نوع قراردادها علاوه بر این‌که ابزاری برای پوشش ریسک تغییرات قیمت هستند، ابزار تأمین مالی کشاورزان نیز می‌باشند.

1. Cerrado

2. Rural Product Certificate



شکل ۱-۲۰- مجموعه سیاست‌های کشاورزی برزیل

۳-۴- کاستاریکا

فدکوپ، سازمان تعاونی قهوه وابسته به دولت در کاستاریکا است که کشاورزان قهوه‌کار را، که با ریسک تغییرات قیمت قهوه مواجه هستند، با استفاده از ابزارهای مشتقه کالایی حمایت می‌کند. کشاورزان قهوه‌کار هنگام تحویل قهوه به کارخانه‌داران اولین قسط خود را دریافت می‌کنند و قسط بعدی را در اواسط سال زراعی هنگامی که کارخانه‌داران قهوه را به صادرکنندگان می‌فروشند دریافت می‌کنند. از آنجایی که کارخانه‌داران پس از پرداخت اولین قسط، امکان بازبایی پول از کشاورزان را در مواقعی که قیمت قهوه نزول می‌کند ندارند، بنابراین ترجیح می‌دهند اولین قسط حدود نیمی از قیمت موردنظرشان باشد.

فصل اول: انواع و تجربه سیاست‌های حمایتی □ ۵۱

کارخانه‌داران برای پوشش ریسک تغییرات قیمت اقدام به خرید اختیار فروش نموده و به کشاورزان یک حداقل قیمت را پیشنهاد می‌دهند تا از این طریق ریسک نوسانات کاهشی قیمت را پوشش دهند. هزینه پرداختی بابت خرید اختیار معامله از مبالغ پرداختی به کشاورزان کسر می‌شود. به عبارت دیگر کارخانه‌داران از طرف کشاورزان خرید، جهت پوشش ریسک کاهش قیمت، اقدام به خرید اختیار فروش می‌کنند. بنابراین کشاورزان بطور غیر مستقیم به بازار مشتقات کالایی دسترسی دارند و هزینه پوشش ریسک را، که همان هزینه خرید اختیار فروش است، نیز پرداخت می‌کنند.

۳-۵- مکزیک

دولت مکزیک در سال ۱۹۹۴ دپارتمان دولتی آسرکا را جهت تسهیل دسترسی کشاورزان به قراردادهای مشتقه (آتی و اختیار معامله) بورس‌های کالایی شیکاگو، کانزاس و نیویورک تأسیس کرد. هدف اصلی این دپارتمان کمک به تولیدکنندگان محصولات کشاورزی جهت کاهش ریسک نوسانات قیمت محصولات کشاورزی است. فرآیند کاری این واحد به این صورت است که کشاورزان می‌توانند اقدام به خرید اختیار فروش قهوه یا اختیار خرید دام نمایند که به میزان ۵۰ درصد قیمت اختیار (پرمیوم) آن را از آسرکا به صورت سوبسید دریافت می‌کنند.

در صورت اعمال اختیار معامله و شناسایی سود، مبلغ پرداختی اولیه توسط کشاورز بابت خرید اختیار معامله جبران می‌گردد، سوبسید پرداختی دولت نیز برگشت داده می‌شود و سود احتمالی اعمال اختیار معامله نیز به کشاورز داده می‌شود.

در مکزیک علاوه بر این، مهم‌ترین تغییر، جایگزینی برنامه سیاست پرداخت بر اساس سابقه کشت مناطق^۱، با یک برنامه جدید به نام سیاست پرداخت مستقیم تولیدی^۲ در سال ۲۰۱۴ است. به این ترتیب که دولت به ازای هر هکتار زمین زیر کشت، مبلغی

1. PROCAMPO
2. PROAGRO

۵۲ □ سیاست‌های حمایتی بخش کشاورزی

به عنوان یارانه به کشاورز پرداخت می‌کند و دیگر تعهدی برای خرید تضمینی محصول ندارد. در واقع بر اساس اختلاف بین قیمت بازار محصول و قیمت تضمینی دولت و میزان محصول هر هکتار محاسباتی انجام می‌شود و مبلغ پرداختی به ازای هر هکتار زمین مشخص می‌شود.

۳-۶- ایران

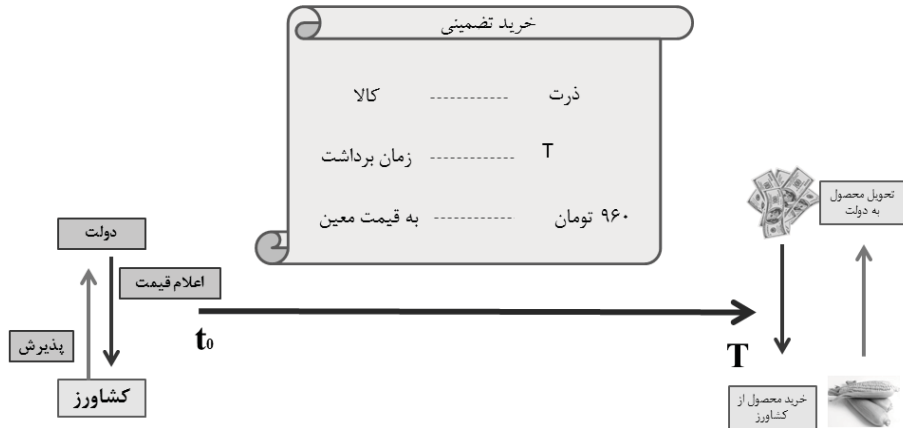
دولت در ایران تا قبل از سال ۱۳۴۰ نقشی در قیمت‌گذاری محصولات کشاورزی بر عهده نداشت و تنها در مواقع بسیار سخت همچون سیل، قحطی و جنگ، دخالت دولت در بازار تا حدودی مشهود بود. پس از آن به ویژه از آغاز دهه ۱۳۵۰ دولت با استفاده از اهرم واردات و یا دخالت مستقیم در قیمت محصولات کشاورزی سعی در پایین نگه داشتن قیمت‌ها در جهت حمایت از مصرف‌کنندگان برآمد. پس از انقلاب و پایان جنگ تحمیلی، در سال ۱۳۶۸ با تصویب قانون تضمین خرید محصولات اساسی کشاورزی، تعیین قیمت محصولات کشاورزی و سیاست خرید تضمینی وارد مرحله جدیدی شد. در برنامه چهارم توسعه نیز هدفمندسازی حمایت‌ها از طریق جابه‌جایی تخصیص کارآمد منابع یارانه‌ها با رویکرد کاهش خطرپذیری و تثبیت درآمد کشاورزان، به منظور تأمین غذای سالم و کافی در راستای سبد مطلوب غذایی تداوم یافت. در سال ۱۳۸۹ ماده ۳۳ قانون افزایش بهره‌وری بخش کشاورزی و منابع طبیعی به دولت اجازه داد علاوه بر اجرای قانون تضمین خرید محصولات اساسی کشاورزی، سیاست قیمت تضمینی را نیز اجرا نماید. بر همین اساس در ادامه گزارش دو سیاست فوق که به عنوان ابزارهای پوشش ریسک قیمت در ایران اجرا شده‌اند بررسی گردیده‌اند.

۱- سیاست خرید تضمینی محصولات اساسی کشاورزی

خرید تضمینی محصولات کشاورزی به استناد قانون خرید تضمینی به عنوان یک تکلیف بر عهده وزارت‌خانه جهاد کشاورزی (سازمان مرکزی تعاون روستایی ایران، شرکت سهامی پرورش کرم ابریشم ایران، سازمان چای کشور و شرکت بازرگانی دولتی

فصل اول: انواع و تجربه سیاست‌های حمایتی □ ۵۳

ایران) است و دستگاه مباشر خرید، موظف به خرید محصول به قیمت مشخص شده است و هزینه‌های مربوطه را تحت عنوان هزینه‌ی تبعی خرید از دولت دریافت می‌کند. بر اساس قانون خرید تضمینی محصولات کشاورزی دولت مکلف است هر سال پیش از شروع سال زراعی، قیمت خرید تضمینی محصولات زراعی را تصویب و اعلام نماید. توجه به اهداف و آسیب‌های این سیاست حمایتی باعث خواهد شد تا دولت و کشور از پیامدهای منفی آتی نحوه اجرای این سیاست در امان بماند. در ادامه به برخی از نکات مهم در این زمینه اشاره می‌شود.



شکل ۱-۲۱- فرایند سیاست خرید تضمینی

• مهمترین اهداف قانون خرید تضمینی محصولات اساسی کشاورزی

مهمترین اهداف قانون خرید تضمینی محصولات اساسی کشاورزی شامل: حمایت از تولیدکننده‌ها، جلوگیری از نوسانات شدید قیمت محصولات کشاورزی، ایجاد تعادل در نظام تولید محصولات کشاورزی، جلوگیری از ضایعات محصولات کشاورزی و جلوگیری از ضرر و زیان کشاورزان است. براساس قانون خرید تضمینی، دستگاه مباشر خرید موظف به خرید محصول به قیمت مشخص شده است و هزینه‌های مربوطه را

تحت عنوان هزینه تبعی خرید از دولت دریافت می‌کند. اعتبار لازم به صورت تسهیلات سرمایه در گردش در اختیار دستگاه مباشر قرار می‌گیرد و کارمزد مربوط در هزینه‌های تبعی وارد می‌شود.

با توجه به اهداف فوق مشخص است که هدف از خرید تضمینی، جز در مورد محصولات استراتژیک (نظیر گندم) که دولت می‌خواهد از تولید آن محصول خاص اطمینان حاصل نماید، پرداخت قیمت بازار یا هزینه تمام شده به کشاورز نیست و اساساً قرار نیست دولت جایگزین بازار شود. در واقع هدف اصلی از خرید تضمینی ایجاد یک حاشیه اطمینان برای کشاورز است تا در صورت افت شدید قیمت، نظیر آنچه در سال ۱۳۹۳ برای محصولات کشاورزی جیرفت رخ داد، دولت ابرازی برای پوشش بخشی از ریسک کشاورز را داشته باشد. بنابراین اگر خرید تضمینی توسط دولت، با قیمت بالا انجام شود، باعث جایگزینی دولت به جای بازار می‌شود و با منطق بنیادین این سیاست در تعارض قرار دارد.

• آسیب‌های خرید تضمینی

سال‌هاست محصولات کشاورزی توسط دولت به شکل خرید تضمینی از کشاورزان خریداری می‌شود اما این امر همیشه مشکلاتی را برای کشاورزان و دولت ایجاد کرده است. در این راستا لازم است که تغییراتی در اصلاح سیاست‌های خرید و عرضه محصولات کشاورزی در جهت شفافیت و از بین بردن نوسانات و همچنین جلوگیری از تضییع حق کشاورزان انجام شود.

اگرچه هدف دولت در خرید تضمینی حمایت از کشاورزان و توسعه بخش کشاورزی بوده است، اما شیوه خرید تضمینی به علت عدم اجرای صحیح توسط مباشران دولتی، نتوانسته رضایت کشاورزان را به همراه داشته باشد. از طرفی دولت هم موفق نشده نقدینگی لازم را فراهم کند، یا ضرر و زیان خرید محصول که توسط مباشر به وجود آمده را در اسرع وقت جبران نکرده است.

شیوه اجرای خرید تضمینی بسیار پیچیده است. در نتیجه علاوه بر نارضایتی

فصل اول: انواع و تجربه سیاست‌های حمایتی □ ۵۵

کشاورزان موجب بروز مشکلات در بازار و افزایش مشکلات دولت در بخش کشاورزی می‌شود. در خرید تضمینی دولت محصول را از کشاورز به هر کیفیتی باشد می‌خرد و مجبور است آن را به همان صورت عرضه کند. همین مسأله بر تأمین نقدینگی دولت تأثیر می‌گذارد، چراکه ممکن است از آن محصول استقبال نشود و به فروش نرسد.

۲- سیاست قیمت تضمینی

سیاست خرید تضمینی با مشکلات اساسی بسیار زیادی مواجه است. با توجه به کاستی‌های سیاست خرید تضمینی و اثرات نامطلوب آن بر بودجه دولت و سایر بخش‌های اقتصاد ایران، همانند کشورهای پیشرفته، دولت برای حمایت از بخش کشاورزی سیاست پرداخت مستقیم به کشاورزان را مدنظر قرار داده است. سیاست پرداخت مستقیم در ایران تحت عنوان سیاست «قیمت تضمینی» شناخته شده، که متفاوت از سیاست خرید تضمینی است. در سیاست قیمت تضمینی دولت قیمتی را برای کشاورز تضمین می‌کند به نحوی که اگر کشاورز در بورس کالای ایران در قیمتی پایین‌تر از قیمت تضمینی محصول خود را فروخت، دولت مابه‌التفاوت آن را تأمین کند. در تجربیات جهانی عمده تأکید دولت‌ها استفاده از سیاست پرداخت‌های مستقیم به کشاورزان به جای خرید تضمینی است، چرا که در این صورت دولت هیچ دخالتی در مکانیزم قیمت‌ها نمی‌کند، منابع مالی بانک‌های عامل و بودجه‌ی جاری کشور به مراتب کمتر مورد استفاده قرار می‌گیرد و در محصولات مورد نظر، حمایت کافی از کشاورز به عمل می‌آید.

با تصویب طرح قیمت تضمینی به جای خرید تضمینی در قانون بودجه ۱۳۹۴، از این پس فروشندگان قادر خواهند بود محصولات خود را به قیمت بازار در بورس کالا به فروش برسانند. براین اساس تولیدکنندگان می‌بایست محصولات خود را در بورس کالا عرضه کنند و در صورت کمتر بودن قیمت معامله در بورس نسبت به قیمت تضمینی، مابه‌التفاوت آن توسط دولت به تولیدکنندگان پرداخت می‌شود. همچنین در

صورت معامله محصول با رقمی بالاتر از قیمت تضمینی، بدون اینکه هیچ‌گونه بار مالی متوجه دولت باشد، خریدار مبلغ مورد معامله را به کشاورزان پرداخت می‌کند. از دیگر مزایای این سیاست می‌توان به فراهم شدن امکان استفاده از گواهی سپرده کالایی نزد انبارهای تأیید شده به عنوان اوراق بهادار جهت اخذ منابع مالی از سیستم بانکی و نیز تأمین مالی اشاره نمود. در این راستا بورس کالای ایران انبارهایی را مورد پذیرش قرار می‌دهد تا از طریق این انبارها اطلاع‌رسانی لازم برای کشاورزان صورت گیرد.

• مزایای سیاست قیمت تضمینی

اجرای سیاست قیمت تضمینی در بخش کشاورزی کشور، بدون شک باعث کاهش بار مالی دولت می‌شود و در عین حال زمینه‌ی کم‌توجهی به مطالبات مالی کشاورزان و فساد محصولات کشاورزی را به حداقل ممکن می‌رساند که ضمن تسریع تأمین مالی کشاورزان، عاملی تشویقی برای افزایش بهره‌وری بخش کشاورزی محسوب می‌شود. مهم‌ترین مرحله برای اجرای سیاست مذکور، تأمین اعتبار مورد نیاز آن است؛ وزارت جهاد کشاورزی هر ساله با اعلام محصولات مشمول قیمت تضمینی و تخمین اعتبار مورد نیاز آن، در قالب بودجه‌های سنواتی، نقدینگی مورد نیاز را تأمین می‌کند. در مرحله بعد، بورس کالای ایران انبارهایی را مورد پذیرش قرار می‌دهد تا از طریق این انبارها اطلاع‌رسانی‌های لازم برای کشاورزان مناطق صورت گیرد. این امر نیازمند همکاری سازمان جهاد کشاورزی در استان‌های منتخب است تا با استفاده از تجربیات این سازمان و شناخت آن‌ها از کشاورزان و مناطق کشت، بتوان عملکرد مطلوب‌تری داشت.

سیاست قیمت تضمینی که بر اساس آن قیمت محصولات کشاورزی در بورس کالا کشف شده و مابه‌التفاوت آن با قیمت تضمینی توسط دولت پرداخت می‌گردد، نسبت به سیاست خرید تضمینی کم‌هزینه‌تر است و مزایایی چون تحمیل حداقل بار مالی به دولت در فرایند اجرای سیاست حمایتی، کمک به ارتقاء کیفی محصولات و تولیدات

فصل اول: انواع و تجربه سیاست‌های حمایتی □ ۵۷

کشاورزی از طریق معاملات بورس کالای ایران، امکان تأمین مالی مورد نیاز با استفاده از نقدینگی موجود خریداران و سیستم بانکی، ایجاد شبکه گسترده بازاریابی برای محصولات کشاورزی، عدم نیاز به تشریفات مزایده و مناقصه برای معاملات بورس کالای ایران و پرداخت وجه محصول به کشاورز در حداقل زمان ممکن را به همراه خواهد داشت.

• آسیب‌شناسی سیاست قیمت تضمینی

سیاست قیمت تضمینی بار مالی کمتری برای دولت دارد اما خالی از اشکال و کاستی نیست. مهمترین آسیب این سیاست نیاز به پذیرش تعداد زیادی انبار محصولات کشاورزی توسط بورس کالا است. این موضوع به دلیل ریسک بالای عملیاتی و بعضاً نبود انبارهای استاندارد کافی در کشور مشکلات زیادی برای بورس کالا و وزارت جهاد کشاورزی و همچنین کشاورزان ایجاد می‌کند. از طرفی موضوعات مرتبط با انبارهای پذیرش شده و احتمال وقوع برخی از اقدامات خلاف مقررات از طرف انبارداران ریسک شدیدی متوجه بورس خواهد کرد.

علاوه بر این بسیاری از کشاورزان ممکن است به هر دلیلی قادر به فروش محصولات عرضه شده خود از طریق بورس کالا نباشند. در واقع شاید خریداران و مصرف‌کنندگان عمده‌ی محصولات کشاورزی به هر دلیلی (مانند نقدی بودن معاملات یا فرار از شفافیت معاملاتی بورس) متمایل به خرید محصولات مورد نیاز خود از طریق بورس کالا نباشند و ترجیح دهند نیاز خود را از طریق بازارهای سنتی تأمین نمایند. بنابراین ممکن است بخش زیادی از کشاورزان در نتیجه این سیاست قادر به فروش محصولات خود به خریداران نبوده و باید به بازارگردان‌های تعیین شده از طرف وزارت جهاد کشاورزی (به طور مثال در طرح قیمت تضمینی ذرت استان خوزستان، شامل اتحادیه تعاونی‌های روستایی، پشتیبانی امور دام، شرکت توسعه کشت ذرت، انجمن حمایت از دام و طیور و غیره) بفروشند، که مجدداً همان سیاست خرید تضمینی به شکل دیگری اجرا خواهد شد.

جمع‌بندی

با توجه به مطالب این بخش می‌توان گفت حمایت در بخش کشاورزی تنها خرید محصول به قیمت تضمینی، پرداخت یارانه یا وضع تعرفه بر کالاهای مشابه وارداتی نیست، بلکه تمام این موارد در مجموعه‌ای که تحت عنوان سیاست‌های حمایتی کشاورزی شناخته می‌شوند قرار می‌گیرند. راهکاری که اکثر سیاست‌گذاران اقتصاد کشاورزی، در کشورهای مختلف در پیش گرفته‌اند، تعریف یک سبد حمایتی است که مجموعه‌ای از چند ابزار یا سیاست حمایتی را شامل می‌شود. اگر ابزارها و سیاست‌های حمایتی بکارگرفته شده در بخش کشاورزی در کنار یکدیگر مورد استفاده قرار گیرند، هم‌افزایی این سیاست‌ها نسبت به یکدیگر باعث افزایش بهره‌وری، افزایش درآمد تولیدکننده، کاهش هزینه تولید و قیمت تمام شده‌ی محصول می‌شود که مجموعه‌ی این دست‌آوردها در نهایت باعث متفع شدن مصرف‌کننده، تولیدکننده و افزایش رفاه اقتصادی کل جامعه می‌شود.

جدول ۱-۱- انواع ابزارها و سیاست‌های حمایتی بخش کشاورزی در کشورهای منتخب جهان

کشور	سیاست و یا ابزار به کار گرفته شده	سال شروع (میلادی)
آمریکا	خرید تضمینی	۱۹۳۳
	پرداخت مستقیم یارانه	۱۹۶۰
	پرداخت یارانه بر اساس بالاترین رکورد تولید کشاورز	۱۹۹۶
	بیمه درآمد	۲۰۰۷
	حمایت از عواید دام	۲۰۰۷
اتحادیه اروپا	حساب مدیریت ریسک	۲۰۰۷
	سیاست تضمین حداقل قیمت	۱۹۶۰
	پرداخت یارانه صادراتی	۱۹۸۰
	خرید تضمینی	۱۹۸۴

فصل اول: انواع و تجربه سیاست‌های حمایتی □ ۵۹

کشور	سیاست و یا ابزار به کار گرفته شده	سال شروع (میلادی)
	پرداخت یارانه مستقیم	۱۹۹۰
	سیاست‌های بیمه‌ای و بازاریابی و تولید بر مبنای کشاورزی ارگانیک	۲۰۰۳
برزیل	تضمین حداقل قیمت	۱۹۶۶
	پرداخت وام به ازای تحویل محصول به انبار	۱۹۹۰
	حراج محصول و قرارداد اختیار معامله	۱۹۹۷
	پرداخت سوپسید به ازای خرید اختیار معامله	۲۰۱۰
	بیمه درآمد	۲۰۱۱
	استفاده از قراردادهای مشتقه و گواهی سپرده محصول کشاورزی	۲۰۱۴
	قراردادهای مشتقه (آتی و اختیار معامله)	۱۹۹۴
مکزیک	پرداخت بر اساس سابقه کشت محصول	۲۰۰۰
	پرداخت مستقیم بر اساس تولید	۲۰۱۴
ایران	دخالت مستقیم در قیمت	۱۹۷۰
	خرید تضمینی	۱۹۸۹
	قیمت تضمینی	۲۰۱۰

فصل دوم:

بررسی و ارزیابی تحولات سیاست‌های کشاورزی کشورهای
عضو سازمان همکاری‌های اقتصادی و توسعه و اقتصادهای
نوظهور

فصل دوم در یک نگاه

سازمان همکاری‌های اقتصادی و توسعه (OECD)

- معرفی انواع شاخص‌های حمایتی بخش کشاورزی
- تحولات در حمایت‌ها و سیاست‌های کشاورزی کشورهای عضو سازمان همکاری‌های اقتصادی و توسعه و اقتصادهای نوظهور
- تحولات کلیدی اقتصاد و بازار
- چارچوب سیاست کشاورزی در کشورهای سازمان همکاری‌های اقتصادی و توسعه
- مذاکرات چند جانبه در سازمان تجارت جهانی برای رسیدگی به سیاست‌های کشاورزی
- تحولات در حمایت از کشاورزی

مقدمه

ارزیابی سیاست‌های کشاورزی یکی از مباحث مطرح در بسیاری از مطالعات اقتصاد کشاورزی است. هرگونه مداخله آگاهانه‌ی دولت در بخش کشاورزی، یک سیاست کشاورزی نامیده می‌شود. در تمامی نظام‌های اقتصادی این موضوع پذیرفته شده است که سازوکار بازار به تنهایی نمی‌تواند در حل مسائل اقتصادی، بویژه تخصیص بهینه‌ی منابع و توزیع عادلانه درآمدها موفق شود. به همین دلیل دولت از راه‌های مختلف در امور اقتصادی مداخله می‌کند تا شکست و نارسایی بازار را جبران کند. بدون شک بررسی تجربه حمایت از بخش کشاورزی و میزان حمایت، ابزار و جهت‌گیری‌های آن در کشورهای پیش‌رو می‌تواند راهنمای مناسبی برای به‌کارگیری شیوه و روش‌های نوین حمایت از این بخش در کشور باشد. سازمان همکاری اقتصادی و توسعه^۱ همه ساله گزارش «پایش و ارزشیابی سیاست‌های کشاورزی در کشورهای عضو و هشت اقتصاد نوظهور» را منتشر می‌کند که در آن به اندازه‌گیری کل حمایت از بخش کشاورزی و تحولات سیاست‌گذاری در این کشورها می‌پردازد. در این بخش در ابتدا به معرفی سازمان همکاری اقتصادی و توسعه و معرفی شاخص‌های به کار گرفته شده توسط این سازمان در اندازه‌گیری حمایت‌های کشاورزی پرداخته شده است و سپس پایش تحولات سیاست‌های کشاورزی و ارزیابی ساختار حمایت از کشاورزی در میان کشورهای عضو و اقتصادهای نوظهور آورده شده است.

۱- سازمان همکاری‌های اقتصادی و توسعه

بر طبق موافقتنامه منعقد شده در ۱۴ دسامبر ۱۹۶۰ در پاریس والزامات اجرایی آن، سازمان همکاری‌های اقتصادی و توسعه در ۳۰ سپتامبر ۱۹۶۱ به منظور نیل به اهداف ذیل تأسیس شد:

- رسیدن به بالاترین رشد اقتصادی پایدار و اشتغال و افزایش سطح رفاه زندگی

- کشورهای عضو، همراه با ثبات مالی و مشارکت در توسعه اقتصاد جهانی؛
 - مشارکت دادن کشورهای غیر عضو سازمان به‌مانند اعضای آن در فرآیند توسعه اقتصادی؛
 - گسترش تجارت جهانی چند جانبه و التزام بین‌المللی به رفع جنبه‌های تبعیض آمیز در تجارت جهانی؛
- کشورهای عضو سازمان همکاری‌های اقتصادی و توسعه^۱ و اقتصادهای نوظهور^۲ بازیگران مهم بازار جهانی محصولات کشاورزی به شمار می‌آیند و تقریباً ۸۸ درصد از ارزش افزوده کشاورزی جهان را به خود اختصاص داده‌اند. سازمان همکاری اقتصادی و توسعه هر سال گزارش «نظارت و ارزیابی سیاست‌های کشاورزی»^۳ شامل اندازه‌گیری میزان حمایت از بخش کشاورزی و تحولات سیاست‌گذاری در هر کشور را منتشر می‌کند. کشورهای عضو برای برداشت یکسان از مفاهیم حمایتی اقدام به یکسان‌سازی روش محاسبه حمایت‌ها و معافیت‌های حمایتی نموده‌اند. از این رو به اختصار شاخص‌های حمایتی مورد استفاده در گزارش سازمان همکاری اقتصادی و توسعه در تعیین میزان حمایت از بخش کشاورزی هر کشور اشاره می‌گردد.

۱-۱- شاخص‌های حمایتی سازمان همکاری اقتصادی و توسعه

أ. شاخص حمایت از تولید کننده (PSE)^۴

شاخصی است که ارزش ناخالص پولی سالیانه کلیه پرداخت‌ها از مصرف‌کنندگان و مالیات‌دهندگان به تولیدکنندگان کشاورزی (صرف نظر از ماهیت، اهداف و اثرات آن‌ها بر تولید و درآمد) ناشی از اتخاذ سیاست‌های حمایتی را در سطح مزرعه محاسبه

۱. کشورهای عضو سازمان عبارتند از: استرالیا، اتریش، بلژیک، کانادا، شیلی، جمهوری چک، دانمارک، استونی، فنلاند، فرانسه، آلمان، یونان، مجارستان، ایسلند، ایرلند، رژیم صهیونیستی، ایتالیا، ژاپن، کره جنوبی، لوکزامبورگ، مکزیک، هلند، نیوزیلند، نروژ، لهستان، پرتغال، جمهوری اسلواکی، اسلوانی، اسپانیا، سوئد، سوئیس، ترکیه، انگلستان، ایالات متحده آمریکا و کشورهای عضو اتحادیه اروپا.

۲. اقتصادهای نوظهور عبارتند از: برزیل، کلمبیا، شیلی، چین، هند، روسیه، آفریقای جنوبی، اکراین.

3. Agricultural Policy Monitoring and Evaluation

4. Producer Support Estimate

فصل دوم: بررسی و ارزیابی تحولات سیاست‌های کشاورزی کشورها □ ۶۵

می‌نماید. این شاخص مجموع حمایت قیمت بازاری^۱ و پرداخت‌های بودجه‌ای^۲ را شامل می‌شود. کل حمایت را می‌توان به صورت زیر بیان نمود:

$$PSE = MPS + BP \quad (۱)$$

در رابطه بالا PSE شاخص حمایت از تولیدکننده، MPS شاخص حمایت از قیمت بازاری، BP پرداخت بودجه‌ای دولت می‌باشد.

شاخص حمایت از قیمت بازاری (MPS)

شاخص حمایت از قیمت بازاری، مجموع حمایت‌های قیمتی از محصول را نشان می‌دهد. این شاخص به عنوان شاخصی از ارزش پولی پرداخت‌های ناخالصی است که از مصرف‌کنندگان و مالیات‌دهندگان به تولیدکنندگان بخش کشاورزی، در اثر سیاست‌های حمایتی دولت از بخش کشاورزی و بدون توجه به ماهیت، اهداف و تأثیر این سیاست‌ها بر درآمد و تولید مزارع صورت می‌گیرد. شاخص حمایت از قیمت بازاری ناشی از سیاست‌هایی است که بین قیمت محصولات در بازار داخلی و قیمت این محصولات در مرزها اختلاف ایجاد می‌نماید و در سر مزرعه اندازه‌گیری می‌گردد. این شاخص بر اساس فرمول زیر محاسبه می‌گردد:

$$MPS = (P_d - P_{ar}) \times Q_p \quad (۲)$$

در این رابطه MPS شاخص حمایت از قیمت بازاری، P_d قیمت داخلی، P_{ar} قیمت مرزی تعدیل شده، Q_p مقدار تولید محصول می‌باشد. در صورتی که حاصل مثبت باشد، نشان دهنده حمایت قیمتی از تولیدکنندگان و در صورت منفی بودن عدم حمایت قیمتی از تولیدکنندگان را نشان می‌دهد.

پرداخت بودجه‌ای (BP)

پرداخت‌های بودجه‌ای براساس پیشنهاد سازمان همکاری اقتصادی و توسعه به هفت

1. Market price support
2. Budget Payments

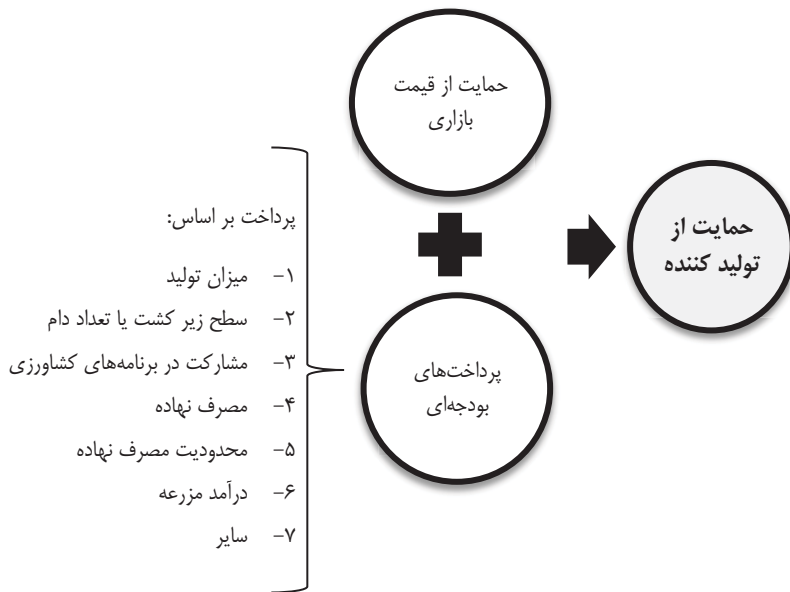
گروه طبقه‌بندی می‌شوند:

۱. پرداخت‌ها براساس میزان محصول: ارزش ناخالص پولی سالانه تمامی پرداخت‌ها بر مبنای تولید فعلی محصول یا محصولاتی خاص را اندازه‌گیری می‌کند و به عبارت بهتر این شاخص شامل انواع پرداخت‌ها برای هر تن یا برای هر رأس دام از تولید نامحدود یا محدود شده فعلی می‌باشد.
۲. پرداخت‌ها براساس سطح زیرکشت و یا نگهداری تعداد دام یا طیور: شاخص سالانه‌ای است که ارزش ناخالص پولی تمامی پرداخت‌هایی را که بر اساس کاشت یک محصول یا محصولات ویژه و یا نگهداری از تعداد خاصی دام می‌باشد، اندازه‌گیری می‌کند. که بر اساس هر هکتار ناحیه زیر کشت یا هر رأس دام می‌باشد.
۳. پرداخت‌ها براساس سوابق تاریخی مشارکت در برنامه‌های کشاورزی: شاخص سالانه‌ای که ارزش ناخالص پولی تمامی پرداخت‌ها بر اساس سابقه مشارکت در برنامه‌های حمایتی دولت برای کالاها، اندازه‌گیری می‌شود. منظور از سابقه مشارکت، در نظر گرفتن سابقه تولید کشاورز مطابق با مشارکت در برنامه‌های حمایتی دولت می‌باشد.
۴. پرداخت‌ها براساس مصرف نهاده‌های ثابت و متغیر و یا خدمات ارائه شده: شاخص سالانه‌ای که ارزش ناخالص پولی تمامی پرداخت‌ها را بر اساس استفاده از یک نهاده ثابت یا متغیر یا یک گروه خاص از نهاده‌ها یا عوامل تولید اندازه‌گیری می‌کند. این پرداخت‌ها شامل کلیه پرداخت‌هایی است که بطور صریح یا ضمنی هزینه نهاده‌های متغیر مانند هزینه‌های کود، سم و بذر یا درمان دام و همچنین هزینه نهاده‌های ثابت مانند هزینه‌های سرمایه‌گذاری را تحت تأثیر قرار می‌دهد.
۵. پرداخت‌ها براساس محدودیت مصرف نهاده‌های تولید شده: شاخص سالانه‌ای که ارزش ناخالص پولی تمامی پرداخت‌ها بر اساس عدم استفاده از یک نهاده ثابت یا متغیر ویژه یا مجموعه‌ای از نهاده‌ها مانند عدم استفاده از کود شیمیایی یا آفت‌کش‌ها را اندازه‌گیری می‌کند.
۶. پرداخت‌ها براساس درآمد مزرعه و یا واحد تولیدی: شاخصی از کل ارزش پولی پرداخت شده به تولیدکنندگان بر اساس درآمد کل مزرعه را اندازه‌گیری می‌کند. چنین پرداختی تولیدکننده را ملزم به تولید محصولی خاص یا رعایت سطح معینی از تولید یا استفاده از نهاده‌های خاص نمی‌سازد. این پرداخت‌ها برای جبران نوسانات درآمدی یا کاهش آن برای

فصل دوم: بررسی و ارزیابی تحولات سیاست‌های کشاورزی کشورها □ ۶۷

تضمین درآمد یک مؤسسه یا یک بنگاه کشاورزی می‌باشد.

۷. سایر پرداخت‌ها مانند پرداخت‌ها در سطح ملی و یا غیر ملی و محلی (پرداخت‌های متفرقه): شاخص سالانه‌ای که ارزش ناخالص پولی تمامی پرداخت‌ها به تولیدکنندگان که در گروه‌های فوق قرار نمی‌گیرند.



شکل ۲-۱- محاسبه میزان حمایت از تولید کننده

ب. شاخص حمایت از مصرف کننده (CSE)^۱

شاخصی است که ارزش ناخالص پولی سالیانه کلیه پرداخت‌ها به مصرف‌کنندگان را ناشی از سیاست‌های کشاورزی (صرف نظر از ماهیت، اهداف و اثرات آن‌ها بر مصرف) برحسب قیمت سرمزرعه اندازه‌گیری می‌کند. وقتی درصد این شاخص منفی است

1. Consumer Support Estimate

حاکمی از مالیات ضمنی تحمیل شده به مصرف از طریق سیاست‌های قیمتی محصولات کشاورزی می‌باشد. این شاخص هزینه‌هایی را که بوسیله سیاست‌های کشاورزی بر مصرف‌کنندگان اعمال می‌شود (قیمت‌های بالاتر برخی تولیدات کشاورزی) و یا یارانه‌های مصرفی که قیمت‌های پایین‌تری را برای مصرف‌کنندگان فراهم می‌سازد اندازه‌گیری می‌کند و برحسب درصد مالیات ضمنی (یارانه در صورت مثبت بودن) بر مصرف‌کنندگان را به عنوان سهمی از مخارج مصرفی نشان می‌دهد. نحوه محاسبه این شاخص به شکل زیر می‌باشد:

$$TCSE = -Q_c(P_d - P_w) + G \quad (۳)$$

$$CSE = \frac{TCSE}{(Q_c * P_d)} * 100 \quad (۴)$$

در روابط بالا TCSE کل حمایت از مصرف‌کننده، CSE درصد حمایت از مصرف‌کننده، Q_c میزان مصرف، P_d قیمت داخلی مصرف‌کننده، P_w قیمت جهانی، G کل سوبسیدهای مصرف‌کننده است.

ج. شاخص حمایت از خدمات عمومی کشاورزی (GSSE)^۱

شاخصی است که ارزش ناخالص پولی انتقالی سالانه به خدمات عمومی کشاورزی را در اثر به‌کارگیری ابزارهای حمایتی اندازه‌گیری می‌کند و به صورت درصد، سهم آن را از کل حمایت اعمال شده نشان می‌دهد:

$$GSSE = \frac{S}{TSE} * 100 \quad (۵)$$

در رابطه بالا GSSE درصد حمایت از خدمات عمومی کشاورزی، S سهم حمایت از خدمات عمومی کشاورزی و TSE کل حمایت می‌باشد. این شاخص شامل پرداخت‌هایی از جمله تحقیق و توسعه برای بهبود تولیدات کشاورزی، آموزش کشاورزی، خدمات زیربنایی، خدمات بازرسی به منظور توسعه کشاورزی، خدمات کنترلی (این خدمات برای بهبود کیفیت غذا و نهاده‌های کشاورزی و محیط زیست به کار گرفته می‌شوند) و سایر خدمات عمومی و متفرقه در بخش کشاورزی می‌باشد.

1. General Services Support Estimate

د. شاخص کل حمایت از بخش کشاورزی (TSE)^۱

شاخصی است که ارزش ناخالص پولی سالیانه کلیه پرداخت‌ها از مصرف‌کنندگان و مالیات‌دهندگان به منظور حمایت از بخش کشاورزی به علاوه خالص حمایت‌های بودجه‌ای دولت به بخش کشاورزی می‌باشد. به عبارت دیگر این شاخص شامل کلیه پرداخت‌های انتقالی به بخش کشاورزی است که منبع تأمین مالی آن مصرف‌کنندگان و مالیات‌دهندگان و خالص پرداخت‌های بودجه‌ای دولت می‌باشد و برحسب درصد نیز مجموع حمایت‌های ناشی از سیاست‌های کشاورزی را به عنوان بخشی از تولید ناخالص داخلی نشان می‌دهد:

$$TSE = PSE + CSE + GSSE \quad (۶)$$

در رابطه بالا TSE درصد کل حمایت، GSSE درصد حمایت از خدمات عمومی کشاورزی، PSE درصد حمایت از تولیدکننده، CSE درصد حمایت از مصرف‌کننده می‌باشد.

ه. ضریب کمک اسمی تولیدکننده (NAC_P)^۲

شاخصی است که بوسیله نسبت ارزش درآمدهای ناخالص کشاورزی که شامل حمایت‌ها نیز می‌باشد به ارزش درآمد ناخالص کشاورزی بر پایه قیمت‌های جهانی اندازه‌گیری می‌شود. زمانی که این ضریب برابر با یک باشد بدان مفهوم است که درآمدهای ناخالص کشاورزی بدون حمایت حاصل شده و یا حمایت نقشی در کسب درآمدهای کشاورزی برای تولیدکنندگان نداشته است. بنابراین هرچه ضریب بزرگتر از یک باشد سهم بازار در کسب درآمد کشاورزی به همان میزان کم‌تر بوده و حمایت نقش بیشتری داشته است و بر اساس رابطه زیر محاسبه می‌گردد:

$$NAC_P = \left[\left(\frac{GFR}{VP - MPS} \right) + 1 \right] = 1 + \frac{\%PSE}{(100 - \%PSE)} \quad (۷)$$

که در رابطه بالا، VP ارزش تولید در قیمت جهانی، GFR دریافتی ناخالص

1. Total Support Estimate

2. Producer Nominal Assistance Coefficient

۷۰ □ سیاست‌های حمایتی بخش کشاورزی

تولیدکننده، MPS حمایت از قیمت بازاری و PSE% شاخص حمایت درصدی از تولیدکنندگان محصول را نشان می‌دهد.

و. ضریب حمایت اسمی تولیدکننده (NPC_P)^۱

شاخصی است که به‌وسیله نسبت متوسط قیمت‌های دریافتی تولیدکنندگان (برحسب قیمت‌های سر مزرعه) که شامل پرداختی برحسب هر تن می‌باشد به قیمت‌های دریافتی بر حسب قیمت مرزی محاسبه می‌شود. بنابراین اگر این ضریب برابر یک باشد نشان می‌دهد که قیمت دریافتی کشاورز برابر قیمت سرمرز (جهانی) محصول است. هرچه این ضریب بزرگتر از یک باشد، بدان مفهوم است که قیمت دریافتی کشاورز به همان نسبت بیشتر از قیمت سرمرز بوده است.

$$NPC_P = \frac{[(P_d - P_b)]}{P_b} + 1 \quad (۸)$$

در رابطه بالا NPC_P ضریب حمایت اسمی تولیدکننده، P_d قیمت داخلی و P_b قیمت وارداتی را نشان می‌دهد.



شکل ۲-۲- شاخص‌های حمایتی سازمان همکاری اقتصادی و توسعه در تعیین میزان حمایت از بخش کشاورزی

1. Producer Nominal protection Coefficient

فصل دوم: بررسی و ارزیابی تحولات سیاست‌های کشاورزی کشورها □ ۷۱

چشم انداز سیاست‌های کشاورزی در کشورهای عضو سازمان و اقتصادهای نوظهور تقریباً با پنج رویکرد متفاوت قابل تشخیص است:

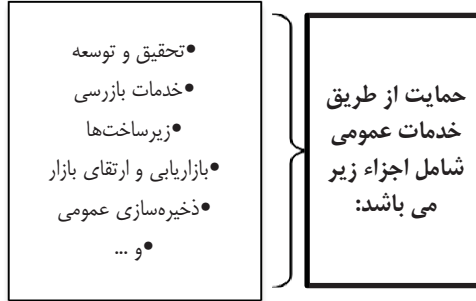
۱. سیاست حمایت از قیمت بازار داخلی: این سیاست از طریق اقدامات مرزی از جمله تعرفه بر روی واردات کالا صورت می‌گیرد. این ابزار حمایتی بیشتر در چین، کلمبیا، ایسلند، اندونزی، ژاپن، قزاقستان، کره جنوبی، نروژ، روسیه و ترکیه رواج دارد.

۲. سیاست حمایت نهاده‌ای و کاهش هزینه سرمایه: این حمایت‌ها شامل اعطای یارانه به نهاده‌های متغیر مزرعه، نظیر کود و انرژی می‌شود که اخیراً در کشور اندونزی و مکزیک رواج یافته است. برزیل، کلمبیا، روسیه و قزاقستان سیاست طرح اعتباری اعطایی را برای تحریک سرمایه‌گذاری کشاورزی دنبال می‌کنند.

۳. سیاست کاهش ریسک درآمدی: بیمه درآمد سیاستی است اخیراً در کشور آمریکا اجرا می‌گردد و به عنوان یک طرح بلندمدت در کشور کانادا مطرح شده است.

۴. سیاست پرداخت مستقیم به کشاورزان: این سیاست بیشتر در اتحادیه اروپا و سوئیس به کار گرفته می‌شود که در راستای کشاورزی زیست محیطی و حفاظت از منابع طبیعی به کشاورزان پرداخت می‌گردد.

۵. سیاست حمایت از خدمات عمومی: استرالیا، شیلی، نیوزلند و آفریقای جنوبی بر این نوع سیاست‌ها تمرکز نموده‌اند. این سیاست شامل اقداماتی است که خدمات یا منفعی را برای جامعه روستایی یا کشاورزی دربرداشته باشد از جمله: تحقیقات، خدمات بازرسی شامل استانداردسازی و درجه‌بندی محصولات، خدمات ترویجی و مشاوره‌ای، خدمات بازاریابی، کنترل آفات و امراض و خدمات زیربنایی.



شکل ۲-۳- اجزای حمایت از خدمات عمومی

اکثر کشورها فقط محدود به یک سیاست نیستند و مجموعه‌ی سیاست‌ها را در کشور خود به کار می‌گیرند. به عنوان مثال کانادا، علاوه بر سیاست مدیریت ریسک درآمدی، سیاست مدیریت عرضه را نیز به جریان می‌اندازد که به سطوح بالای حمایت قیمتی برخی از محصولات منجر می‌گردد. سوئیس به طور همزمان سیاست پرداخت مستقیم و سیاست‌های مرتبط با واردات را برای حمایت از قیمت داخلی به کار می‌بندد. در نروژ نیز سیاست حمایت قیمت بازاری و سیاست پرداخت مستقیم با هم اجرا می‌گردد. اخیراً چین، ژاپن، کره جنوبی و روسیه سیاست پرداخت مستقیم را در زمره سیاست‌ها خود قرار داده‌اند که به جای یک جانشین، به عنوان مکمل سیاست حمایت از قیمت بازار عمل می‌کند. حمایت مالی از کشاورز برای جبران خسارات ناشی از بلایای طبیعی و یا بیماری‌های دامی نیز سیاستی است که در همه کشورها به طور همزمان با سایر سیاست‌ها اجرا می‌گردد.



شکل ۲-۴- چشم‌انداز سیاست‌های کشاورزی

۲- تحولات در حمایت‌ها و سیاست‌های کشاورزی کشورهای عضو OECD و اقتصادهای نوظهور

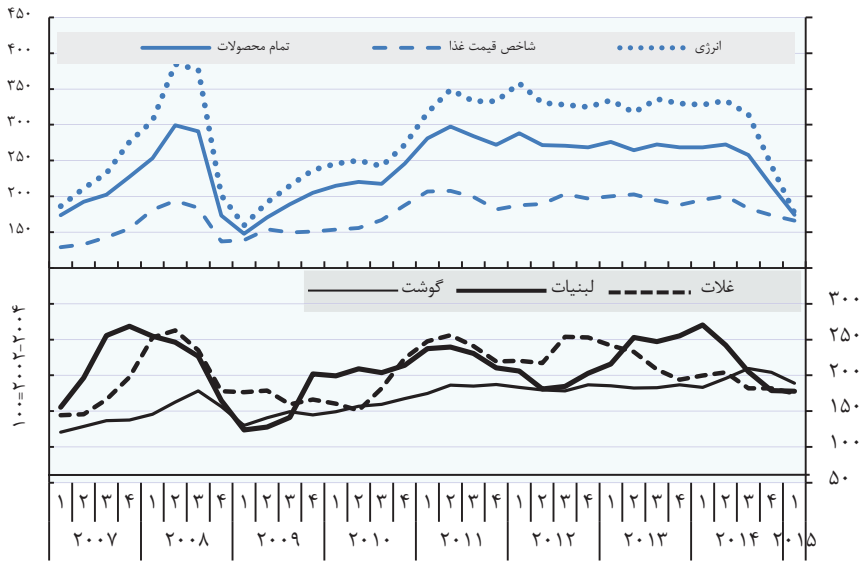
در این بخش تحولات مهم اقتصاد و بازار، تغییرات سیاست‌های کشاورزی و میزان، ترکیب و تغییرات شاخص برآورد حمایت از تولیدکننده در کشورهای عضو OECD و اقتصادهای نوظهور طی سال‌های ۱۵-۲۰۱۳ مورد تجزیه و تحلیل و ارزیابی قرار می‌گیرد.

۲-۱- تحولات کلیدی اقتصاد و بازار

در سال ۲۰۱۴ تحولات اقتصادی در میان کشورهای عضو OECD و اقتصادهای نوظهور رخ داد. رشد اقتصادی در آمریکا و انگلیس بسیار سریع، و تولید ناخالص داخلی در این دو کشور از سطوح پیش از بحران مالی پیشی گرفت. تولید ناخالص داخلی در ژاپن به سطوح قبل از بحران مالی نزدیک شد اما در منطقه یورو همچنان در سطوح پایین باقی ماند. چین و اندونزی شاهد رشد اقتصادی بودند اما نسبت به سال‌های قبل

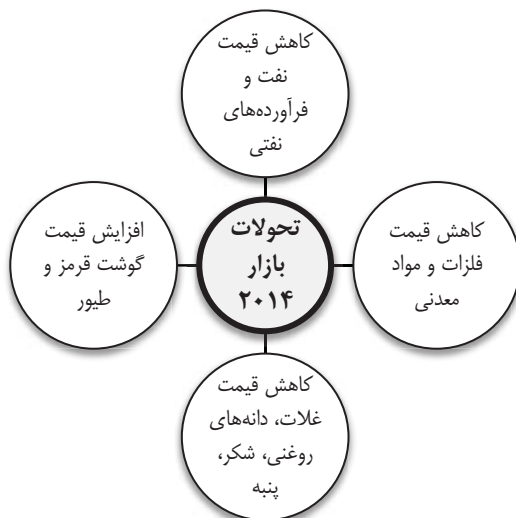
۷۴ □ سیاست‌های حمایتی بخش کشاورزی

کندتر بوده است. اقتصادهای نوظهور مثل برزیل، روسیه، اوکراین و آفریقای جنوبی به دلیل تنزل قیمت کالاها، نااطمینانی‌های سیاسی و تحریم‌ها در این کشورها با رکود مواجه بوده‌اند و از رشد اقتصادی عقب ماندند. تجارت جهانی در این دوره همگام با تولید ناخالص داخلی در کشورهای عضو OECD رشد نموده است.



نمودار ۲-۱- شاخص قیمت جهانی محصولات در سال ۲۰۱۴-۲۰۰۷

در این دوره قیمت کالاها به طور گسترده‌ای کاهش یافت؛ قیمت انرژی، بویژه نفت بیشترین کاهش را شاهد بود. قیمت نفت خام بین ژوئن ۲۰۱۴ و ژانویه ۲۰۱۵ تقریباً نصف گردید و به کمتر از ۵۰ دلار آمریکا در هر بشکه رسید. سرریز قیمت‌های پایین نفت به سایر بازارهای انرژی بویژه گاز طبیعی در اروپا و آسیا، موجب کاهش قابلیت سوددهی سوخت‌های زیستی تولید شده از غلات و دانه‌های روغنی و در نهایت کاهش قیمت اتانول و بیودیزل در سال ۲۰۱۴ گردید. قیمت فلزات، مواد معدنی و محصولات کشاورزی نیز با نرخ‌های متفاوت کاهش یافتند. قیمت پایین گاز طبیعی در آمریکا نقش مهمی در کاهش قیمت کودهای نیتروژنی به عنوان نهاده مهم تولید محصول کشاورزی داشت.



شکل ۲-۵- تحولات بازار در سال ۲۰۱۴

در حالی که قیمت جهانی مواد غذایی بر اساس آمار فائو به طور متوسط در حدود ۱۱ درصد بین ژانویه ۲۰۱۴ و ژانویه ۲۰۱۵ کاهش یافت، تحولات مربوط به محصولات کشاورزی و دامی متفاوت بود. در این دوره قیمت غلات، دانه‌های روغنی، شکر و پنبه کاهش و قیمت گوشت گاو و خوک به دلیل نوسازی گله دام‌ها بویژه در آمریکا و کاهش عرضه گوشت خوک به دلیل شیوع ویروس اسهال خوکی و تب خوکی در بلاروس و اتحادیه اروپا رو به افزایش نهاد که قیمت بالای گوشت قرمز به افزایش قیمت گوشت طیور نیز منجر شد. در حالی که شروع سال ۲۰۱۴، با افزایش قیمت شیر همراه بود، اما قیمت‌ها در نتیجه تقاضای وارداتی کمتر چین، افزایش تولید در کشورهای صادر کننده عمده و تحریم واردات محصولات لبنی از کشورهای عمده تولیدکننده در روسیه شروع به کاهش نمود. تولید شیر در اتحادیه اروپا به دلیل پیش‌بینی لغو سهمیه تولیدی شیر در اوایل سال ۲۰۱۵ افزایش یافت.

جدول ۲-۱- شاخص‌های کلیدی اقتصادی به درصد

۲۰۱۴	۲۰۱۳	۲۰۱۲	میانگین ۲۰۰۲-۱۱	متغیرهای اقتصادی
۳/۳	۳/۱	۳/۱	۳/۸	رشد اقتصادی: جهان
۱/۸	۱/۴	۱/۳	۱/۷	OECD ^۲
۲/۲	۲/۲	۲/۳	۱/۷	آمریکا
۰/۸	-۰/۴	-۰/۷	۱/۱	منطقه یورو
۰/۴	۱/۵	۱/۵	۰/۷	ژاپن
۴/۸	۵/۰	۵/۲	۷/۱	غیر OECD ^۲
۰/۳	۲/۵	۱/۰	۳/۸	برزیل
۷/۳	۷/۷	۷/۷	۱۰/۶	چین
۴/۹	۴/۷	۴/۰	۴/۶	کلمبیا
۵/۱	۵/۸	۶/۳	۵/۵	اندونزی
۰/۳	۱/۳	۳/۴	۴/۸	روسیه
۱/۳	۱/۹	۲/۵	۳/۶	آفریقای جنوبی
-۲/۳	-۲/۳	-۲/۱	۰/۳	شکاف تولید جهان ^۳
۷/۳	۷/۹	۷/۹	۶/۹	نرخ بیکاری جهان ^۴
۱/۶	۱/۳	۲/۰	۲/۱	تورم جهان ^۵
۳/۰	۳/۳	۰/۳	۵/۶	رشد تجارت واقعی جهان

۱. سه ستون آخر نمایانگر افزایش نسبت به سال قبل می‌باشد.

۲. وزن‌های متحرک GDP اسمی با استفاده از برابری قدرت خرید.

۳. درصد GDP بالقوه.

۴. درصد نیروی کار.

۵. تعدیل‌کننده مصرف خصوصی؛ سه ستون آخر نمایانگر افزایش نسبت به سال قبل می‌باشد.

منبع: گزارش سالانه سازمان همکاری اقتصادی و توسعه (۲۰۱۴)

۲-۲- چارچوب سیاست کشاورزی در کشورهای OECD

هر یک از کشورهای عضو OECD چارچوب سیاستی متفاوتی را با توجه به چالش‌های موجود در بخش کشاورزی خود دنبال می‌کند. سهم بخش کشاورزی در فعالیت‌های اقتصادی کشورهای کم‌درآمد بیشتر از کشورهای بالا است و طیف وسیعی از جمعیت این کشورها از طریق کشاورزی امرار معاش می‌کنند. در برخی کشورها منابع طبیعی مورد استفاده برای کشاورزی از جمله زمین و آب نسبتاً فراوان است، در حالی که در سایر کشورها این منابع نسبتاً کمیاب هستند. چنین تمایزاتی در سطوح درآمدی و منابع طبیعی بر اندازه و ساختار بخش کشاورزی و الگوهای تخصیص منابع در تولید و تجارت تأثیر می‌گذارند و سیاست‌های کشاورزی هم از آن‌ها تأثیر می‌پذیرند.

مجموعه ابزارهای سیاستی مورد استفاده برای حمایت از بخش کشاورزی همواره در حال تحول بوده‌اند. حمایت از قیمت‌های داخلی، ترغیب تولید و افزایش درآمد کشاورزان ویژگی غالب استراتژی‌های سیاستی بوده است که توسط بسیاری از کشورها مورد استفاده قرار گرفته است. در طول سال‌ها، مجموعه سیاست‌های کشاورزی با توجه به انحراف کمتر بازار، پرداخت‌های درآمدی، مدیریت ریسک، چالش‌های زیست محیطی مثبت و منفی مربوط به کشاورزی تکامل یافته است. چارچوب سیاست‌های کشاورزی در اکثر کشورهای عضو OECD و اقتصادهای نوظهور از بنیان پایدار و مطلوبی برخوردار می‌باشد و تغییر سیاست در این کشورها به آرامی اتفاق می‌افتد.

اخیراً چندین کشور در چارچوب سیاست کشاورزی خود برای سال‌های پیش رو بازنگری نموده‌اند و این تنظیمات به طور کلی حاکی از تغییرات شدید در سیاست‌های موجود نمی‌باشد، بلکه بیشتر تعدیل‌های جزئی اتفاق افتاده است.

کانادا چارچوب سیاستی رشد رو به جلوی دو (GF2)^۱ را بر اساس چارچوب قبلی آغاز نمود اما بر سه اولویت نوآوری، رقابت پذیری و توسعه بازار، تأکید شده است.

این سیاست به استفاده کارآمدتر از منابع، روش‌های مشارکتی و راه‌حل‌های مبتنی بر بازار تأکید می‌کند.

اتحادیه اروپا به اجرای سیاست مشترک کشاورزی^۱ ۲۰۱۴-۲۰ همراه با اصلاحاتی اندک همچنان ادامه می‌دهد. سیاست مشترک کشاورزی از دو ستون تشکیل شده است. ستون یک، سیاست‌هایی که به طور کامل از طریق بودجه اتحادیه اروپا تأمین می‌شود و حمایت مستقیم به کشاورزان و اقدامات مالی بازار را فراهم می‌کند، و ستون دوم، سیاست‌هایی که توسط کشورهای عضو اتحادیه اروپا تأمین مالی می‌شود، حمایت از توسعه روستایی و همچنین اقدامات کشاورزی زیست‌محیطی و پرداخت به مناطق با محدودیت‌های منابع طبیعی را پوشش می‌دهد. تمرکز سیاست مشترک کشاورزی بر بهبود عملکرد زیست محیطی کشاورزی، از جمله تنوع محصول، نگهداری از مراتع و استقرار در مناطق متمرکز زیست‌محیطی می‌باشد. سیستم پرداخت مستقیم تحت سیاست مشترک کشاورزی ۲۰۱۴-۲۰ شفاف‌تر شده است، و حمایت پرداخت مستقیم، به‌ویژه برای اقدامات تحت ستون دوم به کشاورزان اعطا می‌شود.

ژاپن، در ماه دسامبر سال ۲۰۱۳، اولین تغییر عمده سیاست کشاورزی از زمان معرفی سیاست حمایتی پرداخت درآمدی در سال ۲۰۱۱ ایجاد کرد که این تغییر سیاست برای ایجاد انگیزه در کشاورزان با هدف احیای بخش کشاورزی بود. سیاست دیگر تغییرات عمده در سیاست‌های مربوط به محصول برنج بود. تخصیص سهمیه تولید برنج، که تولید آن را محدود نگه می‌دارد و قیمت‌ها را بالاتر از سطح تعادل بازار نگه خواهد داشت که این سیاست تا مارس ۲۰۱۸ مرحله به مرحله انجام می‌شود. از سال ۲۰۱۴، پرداخت مستقیم برای تولید برنج به نصف کاهش یافت و در سال ۲۰۱۸ این پرداخت مستقیم لغو خواهد شد. سیاست دیگر در جهت ایجاد انگیزه برای تنوع بخشیدن به محصولات کشت شده توسط کشاورزان از طریق پرداخت مستقیم به کشاورزانی که از تولید برنج به کشت محصولات بلندمدت نظیر گندم، جو، سویا، چغندر

فصل دوم: بررسی و ارزیابی تحولات سیاست‌های کشاورزی کشورها □ ۷۹

قند، سیب‌زمینی و کلزا روی بیاورند است. در سال ۲۰۱۴ پرداخت‌های مستقیم به سازمان‌های اجتماعی درگیر در حفظ منابع روستایی از جمله زیرساخت‌های روستایی مانند امکانات آبیاری و زهکشی نیز صورت گرفت. سیاست‌های لغو پرداخت درآمدی به برنج‌کاران و توقف تدریجی سهمیه تولید برنج گام‌های مهمی در راستای تقویت بازار هستند. با این حال، این سیاست‌ها نیز به احتمال زیاد برای تحریک انحراف تولید محصولات زراعی از برنج به سمت سایر محصولات، بالا نگه داشتن قیمت برنج و تشویق تثبیت زمین‌های کشاورزی می‌باشد.

در مکزیک، یک چارچوب سیاستی جدید برای بخش مواد غذایی و کشاورزی در دسامبر ۲۰۱۳ تصویب شد. این طرح، شامل مجموعه‌ای بزرگ از اهداف متنوع: بهره‌وری، رقابت‌پذیری، پایداری، عدالت و تضمین امنیت غذایی می‌باشد. مهم‌ترین تغییر سیاستی در مکزیک ارائه سیاست «پرداخت‌های مستقیم تولیدی»^۱ به جای سیاست «پرداخت بر اساس سابقه کشت»^۲ در سال ۲۰۱۴ است. این تغییر سیاست نشانه حمایت از تولید و نهاده‌ها و کشاورزان ضعیف است. بر اساس این سیاست حمایت کشاورزی باید به سرمایه‌گذاری‌های استراتژیک درازمدت، بهره‌وری، پایداری و سودآوری بخش تمرکز کند.

سوئیس یک چارچوب سیاستی جدید^۳ برای سال‌های ۱۷-۲۰۱۴ اتخاذ کرده است. اهداف سیاست‌های اصلی تغییر نکرده و تأکید بر امنیت غذایی، استفاده کارآمد و پایدار از منابع طبیعی، حفظ و نگهداری مناظر طبیعی و ثبات نقش کشاورزی در مناطق روستایی است. سیاست مذکور بر بهبود بهره‌وری و اثربخشی، راه‌اندازی سیستم پرداخت مستقیم هدفمند در راستای حمایت از فعالیت‌های خاص کشاورزی تأکید دارد.

در ایالات متحده آمریکا، قانون کشاورزی^۴، در تاریخ ۷ فوریه ۲۰۱۴ تصویب شد.

1. PROAGRO
2. PROCAMPO
3. Agricole
4. Farm Act

قانون کشاورزی باعث ایجاد تغییرات عمده در سیاست‌های قبلی شد: پرداخت ثابت سالانه بر اساس رکورد تولید محصول به پایان رسید و به طور همزمان، دو سیاست جدید، بیمه قیمت و بیمه ریسک کشاورزی، به عنوان ابزاری برای مدیریت ریسک ناشی از تحولات بازار محصول معرفی شدند. قانون کشاورزی حمایت قیمتی لیبیات را به پایان رساند و یک سیاست حمایتی جدید برای محصولات لبنی معرفی نمود. این سیاست‌ها بیشتر در راستای گسترش محصولات خاص، کشاورزی ارگانیک، به کارگیری انرژی زیستی و توسعه روستایی، رونق کشاورزی و دامپروری معرفی شدند. ماهیت دوگانه خاص بخش کشاورزی در بسیاری از اقتصادهای نوظهور غالباً به رهیافت سیاستی دو بعدی منجر می‌شود. یک دسته از سیاست‌ها به بخش تجاری رقابتی و دسته دیگر به بخش کوچک مقیاس کشاورزی می‌پردازند. برزیل، شیلی و آفریقای جنوبی به صراحت، سیاست‌های متفاوتی بین این دو بخش اتخاذ می‌کنند و به نوعی از طریق اقداماتی که هزینه نهاده‌های سرمایه‌ای و سایر نهاده‌ها را کاهش می‌دهد و یکپارچه‌سازی بازار را تسهیل می‌نماید، از کشاورزان کوچک مقیاس حمایت می‌نمایند.

از آنجایی که حدود یک چهارم از سهم انتشار گازهای گلخانه‌ای (GHG)^۱ جهان، مستقیم یا غیرمستقیم ناشی از فعالیت‌های کشاورزی می‌باشد، بنابراین کاهش تغییرات جوی به طور فزاینده‌ای در دستور کار سیاست‌های کشاورزی قرار دارد. با این وجود، تلاش‌های سیاستی در این زمینه بسیار محدود می‌باشند. نیوزلند، نورژ، ژاپن و استرالیا از جمله کشورهایی هستند که اقدامات سیاستی در زمینه فعالیت‌های کشاورزی سازگار با آب و هوا انجام داده‌اند.

1. Greenhouse Gas

بازنگری و تغییر در چارچوب سیاست کشاورزی

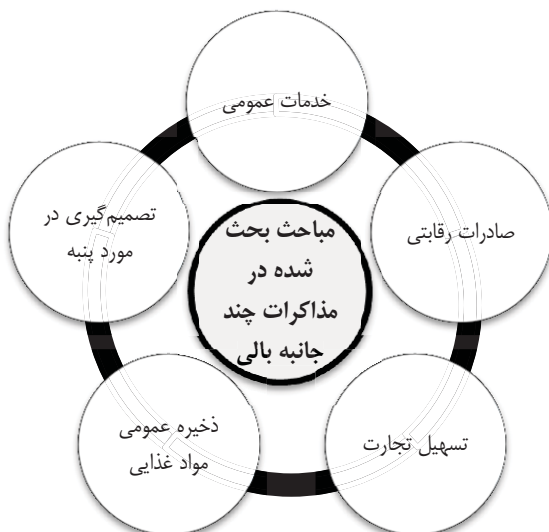
ژاپن	اتحادیه اروپا	کانادا	مکزیک	سوئیس	آمریکا
سیاست حمایتی پرداخت درآمدی	اجرای سیاست مشترک کشاورزی	چارچوب سیاستی رشد رو به جلوی دو	چارچوب سیاستی جدید برای بخش مواد غذایی و کشاورزی	چارچوب سیاستی جدید برای سالهای ۱۷-۲۰۱۴ Agricole	تصویب قانون کشاورزی، Farm Act
تغییرات عمده در سیاست‌های مربوط به محصول برنج					

شکل ۲-۶- بازنگری در چارچوب سیاستی برخی از کشورهای عضو در سال ۲۰۱۴

۲-۳- مذاکرات چند جانبه در سازمان تجارت جهانی برای رسیدگی به سیاست‌های کشاورزی

در سطح چندجانبه، نشست وزیران کشورهای عضو سازمان تجارت جهانی در دسامبر ۲۰۱۳ در بالی به ارائه بسته سیاستی قوانین چندگانه حاکم بر تجارت کشاورزی و حمایت داخلی بخش منجر شد. این بسته سیاستی شامل سه عنصر اصلی تسهیل تجارت و کشاورزی، امنیت غذایی و مسائل توسعه‌ای بود. به طور خلاصه، مفاد اصلی تحت توافقنامه بالی که به کشاورزی و امنیت غذایی مربوط می‌گردد عبارتند از:

- خدمات عمومی: طیف وسیعی از برنامه‌های مربوط به اصلاحات ارضی، مدیریت خشکسالی، سیل و برنامه‌های اشتغال روستایی مورد ملاحظه قرار گرفت؛
 - ذخیره عمومی مواد غذایی برای اهداف تأمین امنیت غذایی؛
 - مدیریت سهمیه تعرفه (TQR)؛
 - صادرات رقابتی: تعهد وزیران در رابطه با حذف همه اشکال یارانه صادراتی و افزایش شفافیت و نظارت در این رابطه در دستور کار قرار گرفت؛
 - تصمیم‌گیری در مورد محصول پنبه: وزیران در خصوص افزایش شفافیت و نظارت در ارتباط با جنبه‌های تجاری محصول پنبه تعهد دادند.
 - تسهیل تجارت: دستیابی به توافق در خصوص ترکیبی از رویه‌های مرزی بازنگری شده برای کاهش هزینه‌ها، حذف موانع و تسریع زمان حمل و نقل که برای همه اقلام کشاورزی اعمال خواهد شد.
- گفتگوها پس از نشست وزیران کشورهای عضو سازمان تجارت جهانی در جزیره بالی ادامه یافت و کشورهای عضو در اواخر نوامبر ۲۰۱۴ برای انجام موافقت‌نامه تسهیل تجاری و سایر اصلاحات و تعهد برای بررسی راه‌حل دائمی در زمینه برنامه‌های تدارک مواد غذایی برای اهداف امنیت غذایی توافق نمودند. اعضا همچنین برای توسعه و توافق در زمینه برنامه کار آتی تعهد شده در تصمیمات بالی تا ژوئیه ۲۰۱۵ به توافق رسیدند.



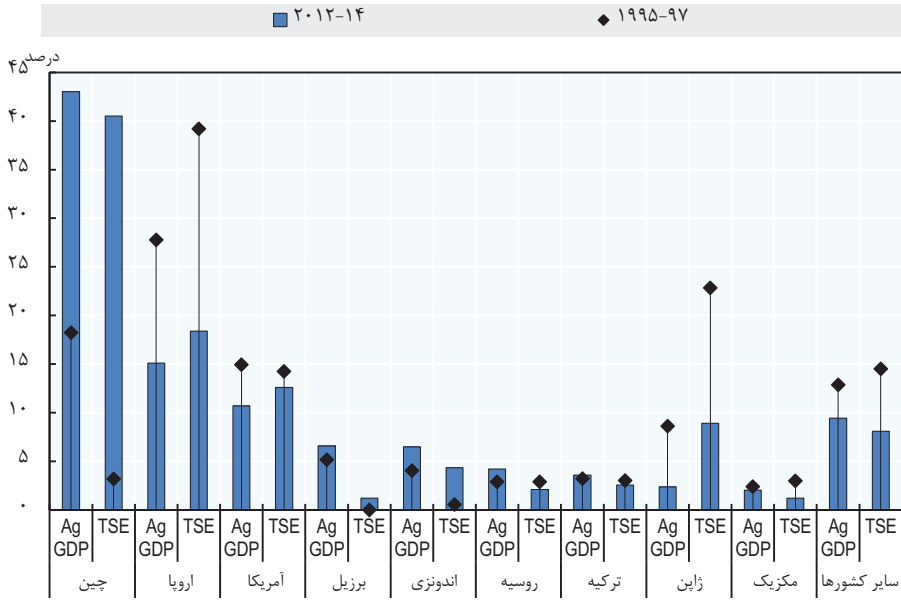
شکل ۲-۷- مباحث بحث شده در مذاکرات چند جانبه بالی

۲-۴- تحولات در حمایت از کشاورزی

در این بخش بر اساس مجموعه‌ای از شاخص‌های حمایتی OECD ارزیابی کمی از سیاست‌های حمایتی کشاورزی ارائه می‌گردد و این شاخص‌ها بیانگر تنوع اقدامات حمایتی مورد استفاده در کشورهای مختلف عضو سازمان همکاری اقتصادی و توسعه می‌باشند.

تغییر نقش کشورها در میزان حمایت از کشاورزی از دهه ۱۹۹۰ تا کنون

کشورهای مشمول این گزارش ۸۸ درصد از ارزش افزوده کشاورزی جهان را به خود اختصاص می‌دهند، اما موقعیت نسبی آن‌ها، همان‌گونه که از سهم آن‌ها در کل تولید ناخالص داخلی کشاورزی می‌توان مشاهده نمود، در گذر زمان دچار تغییرات مهمی شده است (نمودار ۲-۲).



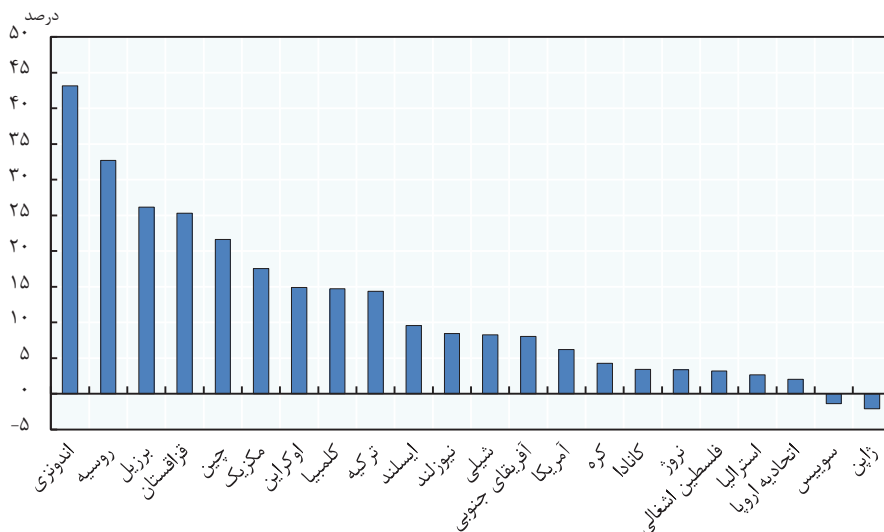
نمودار ۲-۲- سهم کشورها در کل تولید ناخالص داخلی کشاورزی و حمایت کل در سال‌های ۲۰۱۲-۱۴ و ۱۹۹۵-۹۷

چین در سال‌های اخیر، بیش از ۴۳ درصد از کل تولید ناخالص داخلی کشاورزی کشورهای مشمول این گزارش را به خود اختصاص داده است و سیاست‌های حمایتی از این بخش را نیز افزایش داده است. میزان کل حمایت‌ها در بخش کشاورزی از طریق شاخص برآورد کل حمایت از بخش کشاورزی (TSE) در نمودار ۲-۲ به تصویر کشیده شده است. اتحادیه اروپا (۴۰ درصد)، ژاپن (۲۳ درصد) و آمریکا (۱۴ درصد) بیشترین حمایت را در اواسط دهه ۱۹۹۰ به خود اختصاص دادند در حالی که سهم چین (۴ درصد) به لحاظ حمایت سیاستی در این دوره نسبتاً کوچک بود. در حال حاضر، چین به طور بسیار فزاینده‌ای (۴۰ درصد) از بخش کشاورزی خود حمایت می‌کند در حالی که اتحادیه اروپا (۱۵ درصد)، آمریکا (۱۳ درصد) و ژاپن (۹ درصد) میزان حمایت کل خود از بخش کشاورزی را کاهش داده‌اند.

فصل دوم: بررسی و ارزیابی تحولات سیاست‌های کشاورزی کشورها □ ۸۵

انتقال پولی به بخش کشاورزی

انتقالات پولی مربوط به حمایت از کشاورزی، که از طریق شاخص کل حمایت (TSE) اسمی اندازه‌گیری می‌شود (نمودار ۲-۳). ارزش پولی کل حمایت کشاورزی در اندونزی، روسیه، برزیل، قزاقستان و چین در طول زمان افزایش یافته به طوری که متوسط نرخ رشد واقعی سالانه شاخص کل حمایت طی سال‌های ۲۰۱۴-۱۹۹۵ به ترتیب ۴۳ درصد، ۳۳ درصد، ۲۶ درصد و ۲۲ درصد بوده است.



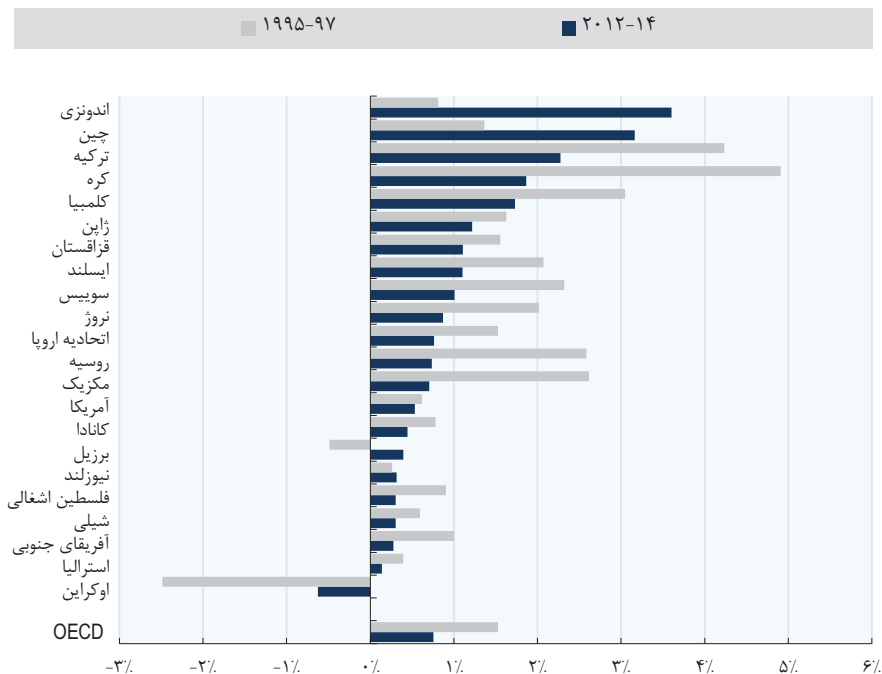
نمودار ۲-۳- سیر تحول متوسط نرخ رشد واقعی سالانه شاخص کل حمایت طی سال‌های ۱۹۹۵-۲۰۱۴

کاهش هزینه نسبی حمایت کشاورزی در طول زمان

در اکثر کشورهای تحت پوشش این گزارش به جز چین، اندونزی و برزیل درصد کل حمایت نسبت به تولید ناخالص داخلی کاهش یافته است (نمودار ۲-۴). درصد کل حمایت از تولید ناخالص داخلی در اندونزی بین سال‌های ۱۹۹۵-۹۷ تا ۲۰۱۲-۱۴، از ۰٫۸ درصد به ۳/۶ درصد رسیده است که جایگاه این کشور را از لحاظ انتقال منابع به کشاورزی نسبت به اندازه اقتصاد در بالاترین رده قرار داده است. در کشور چین نیز

این نسبت از ۱/۴ درصد در سال‌های ۹۷-۱۹۹۵ به ۳/۲ درصد در سال ۱۴-۲۰۱۲ افزایش یافته است. این افزایش نسبت در اندونزی و چین با وجود کاهش سهم بخش کشاورزی در اقتصاد این دو کشور اتفاق افتاده است. لازم به ذکر است که کاهش سهم بخش کشاورزی در اقتصاد اندونزی کمتر از چین بوده است. برزیل، که از بخش کشاورزی خود در اواسط دهه ۱۹۹۰ مالیات می‌گرفت، اکنون حمایت مثبتی از کشاورزی در حدود ۰/۴ درصد تولید ناخالص داخلی خود فراهم می‌آورد. در سایر اقتصادهای نوظهور، برآورد حمایت کل در دوره اخیر به ۱/۷ درصد در کلمبیا، ۱/۱ درصد در قزاقستان، ۰/۷ درصد در روسیه و ۰/۳ درصد در آفریقای جنوبی کاهش یافته است. در کشورهای عضو OECD، نسبت کل حمایت کشاورزی به تولید ناخالص داخلی نصف گردید و از ۱/۵ درصد در سال‌های ۹۷-۱۹۹۵ به کمتر از ۰/۸ درصد در سال‌های ۱۴-۲۰۱۲ رسید. این کاهش بیشتر در کشورهایی روی داد که به لحاظ هزینه نسبی حمایت کشاورزی در گذشته در بالاترین سطح بودند؛ از جمله این کشورها می‌توان به سوئیس و مکزیک اشاره نمود. با این وجود، این نسبت در ترکیه، کره جنوبی، ژاپن، ایسلند و سوئیس هنوز نسبتاً بالاست و از یک درصد تولید ناخالص داخلی نیز فراتر می‌رود. البته برای ترکیه، این امر به طور عمده منعکس کننده سهم نسبتاً بالای بخش کشاورزی در کل اقتصاد است در حالی که برای سایر کشورها که کشاورزی سهم به مراتب کوچکتری در اقتصاد آن‌ها دارد، این امر به طور عمده به دلیل حمایت بالاست.

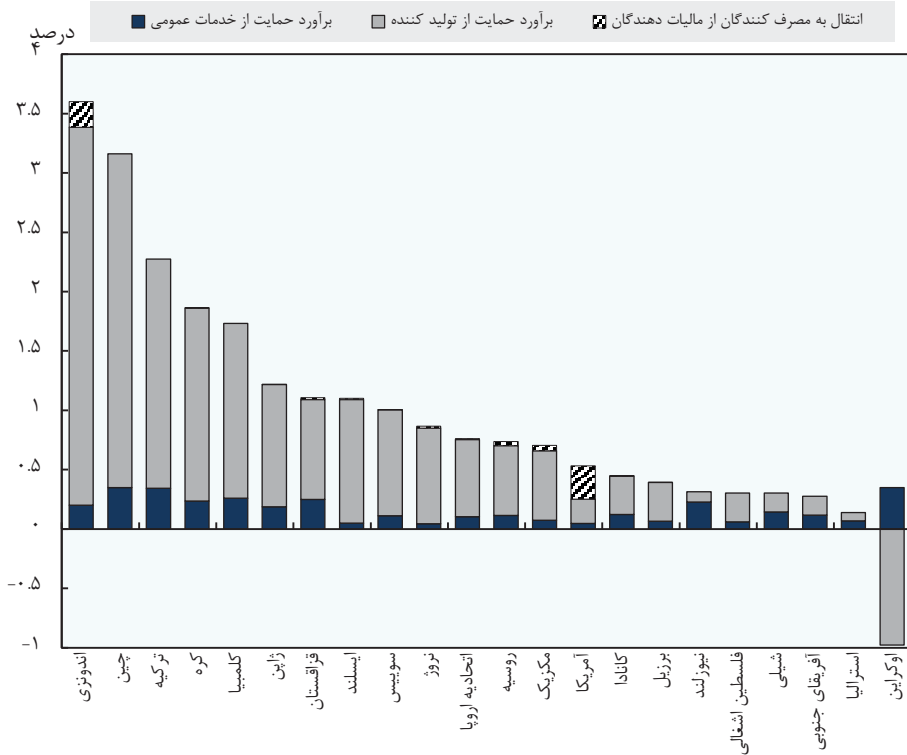
فصل دوم: بررسی و ارزیابی تحولات سیاست‌های کشاورزی کشورها □ ۸۷



نمودار ۲-۴- درصد کل حمایت نسبت به تولید ناخالص داخلی در سال‌های ۱۹۹۵-۹۷ و ۲۰۱۲-۱۴

حمایت از تولیدکننده کشاورزی در بالاترین سطح؛ حمایت از خدمات عمومی اندک

در نمودار ۲-۵ شاخص کل حمایت به اجزای اصلی آن تجزیه می‌شود. شاخص حمایت از تولیدکننده به طور متوسط بیش از ۸۰ درصد از کل حمایت را در اکثر کشورهای مورد بررسی به خود اختصاص داده است. تنها در آمریکا شاخص حمایت از مصرف‌کننده سهم بزرگتری از کل حمایت را به خود اختصاص داده و در نیوزلند، هزینه خدمات عمومی بیشترین حمایت از کشاورزی را تشکیل می‌دهد. حمایت از خدمات عمومی نیز در کشورهای استرالیا، شیلی، آفریقای جنوبی نسبتاً زیاد و حدود نیمی از کل حمایت را به خود اختصاص داده‌اند.



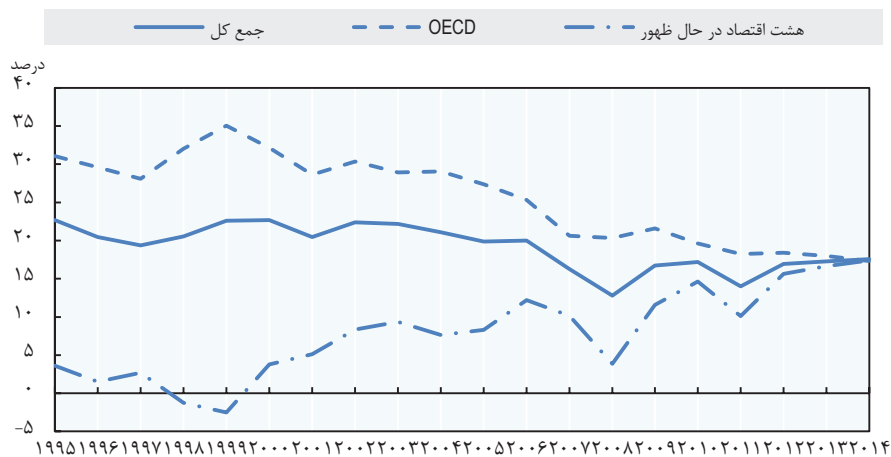
نمودار ۲-۵- ترکیب درصد حمایت کل از تولید ناخالص داخلی در سال‌های ۱۴-۲۰۱۲

همگرایی متوسط حمایت از تولیدکنندگان کشاورزی در کشورهای عضو OECD و اقتصادهای نوظهور

در کشورهای مشمول این گزارش، به طور متوسط حدود یک ششم دریافتی‌های ناخالص کشاورزی ناشی از سیاست‌های حمایت عمومی از کشاورزان می‌باشد (نمودار ۲-۶). درصد شاخص حمایت از تولیدکننده طی سال‌های ۱۴-۲۰۱۲ در حدود ۱۷ درصد بوده که در سال‌های اخیر به میزان ناچیزی در حال افزایش می‌باشد. این افزایش سال به سال، نسبت به تغییرات صریح سیاستی به طور عمده بیشتر به دلیل تحولات در قیمت‌های جهانی محصولات کشاورزی، افزایش تولید کالاهای حمایت شده و تغییرات

فصل دوم: بررسی و ارزیابی تحولات سیاست‌های کشاورزی کشورها □ ۸۹

نرخ ارز می‌باشد. به طور میانگین، میزان حمایت در درازمدت، روند نزولی داشته و درصد برآورد حمایت تولید کننده در تمامی کشورها از ۲۱ درصد در سال‌های ۹۷-۱۹۹۵ به ۱۷ درصد در سال‌های ۱۴-۲۰۱۲ کاهش یافته است. در طی این سال‌ها، سطح حمایت در کشورهای OECD رو به کاهش است اما در کشورهای نوظهور به طور متوسط روند حمایت صعودی است. هرچند در این اواخر هر دو گروه کشورها در سطح حمایت همگرا شده‌اند. در واقع محرک اصلی این روند صعودی، افزایش حمایت در اندونزی، چین و نیز قزاقستان بوده است.

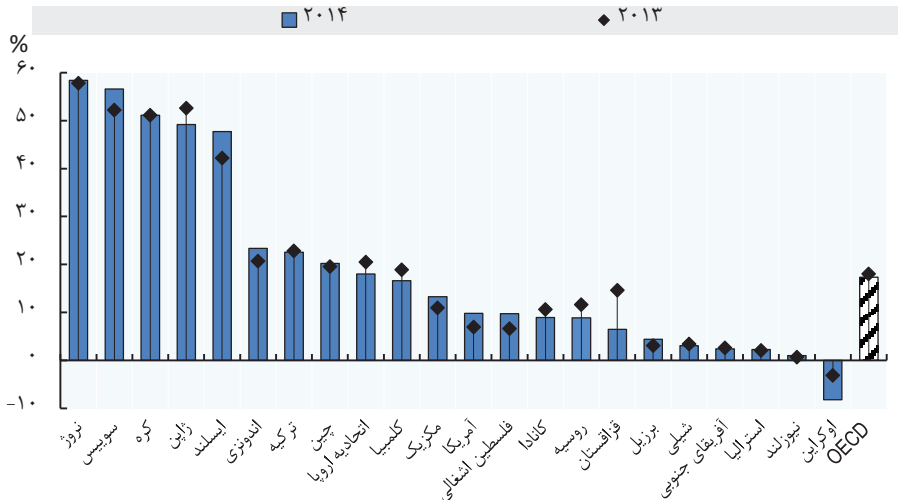


نمودار ۲-۶- تغییر درصد برآورد حمایت از تولیدکننده از دریافتی‌های ناخالص کشاورزی در سال‌های ۱۹۹۵-۲۰۱۴

تغییرات نامتوازن کوتاه‌مدت و بلندمدت حمایت از تولید کننده در میان کشورها

تغییرات حمایت از تولیدکننده در میان کشورهای مجزا به طور متوسط بین سال‌های ۲۰۱۳ و ۲۰۱۴ بسیار نامتوازن بود به طوری که در برخی کشورها با افزایش و در برخی دیگر با کاهش مواجه بود (نمودار ۲-۷).

۹۰ □ سیاست‌های حمایتی بخش کشاورزی

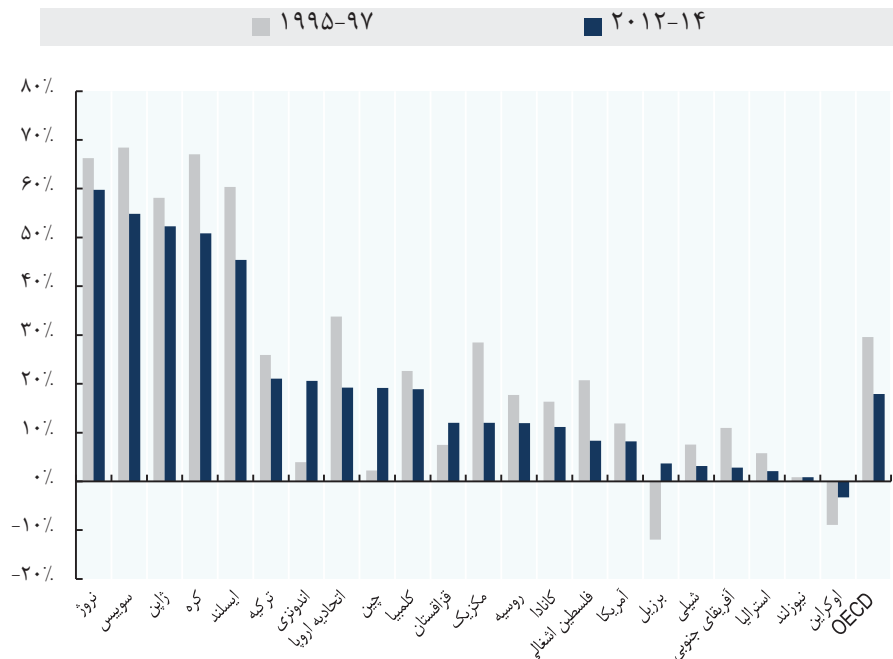


نمودار ۲-۷- درصد شاخص حمایت از تولیدکننده از دریافتی‌های ناخالص کشاورزی سال‌های ۲۰۱۴ و ۲۰۱۳

حمایت از تولیدکننده در ایسلند (۶ درصد)، سوئیس (۴ درصد)، فلسطین اشغالی، اندونزی، آمریکا (هرکدام ۳ درصد)، مکزیک (۲ درصد)، برزیل، چین و نروژ (هرکدام ۱ درصد) افزایش یافته است در حالی که این حمایت‌ها در قزاقستان (۸ درصد)، ژاپن و روسیه (۳ درصد)، اتحادیه اروپا، کلمبیا و کانادا (۲ درصد) کاهش یافته است. در اوکراین، به دلیل بی‌ثباتی سیاسی و اقتصادی از کشاورزان مالیات گرفته می‌شود و این میزان در سال ۲۰۱۴ افزایش یافته است. در سایر کشورها شاخص حمایت از تولیدکننده تقریباً به همان میزان سال قبل بوده است. تغییرات بلندمدت در سطوح حمایت تولیدکننده در نمودار ۲-۸ بیشتر محسوس می‌باشد. در نروژ، سوئیس، ژاپن، کره جنوبی و ایسلند، بیش از ۴۰ درصد دریافتی‌های ناخالص کشاورزی هنوز هم ناشی از حمایت کشاورزی می‌باشند، در حالی که امروزه، استرالیا، نیوزلند، آفریقای جنوبی و شیلی دارای سطوح حمایتی کمتر از ۳ درصد دریافتی ناخالص کشاورزی می‌باشند. اندونزی، چین، قزاقستان و برزیل، شاهد افزایش سطوح حمایت در طول زمان بوده‌اند و در مورد اندونزی و چین این حمایت از متوسط کشورهای OECD پیشی گرفته است.

فصل دوم: بررسی و ارزیابی تحولات سیاست‌های کشاورزی کشورها □ ۹۱

اوکراین تنها کشوری است که هنوز از بخش کشاورزی خود مالیات می‌گیرد هرچند سطح مالیات به حدود ۳ درصد دریافتی ناخالص کشاورزی کاهش یافته است.



نمودار ۲-۸- درصد شاخص حمایت از تولیدکننده از دریافتی ناخالص کشاورزی در سال‌های ۱۹۹۵-۹۷ و ۲۰۱۲-۱۴

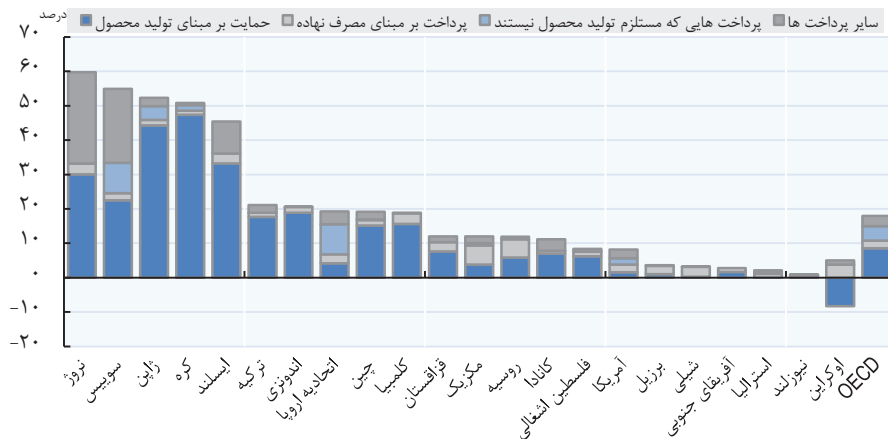
تفاوت رویکرد سیاستی در ابزارهای اجرایی سیاستی

ترکیب حمایت مسلماً به میزان کل حمایت دارای اهمیت می‌باشد. کمک‌ها می‌توانند از طریق حمایت از قیمت‌های بازار یا اعطای یارانه برای کاهش هزینه نهاده‌ها ارائه شوند. حمایت می‌تواند در قالب پرداخت به ازای هر هکتار، به ازای دام و یا به عنوان پرداخت بر درآمد کشاورزان صورت گیرد. حمایت ممکن است تحت شرطی که کشاورزان عملاً مشغول تولید هستند و یا بدون چنین شرطی صورت گیرد. پرداخت‌ها را می‌توان مشروط به رعایت شیوه‌های تولیدی خاص نمود. این تمایزات مهم هستند

۹۲ □ سیاست‌های حمایتی بخش کشاورزی

زیرا حمایت‌های صورت گرفته در این شیوه‌های متمایز، تأثیرات مختلفی بر تولید، تجارت و درآمد کشاورزی دارند. همچنین ممکن است برخی از اشکال حمایت برای هدف‌گیری اهداف و ذینفعان خاص مناسب‌تر باشند. به عنوان مثال، حمایت بر اساس سطح زیر کشت، دام نگهداری شده، یا درآمد مزرعه می‌تواند مزارع یا مکان‌های ویژه را هدف‌گیری نماید و مقدار مبلغ سرمایه‌گذاری می‌تواند بر اساس مسأله مورد نظراختصاص داده شود.

نمودار ۲-۹ نشان می‌دهد که کشورها تا حد زیادی در ترکیب حمایت از تولیدکنندگان متفاوت عمل می‌کنند. ژاپن، کره جنوبی، اندونزی، فلسطین اشغالی، ترکیه، کلمبیا، چین، قزاقستان و ایسلند از جمله کشورهایی هستند که بیشترین حمایت را در قالب تأثیر بر قیمت‌های بازار و از طریق پرداخت‌های مرتبط به میزان تولید انجام می‌دهند که بیش از ۷۰ درصد از شاخص حمایت از تولیدکننده در سال‌های ۱۴-۲۰۱۲ را به خود اختصاص می‌دهند.



نمودار ۲-۹- ترکیب درصد شاخص حمایت از تولیدکننده از دریافتی ناخالص کشاورزی در سال‌های ۱۴-۲۰۱۲

در سوئیس، روسیه، نروژ و کانادا حمایت بر مبنای تولید و قیمت بازار بین یک

فصل دوم: بررسی و ارزیابی تحولات سیاست‌های کشاورزی کشورها □ ۹۳

سوم تا دو سوم از کل حمایت تولیدکننده را تشکیل می‌دهد. در اوکراین، حمایت بر مبنای تولید منفی و حاکی از این است که، قیمت‌های دریافتی تولیدکنندگان پایین‌تر از قیمت‌های بازار است و عملاً بر آن‌ها مالیات بسته شده است. حمایت از نهاده‌های مورد استفاده، بخش مهمی از اقدامات حمایتی در شیلی (بالای ۹۰ درصد)، برزیل (۶۰ درصد)، و مکزیک (۴۷ درصد) و به میزان کمتر در روسیه و اوکراین را تشکیل می‌دهد.

سایر کشورهای تحت پوشش این گزارش، بیشترین حمایت را از طریق پرداخت مالی مالیات‌بندی شده^۱ بر اساس سطح زیر کشت، تعداد دام، درآمد کشاورز انجام می‌دهند. در تعدادی از کشورها سهم چنین پرداخت‌هایی در شاخص حمایت تولیدکننده پس از سال‌های ۹۷-۱۹۹۵ افزایش قابل توجهی داشته است (نمودار ۲-۱۰). این افزایش برای اتحادیه اروپا از ۳۲ درصد به ۶۰ درصد، آمریکا از ۲۱ درصد به ۴۷ درصد، سوئیس از ۲۴ درصد به ۴۴ درصد و استرالیا از ۱۵ درصد به ۴۴ درصد در مقایسه با سایر کشورها قابل توجه‌تر بود هرچند در استرالیا، این پرداخت‌ها به لحاظ ارزشی بسیار ناچیز می‌باشد. قزاقستان و مکزیک نیز شاهد افزایش زیادی بوده‌اند، اما این پرداخت‌ها کمتر از یک چهارم شاخص حمایت از تولیدکننده را تشکیل می‌دهد.

حرکت به سمت سیاست‌های کمتر انحرافی

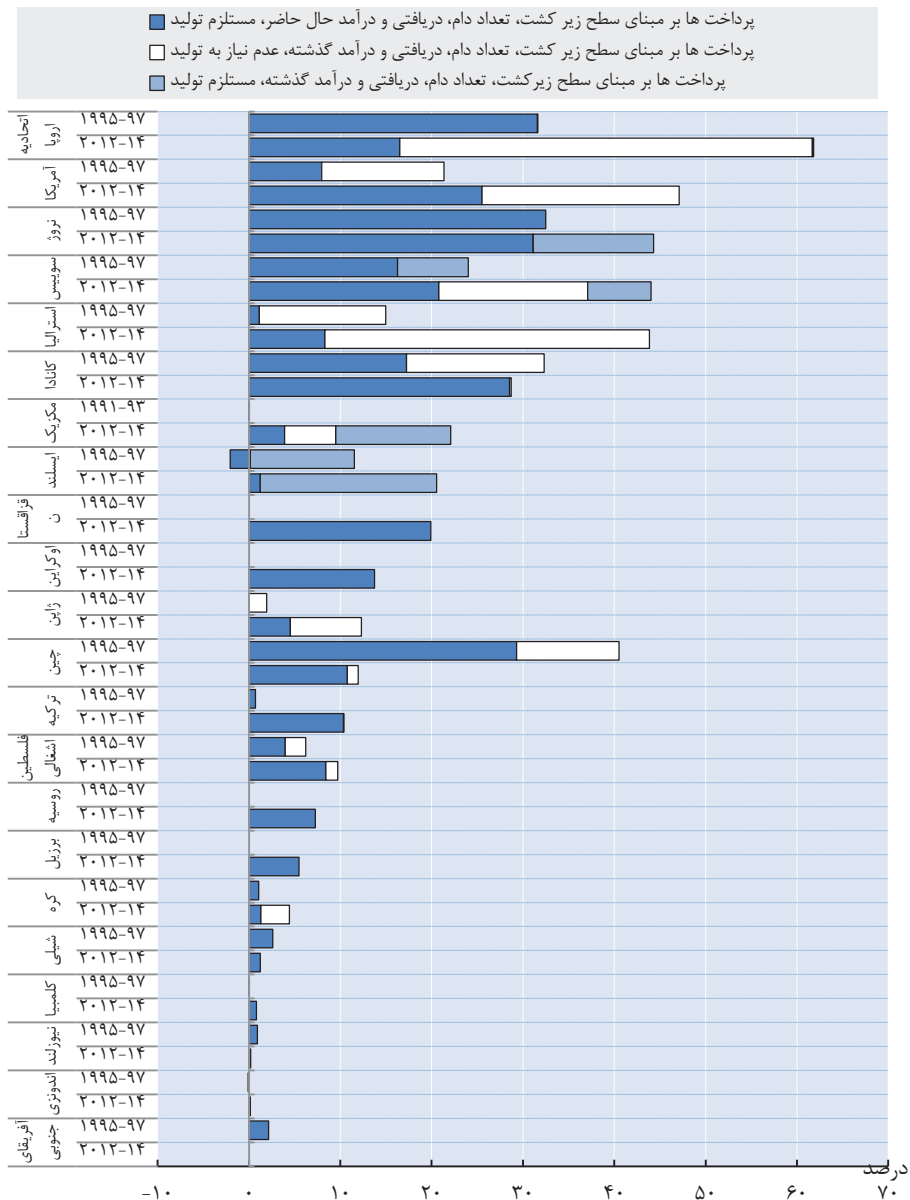
ضریب حمایت اسمی تولیدکننده نشان می‌دهد که قیمت‌های دریافتی کشاورزان تا چه اندازه از قیمت‌های بازارهای بین‌المللی متفاوت می‌باشد. نمودار ۲-۱۱ نشان می‌دهد که فقط قیمت‌های دریافت شده توسط تولیدکنندگان در استرالیا، شیلی، نیوزلند و برزیل با سطوح بین‌المللی مطابقت دارند. در سایر کشورها، قیمت‌های دریافتی تولیدکنندگان به طور متوسط بالاتر از قیمت‌های مرزی هستند، به استثنای اوکراین که قیمت تولیدکننده پایین‌تر از قیمت مرزی می‌باشد. در کشورهایی چون کره جنوبی، ژاپن، نروژ، ایسلند و

1. Tax-Financed Payments

سوئیس که سابقه حمایت قیمتی در سطوح بالا را دارند، واگرایی بین قیمت‌های داخلی و مرزی به شدت کاهش یافته است. با وجود این کاهش‌ها، شکاف‌های مثبت بین قیمت‌های داخلی و بین‌المللی در این کشورها، بویژه در کره جنوبی و ژاپن همچنان قابل توجه است. در مقابل، قیمت‌های داخلی در چین و اندونزی که نزدیک به سطوح بین‌المللی در دوره ۹۷-۱۹۹۵ بودند در سال‌های اخیر به‌طور قابل توجهی افزایش یافته‌اند، و در حال حاضر بیش از ۲۰ درصد بالاتر از سطح بین‌المللی می‌باشند. همچنین اکثر کشورها از حمایت مبتنی بر تولید محصول به سمت انواع دیگر حمایت‌ها که غیرمرتبط به تولید محصول می‌باشند، تغییر جهت می‌دهند تا کشاورزان از انعطاف بیشتری در تولید برخوردار شوند و در نتیجه در تصمیم‌گیری‌های تولید به علائم بازار توجه نمایند. میزان حمایت‌های مرتبط به محصولات مجزا از طریق شاخص انتقالات تک محصولی (SCT)^۱ اندازه‌گیری می‌شود.

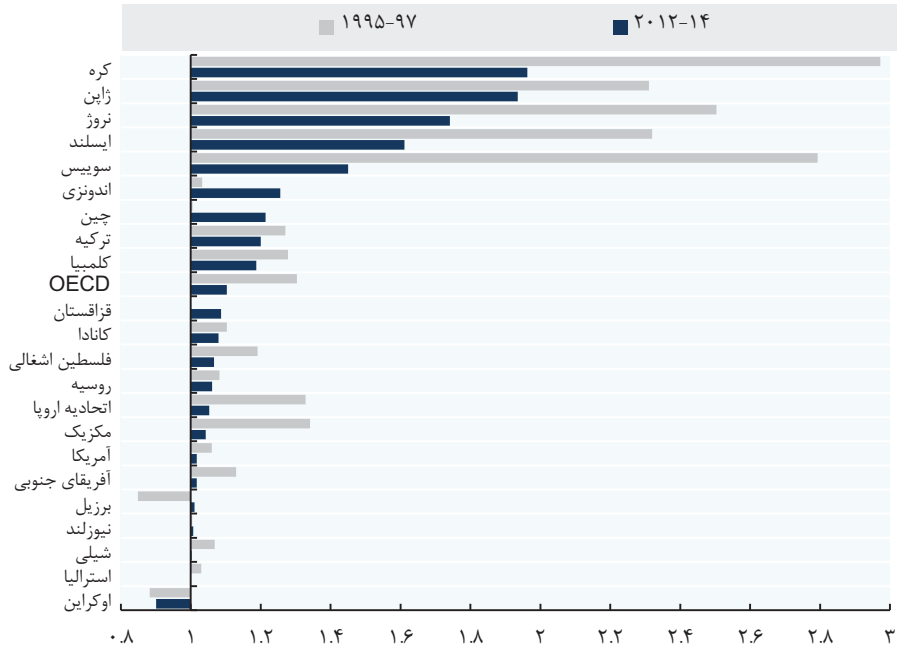
1. Single Commodity Transfers (SCT)

فصل دوم: بررسی و ارزیابی تحولات سیاست‌های کشاورزی کشورها □ ۹۵



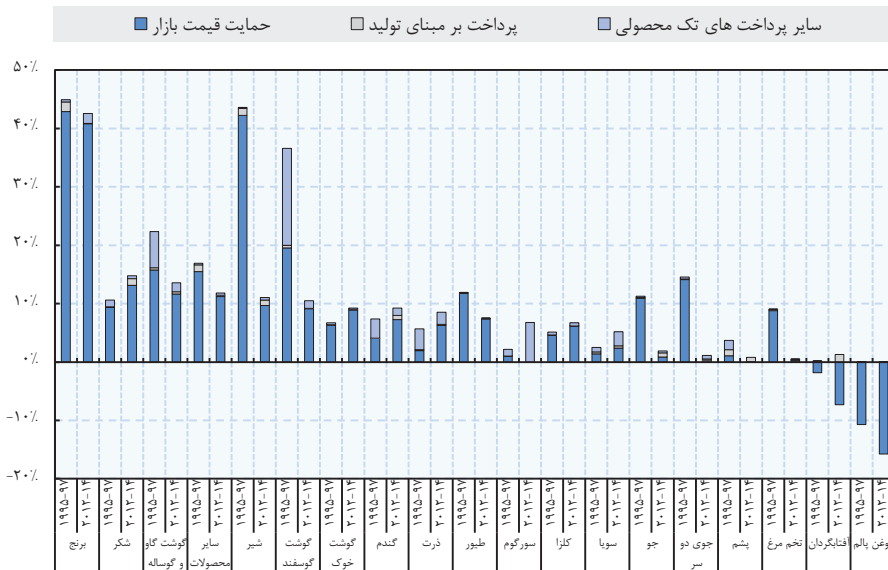
نمودار ۲-۱۰ درصد پرداخت‌ها از شاخص حمایت از تولیدکننده در سال ۱۹۹۵-۹۷ و ۲۰۱۲-۱۴

۹۶ □ سیاست‌های حمایتی بخش کشاورزی



نمودار ۲-۱۱- ضریب حمایت اسمی تولیدکننده به تفکیک کشور در سال‌های ۱۹۹۵-۹۷ و ۲۰۱۲-۱۴

فصل دوم: بررسی و ارزیابی تحولات سیاست‌های کشاورزی کشورها □ ۹۷



نمودار ۲-۱۲- درصد شاخص انتقالات تک محصولی از دریافتی‌های ناخالص کشاورزی در سال ۱۹۹۵-۹۷ و ۲۰۱۲-۱۴

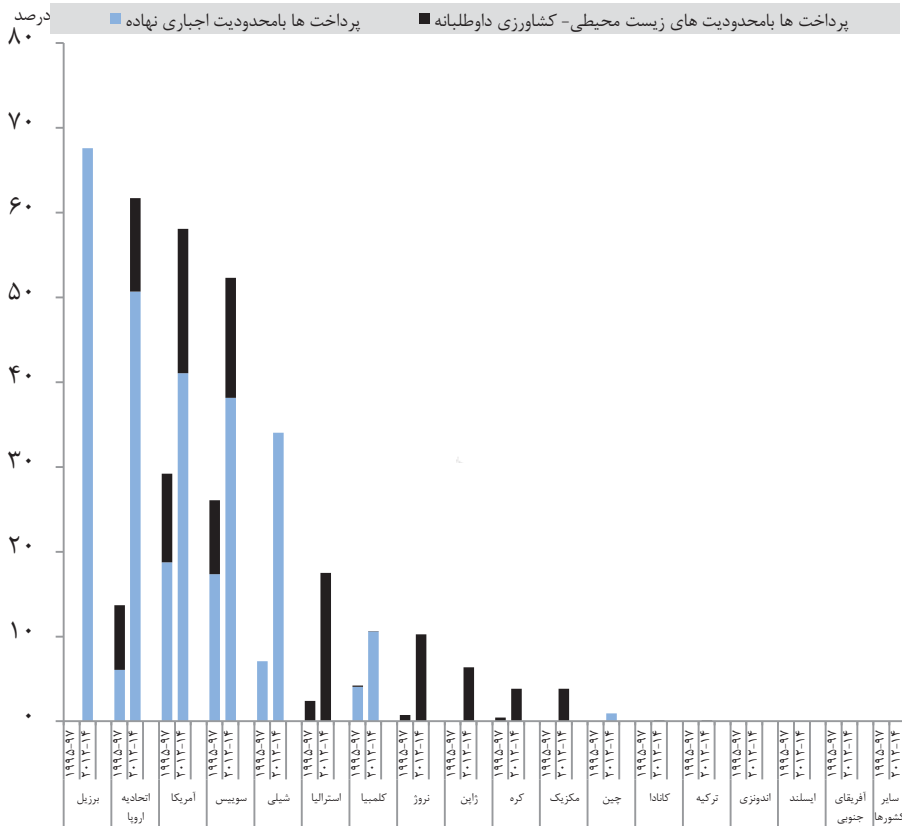
به طور کلی شاخص انتقالات تک محصولی کاهش یافته است، هرچند افزایش را در برخی از محصولات مثل سویا و سورگوم می‌توان مشاهده کرد. مالیات بر صادرات، یک محرک حمایت منفی برای دانه آفتابگردان در روسیه و اوکراین و روغن پالم در اندونزی بود. این دو، تنها محصولاتی هستند که بر آن‌ها مالیات بسته شده و در طول زمان افزایش یافته است. میانگین شاخص انتقالات تک محصولی به لحاظ ارزشی کمتر از ۲۰ درصد دریافتی ناخالص محصولات بود که در این بین برنج به دلیل این‌که هنوز دو سوم از دریافتی ناخالص را تشکیل می‌دهد استثنا بود (نمودار ۲-۱۲).

مشروط نمودن پرداخت‌ها به شیوه‌های تولید خاص

در پرداخت مستقیم سه رویکرد عمده وجود دارد: اولین رویکرد این است که پرداخت به شیوه تولید مشخص مشروط شود. شیلی، اتحادیه اروپا، سوئیس و آمریکا این شیوه

۹۸ □ سیاست‌های حمایتی بخش کشاورزی

پرداخت مستقیم را به کار می‌گیرند که می‌تواند نیمی از کل حمایت کشاورزان را تحت پوشش قرار دهد (نمودار ۲-۱۳). دوم، حمایت از کشاورزان از طریق یارانه نهاده‌های تولید می‌تواند مشمول محدودیت‌هایی گردد که مقدار کل مورد استفاده یا نوع نهاده خریداری شده با یارانه، برای نمونه بذرها، کودها و آفت‌کش‌ها را محدود نماید. در برزیل شکلی از یارانه نهاده‌ای مشروط ایجاد شده که تمام برنامه‌های اعتباری و بیمه‌ای را مشمول رعایت یک برنامه منطقه‌ای نموده است.



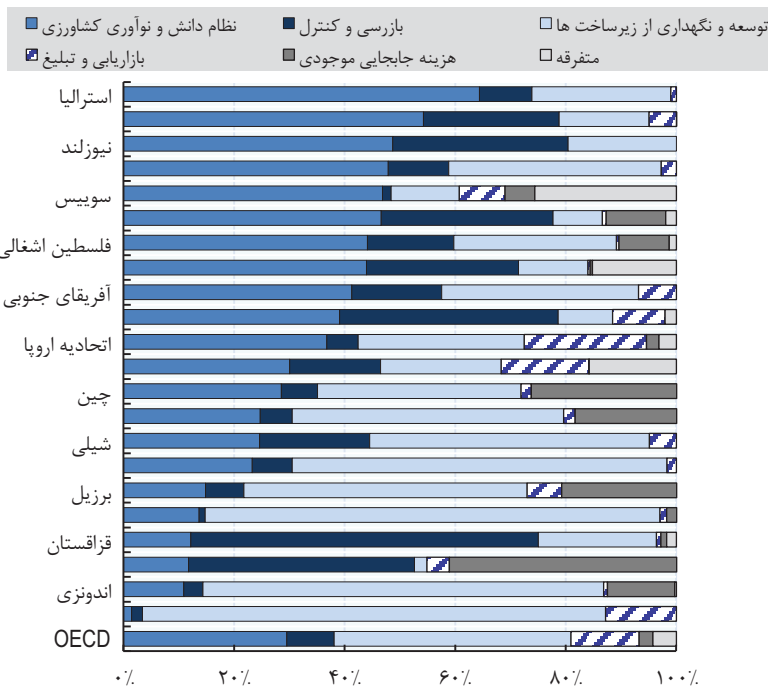
نمودار ۲-۱۳ - درصد حمایت مشروط به اتخاذ شیوه‌های تولید نسبت به کل حمایت تولیدکنندگان در سال ۱۹۹۵-۹۷ و ۲۰۱۲-۱۴

فصل دوم: بررسی و ارزیابی تحولات سیاست‌های کشاورزی کشورها □ ۹۹

سوم، پرداخت‌ها می‌توانند در دسترس کشاورزانی قرار گیرند که تصمیم می‌گیرند در برنامه‌های کشاورزی زیست محیطی خاص مشارکت نمایند و از این رو مشمول محدودیت‌های زیست محیطی داوطلبانه قرار می‌گیرند.

تخصیص منابع محدود به خدمات عمومی بخش کشاورزی

علاوه بر حمایتی که به طور مجزا برای تولیدکنندگان بخش در نظر گرفته می‌شود، بخش کشاورزی از طریق تأمین مالی خدمات عمومی کشاورزی، نیز مورد حمایت قرار می‌گیرد. در نیوزلند، استرالیا، شیلی و آفریقای جنوبی سهم بزرگی از حمایت‌ها به زیرساخت‌ها که برای توسعه بلندمدت بخش حیاتی هستند، اختصاص داده شده است و اولویت مربوط به این هزینه‌ها می‌باشند (نمودار ۲-۱۴).



نمودار ۲-۱۴- ترکیب سهم درصدی شاخص حمایت از خدمات عمومی در سال‌های

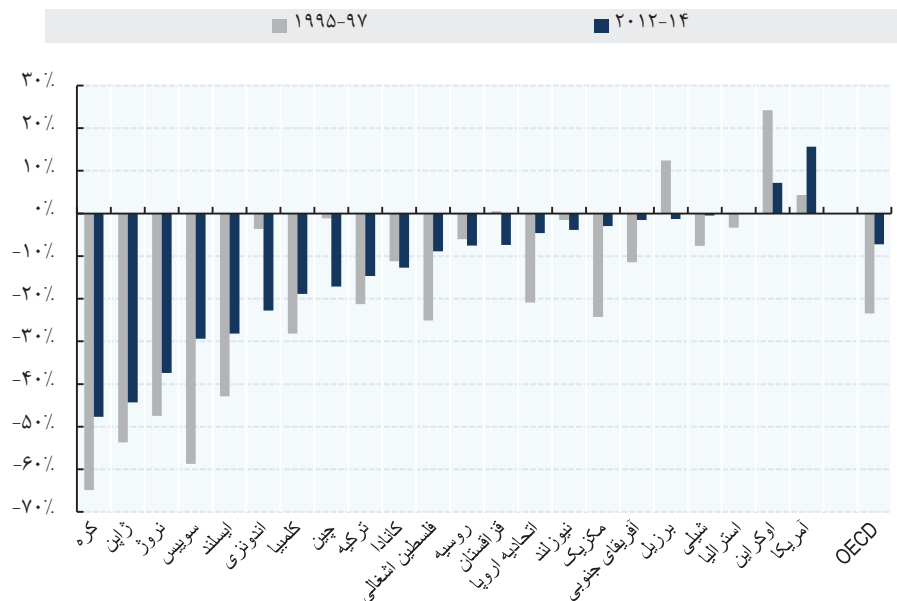
۲۰۱۲-۱۴

حمایت از نظام دانش و نوآوری کشاورزی عمده‌ترین گروه در سال‌های ۱۴-۲۰۱۲ بودند که در مبحث حمایت از خدمات عمومی در استرالیا، نروژ، نیوزلند، مکزیک، سوئیس، اوکراین، فلسطین اشغالی و روسیه به آن توجه گردید. در ترکیه، اندونزی، ژاپن، کلمبیا، برزیل، شیلی و کره جنوبی بیشترین حمایت از زیرساخت‌ها می‌باشد. قزاقستان، سهم زیادی از هزینه‌های خدمات عمومی کشاورزی را به خدمات بازرسی و کنترل اختصاص داده است. در ایسلند، خدمات بازرسی و کنترل به همراه هزینه‌های ذخیره‌سازی عمومی و در کانادا سیستم دانش و نوآوری جز مولفه‌های عمده حمایت از خدمات عمومی کشاورزی به شمار می‌آیند. در آفریقای جنوبی و چین نیز بخش عمده منابع به سیستم‌های دانش و نوآوری و در اتحادیه اروپا و آمریکا حمایت از خدمات عمومی کشاورزی عمدتاً به سیستم دانش و نوآوری کشاورزی، بازاریابی و تبلیغ، و بازرسی و کنترل اختصاص داده شده است.

تقبل هزینه‌های تولید توسط مصرف‌کنندگان محصولات کشاورزی در بسیاری از کشورها

سیاست‌های کشاورزی بر مصرف‌کنندگان نیز تأثیر می‌گذارد، زیرا آن‌ها محصولات کشاورزی را در بازار داخلی با قیمت‌هایی خرید می‌نمایند که به واسطه سیاست‌های حمایت از تولیدکننده تغییر کرده‌اند. اکثر کشورهای مشمول این گزارش بر مصرف‌کنندگان خود مالیات می‌بندند (نمودار ۲-۱۵)، با این وجود سطح مالیات‌بندی به طور قابل توجهی متفاوت می‌باشد. به طور کلی اکثر کشورها مالیات ضمنی خود بر مصرف‌کنندگان را بین سال‌های ۹۷-۱۹۹۵ و ۱۴-۲۰۱۲ کاهش داده‌اند اگرچه در شماری از کشورها از جمله ایسلند، ژاپن، کره جنوبی، نروژ و سوئیس، درصد شاخص حمایت از مصرف‌کننده هنوز قابل توجه و در حدود ۳۰- درصد یا بیشتر می‌باشد.

فصل دوم: بررسی و ارزیابی تحولات سیاست‌های کشاورزی کشورها □ ۱۰۱



نمودار ۲-۱۵- درصد شاخص حمایت از مصرف کننده به تفکیک کشور در سال‌های ۱۹۹۵-۹۷ و ۲۰۱۲-۱۴

استرالیا، شیلی و نیوزلند از جمله کشورهایی هستند که در آنجا مالیات ضمنی بر مصرف‌کنندگان بسیار ناچیز می‌باشد، که این امر به طور عمده ناشی از فقدان حمایت قابل توجه از قیمت بازار در این کشورها می‌باشد. آمریکا و اوکراین تنها دو کشوری هستند که از مصرف‌کنندگان حمایت می‌کنند. در اوکراین این حمایت از طریق کاهش قیمت محصولات صورت می‌پذیرد و در آمریکا گسترش برنامه کمک غذایی منجر به افزایش قابل توجه شاخص حمایت از مصرف‌کننده از ۴/۳ درصد در دوره ۱۹۹۵-۹۷ به ۱۵/۶ درصد در دوره ۲۰۱۲-۱۴ منجر گردیده است و آمریکا را به یک کشور با بالاترین حمایت از مصرف‌کننده در بین کشورهای مشمول این گزارش تبدیل کرده است.

ارزیابی حمایت‌ها و اصلاحات

در مجموع، کشورهای مشمول این گزارش سالانه به‌طور متوسط ۶۰۱ میلیارد دلار آمریکا (۴۵۰ میلیارد یورو) از تولیدکنندگان کشاورزی در سال‌های ۱۴-۲۰۱۲ حمایت کرده‌اند و به میزان ۱۳۵ میلیارد دلار آمریکا (۱۰۳ میلیارد یورو) در زمینه خدمات عمومی صرف نمودند که از کارکرد بخش حمایت نمایند.

برای منطقه OECD سطح حمایت‌های تحریفی تولید و تجارت تنزل یافته است. این تغییرات با درجات مختلف و در سرعت‌های متفاوت، در گروه کشورهای که به شدت بر ابزارهای حامی قیمت و تولید متکی بودند، صورت گرفت. ابزارهایی نظیر حمایت قیمت بازار و یارانه نهاده‌ها نگران‌کننده می‌باشد، زیرا این امر موجب افزایش انحراف در بازار داخلی و بین‌المللی می‌شود. در اقتصادهای نوظهور تحت پوشش این گزارش مخارج بودجه‌ای بر زیرساخت و سایر خدمات عمومی حامی این بخش تمرکز دارند.

تمامی کشورهای تحت پوشش این گزارش می‌بایست تلاش‌های خود را برای پرداختن به مسائل بلندمدت مربوط به بهره‌وری و پایداری کشاورزی معطوف نمایند. کشاورزی آینده می‌بایست غذای بیشتری را برای جمعیت رو به رشد فراهم نماید و در رشد اقتصادی و کاهش فقر در بسیاری از کشورهای در حال توسعه نقش داشته باشد. این بخش می‌بایست به حفظ تنوع زیستی، بازیابی اکوسیستم‌های آسیب‌پذیر و کاهش اثرات جوی کمک نماید. بهبود توانایی بخش کشاورزی برای پاسخگویی به این چالش‌ها و تقویت پتانسیل اقتصادی نیاز به بهبود محیط سیاستی دارد که بخش کشاورزی در آن فعالیت می‌کند. در شرایط میانمدت‌تر دستاوردهای مهمی را می‌توان از طریق بهبود مجموعه سیاستی تحقق بخشید:

- پرداخت‌های مستقیم، اگر با اهداف و مقاصد روشنی صورت گیرند، و به خوبی برای مسأله موجود طراحی شده باشند، ممکن است وسیله کارآمدی در حوزه سیاستی خاص نظیر دستیابی به مزایای زیست محیطی و حمایت از درآمد کشاورزان به شمار آیند. حمایت کلی از زمین‌داران تقریباً هیچ زمان

فصل دوم: بررسی و ارزیابی تحولات سیاست‌های کشاورزی کشورها □ ۱۰۳

قابل توجه نمی‌باشد، هرچند پرداخت مستقیم می‌تواند نقش مهمی در فرایند اصلاح سیاست‌های کشاورزی ایفا نمایند.

- بهبود توانمندسازی محیط بخش کشاورزی به سمت کسب و کار امر مهمی می‌باشد. ضمناً نگرانی‌ها در خصوص اثرات منفی کشاورزی بر محیط زیست باید از طریق ترکیبی از راه‌حل‌های مبتنی بر بازار، مقررات و مالیات بررسی شوند.

جمع‌بندی

مسئله غذا و تأمین آن همواره برای جمعیت رو به رشد جهان نگران کننده بوده و به ویژه در کشورهای در حال توسعه صورت حادثتری پیدا کرده است. رشد و توسعه نابرابر کشورها سبب شده که تعداد بی‌شماری از مردم جهان با درجات مختلفی دچار سوء تغذیه شوند و ناامنی غذایی در برخی از کشورها تشدید گردد. افزایش رشد جمعیت در کشور قبل از هرچیز موجب افزایش تقاضا برای مواد غذایی می‌شود و از سوی دیگر افزایش درآمد به دلیل کسب درآمدی نسبتاً زیاد مواد غذایی به خصوص در کشورهای در حال توسعه به طور مستقیم مصرف و تقاضا را بالا می‌برد. اثر توأم این دو متغیر اساسی به‌ویژه در کشورهای در حال توسعه به حدی است که توسعه را با دوگانگی مواجه می‌سازد و چنانچه بخش کشاورزی به صورت فزاینده قادر به تولید غذای مورد نیاز و کافی شود، منابع کمیاب تولید می‌توانند در جهت زیرساخت‌ها به‌کار روند و فرایند توسعه را سرعت بخشند. از طرف دیگر چنانچه کشاورزی نتواند این وظیفه اصلی را ایفا کند، منابع کمیاب به‌ویژه ارز، صرف واردات مواد غذایی اساسی می‌شود و در این صورت روند توسعه به کندی می‌گراید و فاصله عرضه و تقاضا به شدت نامتعادل می‌شود و توسعه نیافتگی مزمن استمرار می‌یابد. به همین دلیل رشد و توسعه کشاورزی از اهداف عمده‌ای است که از طریق تحولات بنیادی همه جانبه در ساختار کشاورزی، مدیریت و بهره‌برداری بهینه از منابع و امکانات تولید، ساماندهی و هدایت سنجیده فعالیت‌ها در چارچوب برنامه‌ریزی علمی و منطقی تحقق می‌یابد.

دخالت دولت‌ها در بخش کشاورزی به دلیل تأمین امنیت غذایی، اهمیت ساختار بخش و ماهیت تولید، امری اجتناب ناپذیر است. در کشورهای جهان سوم بدون حمایت از بخش کشاورزی درصد عمده‌ای از کشاورزان و روستاییان با مشکلات جدی روبرو خواهند شد. این‌که حمایت چیست و چگونه باید اعمال شود باید به طور تخصصی در هر کشوری بررسی و سپس اعمال گردد. اگر سیاست‌های حمایتی به‌طور دقیق برنامه‌ریزی نشوند و گروه‌های هدف دقیقاً مشخص نباشند دارای پیامدهای منفی گسترده‌ای خواهد بود که دامنه آن از کاهش کیفیت و افزایش ضایعات گرفته تا تأثیر بر متغیرهای عمده و کلان اقتصاد چون کسری بودجه و افزایش تورم ادامه می‌یابد که تأثیر آن بر گروه‌های کم‌درآمد جامعه بیشتر از سایر اقشار خواهد بود.

به عنوان نمونه می‌توان به سیاست خرید تضمینی مصوب سال ۱۳۶۸ به منظور حمایت از تولید محصولات اساسی کشاورزی و ایجاد تعادل در نظام تولید و جلوگیری از ضایعات کشاورزی و ضرر و زیان کشاورزان که در مجلس شورای اسلامی تصویب شد اشاره کرد. متأسفانه در طول سال‌های اجرای این قانون، به دلیل ناکافی بودن اعتبارات تخصیص یافته و سایر مسائل کلان اقتصادی کشور، دولت همواره قیمت‌های پیشنهادی از سوی وزارت جهاد کشاورزی را تعدیل می‌کرد که نتیجه این کار طی سال‌های متمادی، تغییر رابطه مبادله به زیان محصولاتی بود که به نرخ تضمینی خریداری می‌شدند. به عبارتی نه تنها حمایت قیمتی مؤثر و کارا نبود بلکه مالیات ضمنی نیز از کشاورزان گرفته می‌شد. بر اساس ماده ۳۳ قانون افزایش بهره‌وری بخش کشاورزی و منابع طبیعی مصوب سال ۱۳۸۹ سیاست قیمت تضمینی به عنوان جایگزینی برای خرید تضمینی در مجلس شورای اسلامی تصویب شد. این سیاست نسبت به خرید تضمینی کم هزینه‌تر است و مزایایی چون تحمیل حداقل بار مالی به دولت در فرایند اجرای سیاست، کمک به ارتقای کیفی محصولات و تولیدات کشاورزی از طریق معاملات بورس کالای ایران، امکان تأمین مالی مورد نیاز با استفاده از نقدینگی موجود خریداران و سیستم بانکی، ایجاد شبکه گسترده بازاریابی برای محصولات کشاورزی و پرداخت وجه محصول به کشاورز در حداقل زمان ممکن را

فصل دوم: بررسی و ارزیابی تحولات سیاست‌های کشاورزی کشورها □ ۱۰۵

به همراه خواهد داشت.

با توجه به مطالب ذکر شده، در تمام کشورهای مورد بررسی در این گزارش به جز چین و اندونزی، کل حمایت از بخش کشاورزی کاهش یافته است ولی کاملاً حذف نشده است؛ این بدان معنی نیست که اهمیت بخش کشاورزی در ساختار اقتصاد کم شود بلکه کشورها در راستای پیوستن به سازمان تجارت جهانی و الزامات آن اقدامات زیادی برای اجرای درست سیاست‌ها در پیش گرفته‌اند مثل اصلاحات اداری، واقعی‌سازی سیاست‌ها و تدوین چارچوب سیاستی چندساله. با وجود این همه عوامل، وجود سازگاری و شفافیت در سیاست‌ها نیز برای موفقیت سیاست‌ها لازم می‌باشد. این کشورها حمایت‌های خود را به سمت حمایت‌های غیرقیمتی و یا پرداخت‌های بودجه‌ای که تحریفی در قیمت بازار و تجارت ایجاد نمی‌کنند برده‌اند تا هم با الزامات کاهشی سازمان تجارت جهانی هم گام باشند و هم به حمایت بخش کشاورزی خود ادامه دهند.

با توجه به مطالب گفته شده پیشنهادات زیر برای اصلاح مکانیسم فعلی و بهتر شدن ابزارهای حمایتی در ایران ارائه می‌گردد:

- تدوین چارچوب سیاستی حمایتی بلندمدت از بخش کشاورزی؛
- تنوع بخشی به ابزارهای سیاستی حمایتی در بخش کشاورزی؛
- فراهم ساختن تسهیلات لازم برای تأسیسات و امکانات برای سیاست قیمت تضمینی به منظور تنظیم بازار و تعادل بین عرضه و تقاضا؛
- کاهش یارانه‌های مصرفی و تبدیل آنها به یارانه‌های تولیدی (البته به گونه‌ای که در راستای الزامات پیوستن به سازمان تجارت جهانی باشد)؛
- تأکید بیشتر بر سیاست‌هایی که منجر به بهبود بهره‌وری و درآمد کشاورزان شود؛
- گسترش بیمه محصولات کشاورزی با هدف کاهش ریسک فعالیت‌های کشاورزی که تأثیر قابل ملاحظه‌ای بر جذب سرمایه‌گذاری و توسعه بخش کشاورزی دارد؛
- بهبود زیرساخت‌ها از جمله سیستم آبیاری، نوسازی و یکپارچه سازی اراضی و مدرنیزه کردن بخش کشاورزی در جهت تجاری شدن بخش.

فصل سوم:
ابزارهای بازاری مدیریت ریسک قیمت محصولات کشاورزی

فصل سوم در یک نگاه

ریسک‌های قیمت کالا

از رویکرد تثبیت تا رویکرد مبتنی بر بازار

ابزار مدیریت ریسک قیمت

- پیمان آتی
- قرارداد آتی
- قرارداد اختیار معامله
- قرارداد معاوضه
- بیمه

مقدمه

همان‌طور که در دو فصل قبل ذکر شد مدیریت ریسک قیمت در موفقیت بخش کشاورزی بسیار حیاتی است، و در عین حال فقدان ابزارهای قابل استفاده برای مدیریت ریسک و یا عدم درک استفاده از این ابزارها در بخش کشاورزی به شدت مشهود می‌باشد. این در حالی است که در مقایسه با بخش صنعت، بخش کشاورزی در معرض ریسک‌های غیرقابل پیش‌بینی و عدم قطعیت بیشتری قرار دارد. در سراسر زنجیره‌ی عرضه، از مرحله تولید تا بازاریابی، عملکرد کشاورزی به شدت تحت تأثیر متغیرهای برون‌زا می‌باشد:

۱. بهره‌وری و بازده محصول به شدت از عوامل غیرقابل کنترل چون اختلالات آب و هوایی، مخاطرات طبیعی و حملات آفات اثر می‌پذیرد.
۲. ریسک‌های فیزیکی مانند فساد منجر به از دست رفتن ارزش قابل توجهی از محصولات در طول دوره ذخیره‌سازی و حمل و نقل می‌شود.
۳. ریسک معاملات شامل عدم تحویل محصول و نکول طرف معامله در این بخش حکفرماست.

در حالی که کاهش بلندمدت قیمت کالاها در بسیاری از کشورهای در حال توسعه فقر را به دنبال داشته است، نوسانات قیمتی کوتاه‌مدت نیز اثرات زیان‌باری بر درآمد بخش کشاورزی دارد. عدم قطعیت درآمد نه تنها معیشت کشاورزان را تهدید می‌کند، بلکه توان جذب تسهیلات و اعتبارات این بخش را محدود نموده و آنها را در دور باطل^۱ سرمایه‌گذاری کم به دام می‌اندازد. مشکل کالای کشاورزی به درستی به عنوان ترکیبی از کاهش قیمت‌های نسبی (به عنوان مثال قیمت کالاهای خام کشاورزی با سرعت کمتری نسبت به کالاهای صنعتی افزایش می‌یابد) و نوسانات قیمت تعریف شده است.

البته مدیریت ریسک قیمت کالا ایده جدیدی نیست و شکست تلاش‌های بین‌المللی

1. vicious cycles

مانند صندوق‌های تثبیت و قرارداد بین‌المللی کالا در جهت کاهش نوسانات قیمت کالا در این حوزه شناخته شده‌اند. آزادسازی تجارت جهانی و تغییرات در سیاست داخلی کشاورزی نیز به این آسیب‌پذیری افزوده‌اند.

این فصل بر استفاده از ابزارهای مبتنی بر بازار برای مدیریت ریسک قیمت کشاورزی تمرکز دارد. سازوکارهای مبتنی بر بازار اساساً مستلزم حرکت ریسک به سمت موقعیت بهتر و قابل تحمل‌تر می‌باشد. بازارگرایی، ریسک‌های خارج از کشور را نیز ظاهر می‌سازد و موفقیت آن وابسته به خزانه دولت نیست و در بعضی موارد کمک می‌کند دولت‌ها سیاست‌های پرهزینه را کنار گذارند.

ذکر این نکته الزامیست که برخی از این ابزارها به طور مؤثر به عنوان یک سیستم بازاریابی کشاورزی جایگزین به کار می‌روند و می‌توانند در بسیاری از تصمیم‌گیری‌های برنامه‌ریزی راهبردی کشاورزی نقش داشته باشند. بسیاری از ابزارهای معرفی شده در این فصل دارای سابقه طولانی هستند و به طور فعال در بسیاری از بازارها داد و ستد می‌شوند. همچنین لازم به ذکر است که کشاورزان الزامی به استفاده از این ابزارها برای بهره‌مندی از مزایای آن‌ها ندارند، لذا بازار انتخاب می‌کند از این ابزارها استفاده نماید.

این فصل برای آشنا کردن خوانندگان با ابزار مدیریت ریسک مبتنی بر بازار طراحی شده است لذا فقط به بررسی پیمان‌های آتی، قراردادهای آتی، قراردادهای اختیار معامله، قراردادهای معاوضه و بیمه که اساسی‌ترین ابزارهای مدیریت ریسک مبتنی بر بازار در دنیا می‌باشند پرداخته است. امید است که این فصل به خوانندگان در درک بهتر مزایای استفاده از مدیریت ریسک از طریق بازار، کمک کند و به آن‌ها درک روشنی برای استفاده از این ابزار به جهت مدیریت بهتر ریسک قیمت بدهد.

۱- ریسک‌های قیمت کالا

در طول دو دهه گذشته، قیمت کالاهای کشاورزی بیشتر از کالاهای صنعتی دچار نوسان شده است. عدم قطعیت قیمت کالا، خواه در اثر سیاست‌های دولت، تغییرات

فصل سوم: ابزارهای بازاری مدیریت ریسک قیمت محصولات کشاورزی □ ۱۱۱

نرخ ارز، حوادث آب و هوایی، و یا بی‌ثباتی سیاسی ایجاد شده باشد، در ذات بازار کالا وجود دارد.

نوسانات قیمت باعث می‌شود که کشاورز در مورد قیمت بالا یا پایین محصول در زمان فروش مردد باشد. مشکل این است که کشاورز به هر حال نمی‌داند در زمان برداشت محصول به چه میزان درآمد کسب خواهد کرد. لذا هر تصمیم‌گیری سرمایه‌گذاری یک کشاورز در طول چرخه تولید سخت خواهد بود زیرا نمی‌داند که وی قادر به پرداخت اقساط وام برای سرمایه‌گذاری (به عنوان مثال هزینه‌های نیروی کار، کود، تجهیزات و تعمیرات) خواهد بود.

قیمت انتظاری کالا، قیمت محصولات رقابتی و برنامه‌های دولت در تعیین منطقه کشت محصول نقش مهمی دارند. نااطمینانی قیمت‌ها بر توانایی وام‌گیرنده به بازپرداخت فشار وارد نموده و در نتیجه تأمین مالی کشاورزی را به یک فعالیت پرریسک برای وام‌دهندگان تبدیل می‌کند. در صورت عدم وجود ابزار مناسب مدیریت ریسک، سرمایه‌داران تمایلی به تأمین مالی معامله‌گران با توجه به عدم قطعیت جریان نقدی ندارند. به همین دلیل اغلب، آن‌ها نرخ بهره را برای پوشش ریسک بالای نکول افزایش می‌دهند و یا به سادگی حاضر به ارائه اعتبار نمی‌شوند. در نتیجه، تعجب آور نیست که فقدان ابزارهای مناسب مدیریت ریسک قیمت یکی از دلایل عمده‌ای است که کشاورزان فقیر می‌مانند.

انجمن‌ها و اتحادیه‌های کشاورزی نیز با ریسک‌های مشابهی روبه‌رو هستند: اگر آن‌ها به اعضای خود بر اساس درآمد کشاورز که از فروش محصول در آینده به دست خواهد آمد وام بدهند این ریسک وجود خواهد داشت که قیمت‌ها به سطح پایینی که قابلیت بازپرداخت وام را نداشته باشند برسند.

از منظر کلان، نوسانات قیمت می‌تواند ویرانگر باشد: بیش از ۵۰ کشور در حال توسعه به سه یا تعداد کمتری از کالاهای پیشرو، مانند قهوه، نیشکر، پنبه، گندم و ذرت، که حداقل نیمی از درآمد صادراتی آن‌ها را تشکیل می‌دهد وابسته‌اند. قیمت کسب شده در بازارهای بین‌المللی، درآمد مالیاتی، هزینه‌های عمومی، ذخایر ارزی و اعتبار

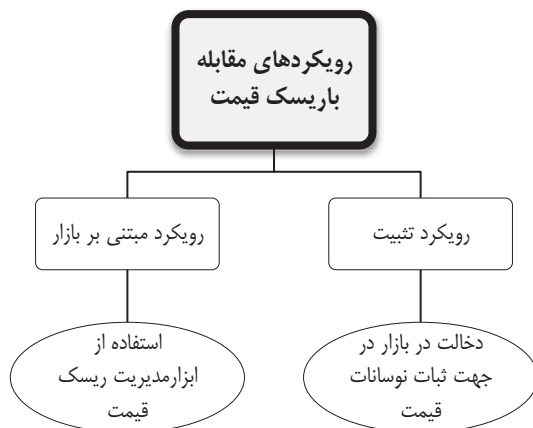
دولت‌ها را تحت تأثیر قرار می‌دهد، و در نتیجه برای اقتصاد داخلی دارای اولویت است.

تحقیق انجام شده در صندوق بین‌المللی پول، بر نوسانات قیمت جهانی کالاها و رابطه مبادله بازرگانی^۱ به عنوان شوک‌های خارجی مهم که عملکرد اقتصاد کلان و توازن خارجی کشورهای در حال توسعه را تحت تأثیر قرار می‌دهند تأکید می‌کند. برای کشورهای وابسته به کالا، بدهی این کشورها رابطه نزدیکی با قیمت کالاها دارد. مدیریت ریسک قیمت کالا دارای پتانسیل ساده‌سازی برنامه‌ریزی بودجه دولت، بهبود کنترل بودجه و اجتناب از نیاز به مدیریت بحران به دلیل کمبود درآمد پیش‌بینی نشده است.

در چند کشور آفریقایی، آزادسازی قیمت‌ها و اصلاحات بازاریابی، سقوط بازارهای آتی را که توسط بخش‌های بازاریابی حمایت می‌شدند به همراه داشت. هرچند معاملات آتی برای تولیدکنندگان مهم هستند و می‌توانند امنیت قیمت پیش از برداشت را به همراه داشته و قرار گرفتن در معرض نوسانات قیمت بازار را کاهش داده و تولیدکنندگان را برای تنظیم استفاده از نهاده‌ها قادر سازند؛ ولی غیر ممکن است که تأثیر این عوامل ساختاری به طور کامل از بین برود.

بنابراین باید توجه داشت ابزارهای مدیریت ریسک که در این فصل معرفی می‌شوند این امکان را به معامله‌گران و ذی‌نفعان در بازار کالای فیزیکی می‌دهد تا ریسک‌های قیمت را به دیگران (به عنوان مثال، دیگر معامله‌گران بازار فیزیکی و یا احتمالاً سرمایه‌گذاران/سفته‌بازان) که ممکن است نظری مخالف در پیش‌بینی قیمت در آینده داشته باشند انتقال دهند.

۱. نسبت قیمت محصولات صادراتی به قیمت محصولات وارداتی است.



شکل ۳-۱- انواع رویکردهای مقابله با ریسک قیمت

۲- از رویکرد تثبیت تا رویکرد مبتنی بر بازار

۲-۱- رویکرد تثبیت

در طول نیم قرن گذشته، جامعه بین‌المللی و دولت‌ها تلاش کرده‌اند تا ریسک‌های قیمت کالا را با ایجاد ثبات در نوسانات قیمت و یا محدود کردن دامنه تغییرات قیمت از طریق مداخلات بازار مدیریت کنند. مکانیسم اصلی در این بین مکانیسم‌های پرداخت جبرانی، مکانیسم‌های تثبیت و توافقات بین‌المللی کالا بوده است، که در زیر به اختصار بررسی شده است. البته کلیات برخی از این سیاست‌ها به صورت مختصر در فصل اول کتاب نیز بررسی شدند.

صندوق بین‌المللی پول (IMF) تسهیلات مالی جبرانی^۱ را در سال ۱۹۶۳ برای کمک به کشورهای عضو در جهت افزایش صادرات تأسیس نمود. جامعه اروپا طرح تأمین مالی جبرانی خود، STABEX^۲، را به منظور ایجاد ثبات در درآمد حاصل از صادرات بخش کشاورزی در آفریقا، کارائیب و جزایر اقیانوس آرام (ACP) پیشنهاد داد.

1. Compensatory Financing Facility
2. Stabilisation des recettes d'exportation

ماهیت این طرح ارائه کمک مالی جهت تنظیم قیمت کالا و یا کاهش شدت شوک‌ها، به جای ارائه یک ابزار برای مدیریت ریسک قیمت بود. بسیاری از این طرح‌ها شکست خوردند چرا که قیمت‌های دستوری اغلب نتیجه معاملات سیاسی بودند و نتوانستند منعکس کننده اصول بازار باشند.

از سوی دیگر ظرفیت استقراض محدود و قرار گرفتن در معرض ریسک قیمت، حفظ برنامه تثبیت برای زمانی که پرداخت در طول سال‌های متوالی مورد نیاز است را دشوار ساخت.

در کشورهای در حال توسعه، تثبیت قیمت داخلی که سعی بر تنظیم و مدیریت عرضه از طریق ذخایر ملی و طرح ذخیره احتیاطی^۱ دارد هدف‌گذاری شده است. در بلندمدت طرح تثبیت قیمت کالا به دلیل رفتاری که قیمت‌های کالا از خود نشان می‌دهند مؤثر نخواهد بود زیرا قیمت‌های کالا در نهایت به میانگین خود برمی‌گردند. به این ترتیب، صندوق تثبیت کالا برای مؤثر بودن باید بزرگ باشد و یا کشور دسترسی کافی به استقراض خارجی داشته باشد. اما صندوق بزرگ به دلایل سیاسی داخلی امکان پذیر نیست، و ریسک سیاسی نیز دسترسی لازم به استقراض خارجی را کاهش داده است. از آنجا که صندوق کوچک مؤثر نیست، بنابراین امکان کمی برای کشورها در ایجاد ثبات قیمت‌های داخلی کالا از طریق استقراض خارجی در زمان اتمام منابع این صندوق وجود دارد.

عمده توافقی‌نامه‌های بین‌المللی کالا - قند (۱۹۵۴)، قهوه (۱۹۶۲)، کاکائو (۱۹۷۲)، لاستیک طبیعی (۱۹۸۰) - تحت نظارت کنفرانس سازمان ملل متحد در مورد تجارت و توسعه (UNCTAD)، با هدف تحت تأثیر قرار دادن قیمت‌های جهانی با به کارگیری ابزار ذخیره احتیاطی و سهمیه صادرات^۲ آغاز شد. عملکرد نامطلوب توافقی‌نامه‌های کالا مربوط به موارد زیر می‌باشد:

۱. تضاد بین منافع اعضای تولیدکننده و اعضای مصرف‌کننده؛

1. Buffer stock scheme
2. export quota

فصل سوم: ابزارهای بازاری مدیریت ریسک قیمت محصولات کشاورزی □ ۱۱۵

۲. منابع مالی ناکافی؛
۳. شکست در پیش‌بینی الگوی تغییرات تولید و مصرف؛
۴. شکست در تنظیم اهداف قیمتی در مواجهه با کاهش مداوم قیمت‌ها در طول دهه ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰.

موارد فوق عملاً باعث شد در سال ۱۹۹۶ موافقتنامه‌ای با اجزاء تثبیت قیمت باقی‌ماند. این موافقتنامه‌ها به دلیل این‌که سعی در حفظ نه تنها ثبات قیمت بلکه قیمت‌های بالا داشتند و به دلیل اختلافات و عدم نظم و انضباط در میان اعضا با مشکل مواجه شدند.

۲-۲- رویکرد مبتنی بر بازار

زمانی که عملکرد ضعیف رویکرد تثبیت بیشتر مشهود شد دانشگاهیان و سیاست‌گذاران شروع به تمایز بین سیاست‌هایی که سعی بر تغییر قیمت در سطح داخلی یا بین‌المللی دارند، و سیاست‌هایی که راه حل مبتنی بر بازار را برای مقابله با عدم قطعیت در بازار استفاده می‌کنند نمودند. آن‌ها به سمت سیاست‌هایی حرکت نمودند که تأکید بر مدیریت ریسک مبتنی بر نظام بازار دارند.

به عنوان مثال، در سال ۱۹۹۴ بازاریابی داخلی و خارجی پنبه در اوگاندا آزاد شد. اتحادیه تعاونی، با بار سنگین بدهی‌های فراوان، مجبور به فروش بیشتر محصولات خود به بخش خصوصی گردید. حداقل دو اتحادیه تعاونی پنبه، شرکت پنبه شمالی بوکدی^۱ و اتحادیه تعاونی لانگو^۲، بر مشکلات خود با فعال‌تر کردن نقش خود در بازاریابی غلبه نمودند. آن‌ها برای اولین بار از دسترسی خود به بازارهای مدیریت ریسک برای تضمین حداقل قیمت برای کشاورزان استفاده نمودند. مزایای کلیدی ابزار مبتنی بر بازار در مقابل طرح تثبیت قیمت به شرح زیر است:

بر خلاف تسهیلاتی مانند توافقات بین‌المللی کالا و طرح ذخیره احتیاطی مواد، که

1. the North Bukedi Cotton Company
2. Lango Cooperative Union

سعی بر مدیریت نوسانات قیمت با تحت تأثیر قرار دادن قیمت دارد، ابزار مبتنی بر بازار اطمینان از درآمد آینده (یا هزینه) را فراهم نموده، و در نتیجه کاربران را از جریان‌های نقدی واقعی مطمئن می‌سازد.

ابزارهای مبتنی بر بازار بر قیمت‌های بازار تکیه می‌کنند، در نتیجه ریسک‌ها را به بازارهای مالی که بیشتر تمایل به پذیرش ریسک دارند انتقال می‌دهند. برای کشورهای در حال توسعه، ابزارهای مشتقه، ریسک را به معامله‌گران و دلان در کشورهای صنعتی که مایل به پذیرش ریسک قیمت هستند منتقل می‌کند. در اغلب موارد، ابزارهای مدیریت ریسک مبتنی بر نظام بازار هزینه کمتری نسبت به برنامه‌های دخالت دولت در قیمت‌ها دارند.

ابزارهای مشتقه کالایی می‌توانند شرایط تأمین مالی کالاها را بهبود ببخشند. آن‌ها می‌توانند برای تضمین تحقق درآمد کشاورز در آینده و اطمینان وام دهندگان از این‌که این درآمدها می‌توانند بازپرداخت وام را پوشش دهند مورد استفاده قرار گیرند. بنابراین آن‌ها می‌توانند ارزش اعتباری وام گیرندگان را نیز افزایش دهند. این امر به ویژه برای کالاهایی که تولید و بازار آن آزادسازی شده حیاتی است و استقرار سریع جریان‌های اعتباری برای موفقیت اصلاحات، مهم می‌باشد.

بازارهای آتی کالا می‌توانند به عنوان کارآمدترین مکانیزم کشف نرخ مورد استفاده قرار گیرند و معیارهای قابل اعتمادی را برای تجارت فیزیکی فراهم آورند. از آن‌جا که یک گروه گسترده از شرکت‌کنندگان می‌توانند از بازار آتی استفاده کنند، هر شرکت کننده در روند کشف نرخ، اطلاعات لازم در شرایط عرضه و تقاضای آینده‌نگر را فراهم می‌کند. برخلاف بازارهای نقدی، بازارهای آتی بسیار شفاف و در عین حال ناشناس هستند (به دلیل انجام این معاملات از طریق تابلوی بورس‌های کالایی و سازوکار حراج پیوسته)، لذا دستکاری قیمت در این بازارها مشکل‌تر است.

یکی دیگر از مزایای مهم ابزارهای قابل معامله در بورس هزینه اجرایی پایین معاملات، افزایش نقدشوندگی و همچنین الزامات استانداردسازی در مورد کیفیت، کمیت و تاریخ تحویل، و غیره است.

فصل سوم: ابزارهای بازاری مدیریت ریسک قیمت محصولات کشاورزی □ ۱۱۷

لازم به ذکر است که این بازارها برای مشکلات کشاورزان نوش دارو نیستند (این بازارها به احتمال زیاد برای تمام کالاها وجود ندارند) و تنها می‌تواند به تأخیر موقت سقوط قیمت منجر شوند. آن‌ها همچنین می‌توانند برای کشاورزان کوچک مقیاس بسیار پیچیده و دشوار باشند مگر این‌که به خوبی سازمان یافته و آموزش دیده باشند. با این وجود، امکان دسترسی به این بازارها تا حد زیادی می‌تواند به بهبود زندگی کشاورزان کشورهای در حال توسعه کمک کند، به خصوص اکثریت قریب به اتفاق آن‌ها می‌توانند از طریق سایر ابزارها نظیر اجتناب از تصمیمات سرمایه‌گذاری ریسکی، تکیه بر پس‌اندازهای شخصی و تنظیم مصرف خود با ریسک‌های قیمت مقابله کنند.



شکل ۳-۲- مزایای کلیدی ابزار مبتنی بر بازار

۳- ابزارهای مدیریت ریسک قیمت

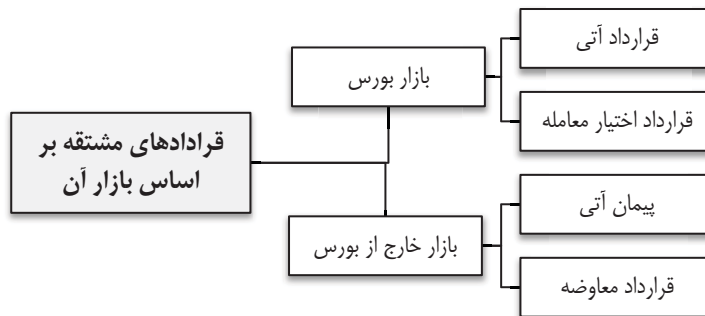
ابزار پوشش ریسک قیمت معرفی شده در این بخش را می‌توان تحت چتر قراردادهای مشتقه دسته‌بندی نمود. قراردادهای مشتقه به عنوان ابزاری معرفی می‌شوند که ارزش‌شان بستگی به قیمت نقد دارایی پایه دارد. قراردادهای مشتقه به عنوان ابزار مالی

بر اساس قیمت‌گذاری آتی، که شامل تعیین قیمت، و یا محدودیتی در قیمت، برای یک محصول که در آینده باید تحویل داده شود شناخته می‌شوند.

به عنوان مثال، قراردادهای آتی کالا ابزاری برای خرید یا فروش کالاها (دارایی پایه) در زمان آینده، در قیمتی که امروز تعیین شده است می‌باشد. دارایی پایه رایج در قراردادهای مشتقه، سهام، ارز، اوراق قرضه و کالاها هستند.

قراردادهای مشتقه می‌توانند بر اساس بازاری که در آن در دسترس و قابل معامله هستند طبقه بندی شوند. دو دسته گسترده در این جا وجود دارد:

۱. ابزارهای استاندارد شده که در بورس‌ها معامله می‌شوند (شامل دو ابزار مشتقه کلیدی قراردادهای آتی و اختیار معامله هستند)؛
۲. ابزارهای خارج از بورس (OTC)^۱ که به‌طور خصوصی مبادله می‌شوند (شامل دو ابزار مشتقه کلیدی پیمان آتی و قرارداد معاوضه هستند).



شکل ۳-۳- انواع قراردادهای مشتقه بر اساس بازار معاملاتی

در یک تعریف محدود از بورس‌های کالایی می‌توان گفت بورس‌های کالایی محلی برای معاملات قراردادهای آتی است که بیشتر در کشورهای توسعه یافته قرار دارند. اما در تعریفی گسترده‌تر به هر محلی که یک بازار سازمان‌یافته برای رقابت مؤثر براساس مکانیسم حراج بین خریداران و فروشندگان کالا در آن شکل گرفته باشد، بورس کالا گفته می‌شود. می‌توان توسعه‌ی بورس‌های کالایی در جهان را به سه مرحله زیر تقسیم

1. over-the-counter

کرد:

۱. قرن ۱۹ میلادی: بورس‌های کالایی، به عنوان مثال هیأت تجاری شیکاگو

(CBOT)^۱، با توسعه تجارت داخلی و بین‌المللی در پاسخ به نیاز کاهش هزینه‌های مبادله، ابزاری بودند که به عرضه‌کنندگان کالا اطمینان می‌دادند یک بازار آماده با خریداران آماده در یک مکان مشخص حضور دارند، لذا هزینه‌ی جستجوی مشتری و بازاریابی کالا کاهش می‌یافت. این بورس‌ها بیشتر در کشورهای توسعه یافته ایجاد شدند هرچند در برخی از کشورهای در حال توسعه نظیر آرژانتین در سال ۱۸۴۵ نیز این بورس‌های قدیمی تشکیل شدند.

۲. دهه ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ میلادی: با آزادسازی اقتصادی در جهان و کاهش

حمایت‌های دولت‌ها از بخش کشاورزی و بخش انرژی دور جدید توسعه‌ی بورس‌های کالایی در جهان به راه افتاد که به بورس‌های شکل گرفته در این دوره بورس‌های نوظهور گفته می‌شود.

۳. دوره حاضر: با توسعه تکنولوژی و ابزارهای مالی در عصر حاضر دور جدید

توسعه‌ی بورس‌های کالایی در حال وقوع می‌باشد. این دو باعث شده بورس‌های کالایی بتوانند محصولات جدیدی را با هزینه‌های کم در اختیار مشتریان خود قرار دهند.

همان‌طور که اشاره شد بورس‌های کالایی می‌توانند همانند کشورهای غربی محلی برای معاملات قراردادهای آتی و اختیار معامله باشند، همچنین می‌توانند با افزایش امنیت و تضمین معاملات، محلی برای معاملات فیزیکی کالاها نیز باشند تا فرآیند کشف نرخ بهتری در بازار فیزیکی کالاها اتفاق افتد.

بورس‌های آتی کالا برای بیش از یک قرن وجود داشته‌اند. مبادلات به طور سنتی در «تالار معاملات»^۲ از طریق حراج عمومی که در آن معامله‌گران و کارگزاران، پیشنهادات و سفارشات خود را فریاد می‌زنند انجام می‌شود. اخیراً، اکثر بورس‌ها سیستم عامل‌های

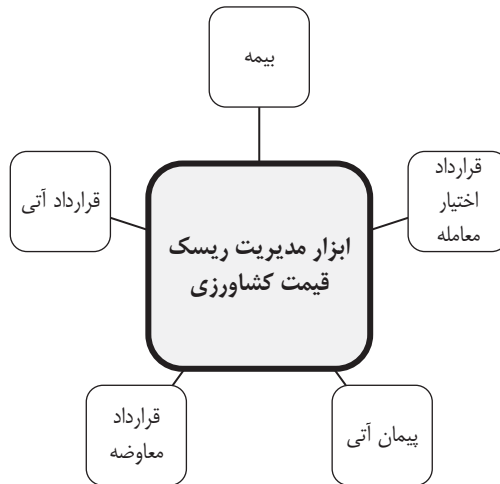
1. Chicago Board of Trade

2. pit

۱۲۰ □ سیاست‌های حمایتی بخش کشاورزی

تجاری الکترونیکی را که در آن معامله‌گران پیشنهادات و سفارشات خود را در یک سیستم الکترونیکی ارسال می‌کنند پذیرفته‌اند.

بازارهای خارج از بورس شبیه معاملات آتی سنتی می‌باشد. در این بازارها دو شرکت و یا دو مشتری با واسطه کردن یک بانک، یک شرکت تجاری و یا یک شرکت کارگزاری اقدام انجام معاملات مشتقه کالایی در چارچوب قوانین و مقررات می‌کنند.



شکل ۳-۴- انواع ابزار مدیریت ریسک قیمت در بخش کشاورزی

۳-۱ - پیمان‌های آتی

الف) تعریف

پیمان آتی^۱ توافقی بین فروشنده و خریدار در تحویل مقداری مشخص از یک کالا به خریدار در زمان آینده به ازای یک قیمت مشخص و یا مطابق با فرمول قیمت‌گذاری است. شرایط و ضوابط پیمان آتی معمولاً برای هر معامله مشخص شده است.

سه مفهوم اساسی در استفاده از پیمان آتی وجود دارد:

۱. تا زمانی که قرارداد امضا شده است هیچ انتقال پول نقدی رخ نمی‌دهد،

1. Forward contract

فصل سوم: ابزارهای بازاری مدیریت ریسک قیمت محصولات کشاورزی □ ۱۲۱

- فروشنده کالا موظف به ارائه کالا در زمان سررسید است؛ با این حال خریدار مجبور به پرداخت پول تا زمان سررسید نمی‌باشد (به جز هزینه‌های معامله).
۲. از آنجا که تضمین پیمان آتی، شهرت دو طرف وارد شده در توافقنامه است لذا به طور طبیعی ریسک اعتباری یا نکول وجود دارد. طرفین معامله ممکن است در زمان سررسید توافقنامه قادر به تحویل محصول و یا پرداخت قیمت توافق شده نباشند.
۳. پیمان آتی در درجه اول وسیله تجارت است، که در آن از هر دو طرف معامله انتظار می‌رود تا در تاریخ توافق شده کالاها را تحویل دهند یا بگیرند. خارج شدن از پیمان آتی دشوار است، مگر اینکه یکی از طرفین معامله قرارداد را لغو نماید.

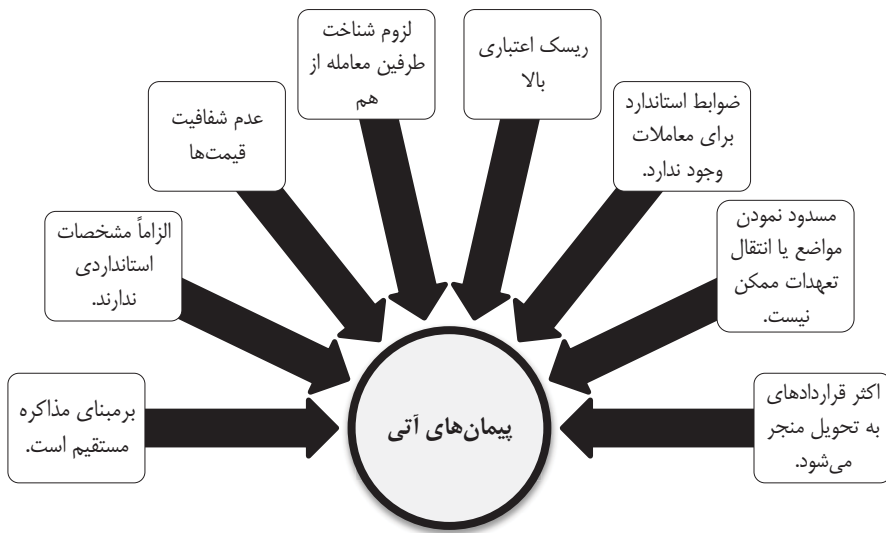
ب) مدیریت ریسک قیمت با استفاده از پیمان آتی

مکانیسم کلی به شرح زیر است:

یک تولیدکننده یا تاجر دارای مقادیر مشخصی از کالا، با فروش همان مقدار کالا در بازار پیمان‌های آتی در قیمت مذاکره و توافق شده، آن را در برابر نوسانات قیمت بیمه می‌کند (ممکن است در این قرارداد که انواع مختلفی از آن وجود دارد بسیاری از روش‌های تعیین قیمت آتی و دیگر شرایط قرارداد وجود داشته باشد). در این مورد، او یک موقعیت تعهدی فروش^۱ در بازار آتی اخذ کرده است (هنگامی که یک شخص اقدام به خرید پیمان آتی یا قراردادهای آتی می‌نماید، گفته می‌شود وی موقعیت تعهدی خرید^۲ را اخذ کرده است. زمانی که پیمان آتی به تاریخ سررسید می‌رسد، خریدار و فروشنده کالا را در قیمت مشخص شده در قرارداد مبادله می‌نمایند، در نتیجه از ریسک کاهش یا افزایش قیمت در این فاصله زمانی اجتناب کرده‌اند. یکی از اشکالات وارد بر پیمان آتی برای تولیدکننده این است که فروشنده قانوناً محدود به ارائه یک مقدار

1. Short position
2. Long position

معین از کالا در یک تاریخ مشخص است. اگر تولید کمتر از مقادیر قرارداد باشد، فروشنده ملزم به خرید مقادیر کافی از کالا از منبع دیگری است تا بتواند تعهدات پیمان آتی را برآورده سازد.



شکل ۳-۵- خصوصیات پیمان‌های آتی

ج) انواع پیمان‌های آتی

از آنجایی که پیمان‌های آتی قراردادهای مذاکره‌ای هستند، این امکان در ساختار آنها وجود دارد که طرفین معامله در خصوص عناصر اصلی اعم از اصول تعیین قیمت آتی، انعطاف‌پذیری در زمان تعیین قیمت آتی و انعطاف‌پذیری در زمان‌بندی دریافت وجه بر اساس نیاز خود توافق نمایند. پیمان‌های آتی کلیدی در ادامه این بخش معرفی شده‌اند؛

• پیمان قیمت ثابت^۱

یکی از رایج‌ترین انواع پیمان‌های آتی می‌باشد. در پیمان قیمت ثابت کشاورز خود را متعهد به ارائه مقادیر مشخصی از کالا با کیفیت مشخص در زمان توافق شده می‌نماید. به‌طور معمول در زمان تحویل کالا، پرداخت به کشاورز صورت می‌گیرد، اگرچه این قراردادهای می‌توانند به عنوان تأمین مالی قبل از برداشت نیز استفاده شوند. در این پیمان، صرف و کسر قیمت در صورتی که استانداردهای کیفیت مشخص شده برآورده نشود محاسبه می‌گردد. به‌طور طبیعی در این پیمان کشاورز با ریسک از دست دادن فرصت سود بالقوه در صورت افزایش قیمت بازار مواجه است.

• پیمان با قابلیت ثابت شوندرگی قیمت^۲ (PTBF)

این قرارداد که تحت عنوان سفارشات انجام‌پذیر^۳ (در تجارت شکر) یا پیمان برخط^۴ (در تجارت پنبه) نیز نامیده می‌شود رایج‌ترین نوع از پیمان‌های صادراتی برای کالاها در آمریکای لاتین می‌باشد. این پیمان همچنین در آسیا متداول است و در آفریقا به نسبت کمتری رواج دارد. برخلاف سایر پیمان‌های آتی که معمولاً قیمت پیمان آتی، قیمت بازار قرارداد آتی در زمان عقد پیمان آتی است در این مورد قیمت پیمان آتی باز است و خریدار (یا فروشنده و در بعضی از موارد واردکننده و یا کاربران نهایی) توانایی تعیین کردن (مقطوع کردن) قیمت براساس قیمت قرارداد آتی در زمانی که فکر می‌کند بیشترین سود را بدست می‌آورد دارد. به‌عنوان مثال اگر کشاورز پیش‌بینی می‌کند قیمت قرارداد آتی محصول در آینده افزایش خواهد یافت، از این قرارداد استفاده می‌کند تا در زمانی که قیمت افزایش یافت و به قیمت مد نظر وی رسید آن قیمت را با خریدار تثبیت نماید.

1. Fixed-price contract
2. Price-to-be-fixed contract
3. executable orders
4. on call contracts

• پیمان قیمت‌گذاری معوق^۱

پیمان قیمت‌گذاری معوق (یا قیمت‌گذاری با تأخیر^۲، قیمت بعدی^۳، قیمت تعیین نشده^۴) این امکان را فراهم می‌کند که کشاورز در تاریخ قرارداد، کالاها را تحویل و مالکیت را انتقال دهد اما قیمت کالا در آینده مشخص شده و در سررسید توسط خریدار به وی پرداخت شود. این پیمان به فروشنده اجازه جداسازی تصمیمات قیمت‌گذاری از تصمیمات تحویل کالا را می‌دهد. ریسک ناشی از ذخیره‌سازی در زمان تحویل کالا به خریدار منتقل شده و پیمان نیز می‌تواند به عنوان جایگزینی برای زمانی که امکان ذخیره‌سازی محصول توسط فروشنده وجود ندارد به کار رود. قیمت ممکن است با قیمتی که سیلو برای خرید کالا به صورت نقدی پیشنهاد می‌کند^۵ یا قیمت قراردادهای آتی یک بورس آتی در یک زمان مشخص توافق شده بین خریدار و فروشنده برابر باشد. در حالی که این به کشاورزان این فرصت را می‌دهد تا از افزایش قیمت‌ها بهره‌مند شوند، در عین حال او را در معرض ریسک کاهش قیمت‌ها بین زمانی که قرارداد منعقد شده و تاریخی که در آن قرار است قیمت فروش مشخص شود قرار می‌دهد. این پیمان یکی از ابزارهای گسترده‌ای است که توسط کشاورزان کوچک مقیاس یا خرد استفاده می‌شود، به خصوص که در آن سطحی از اعتماد در خریدار ایجاد می‌کند.

• پیمان پرداخت معوق^۶

پیمان پرداخت معوق یا با تأخیر^۷ قیمتی را مشخص می‌کند که باید پرداخته شود و مالکیت در سررسید قرارداد منتقل می‌شود و فروشنده کالا را به خریدار تحویل می‌دهد و پول را در تاریخی بعد از تحویل کالا از خریدار دریافت می‌کند. این پیمان تقریباً

1. Deferred pricing contract
 2. delayed pricing
 3. price later
 4. no price established
 5. Elevator's bid price
 6. Deferred payment contract
 7. delayed

فصل سوم: ابزارهای بازاری مدیریت ریسک قیمت محصولات کشاورزی □ ۱۲۵

مشابه قراردادهای نسیه در کشور ما می‌باشد و به کشاورزان این امکان را می‌دهد که مزایای مالیاتی را با به تعویق انداختن درآمد حاصل از فروش یک کالا به سال مالیاتی بعدی به عنوان یک استراتژی صرفه جویی در پرداخت مالیات برای سال جاری به کار گیرند.

• پیمان حداقل قیمت^۱

مشابه پیمان قیمت ثابت می‌باشد با این تفاوت که در این پیمان یک حداقل قیمت با ایجاد فرصتی برای سهام شدن در افزایش قیمت آینده تضمین می‌گردد. به این صورت در واقع یک فاکتور مهم ریسک نکول از طرف کشاورز حذف می‌شود و در نتیجه انگیزه نکول در این پیمان نسبت به پیمان قیمت ثابت کاهش می‌یابد. از طرف دیگر، همچنین خریدار می‌تواند ریسک‌های مفروض را با اتخاذ موقعیت‌های مقابل پوشش دهد. بدیهی است خریدار برای دادن چنین امتیازی قیمت این امتیاز را از کشاورز دریافت می‌کند. در عمل اکثریت قریب به اتفاق کشاورزان در کشورهای در حال توسعه دسترسی به پیمان‌های آتی از این نوع ترکیب مدیریت ریسک قیمت ندارند. به عنوان مثال، مطالعه‌ای در سال ۲۰۰۰ از بازاریابی قهوه در چند کشور تولیدکننده قهوه نشان داد که، به جز در گواتمالا، تعداد کمی از تولید کنندگان قادر به فروش قهوه به صورت پیمان آتی بودند.

• پیمان آتی قیمت مرجع^۲

در پیمان آتی قیمت مرجع از یک قیمت مرجع برای پرداخت در سررسید استفاده می‌شود. به عنوان مثال از متوسط قیمت‌های صادراتی یک کشور برای قیمت‌گذاری استفاده می‌شود. در زمان تحویل کالا، کشاورزان قیمت روز یا متوسط قیمت دوره تحویل را دریافت می‌کنند. همان‌طور که مشخص است این قرارداد به کشاورز این اطمینان را می‌دهد محصول خود را با قیمت صادراتی محصول در سررسید به فروش خواهد رساند ولی ریسک تغییرات قیمت مرجع را پوشش نمی‌دهد. این پیمان در کشورهای در حال توسعه که در آن‌ها فرمول قیمت‌گذاری استاندارد برای تولیدکنندگان

1. Minimum price contract

2. Reference price forward contract

۱۲۶ □ سیاست‌های حمایتی بخش کشاورزی

شکر وجود دارد و آن‌ها درصد ثابتی از قیمت فروش شکر را دریافت می‌کنند استفاده می‌شود.

دو نوع مهم دیگر از پیمان‌های آتی وجود دارند: پیمان مبنای^۱ و پیمان HTA^۲ که در ادامه فصل شرح داده شده‌اند.

علاوه بر پیمان‌های نامبرده شده در این بخش، برخی از شرکت‌های تجاری بین‌المللی مثل شرکت کارگیل^۳ برای مشتریان خود پیمان‌های اختصاصی ارائه می‌دهند که در جعبه ۳-۱ معرفی شده‌اند.

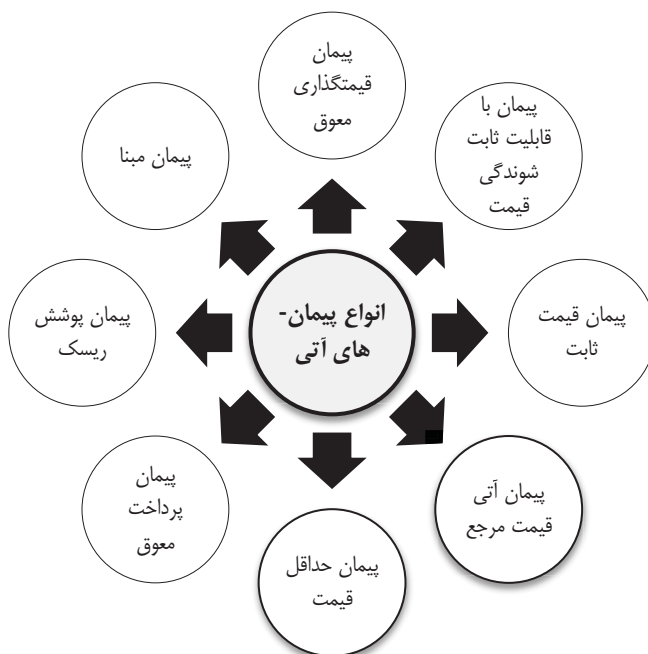
جعبه ۳-۱- برخی از پیمان‌های آتی اختصاصی ارائه شده توسط شرکت کارگیل

پیمان پیسر (Pacer contract): پیمان آتی است که خریدار و فروشنده به جای تعیین یک قیمت معین برای پرداخت در سررسید توافق می‌کنند متوسط آخرین قیمت معامله روزانه بازار در یک دوره‌ی زمانی معین، قیمت تسویه قرارداد باشد.

پیمان پیسر انباشتگر (Pacer Accumulator contract): این قرارداد برای کشاورزانی که پیش‌بینی می‌کنند قیمت محصول پس از فصل برداشت افزایش خواهد یافت مناسب می‌باشد. زیرا در این قرارداد خریدار و فروشنده یک حداکثر قیمتی را برای معامله مشخص می‌کنند ولی برای محاسبه قیمت قرارداد از روش ذیل استفاده می‌کنند: در یک دوره زمانی که مشخص کرده‌اند میانگین قیمت تسویه قراردادهای آتی معامله شده در بورس بر روی دارایی پایه قرارداد را به عنوان قیمت قرارداد در نظر می‌گیرند. به عبارت دیگر اگر در طول دوره مشخص شده میانگین قیمت‌های کشف شده در بورس پایین‌تر از حداکثر قیمت مشخص شده در قرارداد باشد فروشنده باید قرارداد را براساس آن قیمت تسویه نماید. واضح است که حداکثر قیمت مشخص شده در قرارداد، بالاتر از قیمت جاری قرارداد آتی برای سررسید مورد نظر تعیین می‌شود.

پیمان پیسر فوق‌العاده (Pacer Ultra contract): این قرارداد برعکس قرارداد بالا که یک حداکثر قیمت را مشخص می‌کرد و فروشنده تعهدی برای پرداخت بالاتر از آن را نداشت، یک حداقل قیمت را برای کشاورز تضمین می‌نماید ولی کشاورز می‌تواند قیمت بالاتر از آن را نیز بدست آورد. در این روش میانگین قیمت تسویه قراردادهای آتی بر روی دارایی پایه مشابه در یک بورس محاسبه می‌شود و اگر این میانگین از حداقل قیمت تعیین شده در قرارداد بالاتر باشد خریدار موظف به تسویه قرارداد بر اساس میانگین محاسبه شده خواهد بود ولی اگر میانگین پایین‌تر از حداقل مشخص شده در قرارداد باشد خریدار موظف به تسویه بر اساس حداقل قیمت تعیین شده در قرارداد خواهد بود.

1. basis contract
2. hedge-to-arrive
3. Cargill



شکل ۳-۶- انواع بیمان های آتی

۳-۲- قراردادهای آتی

الف) تعریف

قراردادهای آتی در مسیر استاندارد سازی بیمان های آتی ایجاد شده اند. در ساده ترین معنای آن، قرارداد آتی یک بیمان آتی استاندارد شده است که در بورس قابل معامله می باشد. باید از همین ابتدا تأکید کرد که قراردادهای آتی، سهام نیستند اما می توانند مانند سهام در بازار ثانویه به عنوان یک ورقه بهادار مبادله شوند.

خریدار (فروشنده) قرارداد آتی توافق می کند همانند بیمان آتی مقادیر مشخصی از کالا، اوراق بهادار، ارز، شاخص و ... را به قیمت مشخصی در زمان تعیین شده در قرارداد بخرد (بفروشد). البته در بسیاری از موارد نیازی به خرید و فروش واقعی کالاها

در زمان مقرر نیست و قراردادهای آتی معمولاً با بستن موقعیت^۱ از طریق معامله معکوس بسته می‌شوند، به عنوان مثال خریدار قرارداد آتی با فروش آن قبل از تاریخ سررسید، قرارداد را می‌بندد و از موقعیت تعهدی خارج می‌شود.

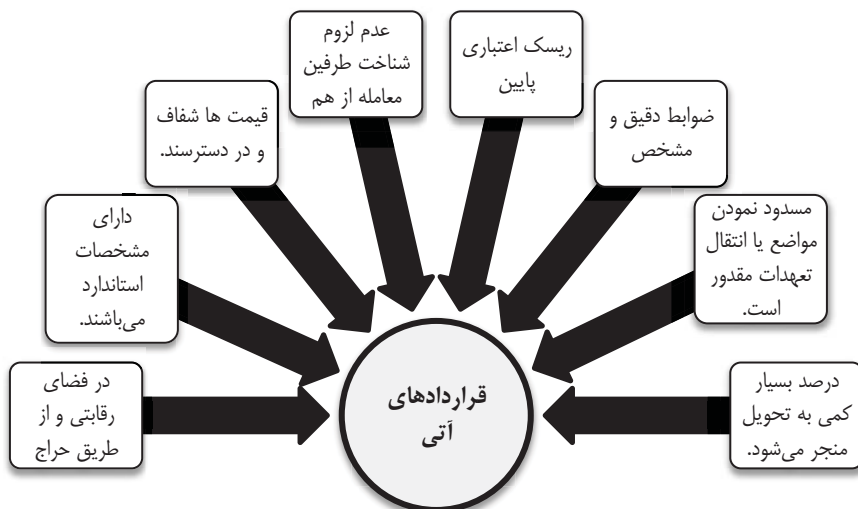
قراردادهای آتی بر خلاف پیمان آتی، استانداردسازی شده و قابل معامله در بورس هستند. به عنوان مثال، هر قرارداد سویا معامله شده در هیأت تجاری شیکاگو^۲ برابر با ۵۰۰۰ بوشل^۳ و هر قرارداد طلا در بورس کالای نیویورک برای یک خلوص خاص از طلا برابر هر شمش یک اونسی می‌باشد.

در حالی که هر دو قرارداد آتی و پیمان آتی عملیات اقتصادی یکسانی را اجرا می‌کنند و ابزار پوشش ریسک قیمت می‌باشند ولی قراردادهای آتی به طور قابل توجهی از اقبال بیشتری برخوردار می‌باشند زیرا این قراردادها نقدشوندگی بالا و تضمین تعهدات طرفین معامله را به خاطر حضور در معاملات بورس به همراه دارند. استانداردسازی مشخصات قرارداد افزایش نقدشوندگی را به همراه داشته است که باعث می‌شود تعداد زیادی از معامله‌گران در بازار بتوانند قرارداد یکسانی را معامله کنند. تحویل کالا میان معامله‌گران از طریق انبار پذیرش شده توسط بورس انجام می‌گردد که این موضوع ریسک اعتباری را از بین برده و تعهدات فروشنده در تحویل کالای تعیین شده در مشخصات قرارداد را ضمانت می‌کند و بورس‌های کالایی براساس سازوکار صندوق‌های تضمین حتی در موارد نکول خریدار یا فروشنده در انجام تعهداتشان، کالا را فراهم و تحویل می‌دهند.

1. offset

2. Chicago Board of Trade (CBOT)

3. bushels



شکل ۳-۷- خصوصیات قراردادهای آتی

(ب) مفاهیم اساسی

• وجه تضمین^۱

تفاوت قابل توجه بین پیمان آتی و قرارداد آتی این است که قراردادهای آتی از طریق بورس‌ها سازماندهی شده‌اند در حالی که پیمان آتی به صورت خصوصی معامله می‌شوند. بورس‌ها علاوه بر استاندارد کردن مشخصات قرارداد، تعهدات طرفین معامله را نیز با استفاده از سازوکار اخذ تضمین، ضمانت می‌نمایند. برای این منظور خریداران و فروشندگان نیاز به ایجاد یک حساب وجه تضمین از طریق یک شرکت کارگزاری دارند تا با تودیع تضامین در حساب مذکور، اتاق پایپای بورس تعهدات‌شان در معاملات را تضمین نماید.

وجه تضمین معمولاً درصد کمی از ارزش معاملات را شامل می‌شود و در هنگام ورود به معاملات قرارداد آتی پرداخت می‌شود. انواع مختلفی از وجه تضمین وجود

1. margin

دارد. لازم به ذکر است که پرداخت وجه تضمین یک هزینه نیست و در صورتی که فرد سود یا زیانی در معاملات نکرده باشد به وی برگشت داده خواهد شد. البته برای انجام معاملات قراردادهای آتی از خریدار و فروشنده کارمزد کارگزاری، بورس، اتاق پایاپای و ... گرفته می‌شود که جزو هزینه‌های معامله است.

• انجام پرداخت‌های مورد نیاز تسویه‌های روزانه

در انتهای هر روز، سود و زیانی که از محل تغییرات قیمت ایجاد می‌شود، محاسبه و بین حساب‌های وجه تضمین معامله‌گران منتقل می‌شود، که به آن تسویه روزانه گفته می‌شود و از مهم‌ترین ویژگی‌های معاملات آتی و یکی دیگر از وجوه تمایز آن با معاملات پیمان آتی به شمار می‌رود. عملیات تسویه روزانه بر مبنای قیمت تسویه هر قرارداد و به صورت روزانه انجام می‌شود. قیمت تسویه هر قرارداد در بورس‌های مختلف ممکن است به روش‌های متفاوتی محاسبه شود که یکی از ساده‌ترین روش‌های تعیین آن محاسبه میانگین وزنی قیمت‌های معامله‌شده در هر روز بر روی یک قرارداد آتی خاص است.

پس از محاسبه قیمت تسویه روزانه، عملیات به روزرسانی حساب‌ها انجام می‌شود. تسویه روزانه برای سه دسته از مشتریان (یا سرمایه‌گذاران) انجام می‌شود: مشتریانی که در طی دوره معاملات یک نماد معاملاتی، موقعیت تعهدی باز دارند؛ به عنوان مثال مشتری در نماد معاملاتی A، موقعیت تعهدی خرید اتخاذ کرده است، در این صورت تا زمانی که موقعیت تعهدی او در دوره معامله باز باشد، تسویه روزانه در پایان هر جلسه معامله، برای او انجام می‌شود.

مشتریانی که در طی دوره معاملات یک نماد معاملاتی، موقعیت تعهدی باز دارند ولی در طی روز از طریق اخذ موقعیت تعهدی معکوس، اقدام به بستن موقعیت تعهدی خود کرده‌اند؛ به عنوان مثال مشتری چند روز قبل، در یک نماد معاملاتی موقعیت تعهدی خرید اتخاذ کرده است و امروز با اخذ موقعیت تعهدی فروش، موقعیت تعهدی خود را بسته است، تسویه روزانه در پایان جلسه معامله‌ی امروز، برای او انجام می‌شود.

فصل سوم: ابزارهای بازاری مدیریت ریسک قیمت محصولات کشاورزی □ ۱۳۱

مشتریانی که در طی روز در جلسه معامله‌ی یک نماد معاملاتی، موقعیت تعهدی باز
اخذ کرده و در همان روز با اخذ موقعیت تعهدی معکوس، اقدام به بستن موقعیت
تعهدی خود کرده‌اند؛ تسویه روزانه در پایان جلسه معاملاتی امروز، برای او انجام
می‌شود.

مثال عددی:

معاملات یک مشتری در طی سه روز به شرح زیر است (اندازه هر قرارداد برابر ۵
واحد از یک دارایی است و کارمزد معاملاتی صفر فرض شده است):
روز اول: اخذ یک موقعیت تعهدی خرید به قیمت ۴۵۰
روز سوم: اخذ یک موقعیت تعهدی فروش به قیمت ۴۹۰

جدول ۳-۱- معاملات مشتری طی سه روز کاری

روز	قیمت تسویه (به ازاء هر واحد دارایی)
اول	۵۰۰
دوم	۵۱۰
سوم	۴۹۰

جدول ۳-۲- محاسبات سود(زیان) مشتری طی سه روز کاری

روز	سود(زیان)	محاسبات	توضیحات
اول	۲۵۰	$(500 - 450) \times 5 =$	قیمت تسویه بالاتر از قیمت خرید وی بسته شده است، پس او به عنوان یک خریدار به ازای هر واحد از دارایی پایه ۵۰ ریال سود برده است.
دوم	۵۰	$(510 - 500) \times 5 =$	مشتری موقعیت تعهدی خرید خود را باز نگه داشته است. قیمت تسویه امروز ۱۰ ریال بیشتر از قیمت تسویه دیروز بسته شده است، پس او به عنوان یک خریدار به ازای هر واحد از دارایی پایه ۱۰ ریال سود برده است.
سوم	-۱۰۰	$(490 - 495) \times 5$ + $(495 - 510) \times 5 =$	مشتری با اخذ موقعیت تعهدی فروش، موقعیت تعهدی خود را بسته است. تسویه روزانه در این حالت در دو مرحله انجام می‌شود؛ ۱. موقعیت تعهدی باز خریدی که از قبل داشته است تسویه می‌شود. قیمت تسویه روزانه ۴۹۵ ریال بسته شده است (۵ ریال کمتر از روز قبل) پس او به عنوان یک خریدار، به ازای هر واحد از دارایی پایه ۵ ریال ضرر کرده است. ۲. موقعیت فروش جدیدی که اخذ کرده است تسویه می‌شود. بدین

فصل سوم: ابزارهای بازاری مدیریت ریسک قیمت محصولات کشاورزی □ ۱۳۳

روز	سود(زیان)	محاسبات	توضیحات
			صورت که قیمت تسویه روزانه ۴۹۵ ریال بسته شده است پس او به عنوان یک فروشنده که در قیمت ۵۱۰ ریال موقعیت تعهدی اخذ کرده است، به ازای هر واحد از دارایی پایه ۱۵ ریال ضرر کرده است.
کل سود(زیان)	۲۰۰	مجموع سود وی در طی سه روز همان تفاوت قیمت خرید در روز اول و فروش در روز سوم در اندازه قرارداد است: $(۴۹۰ - ۴۵۰) \times ۵ = ۲۰۰$	

اخطاریه افزایش وجه تضمین

با توجه به تعدیل روزانه حساب‌ها جهت اطمینان از کفایت وجه تضمین مشتریان، معمولاً بورس‌های مختلف درصدی از وجه تضمین اولیه را به عنوان حداقل وجه تضمین تعیین می‌کنند که موجودی مشتریان دارای موقعیت تعهدی باز نباید کمتر از این حداقل تعیین شده باشد. لذا پس از انجام عملیات تسویه روزانه و به روزرسانی حساب‌ها، در صورتی که مشتری متحمل زیان شده باشد و پس از کسر زیان از حساب عملیاتی، وجه تضمین وی کمتر از حداقل وجه تضمین شود، برای آن فرد اخطاریه افزایش وجه تضمین صادر می‌شود. مشتری می‌بایست پس از دریافت این اخطاریه، وجه تضمین جبرانی^۱ را به حساب عملیاتی خود واریز نماید و اگر توان مالی برای

۱. وجه تضمین جبرانی مبلغی است که معامله‌گر آتی باید برای رساندن موجودی حساب عملیاتی خود تا سطح وجه تضمین اولیه، به ازای هر قرارداد آتی، پرداخت کند.

واریز وجه تضمین جبرانی را نداشته باشد، باید با اتخاذ یک موقعیت تعهدی معکوس، موقعیت تعهدی خود را ببندد. اگر مشتری اقدامی برای بستن موقعیت تعهدی باز خود و یا واریز وجه تضمین جبرانی نکند، پس از اتمام مهلت مشتری، کارگزار مربوطه بنا بر دستور اتاق پایاپای و بدون توجه به خواست مشتری، اقدام به بستن تمام یا بخشی از موقعیت‌های تعهدی باز مشتری، برای تأمین وجه تضمین جبرانی مورد نیاز می‌کند.

اگر شرایطی در بازار رخ دهد که مشتری یا کارگزار نتواند اقدام به بستن موقعیت تعهدی کند (به عنوان مثال مشتری موقعیت تعهدی خرید اتخاذ کرده است و هم‌اکنون مجبور به اخذ موقعیت تعهدی فروش است؛ ولی در بازار معاملات آتی هیچ خریداری وجود ندارد) در این صورت در برخی از بورس‌ها تمام یا بخشی از موقعیت‌های تعهدی باز مشتری مذکور در بازار جبرانی بسته خواهد شد.^۱ البته همانطور که ذکر شد، این در صورتی است که مشتری قادر به بستن موقعیت خود نباشد، اصولاً در بسیاری از بورس‌ها به دلیل نقدشوندگی بالای معاملات قراردادهای آتی و وجود بازارگردان و عدم وجود محدودیت‌های قیمتی در معاملات آتی (که معمولاً در شرایط نوسان قیمت باعث شکل‌گیری صف‌های خرید و یا فروش می‌شود) سازوکار بازار جبرانی وجود ندارد و موقعیت‌ها در داخل بازار عادی معاملاتی بسته می‌شوند.

• فروش استقرایی^۲

این اصطلاح به فروش قراردادهای آتی بر می‌گردد. آیا کسی می‌تواند با استفاده از قرارداد آتی کالایی را بفروشد بی آنکه مالکیت آن کالا را در حال حاضر در اختیار داشته باشد؟ زیبایی این ابزار در این است که همانطور که تجارت مستلزم خرید و فروش کالا در آینده است، به همان اندازه خرید و فروش در بازار معاملات آتی نیز آسان است. در واقع، هیچ نیازی به مالکیت نیست از آنجایی که می‌توان با اخذ موقعیت معکوس قرارداد را بست و از تعهد خارج شد.

۱. در بازار جبرانی بورس خود رأساً موقعیت تعهدی مشتری را طبق قواعد خاصی حراج می‌کند.

• تسویه قرارداد آتی^۱

تسویه یک معامله به مکانیسم‌های مختلفی که موقعیت‌های تعهدی باز معاملاتی را بتواند ببندد اشاره دارد. این امر از سه طریق امکان پذیر است: با معکوس کردن موقعیت باز (بستن موقعیت)، با تحویل فیزیکی دارایی و یا با تسویه نقدی. از میان سه روش فوق قراردادهای آتی معمولاً با اتخاذ موقعیت تعهدی معکوس و بستن موقعیت باز بسته می‌شوند. به طور کلی، بازارهای آتی برای مدیریت و یا پوشش ریسک قیمت و نه به عنوان وسیله‌ای برای خرید کالا کاربرد دارد. چند دلیل دیگر وجود دارد که به ندرت پوشش دهندگان ریسک، تحویل فیزیکی کالا را انتخاب می‌کنند:

به دلیل استاندارد سازی‌های صورت گرفته در قراردادهای آتی کیفیت کالای تحویلی در قراردادهای آتی ممکن است دقیقاً همان چیزی نباشد که پوشش دهندگان ریسک نیاز دارند یا تولید می‌کنند؛ محل تحویل ممکن است نامناسب برای پوشش دهندگان ریسک باشد؛ یا تاریخ تحویل قراردادهای آتی ممکن است با زمان بندی پوشش دهندگان ریسک برای تحویل و یا دریافت کالا مطابق نباشد. لذا پوشش دهندگان ریسک که از قراردادهای آتی استفاده می‌کنند به ندرت تحویل فیزیکی کالا را انتخاب می‌کنند.

در مواردی که موقعیت تعهدی در قرارداد آتی قبل از تاریخ سررسید آن با اتخاذ موقعیت معکوس بسته نشده باشد، در سررسید عمده‌تاً به دو شکل می‌تواند بسته شود:

تحویل دارایی پایه موضوع قرارداد: در برخی از بورس‌ها افرادی که موقعیت‌های تعهدی خرید یا فروش را اتخاذ می‌کنند و تا سررسید اقدام به بستن آن نمی‌کنند، ملزم به تحویل گرفتن یا تحویل دادن دارایی پایه قرارداد هستند و اساس معاملات بر تحویل کالا است و هر معامله‌گری که بخواهد می‌تواند در زمان سررسید اقدام به تحویل دادن یا تحویل گرفتن کالا نماید. به علاوه تحویل نهایی کالا نقش مهمی در تعیین قیمت

1. Settlement of futures

قراردادهای آتی دارد. لذا بورس‌ها فرایند تحویل را به‌طور شفاف و قانونمند، تصریح و به فعالان بازار اعلام می‌کنند.

مسئله مهم در تحویل فیزیکی کالا مکان تحویل است که توسط بورس تعیین می‌شود. به‌عنوان مثال مکان تحویل قراردادهای الوار چوب در بورس تجاری شیکاگو در یکی از ایالت‌های کالیفرنیا، نوادا، واشینگتن، آیداهو، مونتانو و ارگون است. مکان تحویل در مورد کالاهایی که هزینه حمل‌ونقل بالایی دارند، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

تسویه نقدی: روش دیگری که در بورس‌ها جهت بستن موقعیت‌های تعهدی در سررسید قرارداد معمول است، تسویه نقدی است. در تسویه نقدی مبنای تسویه نهایی، آخرین قیمت تسویه روزانه است و تسویه وجوه بر اساس قیمت مذکور انجام می‌شود. در این روش طرفین قرارداد به جای اینکه دارایی پایه را تحویل گرفته یا تحویل دهند، تفاوت بین قیمت خرید یا قیمت فروش اولیه قرارداد آتی، با قیمت در تاریخ انقضای قرارداد را محاسبه کرده و به عنوان سود یا جبران زیان به طرف مقابل می‌پردازند. اما با توجه به این‌که در بورس‌ها، در انتهای هر روز تسویه روزانه انجام می‌شود، در زمان تسویه نقدی، فقط سود یا جبران زیان ناشی از تغییرات قیمت در روز انقضای قرارداد نسبت به آخرین روزی که تسویه روزانه صورت گرفته است، پرداخت می‌شود. روش تسویه نقدی برای بستن موقعیت‌های معاملاتی در بازار معاملات آتی نسبت به روش تحویل از سهولت اجرایی بیشتری برخوردار است.

• سابقه معاملات آتی در ایران

با توجه به اینکه اولین معاملات قراردادهای آتی در جهان بر روی کالاها و در بورس‌های کالایی انجام شده است در ایران نیز اولین قرارداد آتی بر روی شمش طلای یک اونس (که در تاریخ ۱۳۸۷/۳/۱۲ مورد پذیرش قرار گرفت) از تاریخ ۱۳۸۷/۴/۱ با کسب مجوز از سازمان بورس و اوراق بهادار، از بستر بورس کالای ایران رسماً آغاز گردید. قراردادهای آتی راه‌اندازی شده در بورس کالای ایران به شرح ذیل است:

فصل سوم: ابزارهای بازاری مدیریت ریسک قیمت محصولات کشاورزی □ ۱۳۷

الف) قرارداد آتی بر روی شمش طلای یک انسی که در تاریخ ۱۳۸۷/۴/۱ با آغاز معاملات آن در واقع معاملات قراردادهای آتی آغاز شد و تا ۱۳۸۷/۱۲/۱۷ ادامه داشت.

ب) قرارداد آتی بر روی مفتول مس با حجم قرارداد یک تن که در تاریخ ۱۳۸۷/۶/۲۵ اولین قرارداد آن منتشر شد که به دلیل عدم استقبال بازار، معاملات قابل توجهی بر روی آن انجام نشد.

ج) قرارداد آتی بر روی مفتول مس با حجم قرارداد ۵ تن به شکل جدید که در تاریخ ۱۳۸۸/۹/۱۷ اولین قرارداد آن منتشر شد که به دلیل عدم استقبال بازار، معاملات قابل توجهی بر روی آن انجام نشد.

د) قرارداد آتی بر روی سکه طلای بهار آزادی با حجم ده سکه که در تاریخ ۱۳۸۷/۹/۵ آغاز و ادامه دارد و فعالترین قرارداد در کشور است.

ه) قرارداد آتی بر روی شمش طلای ده انسی که در تاریخ ۱۳۸۹/۸/۱۸ آغاز شد ولی در تاریخ ۱۳۹۰/۰۲/۲۶ معاملات آن متوقف گردید.

و) قرارداد آتی بر روی زیره سبز که در تاریخ ۱۳۹۳/۲/۲۸ آغاز شد.

ی) قرارداد آتی کنجاله سویا که در تاریخ ۱۳۹۴/۳/۱۶ آغاز شد.

قراردادهای آتی پذیرش شده در جدول ۳-۳ مشاهده می شود. البته در این میان قراردادهای دیگری نیز به هیأت پذیرش سازمان بورس و اوراق بهادار ایران به عنوان نهاد ناظر بازار، ارائه گردیده اند که مورد پذیرش قرار نگرفتند.

جدول ۳-۳- فهرست قراردادهای آتی پذیرش شده در ایران

ردیف	قرارداد	تاریخ پذیرش	اولین روز معاملاتی	آخرین روز معاملاتی
۱	شمش طلا (۱ اونس)	۱۳۸۷/۳/۱۲	۱۳۸۷/۴/۱	۱۳۸۷/۰۹/۲۵
۲	کاتد مس	۱۳۸۷/۵۶/۲۲	-	-
۳	مفتول مس ۱ تنی	۱۳۸۷/۶/۲	۱۳۸۷/۶/۲۵	۱۳۸۷/۱۲/۲۱
۱-۳	مفتول مس ۵ تنی	-	۱۳۸۸/۰۹/۱۷	۱۳۸۹/۰۲/۲۶
۴	سکه طلا	۱۳۸۷/۸/۲	۱۳۸۷/۹/۵	ادامه دارد
۵	شمش طلا (۱۰ اونس)	۱۳۸۹/۵/۱۹	۱۳۸۹/۸/۱۸	۱۳۹۰/۲/۲۶
۶	زیره سبز	۱۳۹۲/۰۶/۲۹	۱۳۹۳/۰۲/۲۸	۱۳۹۴/۰۶/۲۱
۷	کنجاله سویا	۱۳۹۲/۱۲/۱۹	۱۳۹۴/۳/۱۶	۱۳۹۴/۱۱/۱۷

• نمای بازار آتی

مطالعه بازارهای آتی قطعاً به درک قراردادهای آتی کمک خواهد کرد. لذا در ادامه جزئیات بیشتری از بورس تجاری شیکاگو (CBOT) و بورس کالای ایران آورده شده است.

علاوه بر این به خوانندگان توصیه می‌گردد برای درک بیشتر از سایت‌های مهمی نظیر WWW.CMEGRUOP.COM و WWW.IME.CO.IR دیدن نمایند.

فصل سوم: ابزارهای بازاری مدیریت ریسک قیمت محصولات کشاورزی □ ۱۳۹

جعبه ۳-۲- خلاصه‌ای از قرارداد آتی کالا به نقل از مجله وال استریت نشان‌دهنده معاملات آتی در یک روز

سه‌شنبه، ۴ آگوست ۱۹۹۸							
ذرت (CBT) ۵۰۰۰ بوشل؛ سنت به ازای هر بوشل							
ماه (سررسید)	اولین قیمت	بالاترین قیمت	کمترین قیمت	قیمت تسویه	درصد تغییر	بالاترین قیمت دوره معاملات	پایین‌ترین قیمت دوره معاملات
سپتامبر	۲۱۳	۲۱۵	۲۱۲	۲۱۲	-۱/۲٪	۳۰۱	۲۱۲
دسامبر	۲۲۰	۲۲۲	۲۲۰	۲۱۲	+۳/۱٪	۲۱۲	۲۱۲
تعداد معاملات روز جاری ۵۰۰۰۰، تعداد معاملات روز قبل ۶۴۹۸۸، موقعیت‌های باز ۲۴۵۴۰۹							

جدول بالا اطلاعات معامله دو قرارداد آتی ذرت معامله شده در هیأت تجاری شیکاگو در روز ۴ آگوست سال ۱۹۹۸ را نشان می‌دهد. اندازه قرارداد برابر با ۵۰۰۰ بوشل ذرت است. به عنوان مثال به ازای خرید یک قرارداد آتی ذرت فرد ۵۰۰۰ بوشل ذرت می‌خرد. ماه بیانگر ماه انقضای قرارداد است. سه عدد اول در هر سطر بیانگر اولین قیمت، بالاترین قیمت و کمترین قیمت معامله شده در طول آن روز می‌باشد. اولین قیمت نشان‌دهنده قیمتی است که بلافاصله بعد از باز شدن بازار، در آن قیمت معامله شده است. بالاترین و پایین‌ترین قیمت به حداکثر و حداقل قیمت معامله شده در طول روز معاملاتی اشاره دارد. قیمت تسویه نشان‌دهنده متوسط قیمت‌ها بلافاصله قبل از پایان جلسه معاملاتی است. این قیمت بسیار مهم است زیرا تسویه روزانه حساب‌ها بر اساس آن انجام می‌شود، همچنین دامنه تغییر قیمت در روز معاملات بعد نیز براساس این قیمت محاسبه می‌شود. درصد تغییر نشان‌دهنده تغییر در قیمت تسویه روز جاری نسبت به قیمت تسویه روز گذشته است. بالاترین و پایین‌ترین قیمت دوره معاملات به بالاترین و پایین‌ترین قیمت قرارداد آتی در طول دوره معاملات (از اولین روز شروع معاملات تا روز جاری) آن قرارداد اشاره دارد.

موقعیت‌های باز نشان‌دهنده تعداد کل قراردادهای باز بازار بر روی یک سررسید می‌باشد. از این رو مجموع کل موقعیت‌های خرید یا کل موقعیت‌های فروش می‌باشد. به دلیل این که هر قرارداد یک طرف خریدار و یک طرف فروشنده دارد لذا برای تعیین موقعیت‌های باز برای هر بازار، نیاز است حاصل جمع یکی از دو طرف را بدانیم. موقعیت باز جریان پول در بازار آتی را می‌سنجد. همراه با داده‌های قیمت، موقعیت باز می‌تواند برای تأیید روندهای قیمتی بازار به کار گرفته شود. به عنوان مثال، افزایش در تعداد موقعیت‌های باز نشان‌دهنده بزرگ‌تر شدن بازار و استقبال معامله‌گران از معاملات می‌باشد که اگر همراه با افزایش در قیمت‌ها باشد بیانگر یک روند افزایشی است و اگر همراه با کاهش قیمت‌ها باشد بیانگر یک روند نزولی است.

آخرین خط جدول حجم معاملات قرارداد آتی در کل سررسیدها بر روی یک دارایی پایه برای روز جاری و روز قبل را به همراه تعداد کل موقعیت‌های باز بر روی همان دارایی پایه در کلیه سررسیدها نشان می‌دهد.

Source: Options, Futures & Other Derivatives (Hull, ۲۰۰۶).

فصل سوم: ابزارهای بازاری مدیریت ریسک قیمت محصولات کشاورزی □ ۱۴۱

ادامه جعبه ۳-۳- نمای بازار نماد معاملاتی قرارداد آتی سرسید شهریورماه ۱۳۹۵

۱۱. قیمت‌های معامله‌شده در هر نماد معاملاتی، به ترتیب شامل قیمت اولین معامله انجام شده، بالاترین قیمت معامله‌شده، پایین‌ترین قیمت معامله‌شده و قیمت آخرین معامله انجام شده است. همان‌طور که در این قسمت از نماد معاملاتی مشاهده می‌کنید، اختلاف قیمت اولین معامله انجام شده نسبت به قیمت تسویه روز قبل، در پایین عدد مربوط به قیمت اولین معامله انجام شده به دو صورت عدد مطلق و درصد تغییرات که در مثال فوق معادل ۴۹۵،۷۷۲ ریال (یا ۴/۸۲ درصد) است، آورده شده است. (و به‌طور مشابه، مبلغ و درصد تغییرات نسبت به قیمت تسویه روز قبل، برای بالاترین، پایین‌ترین و آخرین قیمت معامله‌شده در طی جلسه معامله، قابل مشاهده است).

۱۲. نشان‌دهنده‌ی حجم معاملات انجام شده طی روز، از لحظه شروع جلسه معاملاتی تا زمان مشاهده نمای بازار آتی است.

۱۳. نشان‌دهنده‌ی ارزش معاملات انجام شده طی روز، از لحظه شروع جلسه معاملاتی تا زمان مشاهده نمای بازار آتی است.

۱۴. نشان‌دهنده‌ی مجموع موقعیت‌های تعهدی بازی در نماد معاملاتی مذکور در هر لحظه از زمان است.

۱۵. نشان‌دهنده‌ی تغییرات در تعداد موقعیت‌های تعهدی باز طی جلسه معاملاتی در هر لحظه از زمان است.

پ) مدیریت ریسک قیمت با استفاده از قراردادهای آتی

قراردادهای آتی یک ابزار مهم برای مدیریت ریسک می‌باشند. این که تشخیص داده شود پوشش ریسک از طریق قراردادهای آتی لزوماً با بهبود نتایج مالی همراه نیست بسیار مهم است و این قراردادها صرفاً ریسک را با مطمئن ساختن نتایج محتمل کاهش می‌دهند. قاعده اصلی این است که معمولاً قیمت‌های نقدی و آتی در یک جهت حرکت می‌کنند، لذا کشاورزی که محصولی را در آینده به دست خواهد آورد و ممکن است از کاهش قیمت‌ها متضرر شود با اخذ موقعیت فروش در زمان کاشت محصول و همچنین با فروش نقدی محصول در سررسید و اخذ موقعیت خرید در بازار آتی، در سررسید، با کسب سود (ضرر) در بازار آتی موقعیت ضرر (سود) در بازار نقد را

پوشش می‌دهد. لازم به ذکر است که در این حالت بازارهای آتی برای خرید و یا فروش کالا استفاده نمی‌شوند بلکه برای پوشش ریسک قیمت به کار می‌روند.

• مدیریت ریسک قیمت برای فروشنده کالا

کشاورزان و یا تجار صاحب کالا می‌توانند خود را در برابر کاهش قیمت کالاها با فروش قرارداد آتی و یا گرفتن موقعیت تعهدی فروش قرارداد آتی^۱ محافظت کنند. (در اصطلاح غیرتخصصی، منطق این مکانیسم ایجاد یک موقعیت در بازار معاملات آتی در حال حاضر است که چند ماه بعد در بازار فیزیکی اتفاق خواهد افتاد). زمانی که کالا به طور واقعی در بازار فروخته شود، موقعیت فروش که در بازار معاملات آتی گرفته شده بوسیله خرید آن در بورس بسته می‌شود. از آنجا که قیمت‌های آتی و نقدی با هم حرکت می‌کنند، موقعیت زیان (سود) در بازار فیزیکی تا حدی بوسیله موقعیت سود (زیان) در بازار معاملات آتی جبران خواهد شد.

مثال: در زمان کاشت در فصل پاییز، تولیدکننده گندم قصد تضمین قیمت فروش محصول انتظاری ۱۰۰ تن در دوره برداشت را دارد. در آن زمان قرارداد آتی مرداد ماه گندم در قیمت ۱۲۰۰ تومان به ازای هر کیلو در حال معامله است. او تصمیم به پوشش ریسک تمام محصول انتظاری از طریق قرارداد آتی می‌کند.

در زمان برداشت، قراردادهای آتی مرداد به قیمت ۱۰۰ تومان به ازای هر کیلو افت می‌کند و قیمت نقدی محلی به ۱۱۰۰ تومان به ازای هر کیلو می‌رسد. تولیدکننده موقعیت قرارداد آتی خود را از طریق خرید قراردادهای آتی مرداد ماه می‌بندد و سودی معادل ۱۰۰ تومان به ازای هر کیلو بدست می‌آورد. او گندم را در بازار فیزیکی به سیلوی محلی در قیمت نقدی به فروش می‌رساند. قیمت فروش مؤثر تولیدکننده گندم، با نادیده گرفتن هزینه‌های معامله، ۱۲۰۰ تومان به ازای هر کیلو است (۱۱۰۰ تومان به علاوه ۱۰۰ تومان).

می‌توان در نقطه مقابل فرض کرد به جای این که قیمت گندم در فصل برداشت

1. short futures position

فصل سوم: ابزارهای بازاری مدیریت ریسک قیمت محصولات کشاورزی □ ۱۴۳

کاهش یابد، افزایش یابد. در این مورد قیمت‌های آتی به ۱۳۰۰ تومان افزایش می‌یابد و قیمت نقدی محلی نیز به ۱۳۰۰ تومان می‌رسد، تولیدکننده به میزان ۱۰۰ تومان در بازار آتی ضرر می‌کند. او کالا را در بازار نقدی به قیمت ۱۳۰۰ تومان به فروش می‌رساند، دوباره با در نظر نگرفتن هزینه‌های معامله، قیمت خالص فروش وی برابر با ۱۲۰۰ تومان خواهد بود (۱۳۰۰ تومان منهای ۱۰۰ تومان).

در هریک از شرایط پیش آمده (افزایش یا کاهش قیمت گندم در فصل برداشت) درآمد وی تغییر نمی‌کند و در مقدار ۱۲۰ میلیون تومان به ازای ۱۰۰ تن گندم ثابت است. بنابراین با پوشش ریسک از طریق قراردادهای آتی، تولیدکننده می‌تواند از نوسانات درآمدی منتج از تغییرات قیمت ناسازگار جلوگیری کند.

• مدیریت ریسک قیمت برای خریدار کالا

مصرف کنندگان کالا می‌توانند خود را از افزایش بالقوه در هزینه‌های نهاده با خرید قراردادهای آتی و یا اخذ یک موقعیت تعهدی خرید حفاظت کنند و زمانی که کالا در بازار به طور واقعی خریداری شد، موقعیت خرید قرارداد آتی با فروش در بورس بسته می‌شود. از آنجایی که قیمت آتی و قیمت نقدی با هم حرکت می‌کنند موقعیت زیان (سود) در بازار فیزیکی بوسیله موقعیت سود (زیان) در بازار معاملات آتی پوشش داده می‌شود.

مثال: فرض کنید یک کارخانه ماکارونی در فرودین ماه، قصد دارد که هزینه‌های آتی گندمی را که در مردادماه نیاز دارد از طریق خرید آن با استفاده از قرارداد آتی برای مرداد ماه قابل پیش بینی کند. لذا قرارداد آتی مردادماه در قیمت ۱۲۰۰ تومان به ازای هر کیلو را می‌خرد. در صورتی که قیمت آتی مردادماه به ۱۵۰۰ تومان به ازای هر کیلو افزایش یابد، کارخانه ماکارونی به میزان ۳۰۰ تومان به ازای هر کیلو در سررسید و بستن موقعیت قرارداد آتی بدست خواهد آورد (۱۵۰۰ منهای ۱۲۰۰ تومان به ازای هر کیلو). با توجه به اینکه قیمت‌های آتی و نقدی در یک جهت حرکت می‌کنند و اصطلاحاً قیمت‌های آتی در سررسید با قیمت‌های نقدی همگرا می‌شوند، فرض کنید

قیمت نقدی نیز به ۱۵۰۰ تومان برسد. کارخانه ماکارونی گندم را در بازار نقدی به مبلغ ۱۵۰۰ تومان خریداری می‌کند. قیمت نقدی ۱۵۰۰ تومان به ازای هر کیلو و سود ۳۰۰ تومانی در موقعیت قرارداد آتی، قیمت خرید خالص ۱۲۰۰ تومان به ازای هر کیلو را نتیجه می‌دهد.

اکنون در نظر بگیرید قرارداد آتی گندم مرداد ماه به ۱۰۰۰ تومان به ازای هر کیلو در ماه مرداد کاهش یابد. کارخانه ماکارونی به میزان ۲۰۰ تومان به ازای هر کیلو در زمان بسته شدن موقعیت قرارداد آتی از طریق اخذ موقعیت معکوس فروش از دست می‌دهد. فرض کنید که قیمت نقدی گندم نیز به ۱۰۰۰ تومان به ازای هر کیلو کاهش یابد. کارخانه ماکارونی گندم را در قیمت ۱۰۰۰ تومان در هر کیلو در بازار نقدی می‌خرد. قیمت نقدی ۱۰۰۰ تومان به ازای هر کیلو به اضافه ۲۰۰ تومان ضرر به ازای هر کیلو در قرارداد آتی، قیمت خرید خالص ۱۲۰۰ تومان به ازای هر کیلو را نتیجه می‌دهد.

• ریسک مبنا^۱

همان‌گونه که در مثال‌های بالا مشاهده می‌شود هر استراتژی پوشش ریسک دو پایه دارد که یک پایه آن در بازار نقدی و پایه دیگر آن در بازار آتی قرار دارد. و سود و زیان ایجاد شده در این دو پایه با ختنی کردن یکدیگر و یا اصطلاحاً پوشش دادن یکدیگر باعث می‌شود که هزینه خرید و یا درآمد فروش شما در آینده روی قیمت ثابتی که همان قیمتی است که در قراردادهای آتی بر روی آن موقعیت گرفته‌اید ثابت شود. آنچه که در مثال‌های بالا بدان اشاره شد اصطلاحاً پوشش ریسک کامل نامیده می‌شود^۲. علی‌رغم آنچه که در مثال‌های بالا بیان شد، استراتژی پوشش ریسک، تضمین نمی‌کند که موقعیت سود و زیان در بازار معاملات آتی به طور کامل با موقعیت زیان و سود در بازار فیزیکی پوشش داده شود. این احتمال عدم پوشش به اصطلاح ریسک مبنا نامیده

1. Basis risk
2. Perfect Hedge

فصل سوم: ابزارهای بازاری مدیریت ریسک قیمت محصولات کشاورزی □ ۱۴۵

می‌شود. ریسک مبنا به عنوان تفاوت بین قیمت‌های نقدی و آتی بیان می‌شود و این تفاوت به این دلیل است که لزوماً قیمت‌های آتی و نقدی در سررسید همگرا نمی‌شوند و یا این که در قبل از سررسید نیز تغییرات آن‌ها همبستگی کامل با یکدیگر ندارند. بنابراین با استفاده از قراردادهای آتی قیمت خرید یا فروش شما در آینده لزوماً مطابق آنچه در مثال‌ها ذکر شد یک عدد ثابت نخواهد بود بلکه یک عدد انتظاری است که برابر مجموع قیمت آتی (در زمانی که قرارداد آتی خریداری شده است) به اضافه ریسک مبنا در زمان بسته شدن موقعیت خواهد بود. ریسک مبنا ممکن است برخاسته از عوامل متعددی باشد. به عنوان مثال همانطور که ذکر شد ممکن است کالای فیزیکی خاصی که باید ریسک قیمت آن پوشش داده شود، تغییرات قیمتی یکسانی مثل قرارداد آتی استاندارد شده نداشته باشد؛ قیمت در بازارهایی که یک شرکت به آن کالا صادر می‌کند لزومی ندارد که با قیمت در بازارهای آتی در یک مکان دیگر برابر باشد؛ یا تحولات قیمتی در بازار خرده‌فروشی می‌تواند متفاوت از بورس‌های آتی باشد؛ یا مقداری که تحت پوشش قرار گرفته است ممکن است با قرارداد پایه برابر نباشد؛ و رابطه بین قیمت‌های آتی و قیمت نقدی می‌تواند به طور موقت مختل شده باشد، به عنوان مثال دخالت دولت در بازار که ناشی از کمبود عرضه است می‌تواند این امر را به دنبال داشته باشد.

ریسک مبنا مهم است چراکه عامل اصلی اثرگذار بر نتیجه پوشش ریسک است. در واقع، پوشش دهندگان ریسک، بر روی تغییر مبنا به جای تغییر قیمت معامله می‌کنند که این خود نتیجه مثبتی می‌باشد زیرا حتی اگر قیمت‌ها از سالی به سالی دیگر بسیار متفاوت باشند، مبنا معمولاً به طور چشمگیری تغییر نمی‌کند و به طور کلی می‌تواند بر اساس الگوهای تاریخی پیش‌بینی شود. ریسک مبنا می‌تواند به بهتر یا بدتر شدن موقعیت پوشش‌دهنده ریسک منجر شود. به عنوان مثال وقتی که قیمت‌های نقدی بیشتر از قیمت‌های آتی افزایش می‌یابند، فروشنده کالا که ریسک خود را از طریق قرارداد آتی پوشش داده است موقعیت بهتری خواهد داشت و برعکس خریدار کالا که ریسک خود را از طریق قراردادهای آتی پوشش داده است دچار زیان خواهد شد.

• پیمان‌های آتی بر پایه قراردادهای آتی

پیمان مبنا^۱ (همچنین تحت عنوان پیمان بدون قیمت^۲ یا پیمان ثابت مبنا^۳ نیز شناخته می‌شود): این پیمان نوع دیگری از پیمان قیمت‌گذاری معوق است. در این پیمان خریدار و فروشنده به جای این که قیمت کالا در سررسید را مشخص نمایند یک طرف (و یا کسر) قیمت بر روی قیمت نقدی (و یا قیمت آتی) دارایی پایه در یک تاریخ مشخص در آینده را توافق می‌نمایند. به عنوان مثال در تاریخ ۱ فروردین کشاورز مقادیر مشخصی کالا را برای تحویل در ماه شهریور به قیمت ۱۰ تومان پایین‌تر (و یا بالاتر) از قیمت نقدی در ۱۵ شهریورماه (و یا قیمت آتی در ۱۵ شهریورماه) می‌فروشد. بنابراین، کشاورز، بخش مبنای ریسک قیمت را از بین برده است، اما ریسک قیمت‌های آتی را حفظ کرده است. فروشندگان به طور کلی از پیمان مبنا زمانی استفاده می‌کنند که سطح مبنا جذاب است اما قیمت‌های کلی با توجه به این که قیمت‌های آتی پایین هستند غیرجذابند. از آنجا که مبنا در زمان پایین بودن سطح قراردادهای آتی گرایش به محدود شدن دارد، بسیاری از فروشندگان زمانی که مطمئنند قیمت قراردادهای آتی افزایش خواهد یافت از پیمان مبنا استفاده می‌کنند.

پیمان HTA^۴ (پیمان بدون مبنا^۵): پیمان HTA نقطه مقابل پیمان مبنا است. این نوع پیمان آتی در اوایل دهه ۹۰ در کرن بلت آمریکا ابداع شد و بعدها به صورت گسترده در غرب میانه مورد استفاده قرار گرفته است. این نوع پیمان آتی انواع مختلفی دارد که عموماً شامل چهار نوع می‌باشند که در اینجا ساده‌ترین نوع آن که همان پیمان HTA غیر قابل انتقال به سررسیدهای دورتر می‌باشد مطرح می‌شود. در این پیمان قیمت آتی در ابتدای قرار داد تعیین می‌شود ولی مقدار مبنا در آینده توسط فروشنده تعیین خواهد شد (البته نه بعد از تاریخ تحویل محصول). زمانی که پیمان HTA بسته می‌شود، خریدار

1. Basis contract
 2. Unpriced contract
 3. basis fix contract
 4. Hedge-to-arrive contract (HTA)
 5. no basis established contract

فصل سوم: ابزارهای بازاری مدیریت ریسک قیمت محصولات کشاورزی □ ۱۴۷

کالا در این پیمان، برای پوشش دادن ریسک خود بلافاصله قرارداد آتی را مطابق با زمانی که فروشنده توافق کرده کالای فیزیکی را تحویل دهد به قیمتی بالاتر می‌فروشد. تعیین مبنا توسط فروشنده نیز با توجه به تفاوت بین قیمت‌های نقدی و همین قرارداد آتی در زمان‌های مختلف انجام می‌شود. در تاریخ سررسید فروشنده به کشاورز براساس قیمت توافق شده در پیمان آتی به علاوه منهای اختلاف قیمت قرارداد آتی و قیمت نقد دارایی در سررسید را پرداخت خواهد کرد. بنابراین در سررسید اگر اختلاف قیمت نقدی و قیمت آتی کالا کمتر از مقدار مبنا در زمان انعقاد قرارداد تا زمانی که کشاورز مبنا را تعیین می‌کند افزایش یابد، خالص قیمت از آنچه در ابتدای قرارداد بود بیشتر خواهد شد. از اختلاف قیمت بین پیمان آتی و قرارداد آتی فروخته شده کشاورز سود می‌کند؛ لذا بسیاری از فروشندگان زمانی که مطمئنند اختلاف قیمت قراردادهای آتی و نقدی کاهش خواهد یافت از این پیمان استفاده می‌کنند. در این قرارداد فروشنده ریسک خود را با استفاده از پیمان HTA از بین می‌برد اما ریسک مبنا باقی می‌ماند. این پیمان این امکان را به کشاورزان می‌دهد که قیمت مطلوب قراردادهای آتی را زمانی که مبنا نامطلوب است قفل کنند.

فرض کنید کشاورزی در فروردین ماه قصد دارد محصول ذرت خود را که در پاییز برداشت خواهد کرد از هم اکنون در قالب پیمان HTA به یک خریدار بفروشد. فرض کنید در فرودین ماه قیمت نقدی ذرت ۹۰۰ تومان می‌باشد و هم اکنون قیمت‌های آتی در قرارداد آتی تحویل آذر ماه در بورس کالای ایران ۱۰۰۰ تومان به ازای هر کیلوگرم می‌باشد (یعنی مبنا ۱۰۰ تومان است). وقتی کشاورز با مرگذار با توجه به قیمت‌های آتی موجود در بازار برای آذر ماه وارد پیمان HTA با قیمت ۱۰۰۰ تومان می‌شود خریدار همزمان با این قرارداد، برای پوشش ریسک خود در قراردادهای آتی بورس کالای ایران در سررسید آذرماه موقعیت فروش می‌گیرد. با توجه به این‌که در پیمان HTA تصمیم‌گیری در خصوص زمان تعیین مبنا با فروشنده می‌باشد، کشاورز در ۲۰ آبان ماه اقدام به تعیین مبنا می‌کند. فرض کنید در آن زمان قیمت‌های آتی سررسید آذرماه قرارداد آتی برابر ۹۰۰ و قیمت‌های نقدی ذرت نیز در آن روز ۸۵۰ است (در

نتیجه مبنا برابر ۵۰ می‌باشد) در نتیجه قیمت فروش کشاورز به خریدار برابر خواهد بود با ۹۵۰ (۵۰-۱۰۰۰) و هزینه‌ای هم که خریدار برای خرید محصول می‌کند برابر همان ۹۵۰ خواهد بود. البته با توجه به اینکه خریدار در ابتدای انعقاد پیمان HTA همزمان موقعیت فروش در قرارداد آتی نیز گرفته بود، با اعلام فروشنده مبنی بر تعیین مبنا اقدام به بستن موقعیت آتی خود می‌کند که در مثال ما ۱۰۰ تومان در هر کیلو سود می‌کند (۱۰۰-۱۰۰۰). در نتیجه هزینه شده برای خریدار برای خرید هر کیلو ذرت معادل ۸۵۰ تومان خواهد بود.

• پوشش ریسک در بلندمدت

مسیری را که پوشش ریسک بلندمدت عمل می‌کند در نظر بگیرید. کارخانه قند به دنبال پوشش ریسک دو ساله روی قیمت شکر است و به صورت ایده‌آل مایل به خرید قرارداد آتی دو ساله است. با این حال، در عمل فقط قرارداد برای یک دوره یک‌ساله در بورس معامله می‌شود یا حتی اگر برای سررسیدهای بالاتر از یک‌سال نیز امکان معامله وجود داشته باشد قراردادهای با سررسید دورتر^۱ نقدشوندگی بسیار کمی دارند لذا با ریسک نقدشوندگی مواجه هستند. در چنین وضعیتی کارخانه قند می‌تواند قرارداد یک ساله را خریداری کند، که نقدشونده است، و این قرارداد را زمانی که نزدیک به سررسید آن است ببندد، و قرارداد یک‌ساله دیگری را خریداری کند. این موضوع تحت عنوان «تجدید موقعیت در قراردادهای با ماه سررسید دورتر^۲» یا «به جلو غلتاندن پوشش ریسک» نامیده می‌شود که به طور موثری به وی در خرید قرارداد دو ساله کمک می‌کند. البته در انجام هرگونه عملیات تجدید موقعیت در قراردادها با ماه سررسید دورتر، باید به رابطه بین قیمت‌های آتی در ماه‌های مختلف سررسید توجه شود. این رابطه می‌تواند ریسک‌های عمده‌ای برای کسانی که مایل به استفاده از قراردادهای آتی برای پوشش دادن ریسک هستند داشته باشد.

1. far-end contracts
2. rollover

فصل سوم: ابزارهای بازاری مدیریت ریسک قیمت محصولات کشاورزی □ ۱۴۹

زمانی که قراردادهای آتی با سررسید دورتر با قیمتی بیشتر از قراردادهای آتی با سررسید نزدیکتر معامله می‌شوند، بازار در حالت پیش بهین یا بازارخوشبینانه است.^۱ برای مثال وقتی قرارداد آتی پنبه شهریورماه ۷۰۰۰ تومان و قرارداد آتی پنبه آذرماه ۷۲۰۰ تومان و قرارداد آتی پنبه اسفندماه ۷۳۵۰ تومان به ازای هر کیلوگرم معامله شود، در این حالت بازار خوشبینانه است. به راحتی قابل درک است که قیمت‌های آتی هزینه‌های حمل و نقل، انبارداری، هزینه فرصت پول، زیان ناشی از کاهش وزن و افت کیفیت را که در اصطلاح کلی به آن‌ها «هزینه حمل»^۲ گفته می‌شود را منعکس می‌کند. با این حال، بازار کالا الگوی معکوس که در آن قیمت قرارداد ماه نزدیکتر بیشتر از قرارداد ماه دورتر معامله می‌گردد را نیز نشان می‌دهد. در چنین حالتی گفته می‌شود بازار کالا پس بهین شده یا بازار بدبینانه^۳ است. به عنوان مثال در بازارهای بدبینانه، قرارداد آتی پنبه شهریورماه ۷۰۰۰ تومان و قرارداد آتی پنبه آذرماه ۶۹۰۰ تومان و قرارداد آتی پنبه اسفندماه ۶۷۰۰ تومان به ازای هر کیلو معامله می‌شود. یکی از عواملی که می‌تواند باعث بروز چنین وضعیتی شود همزمانی سررسید قرارداد و فصل برداشت محصول است؛ زیرا معمولاً در فصل برداشت به دلیل افزایش عرضه قیمت محصول کاهش می‌یابد.

ت) مزایای غیرمستقیم قرارداد آتی کالا

• کشف قیمت

کارکرد مهم بازارهای آتی تولید اطلاعات درباره قیمت‌های مورد انتظار در بازارهای نقدی است. از آنجاکه طرفین معامله قرارداد آتی در بورس‌ها ناشناخته است، این قیمت‌ها به راحتی قابل انتشار است و قیمت‌های گزارش شده در بورس‌های آتی به عنوان قیمت‌های مرجع برای کالاهای اساسی به طور گسترده‌ای پذیرفته می‌شوند. این

1. in contango
2. Cost of Carry
3. backwardation

موضوع تحت عنوان کشف قیمت^۱ شناخته می‌شود. دو کاربرد اصلی از کشف قیمت در زیر آورده شده است.

کشف قیمت در برنامه تولید: قیمت‌های آتی، منعکس کننده انتظارات فعلی بازار در رابطه با قیمت‌های نقدی است که در آینده کشف خواهند شد. بنابراین، قرارداد آتی اطلاعات راهبردی را ارائه می‌دهد که در برآورد سودآوری کالاهای مختلف کمک می‌کند. اساساً، هنگامی که قیمت آتی کالا هزینه‌های ثابت و متغیر یک کالا را پوشش می‌دهد، تولید به احتمال زیاد سودآور است. اما اگر قیمت هزینه‌های متغیر را پوشاند اما هزینه‌های ثابت را پوشش ندهد، زیان از طریق کاهش تولید به حداقل می‌رسد. اما اگر قیمت هزینه‌های متغیر را نیز پوشش ندهد، ادامه تولید منطقی نیست و تولید باید متوقف شود.

کشف قیمت در برنامه ذخیره‌سازی محصول: اختلاف قیمت نقد و آتی کالا قاعداً باید بیانگر هزینه‌های حمل^۲ در طول زمان باشد. هزینه‌های حمل در طول زمان می‌تواند به عنوان هزینه‌های نگهداری کالا نیز درک شوند و منعکس کننده هزینه ذخیره‌سازی و هزینه بهره باشند. کشاورزان ممکن است محصولات را بعد از برداشت در انبار ذخیره سازی کنند و اگر هزینه‌های ذخیره‌سازی محصول توسط خودشان کمتر از اختلاف قیمت نقد و آتی باشد، با فروش قرارداد آتی می‌توانند قیمت‌های بازاری بالاتری را دریافت کنند و هزینه‌های کمتری را برای ذخیره‌سازی بپردازند.

• قیمت مرجع

قیمت‌های آتی منعکس کننده انتظارات بازار از سطح قیمت نقدی در آینده می‌باشد. بررسی انجام شده در اواسط دهه ۱۹۹۰ در میان تولیدکنندگان ایالت نبراسکا آمریکا آشکار ساخت که، ۴۹ درصد از استفاده‌کنندگان پیمان مبنای قیمت‌گذاری ۷۵ تا ۱۰۰ درصد محصولات‌شان از قرارداد آتی استفاده می‌کنند. در بررسی دیگر در چهار

1. price discovery
2. Carrying charges

فصل سوم: ابزارهای بازاری مدیریت ریسک قیمت محصولات کشاورزی □ ۱۵۱

ایالت (در برگیرنده تولیدکنندگان پنبه، ذرت، سویا، گندم) مشخص شد که به غیر از پنبه، ۷۹ تا ۸۷ درصد کشاورزان از قیمت‌های بازارهای آتی و اختیار معامله استفاده غیرمستقیم می‌نمایند. در مورد پنبه رقم برابر ۳۸ درصد بود.

• زیرساخت‌های کشاورزی

زیرساخت‌های بورس‌های کالایی می‌توانند نقش مهمی را در افزایش رقابت بازارهای کشاورزی بازی کنند. الزامات برای انبار، سیستم ذخیره‌سازی علمی، استانداردهای تحویل دقیق، سیستم نظارت کیفیت و زیرساخت‌های معاملات الکترونیک می‌توانند نقش اساسی در مدرن‌سازی کشاورزی بازی کند.

ث) فعالان بازار قراردادهای آتی کالا

معامله‌گران در بازارهای آتی را می‌توان به سه دسته شامل پوشش‌دهندگان ریسک، سفته‌بازان و آربیتراژگران تفکیک نمود.

• پوشش‌دهندگان ریسک

اشخاصی هستند که با ورود به بازار معاملات آتی خود را در مقابل ریسک ناشی از تغییرات پیش‌بینی‌نشده قیمت، بیمه می‌کنند. به عبارت دیگر این افراد نگران تغییرات نامطلوب در قیمت کالاهایی هستند که در آینده تصمیم به خرید یا فروش آن‌ها دارند و لذا با هدف پوشش ریسک وارد معاملات آتی می‌شوند. همان‌طور که بیان شد، معاملات آتی در ابتدا در پاسخ به نیازهای این گروه از معامله‌گران ایجاد شد. پوشش‌دهندگان ریسک می‌توانند در سه دسته از کاربران طبقه‌بندی شوند: تولیدکنندگان، مصرف‌کنندگان، و معامله‌گران.

انجمن‌های کشاورزان/تولیدکنندگان: در صورت استفاده کشاورزان از قراردادهای آتی، تولیدکننده می‌تواند جریان‌های نقدی آینده را مشخص کند و ضرر بالقوه ناشی از کاهش قیمت کالا را از بین ببرد. برای نشان دادن این مسأله، یک کشاورز که فکر می‌کند قیمت ذرت در زمان برداشت آن ممکن است کاهش یابد، می‌تواند قرارداد آتی

ذرت را در اوایل فصل به فروش برساند. اگر قیمت‌ها کاهش یابد، سود در قرارداد آتی، کاهش قیمت در زمان برداشت را جبران خواهد نمود.

مصرف‌کنندگان/ صنایع تبدیلی: بسیاری از خریداران انبوه محصولات کشاورزی نیاز به ابزار مدیریت ریسک قیمت برای کمک به ایجاد ثبات در قیمت‌های نهاده دارند. برای مثال، کارخانه ذرت بو داده که فکر می‌کند قیمت ذرت افزایش خواهد داشت یا کارخانه بیسکوئیت که به دنبال خرید گندم در سال بعد است می‌تواند از استراتژی مدیریت قیمت نهاده بهره‌مند گردد. مصرف‌کنندگان در رابطه با نوسانات قیمت برای نهاده‌های کشاورزی معمولاً از خرید پوشش ریسک (خرید قرارداد آتی) برای مدیریت این ریسک قیمت استفاده می‌کنند.

بازرگانان: بازرگانان شرکت‌کنندگان مهم در بازار آتی هستند. مانند صادرکنندگان، آن‌ها اغلب کالا را از تولیدکنندگان قبل از این‌که آن‌ها را در بازار دیگری به فروش برسانند می‌خرند یا آن‌ها ممکن است کالاها را قبل از خرید آن‌ها بفروشند. از آن‌جا که تولید کالا فصلی، محدود به چند ماه و گستره مصرف در طول سال است، این امر باعث ایجاد نااطمینانی قیمت برای معامله‌گران می‌گردد. وجود یک بازار آتی این عدم قطعیت را از بین برده و در نتیجه بازرگانان را تشویق به خرید کالاها، به عنوان مثال زمانی که کالا به بازار می‌رسد در مقدار مازاد می‌نماید. آن‌ها با حمایت از قیمت به طور بالقوه باعث افزایش بازده تولید می‌گردند. نقش مهم دیگر بازسازی است همچنان‌که معامله‌گران از بازارهای آتی برای پوشش ریسک‌های خرید و فروش استفاده می‌کنند، آن‌ها نقدینگی بازار را نیز افزایش می‌دهند.

• سفته‌بازان

کسانی هستند که با خرید و فروش قراردادهای آتی صرفاً به دنبال کسب سود می‌باشند. هرگاه این معامله‌گران بر اساس محاسبات خود به این نتیجه برسند که ممکن است در آینده قیمت قرارداد آتی کاهش یابد، اقدام به فروش می‌نمایند و برعکس، زمانی که پیش‌بینی کنند که قیمت آتی افزایش می‌یابد، در موقعیت تعهدی خرید قرار می‌گیرند.

فصل سوم: ابزارهای بازاری مدیریت ریسک قیمت محصولات کشاورزی □ ۱۵۳

این معامله‌گران سعی می‌کنند با پذیرش ریسک، از نوسانات قیمت بهره‌برداری نمایند. البته چه بسا در مواردی نیز ممکن است به دلیل انتظارات نادرستی که از سیر تحول قیمت‌ها در بازار دارند، متضرر شوند. معامله‌گرانی که با هدف کسب سود، آگاهانه به استقبال ریسک می‌روند اصطلاحاً سفته‌باز نامیده می‌شوند.

سفته‌بازان به گرمی و رونق معاملات در بورس کمک می‌کنند، زیرا با حضور فعال در بازار معاملات آتی و خرید و فروش سریع قراردادها، حجم معاملات را افزایش داده و این امکان را برای پوشش‌دهندگان ریسک فراهم می‌کنند که بتوانند در زمان دلخواه موقعیت مورد نظرشان را در بازار اتخاذ نمایند. فعالیت این دسته از سرمایه‌گذاران موجب می‌شود که احتمال وجود خریدار (یا فروشنده) برای آن دسته از پوشش‌دهندگان ریسک که قصد فروش (یا خرید) را دارند، افزایش یابد. در بازاری که سرمایه‌گذاران فعال نیستند، پوشش‌دهندگان ریسک ناگزیرند برای انجام معامله، قیمت آتی پیشنهادی خود را به میزان زیادی کاهش یا افزایش دهند، لذا جذابیت بازار برای آن‌ها کاهش می‌یابد. به عبارت دیگر از آنجاکه هدف پوشش‌دهندگان ریسک انتقال ریسک نوسان قیمت‌ها به افراد دیگر است، وجود سرمایه‌گذارانی که ریسک را می‌پذیرند و انجام سریع معاملات در بورس را میسر می‌سازند، در بورس‌ها از اهمیت اساسی برخوردار است.

فعالیت سفته‌بازها همچنین کارایی نظام اطلاع‌رسانی در بازار معاملات آتی را افزایش می‌دهد. در بازاری شفاف و کارا قیمت‌ها معمولاً منعکس‌کننده کلیه اطلاعاتی است که در اختیار فروشندگان و خریداران قرار می‌گیرد. از آنجاکه سفته‌بازان معامله‌گران حرفه‌ای بوده و به اطلاعات بیشتری دسترسی دارند، بنابراین فعالیت آن‌ها در صورتی که به طرز صحیحی تحت نظارت و کنترل قرار گیرند، می‌تواند باعث شود که قیمت‌ها به سمت قیمت‌های واقعی میل نمایند.

مدیران دارایی غیر فعال^۱ مانند صندوق‌های بازنشستگی^۲، صندوق‌های

1. Passive asset managers
2. pension funds

سرمایه‌گذاری مشترک^۱، بیمه و شرکت‌های سرمایه‌گذاری تمایل به اختصاص حداقل ۵ درصد از سبد سهام خود به کالاها دارند. تخصیص بخشی از سبد سهام به کالاها باعث می‌شود بازده سبد سهام به طور کلی کمتر دچار نوسان شود. پرتفوی کالا همبستگی منفی با اوراق قرضه و سهام دارد. مطالعه‌ای^۲ از هفت سقوط بازار سهام^۳ در سال ۱۹۷۰ نشان داد که اکثر کالاها بازده مثبت در آن دوره داشته‌اند. زمانی که بازده کالاها^۴ انحراف معیار بالا^۵ و خود همبستگی^۶ کمی دارند، مزیت تنوع بخشی^۷ با استفاده از کالا در پرتفوی معاملاتی افزایش می‌یابد. در سال‌های اخیر، مدیران سبد سهام اوراق قرضه به طور فزاینده ابزارهای کالایی را به عنوان پوششی در برابر تورم استفاده نموده‌اند.

• آربیتراژگران

دسته سوم از معامله‌گران کسانی هستند که با معاملات هم‌زمان، یعنی آربیتراژ در دو یا چند بازار، به دنبال کسب سودهای بدون ریسک می‌باشند. این معامله‌گران اصطلاحاً آربیتراژگران نامیده می‌شوند. نکته اصلی در آربیتراژ بهره‌برداری از وجود اختلاف قیمت‌ها بین بازارهای مختلف است. به‌طور معمول انتظار بر این است که تفاوت قیمت کالاها بین یکسان در بازارهای مختلف زیاد نباشد، لیکن وجود اطلاعات ناقص و تأثیر عوامل برون‌زا در شکل‌گیری قیمت موجب می‌شود که قیمت‌ها بین بازارهای مختلف بیش از هزینه‌های حمل‌ونقل با یکدیگر اختلاف داشته باشند. واسطه‌گران مالی از این اختلاف‌ها برای کسب سود بهره‌برداری می‌کنند. در خصوص بازار قراردادهای آتی آربیتراژگران از اختلاف نامعقول^۸ بین قیمت دارایی در بازار نقدی و بازار آتی استفاده می‌کنند.

1. mutual funds

2. Iturbide & chaigneau (2005)

3. stock market crashes

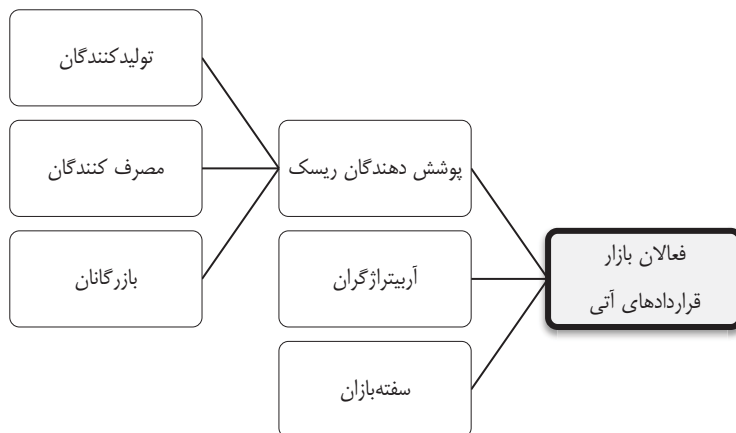
4. returns of the commodities

5. average standard deviation

6. inter-correlation

7. diversification benefit

۸. طبق مدل‌های قیمت‌گذاری قیمت آتی یک دارایی برابر است با هزینه خرید نقدی آن دارایی و نگهداری آن تا سررسید است، مهم‌ترین هزینه نگهداری یک دارایی تا سررسید هزینه فرصت بهره پول هزینه شده برای خرید آن دارایی است. لذا معمولاً قیمت‌های آتی به اندازه هزینه بهره (و هر هزینه دیگری که وجود داشته باشد) از قیمت نقدی بالاتر است. حال هر گاه این اختلاف بیشتر از این مقدار باشد یک اختلاف نامعقول است که آربیتراژگران از آن استفاده می‌کنند.



شکل ۳-۸- شرکت کنندگان در قراردادهای آتی کالا

۳-۳- قراردادهای اختیار معامله

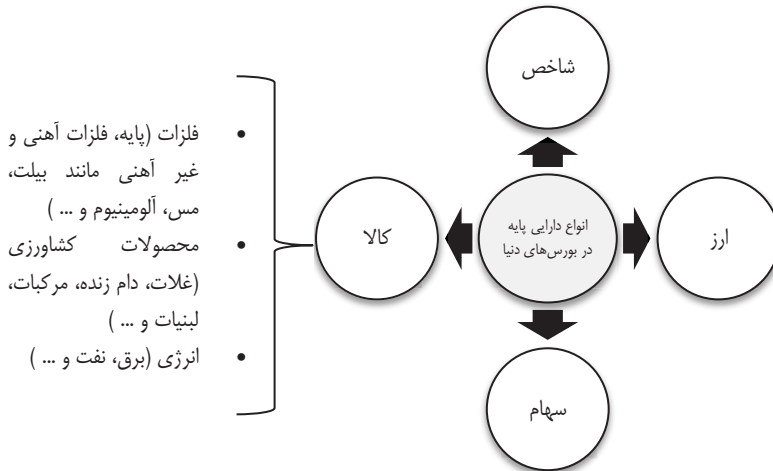
الف) تعریف

خرید یک قرارداد اختیار معامله به دارنده آن یا خریدار آن این حق را می‌دهد که مقادیر مشخصی از کالا (دارایی پایه) را در یک قیمت مشخص و تاریخ مشخص (و یا تا تاریخ مشخص) در آینده بخرد یا بفروشد. روش معمول در تجارت غلات، قراردادهای اختیار معامله هستند.

قراردادهای اختیار معامله هم می‌توانند در بورس و هم در خارج از بورس معامله گردند. قراردادهای اختیار معامله خارج از بورس (بیشتر متداول در بازارهای ارز) از انعطاف‌پذیری آشکاری در ارائه قراردادهای سفارشی برخوردارند، اما معایب ذاتی مانند نقدشوندگی پایین^۱، ریسک طرف معامله^۲ و هزینه‌های بالا دارند. درحالی‌که اصول مدیریت ریسک برای هر دو نوع قراردادها صدق می‌کند و مشترک است اما این بخش از کتاب مکانیسم قراردادهای اختیار معامله در بورس که بیشتر در بازارهای کالا رواج

1. illiquidity
2. counterparty risk

دارند را توضیح می‌دهد.



شکل ۳-۹- دارایی پایه در بورس‌های دنیا

در مقایسه با پیمان آتی و قرارداد آتی، استفاده از قرارداد اختیار معامله گزاره‌ای متفاوت است. دو نوع اساسی از قراردادهای اختیار معامله وجود دارد: قرارداد اختیار معامله خرید^۱ و قرارداد اختیار معامله فروش^۲.

قرارداد اختیار معامله خرید (راهبرد خرید اختیار خرید^۳) به خریدار آن حق خرید کالاهای پایه را در قیمت مشخص (قیمت اعمال^۴) می‌دهد. فروشنده اختیار معامله خرید (راهبرد فروش اختیار خرید^۵) تعهد دارد که در زمان اعمال اختیار کالا را تحویل دهد.

قرارداد اختیار معامله فروش به خریدار آن (راهبرد خرید اختیار فروش^۶) حق فروش کالای پایه را در قیمت مشخص (قیمت اعمال) می‌دهد. فروشنده اختیار معامله

1. call options
2. Put options
3. long call
4. exercise price
5. short call
6. long put

فصل سوم: ابزارهای بازاری مدیریت ریسک قیمت محصولات کشاورزی □ ۱۵۷

فروش (راهبرد فروش اختیار فروش^۱) تعهد دارد که کالا را در زمان اعمال اختیار بخرد. قرارداد اختیار معامله^۲ فروش می‌تواند برای فروشنده کالا، اطمینان از فروش به حداقلی از قیمت یا بیشتر از آن و قرارداد اختیار معامله خرید می‌تواند برای خریدار کالا، اطمینان از خرید به بیشینه‌ای از قیمت یا کمتر از آن را فراهم نماید، بنابراین این قراردادها مشابه بیمه هستند. علاوه بر موارد فوق، قراردادهای اختیار معامله از آنجایی که به خریدار اختیار، اجازه استفاده از تغییرات قیمتی مطلوب را می‌دهد جذاب هستند.

(ب) مفاهیم اساسی

• قیمت اختیار^۳

قیمت اختیار بیانگر هزینه خرید یک اختیار معامله است. پرداخت غیر قابل استرداد که خریدار اختیار معامله به فروشنده در زمان خرید اختیار معامله پرداخت می‌کند (توجه داشته باشید قراردادهای آتی نیاز به پرداخت وجه تضمین دارند که با قیمت اختیار متفاوت است). یک تفاوت مهم بین معاملات آتی و اختیار معامله این است که در بازارهای آتی، قیمت دارایی پایه در سررسید (مانند بازارها نقدی) معامله می‌شود، در حالی که در معاملات قراردادهای اختیار معامله، قیمت اختیار است که معامله می‌شود. قیمت اختیار به گستره وسیعی از متغیرها مثل قیمت کالای پایه، نوسانات کالای پایه، قیمت اعمال، مدت زمان باقی مانده تا انقضای قرارداد و نرخ بهره بدون ریسک بستگی دارد. (جعبه ۳-۴ را ببینید).

1. short put
2. Options
3. Option premium

جعبه ۳-۴- قرارداد اختیار معامله ذرت در هیأت تجاری شیکاگو (خلاصه)										
دامنه قیمت	تسویه قبلی	تسویه	آخرین	پایین‌ترین	بالا‌ترین	اولین	خالص تغییرات	آخرین اعمال	قیمت سنت/بوشل	
۴۴/۱ ۴/۱	۲۴/۳	۲۴/۱	۲۴/۱	۲۴/۱	۲۵/۲	۲۵/۲	-۰/۲	۲۴/۱	۲۶۰	اختیار معامله فروش
۶۱/۷ ۲۱/۷	۴۲/۲	۴۱/۷	۴۱/۷	۴۱/۷	۴۳/۴	۴۳/۴	-۰/۳	۴۱/۷	۲۸۰	اختیار معامله فروش
۹۸/۶ ۵۸/۶	۷۳/۶	۷۸/۶	۷۸/۶	۷۸/۶	۷۸/۶	۷۸/۶	-۰/۵	۷۸/۶	۱۶۰	اختیار معامله خرید
۵۸/۶ ۱۸/۶	۳۴/۰	۳۸/۶	۳۸/۶	-	-	-	+۴/۶	۳۸/۶	۲۰۰	اختیار معامله خرید
قیمت قرارداد پایه: ۲۳۸/۶ (قرارداد آتی ۶ می)										
در هیأت تجاری شیکاگو قرارداد آتی ذرت برابر است با ۵۰۰۰ بوشل است										
<p>قیمت اعمال در ستون دوم بیانگر قیمت توافقی برای قرارداد اختیار معامله خرید یا فروش است.</p> <p>آخرین به آخرین قیمت معامله شده و تغییر آخرین تغییرات قیمتی را نشان می‌دهد. توجه داشته باشید به جز قیمت اعمال، بقیه قیمت‌ها، قیمت اختیار می‌باشند. چهار ستون بعدی نشان دهنده اولین قیمت اختیار معامله، بالا‌ترین قیمت اختیار، پایین‌ترین قیمت اختیار معامله و آخرین قیمت اختیار معامله شده در جلسه معاملاتی طول روز می-باشد.</p> <p>تسویه متوسط قیمت‌هایی است که قرارداد اختیار معامله قبل از پایان جلسه معاملاتی با آن قیمت‌ها معامله شده است. قیمت‌های تسویه مهم‌اند زیرا به قیمت‌های بازار علامت می‌دهند. تسویه قبلی نشان‌دهنده قیمت تسویه روز قبل است.</p> <p>دامنه قیمت بیانگر محدوده قیمتی که قرارداد اختیار معامله می‌تواند در طول روز معامله شود، می‌باشد.</p> <p>قیمت قرارداد پایه نشان دهنده قیمت قرارداد آتی است که به عنوان دارایی پایه، قرارداد اختیار معامله بر روی آن منعقد شده است.</p>										

فصل سوم: ابزارهای بازاری مدیریت ریسک قیمت محصولات کشاورزی □ ۱۵۹

قیمت توافقی / قیمت اعمال^۱: اشاره به قیمت مشخصی دارد که کالای پایه ممکن است خریداری شود (در مورد اختیار معامله خرید) و یا به فروش رسد (در مورد اختیار معامله فروش).

تسویه اختیار معامله: اختیار معامله از سه طریق تسویه می‌گردد. راه اول بستن معاملات از طریق اخذ موقعیت معکوس است. برای این منظور، خریدار اختیار معامله آن را به فروش می‌رساند. این روش به وسیله خریدار یا فروشنده اختیار معامله قابل انجام است. راه دوم اعمال اختیار است. تنها خریدار اختیار معامله (اختیار فروش یا خرید) حق انجام این کار را دارند.

بر اساس قوانین دو نوع از قرارداد اختیار معامله از نظر زمان اعمال وجود دارد: قرارداد اختیار معامله آمریکایی و اختیار معامله اروپایی. اختیار معامله آمریکایی در هر زمانی قبل از تاریخ انقضای قرارداد اختیار ممکن است اعمال شود. اختیار معامله اروپایی فقط در تاریخ انقضای قرارداد اعمال می‌گردد.

راه سوم برای تسویه این است که دارنده اختیار هیچ اقدامی صورت ندهد و به قرارداد اختیار معامله اجازه داده شود تا سررسیدش فرا رسد و در سررسید با توجه به وضعیت قیمتی اجازه دهد که اختیار معامله او بدون اقدام خاصی منقضی شود و یا اینکه اقدام به تسویه نقدی قرارداد مانند آنچه در قراردادهای آتی ذکر شد، کند.

پ) مدیریت ریسک قیمت با استفاده از قرارداد اختیار معامله

معمولاً فروشنده کالا ریسک کاهش قیمت‌ها را با خرید اختیار معامله فروش پوشش می‌دهد. این کار حداقل قیمت فروش را برای وی تضمین می‌کند. از سوی دیگر خریدار کالا ریسک افزایش قیمت‌ها را با خرید اختیار معامله خرید پوشش می‌دهد این کار حداکثر قیمت خرید را برای وی پوشش می‌دهد. اختیار معامله برعکس قراردادهای آتی به کشاورز این امکان را می‌دهد اگر در سررسید قیمت کالا در بازار فیزیکی بالاتر

1. Strike price/exercise price

از قیمت توافق شده در قرارداد اختیار معامله باشد از حق خود در اعمال اختیار استفاده ننموده و محصول خود را در بازار به قیمت بالاتر بفروشد. همان‌طور که اشاره شد اختیار معامله برای داشتن انعطاف برای سودآوری حاصل از تغییرات قیمت مطلوب استفاده می‌شود در حالی که دارنده اختیار را در مقابل تغییرات نامطلوب قیمت پوشش می‌دهد. در نتیجه، فروشنده کالا اختیار معامله فروش را می‌خرد که سود را با احتمال افزایش قیمت‌ها به همراه خواهد داشت. قراردادهای اختیار معامله همچنین توسط دولت‌ها (جعبه ۳-۵ را ببینید) و شرکای زنجیره تأمین (جعبه ۳-۶ را ببینید) برای کمک به کشاورزان در جهت کاهش ریسک قیمت استفاده می‌شوند.

• مدیریت ریسک فروشنده در صورت عدم وجود قرارداد فیزیکی حداقل قیمت

تضمین شده

یک کشاورز تولیدکننده زعفران در مورد کاهش قیمت بازار نگران است و برای محافظت خود قرارداد اختیار معامله فروش را می‌خرد. او اقدام به خرید اختیار معامله فروش با سرسید سه ماهه، برای داشتن قیمت توافقی (اعمال) ۳۰ هزار تومان برای هر مثقال با قیمت اختیار هزار تومان می‌کند. در واقع پرداخت هزار تومان به کشاورز این حق را می‌دهد که زعفران را در قیمت توافقی ۳۰ هزار تومان بفروشد. فرض کنید سه ماه بعد در زمان برداشت، قیمت زعفران به ۲۵ هزار تومان در هر مثقال کاهش می‌یابد و اختیار معامله فروشی که وی دارد در قیمت ۵ هزار تومان معامله می‌گردد. کشاورز با دو گزینه روبروست. او می‌تواند اختیار را اعمال کند، زعفران را در قیمت ۳۰ هزار تومان در هر مثقال به انبار توافق شده در قرارداد اختیار تحویل دهد و به یک قیمت خالص ۲۹ هزار تومان به ازای هر مثقال (۳۰ هزار تومان قیمت اعمال منهای هزار تومان هزینه خرید اختیار) برسد. روش دیگر، به این صورت است که اگر وی مایل به تحویل زعفران نیست، می‌تواند اختیار فروش را در سود ۴ هزار تومانی (۵ هزار تومان قیمت اختیار منهای هزار تومان پرداخت شده برای خرید اختیار) بفروشد (بستن

فصل سوم: ابزارهای بازاری مدیریت ریسک قیمت محصولات کشاورزی □ ۱۶۱

موقعیت) و زعفران را نیز در بازار نقدی به قیمت ۲۵ هزار تومان در هر مثقال بفروشد، که به طور موثر قیمت فروش ۲۹ هزار تومانی (۲۵ هزار تومان قیمت زعفران در بازار نقد به علاوه ۴ هزار تومان سود فروش اختیار) در هر تن را حاصل کند. در فرض دیگر اگر قیمت زعفران به ۳۲ هزار تومان در هر مثقال افزایش یابد، او حتما اجازه می‌دهد قرارداد اختیار معامله‌اش به پایان رسد و منقضی شود و زعفران را در قیمت بازاری بالاتر بفروشد. در این صورت کشاورز هزار تومان (قیمت اختیار) ضرر خواهد کرد.

جعبه ۳-۵- مورد آسرکا مکزیکی (ASERCA Mexican)؛ برنامه آسرکای دولت مکزیک جهت تسهیل پوشش ریسک از طریق قراردادهای آتی و اختیار معامله

این برنامه توسط بخش دولتی مکزیک ASERCA (خدمات حمایتی آژانس بازاریابی کشاورزی) در سال ۱۹۹۴ به منظور تسهیل دسترسی کشاورزان به قراردادهای آتی و قراردادهای اختیار، معامله شده در شیکاگو، کانزاس سیتی، هیأت تجاری نیویورک و بورس شیکاگو ایجاد شد. هدف کمک به تولید به منظور کاهش ریسک مربوط به تغییرات ناسازگار قیمت کشاورزی و در نتیجه ایجاد انگیزه برای افزایش تولید بود.

مکانیسم: براساس مفاد آن، تولید کنندگان می‌توانند قرارداد اختیار معامله، قرارداد آتی (در قسمت‌های بعد توضیح داده شده است) و قراردادهای اختیار معامله ترکیبی را با ۵۰ درصد یارانه دولت روی قیمت اختیار معامله خریداری نمایند. کشاورزان می‌توانند از این یارانه برای خرید اختیار خرید و اختیار فروش استفاده نمایند اگرچه در عمل تقریباً همه قراردادهای معامله شده در قالب این طرح اختیار معامله فروش روی قراردادهای آتی (که تحت عنوان قرارداد اختیار معامله قرارداد آتی نامیده می‌شوند) بوده‌اند.

دولت در هنگامی که سود اعمال اختیار مشخص شود، یارانه خود از قیمت اختیار را بازپس می‌گیرد. البته اگر اختیار سود نداشته باشد یارانه پرداخت شده باز پس گرفته نمی‌شود. این طرح به طور فزاینده‌ای در محصولات کشاورزی که واجد شرایط برای پوشش ریسک هستند کاربرد دارد و بودجه مصوب آن برای سال‌های ۲۰۰۲-۲۰۰۳ حدود ۲۲/۵ میلیون دلار بوده است.

این طرح طبق قانون برای تولیدکنندگان و صادرکنندگان واجد شرایط که به دنبال پوشش ریسک قیمت محصول هستند قابل استفاده است. البته دولت نظارت می‌کند تا افراد با هدف سفته بازی از این یارانه بهره‌مند نشوند.

دارندگان موقعیت امکان به جلو غلتاندن پوشش ریسک (Rollover) (بستن موقعیت فعلی قرارداد و اتخاذ موقعیت جدید در قرارداد با ماه سرسید یا اندازه قرارداد متفاوت) را در قراردادهای اختیار معامله را دارند، اما دولت محدودیت نه ماهه بر روی دوره پوشش ریسک با هدف مدیریت ریسک اعمال کرده است. همچنین دولت برای محدود کردن هزینه‌های بالقوه یارانه قیمت اختیار، به کشاورزان اجازه داده است فقط قراردادهایی را خریداری نمایند که قیمت اعمال آن‌ها برابر یا نزدیک‌تر به قیمت قرارداد آتی باشد. لازم به توضیح است که قیمت اختیارهای در سود، بالاتر از قیمت اختیارهای بی‌تفاوت می‌باشد (در قسمت‌های بعد توضیح داده شده است).

فصل سوم: ابزارهای بازاری مدیریت ریسک قیمت محصولات کشاورزی □ ۱۶۳

جعبه ۳-۶- مشارکت زنجیره تأمین در توزیع ریسک قیمت

مشارکت نهادی می‌تواند در فعال کردن کشاورزان کوچک مقیاس برای بهره‌مندی از ابزارهای مدیریت ریسک حیاتی باشد. دو مورد زیر گویای نقشی است، که شرکای زنجیره تأمین می‌توانند در تسهیل دسترسی به مدیریت ریسک بازی کنند. مورد اول نشان می‌دهد که چگونه یک تعاونی قهوه با استفاده از ابزارهای مشتقه به ارائه حداقل قیمت تضمین شده می‌پردازد. در مورد دوم، یک شرکت صنایع تبدیلی غلات در لهستان قادر به افزایش انعطاف‌پذیری قیمت‌گذاری کشاورزان می‌شود در حالی که حداقل قیمت را نیز برای آن‌ها تضمین می‌کند.

قراردادهای اختیار معامله افزایش تأمین مالی را به همراه دارد: فذکوپ سازمان تعاونی قهوه در کاستاریکا، از قراردادهای مشتقه برای پوشش ریسک قیمت که کشاورزان قهوه با آن مواجه‌اند استفاده می‌کند. کشاورزان قهوه اولین پرداخت را از آسیابان‌ها دریافت می‌کنند که قهوه خود را به آن‌ها تحویل داده‌اند، و پرداخت بعدی به کشاورزان در طول سال زراعی که آسیابان‌ها قهوه را به صادرکنندگان می‌فروشند صورت می‌گیرد. از آنجا که آسیابانان نمی‌توانند پول را از کشاورزان در صورت کاهش قیمت قهوه بازپس گیرند، با توجه به نوسانات بالای قیمتی قهوه، آسیابانان تنها نیمی از قیمت انتظاری را به عنوان پرداخت اولیه می‌پردازند. برای حل این مشکل آسیابانان اقدام به فروش قرارداد اختیار معامله به کشاورزان می‌نمایند و در صورتی که کشاورز اختیار معامله از آسیابان خریداری کرده باشد بیشتر از سه چهارم قیمت اعمال اختیار را در مرحله اول پرداخت می‌کنند. هزینه قرارداد اختیار معامله نیز از پرداخت‌هایی که به کشاورز صورت می‌گیرد کسر می‌گردد. آسیابانانی که این اختیار معامله را به کشاورزان ارائه می‌دهند زمانی که کشاورزان داشتن پوشش ریسک را ترجیح می‌دهند به سایر آسیابانان که از این ابزار استفاده نمی‌کنند ترجیح داده می‌شوند. بنابراین، هنگامی که کشاورزان به بازار ابزار مشتقه کالا به طور غیر مستقیم دسترسی دارند، صادرکننده، معامله‌گر و یا کشاورز می‌تواند ریسک قیمتی بسیاری از خرده مالکان را جذب کند و ریسک‌های آشکار را در بازار ابزار مشتقه پوشش دهد.

مدیریت ریسک از طریق قرارداد بازاریابی: یک شرکت صنایع تبدیلی غلات در هلند با نام مرکز سویا بازاری را برای مدیریت ریسک تولیدکنندگان محلی معرفی نمود. براساس این ابزار مرکز سویا توافق می‌کند که غلات را از کشاورزان تحویل بگیرد، کشاورزان می‌توانند محصول را به قیمت روز به مرکز سویا بفروشند و پول خود را دریافت نمایند یا با مرکز سویا توافق نمایند مرکز سویا محصول‌شان را بدون اخذ هزینه انبارداری نگهداری نماید و متعهد شود محصول را حداقل به قیمت روز تحویل کالا به انبار در زمانی در آینده خریداری نماید به عبارت دیگر مرکز سویا تضمین می‌کند که کشاورزان قیمتی برابر و یا بالاتر از قیمت روز تحویل را در آینده دریافت کنند. در این معنا، مرکز سویا یک قرارداد اختیار معامله فروش به کشاورز می‌دهد. لذا کشاورزان با تحویل کالا و نه ثابت کردن قیمت‌ها، می‌توانند از مزایای افزایش قیمت در آینده (بعد از فصل برداشت) بهره‌مند شوند.

بدون این سیستم کشاورزان مجبورند در فصل برداشت محصول را در قیمت‌های پایین بفروشند یا اینکه محصول را نگهداری و بعداً بفروشند که هزینه‌های ذخیره‌سازی را در پی خواهد داشت. برای مرکز سویا نیز تأخیر در پرداخت، به معنی صرفه‌جویی در هزینه‌های تأمین مالی خرید کالا است. همچنین این امکان فراهم شده است تا کشاورزان بتوانند از قراردادهای مرکز سویا برای تأمین مالی از بانک‌ها استفاده کنند.

• **مدیریت ریسک فروشنده با وجود قرارداد فیزیکی حداقل قیمت تضمین شده**

در مثال قسمت قبل، موردی را در نظر بگیرید که تولیدکننده زعفران دارای قرارداد با کارخانه بسته‌بندی است و به موجب آن وی موافقت کرده است که مقدار مشخصی زعفران را در قیمت ثابت ۳۰ هزار تومان در هر مثقال به کارخانه بفروشد. سه ماه بعد، قیمت زعفران در بازار به ۳۲ هزار تومان افزایش می‌یابد که منجر به از دست دادن فرصت سود ۲ هزار تومانی در هر مثقال برای کشاورز می‌شود.

اگر کشاورز قرارداد اختیار معامله خرید را خریداری کرده بود، در این صورت می‌توانست از تغییرات قیمتی افزایش قیمت بهره‌برد. وی می‌توانست به سادگی با بستن موقعیت خرید اختیار معامله، از افزایش قیمت زعفران سود کند (قیمت دارایی پایه تعیین‌کننده‌ترین عامل در قیمت یک قرارداد اختیار معامله است. زمانی که قیمت بازار افزایش یابد، قرارداد اختیار معامله خرید افزایش می‌یابد همچنین وقتی قیمت‌های بازاری کاهش یابند، قیمت اختیار معامله فروش افزایش می‌یابد.)

• **مدیریت ریسک خریدار در صورت عدم وجود قرارداد فیزیکی حداکثر هزینه**

خرید تضمین شده

همان‌طور که کشاورز از کاهش قیمت محصول نگران است مصرف‌کننده محصول نیز از افزایش قیمت محصولات نگران می‌باشد. به عنوان مثال کارخانه بسته‌بندی زعفران در مورد افزایش قیمت زعفران نگران است لذا به دنبال حفاظت در برابر افزایش قیمت با خرید اختیار معامله خرید است که به وی حق خرید مقدار مشخصی از زعفران در قیمت توافق شده ۳۰ هزار تومان در هر مثقال پس از سه ماه را می‌دهد. هزینه این قرارداد اختیار معامله هزار تومان به ازای هر مثقال می‌باشد. سه ماه بعد، قیمت زعفران در بازار افزایش و به ۳۵ هزار تومان در هر مثقال می‌رسد و اختیار معامله خرید در قیمت ۵ هزار تومان معامله می‌گردد. مانند تولیدکننده زعفران، وی با دو گزینه مواجه است. او می‌تواند اختیار را اعمال کند و زعفران را در قیمت ۳۰ هزار تومان به ازای هر مثقال از انبار قید شده در قرارداد تحویل بگیرد و هزینه خالص ۳۱ هزار تومان به ازای

فصل سوم: ابزارهای بازاری مدیریت ریسک قیمت محصولات کشاورزی □ ۱۶۵

هر مثقال (۳۰ هزار تومان قیمت زعفران و هزار تومان هزینه اختیار) را پردازد. در روش دیگر، اگر او مایل به تحویل کالا نیست، می‌تواند اختیار معامله خرید را (با بستن موقعیت) در سود ۴ هزار تومان (۵ هزار تومان منهای هزار تومان) بفروشد و زعفران را از بازار به قیمت ۳۵ هزار تومان خریداری نماید هزینه خالص این روش نیز ۳۱ هزار تومان به ازای هر مثقال خواهد بود. اگر قیمت‌ها در بازار به ۲۸ هزار تومان سقوط کند، کارخانه بسته‌بندی زعفران اختیار را اعمال نمی‌کند و آزاد است که زعفران را در قیمت بازاری مطلوب بخرد.

• **مدیریت ریسک خریدار با وجود قرارداد فیزیکی حداقل قیمت تضمین شده**

حال فرض کنید کارخانه بسته‌بندی زعفران دارای یک قرارداد کشاورزی با تولیدکننده زعفران است در نظر بگیرید که به موجب آن او اقدام به خرید زعفران در قیمت ثابت ۳۰ هزار تومان در هر مثقال می‌نماید. سه ماه بعد قیمت زعفران به ۲۸ هزار تومان کاهش می‌یابد و کارخانه بسته‌بندی زعفران فرصت ۲ هزار تومان دلار کاهش در هر مثقال زعفران خریداری شده را از دست می‌دهد. اگر کارخانه همزمان با خرید پیمان آتی اختیار معامله فروش را خریداری کرده بود، به وی برای شرکت در سود کاهش قیمت کمک می‌کرد. کارخانه می‌توانست با فروش اختیار و بستن موقعیت، سود بدست آورد.

• **استفاده از قراردادهای اختیار معامله فروش به عنوان حداقل قیمت حمایتی**

استفاده از قراردادهای اختیار معامله فروش می‌تواند یک مکانیسم اجرایی جایگزین برای دولت در راستای حمایت از بخش کشاورزی باشد. این ابزار می‌تواند به کشاورزان حداقل قیمت فروش را تضمین نماید و جایگزین مناسبی برای روش خرید تضمینی باشد. مزیت استفاده از اختیار معامله فروش به جای خرید تضمینی بهره‌گیری این ابزار از مکانیزم‌های مبتنی بر بازار است که انحراف در قیمت بازار ایجاد نمی‌کند. البته مشکل اجرای چنین برنامه‌هایی می‌تواند مقاومت کشاورزان به تحمل هزینه‌های مربوطه باشد که دولت می‌تواند با پرداخت و تسهیم هزینه‌های قیمت اختیار، به

کشاورزان برای شروع کمک کند.

• **راهبردهای ترکیبی پوشش ریسک با قراردادهای اختیار معامله**

راهبردهای معاملاتی متنوعی را می‌توان با قرارداد اختیار معامله و قرارداد آتی ایجاد نمود. البته راهبردهایی که با انگیزه سفته‌بازی هستند باید از آن‌هایی که برای پوشش ریسک قابل استفاده‌اند متمایز شوند. یکی از راهبردهای پوشش ریسک کلیدی، راهبرد حصار^۱ است، که باعث کاهش هزینه‌های اختیار معامله می‌گردد.

راهبرد حصار با قراردادهای اختیار معامله: راهبرد پوشش ریسک با خرید یک قرارداد اختیار معامله فروش و فروش یک اختیار معامله خرید و یا خرید یک قرارداد اختیار معامله خرید و فروش یک اختیار معامله فروش اجرا می‌شود. حصار ترکیبی از دو معامله قرارداد اختیار ساده برای محدود کردن اثرات قیمت‌های پرت (محدود کردن هزینه‌های مرتبط با تغییرات قیمت در یک جهت در کنار از دست دادن مزایای تغییر قیمت در جهت مقابل)، می‌باشد. در این معاملات، قیمت اختیار که برای فروش یک اختیار معامله دریافت می‌شود بخشی از هزینه قیمت اختیار پرداختی برای خرید یک اختیار معامله را جبران می‌کند. دو استراتژی حصار برای خریداران و فروشندگان کالا در زیر آورده شده است:

مثال: استراتژی حصار برای فروشنده کالا - خرید یک اختیار معامله فروش و فروش همزمان یک اختیار معامله خرید.

خرید یک اختیار معامله فروش و فروش یک اختیار معامله خرید می‌تواند توسط تولیدکننده/فروشنده که تمایل به پوشش ریسک کاهش قیمت‌ها دارد استفاده گردد. فرض کنید که کشاورز تولیدکننده زعفران، قرارداد اختیار معامله فروش ۳۰ هزار تومانی به ازای هر مثقال زعفران برای سررسید آبان را در قیمت هزار تومان می‌خرد و به طور همزمان، قرارداد ۳۵ هزار تومانی اختیار معامله خرید زعفران برای سررسید آبان را در قیمت هزار تومان می‌فروشد. بنابراین، این معامله تضمین می‌کند که کشاورز بین دو

1. Fence strategies

فصل سوم: ابزارهای بازاری مدیریت ریسک قیمت محصولات کشاورزی □ ۱۶۷

حد از قیمت ۳۰ هزار تومان و ۳۵ هزار تومان محافظت شود و در نتیجه‌ی معامله دو قرارداد اختیار، هزینه معاملات وی برابر صفر باشد. لازم به توضیح است در حالی که فروش اختیار معامله می‌تواند منجر به زیان‌های نامحدودی برای فروشنده شود ولی در این استراتژی به دلیل این که فروشنده قرارداد اختیار معامله خرید (کشاورز) صاحب کالاهاست او اختیار خرید پوششی^۱ را فروخته است. بنابراین وی مجبور نیست برای انجام تعهدات تحویل کالا در قیمت بالاتر بازار، کالا بخرد.

مثال: استراتژی حصار برای خریدار کالا- خرید یک اختیار معامله خرید و فروش همزمان یک اختیار معامله فروش.

کارخانه بسته‌بندی زعفران از افزایش قیمت زعفران نگران است. او برای پوشش هزینه‌ها استراتژی حصار را انتخاب می‌کند. وی اقدام به خرید اختیار معامله خرید با قیمت اعمال ۳۰ هزار تومان به ازای هر مثقال زعفران برای سررسید آبان‌ماه در قیمت هزار تومان می‌نماید (قیمت اختیار را پرداخت می‌نماید) و به طور همزمان، اختیار معامله فروش ۲۸ هزار تومان به ازای هر مثقال زعفران برای سررسید آبان‌ماه را در قیمت هزار تومان می‌فروشد (قیمت اختیار را به دست آورده است). بنابراین، کارخانه حق خرید زعفران در قیمت ۳۰ هزار تومان را دارد و اگر خریدار اختیار معامله فروش، اختیارش را اعمال کند، کارخانه ملزم به خرید زعفران در قیمت ۲۸ هزار تومان می‌گردد. بنابراین با کمک دو معامله، کارخانه در دو محدوده قیمتی ۲۸ هزار تومان و ۳۰ هزار تومان محافظت می‌شود. هزینه ورود به این معامله صفر ریال (تفاوت بین قیمت اختیار پرداختی و دریافتی) برای کارخانه بسته‌بندی زعفران می‌باشد.

• پوشش ریسک با اختیار معامله در برابر قراردادهای آتی

یک سوال جالب مطرح می‌شود- از دو ابزار محبوب معامله در بورس، قراردادهای اختیار معامله و قراردادهای آتی، کدام یک مناسب‌تر برای کشورهای در حال توسعه است؟ ورود به یک قرارداد آتی نیاز به پرداخت وجه تضمین اولیه دارد و به طور بالقوه

1. he writes a covered call

می‌تواند منجر به ایجاد زیان‌های بزرگ در زمان تسویه و یا بسته شدن موقعیت آن شود. در مورد اختیار معامله یک هزینه ورودی وجود دارد، اما پس از یک‌بار پرداخت قیمت اختیار (پرمیوم)، مشکلات جریان نقدی مربوط به وجه تضمین وجود ندارد چرا که خریدار اختیار معامله نیاز به تودیع وجه تضمین ندارد. همچنین می‌توان هزینه خرید اختیار معامله را با اتخاذ راهبردهای معاملاتی مناسب به حداقل رساند. بنابراین، با توجه به اطمینان از هزینه‌ها و جریان نقدی در قراردادهای اختیار معامله، این قراردادها ابزار مناسب‌تری برای کشورهای در حال توسعه‌اند.

ت) برخی از مفاهیم قراردادهای اختیار معامله

اگر یک پوشش دهنده ریسک تصمیم به حداقل نمودن ریسک قیمتی از طریق پوشش ریسک با قراردادهای اختیار معامله نمود، اولین سوالی که مطرح می‌شود این است، در چه قیمت اعمالی؟

قراردادهای اختیار معامله بسته به رابطه قیمت اعمال و سطح قیمت دارایی پایه به قرارداد اختیار معامله در سود یا با قیمت^۱، قرارداد اختیار معامله بی تفاوت یا به قیمت^۲ و قرارداد اختیار معامله در زیان یا بی قیمت^۳ تقسیم می‌شوند.

قرارداد اختیار معامله بی تفاوت یا به قیمت: منجر به جریان نقدی صفر برای دارنده آن بلافاصله بعد از اعمال اختیار می‌شود، به عبارت دیگر قیمت کالای پایه در بازار نقدی برابر با قیمت اعمال اختیار معامله است.

قرارداد اختیار معامله در سود یا با قیمت: منجر به جریان نقدی مثبت برای دارنده آن بلافاصله بعد از اعمال اختیار می‌گردد. به عبارت دیگر قیمت دارایی پایه بیشتر از قیمت اعمال در اختیار معامله خرید و کمتر از قیمت اعمال در اختیار معامله فروش است.

قرارداد اختیار معامله در زیان یا بی قیمت: منجر به یک جریان نقدی منفی برای

1. in-the-money

2. at-the-money

3. out-of-the-money

فصل سوم: ابزارهای بازاری مدیریت ریسک قیمت محصولات کشاورزی □ ۱۶۹

دارنده آن بلافاصله بعد از اعمال منجر می‌گردد. به عبارت دیگر قیمت دارایی پایه کمتر از قیمت اعمال در اختیار معامله خرید و بیشتر از قیمت اعمال در اختیار معامله فروش است.

خرید هریک از این سه قرارداد اختیار معامله بستگی به سطح تضمین قیمت مورد نظر دارد. *قرارداد اختیار معامله در سود یا با قیمت تضمین قیمتی بیشتری را ارائه می‌دهد (قیمت سقف پایین‌تر برای یک کارخانه صنایع تبدیلی) و از سوی دیگر قیمت اختیار نیز بالاتر است.*

یکی دیگر از مفاهیم مرتبط، ارزش ذاتی^۱ و ارزش زمانی^۲ اختیار معامله است. ارزش ذاتی منعکس‌کننده مبلغی است که توسط قرارداد اختیار معامله در سود یا با قیمت بدست می‌آید به عبارت دیگر تفاوت بین قیمت اعمال قرارداد اختیار معامله و قیمت دارایی پایه است. هر چیزی که برای اختیار معامله علاوه بر ارزش ذاتی آن پرداخت شود ارزش زمانی است. ارزش زمانی بیانگر پولی است که خریداران مایل به پرداخت آن برای جبران احتمال افزایش ارزش ذاتی اختیار در طول زمان هستند. ارزش زمانی یک قرارداد اختیار معامله با نزدیک شدن به تاریخ سررسید کاهش می‌یابد زیرا با کاهش زمان تا سررسید، احتمال یک تغییر عمده در قیمت، کاهش می‌یابد.

ث) قرارداد اختیار معامله روی قرارداد آتی کالا

قرارداد اختیار معامله روی قرارداد آتی قراردادهایی هستند که فروشنده آن در صورت اعمال اختیار توسط خریدار باید قرارداد آتی پایه^۳ (نه کالاها) را تحویل بدهد یا تحویل بگیرد. در بازارهای کشاورزی بورسی، اختیار معامله معمولاً به اختیار معامله قرارداد آتی اشاره دارد. به عنوان مثال دارایی پایه قرارداد اختیار معامله گندم مبادله شده در هیأت تجاری شیکاگو، قرارداد آتی گندم است. در اعمال اختیار معامله خرید قرارداد آتی، خریدار اختیار معامله موقعیت خرید در قرارداد آتی را کسب می‌کند و مقدار

1. Intrinsic value

2. time value

3. underlying futures contract

نقدی برابر با تفاوت بین آخرین قیمت تسویه قرارداد آتی و قیمت اعمال اختیار معامله را به عنوان سود و یا زیان دریافت و پرداخت می‌کند. اگر اختیار معامله فروش روی قرارداد آتی اعمال گردد، دارنده اختیار معامله موقعیت فروش در قرارداد آتی پایه و تفاوت بین قیمت اعمال اختیار و آخرین قیمت تسویه قرارداد آتی را به عنوان سود و یا زیان به دست می‌آورد. زمانی که تحویل قراردادهای آتی ارزان‌تر و راحت‌تر از کالاها هستند قراردادهای اختیار معامله روی قرارداد آتی جذاب‌تر از قراردادهای اختیار معامله بر روی خود کالاها هستند. هزینه‌های تحویل فیزیکی کالا زمانی که بازارهای نقدی و فیزیکی برای یک کالا به شدت در نقاط مختلف کشور پراکنده هستند اهمیت بیشتری خواهد داشت.

۳-۴- قراردادهای معاوضه

الف) تعریف

قراردادهای معاوضه^۱ در بازار خارج از بورس به عنوان ابزار مدیریت ریسک بلندمدت قیمت ایجاد و توسعه داده شده‌اند. قراردادهای معاوضه کالا دو طرف معامله را متعهد به تبادل قیمت شناور با یک قیمت ثابت برای یک مقدار معین از یک کالا در فواصل زمانی مشخص می‌کند. به عبارت دیگر، قرارداد معاوضه توافق بین دو طرف است که در آن پوشش دهنده ریسک (استفاده کنندگان کالا یا تولیدکننده) خواهان پرداخت یا دریافت یک قیمت ثابت است. در قرارداد معاوضه، به طور معمول یک مصرف کننده و یک تولیدکننده کالا وجود دارد، و یک بانک یا هر موسسه مالی دیگر که به عنوان واسط عمل می‌کند. معامله کالا به طور مستقیم بین تولیدکننده و مصرف کننده توافق می‌شود و بانک یا موسسه مالی وظیفه پرداخت یا دریافت مابه‌التفاوت قیمت ثابت با قیمت شاخص را برعهده دارد. این قراردادها بیشتر در صنعت نفت استفاده می‌گردند.

1. SWAPS

(ب) مفاهیم اساسی

• تسویه

قرارداد معاوضه به صورت دوره‌ای تسویه می‌گردد. معاملات قراردادهای معاوضه مستلزم تحویل فیزیکی کالاها نیست و بسته به اینکه قیمت شاخص تعیین شده بالا یا پایین تر از قیمت تعیین شده در قرارداد باشد یک طرف معامله باید پرداخت نماید.

• هزینه قرارداد معاوضه

ورود به قرارداد معاوضه معمولاً نیاز به پرداخت هیچ هزینه‌ای ندارد زیرا این قراردادها وجه تضمین متناوبی همانند قراردادهای آتی یا هزینه اولیه قراردادهای اختیار معامله را ندارد. با این حال، به دلیل ریسک بالای طرف معامله در معاملات قرارداد معاوضه، بانک‌های تسویه کننده ممکن است وثیقه نقدی برای پوشش ریسک بخواهند.

• مزایای کلیدی قراردادهای معاوضه‌ای

مزایای عملیاتی قرارداد معاوضه: از آنجایی که قرارداد معاوضه کالا، تسویه نقدی می‌شود، این امکان را به تولیدکننده و مصرف‌کننده می‌دهد که ریسک را بدون تأثیر مستقیم بر فعالیت‌های تولید، توزیع و یا تهیه کالا پوشش دهند و پوشش‌دهندگان ریسک هیچ تعهدی برای تحویل کالا ندارند. بنابراین ریسک قیمت از ریسک فیزیکی جدا شده است. به عنوان ابزار مدیریت ریسک، قراردادهای معاوضه به ارائه روش‌های ساده مدیریت ریسک قیمت که نیازی به درک دقیق و دسترسی به ارز و بازارهای آتی ندارند، می‌پردازند. از آنجا که یک قرارداد معاوضه یکبار مبادله می‌شود، نیاز به نظارت مستمر ندارند. قرارداد معاوضه ابزاری مناسب برای مدیریت ریسک است. چندین عامل کلیدی وجود دارد که این ابزار را برای کشورهای در حال توسعه به عنوان ابزاری ساده جهت مدیریت ریسک معرفی نموده است.

مدیریت ریسک بلندمدت: بر خلاف قراردادهای آتی و اختیار معامله، قرارداد معاوضه نسبتاً برای مدیریت ریسک قیمت بلندمدت قابل استفاده است و به طور کلی

در بازارهای خارج از بورس معامله می‌شوند. مزیت کلیدی قرارداد معاوضه این است که به شرکت‌کنندگان بازار قابلیت پیش‌بینی جریان نقدی خود را حتی فراتر از یک سال می‌دهد؛ در حالی که در بورس‌های مختلف قراردادهای آتی برای محصولات کشاورزی تنها برای ۱۲ تا ۱۸ ماه قابل معامله هستند.

پ) مدیریت ریسک قیمت با استفاده از قراردادهای معاوضه‌ای

قرارداد معاوضه ثابت-شناور^۱ اصلی‌ترین نوع قرارداد معاوضه موجود در بازارهای کالا و مالی می‌باشد. این قرارداد دو طرف معامله را ملزم به مبادله قیمت شناور با یک قیمت ثابت (و یا برعکس) برای یک مقدار معین از یک کالا در فواصل زمانی مشخص می‌کند. قیمت ثابت شده می‌تواند بر پایه قیمت یک قرارداد آتی، یک شاخص و یا یک قیمت مرجع گزارش شده توسط یک نهاد معتبر انتشار قیمت نظیر بلومبرگ باشد.

مثال قرارداد معاوضه مصرف‌کننده: شرکت پشتیبانی امور دام به عنوان شرکت دولتی وارد کننده گندم وارد یک قرارداد بلندمدت که در آن طرف خارجی موافقت می‌کند ۲۵۰ هزار تن گندم را هر شش ماه در طول پنج سال آینده به وی بفروشد، می‌شود. شرکت پشتیبانی امور دام تمایل به قفل کردن هزینه‌های دلاری در زمان عقد قرارداد دارد لذا این شرکت وارد یک قرارداد معاوضه کالا با یک بانک می‌شود و بانک متعهد می‌شود در تاریخ‌هایی که کالا تحویل می‌شود براساس قیمت روز کالا مابه‌التفاوت را به شرکت پشتیبانی امور دام پرداخت نماید یا مابه‌التفاوت را از شرکت پشتیبانی امور دام دریافت نماید. به عنوان مثال شرکت پشتیبانی امور دام و بانک بر روی قیمت ثابت ۱۳۰ دلار توافق می‌نمایند. لذا بخش ثابت قرارداد معاوضه ۱۳۰ دلار در هر تن می‌باشد و نرخ شناور بر پایه نرخ گندم بازار فیزیکی در تاریخ‌های تحویل می‌باشد. بنابراین، شرکت پشتیبانی امور دام موافقت به پرداخت ۳۲/۵ میلیون دلار (۲۵۰۰۰۰ تن ضربدر ۱۳۰ دلار در هر تن) هر شش ماه برای پنج سال آینده به بانک

1. Fixed-floating swaps

فصل سوم: ابزارهای بازاری مدیریت ریسک قیمت محصولات کشاورزی □ ۱۷۳

می‌کند و بانک در عوض موافقت به پرداخت هر شش ماه مبلغی که معادل قیمت نقدی ۲۵۰۰۰۰ تن گندم به قیمت روز بازار فیزیکی در هر شش ماه است می‌نماید. توجه داشته باشید در تبادل این جریان‌های نقدی، شرکت پشتیبانی امور دام وارد معامله با بانک می‌شود و در هر شش ماه هم در واقع مابه‌التفاوت این دو مبلغ بین آن‌ها مبادله می‌شود. ، لذا اگر قیمت نقدی گندم به ۱۳۲ دلار در بازار نقدی افزایش یابد، شرکت پشتیبانی امور دام از بانک ۵۰۰ هزار دلار (۲ ضربدر ۲۵۰۰۰۰) دریافت می‌کند. در نتیجه این مبلغ افزایش هزینه‌ی ۲ دلاری به ازای هر تن را برای شرکت پشتیبانی امور دام که در بازار نقدی متحمل شده است جبران می‌کند. بدین‌گونه قرارداد معاوضه کالا قیمت ۱۳۰ دلار در هر تن را برای شرکت پشتیبانی امور دام قفل می‌کند.

مثال قرارداد معاوضه تولیدکننده: یک کشاورز تولیدکننده گندم خواهان دریافت قیمت ثابت برای ۳۰۰ تن گندم طی دو سال آینده است. بخش متغیر قرارداد معاوضه بر پایه قیمت روز گندم در بازار توحید تهران در تاریخ مشخص شده در قرارداد است. بانک قیمت ثابت پرداختی به کشاورز را ۱۲۰۰ تومان به ازای هر کیلو محاسبه می‌کند. حال اگر قیمت مرجع به ۱۱۰۰ تومان کاهش یابد، بانک در روز مشخص شده در قرارداد ملزم به پرداخت تفاوت بین قیمت ثابت و قیمت مرجع است، یعنی ۳۰ میلیون تومان (۱۰۰ ضربدر ۳۰۰ هزار) است. این پرداخت، ضرر فروش گندم در کاهش قیمت بازار را جبران می‌کند. حال اگر قیمت مرجع به ۱۳۰۰ تومان افزایش یابد، کشاورز مجبور به پرداخت ۳۰ میلیون تومان ما به التفاوت خواهد بود (۱۰۰ ضربدر ۳۰۰ هزار). این امکان وجود دارد که قرارداد اختیار معامله با قرارداد معاوضه برای سود کردن تولیدکننده از افزایش قیمت ادغام شود اما اغلب به خاطر هزینه‌های قیمت اختیار، قراردادهای اختیار معامله بلندمدت گران تمام می‌شود. البته این هزینه‌ها می‌تواند تا حدودی با فروش قرارداد اختیار معامله توسط کشاورز به بانک و یا از طریق بندی که بخشی از مزایای افزایش قیمت فراتر از یک سطح خاص را به بانک ببخشد، کمتر شود.

ت) قراردادهای آتی جانشین قرارداد معاوضه

برای برخی از محصولات کشاورزی، وجود بازارهای آتی قوی، سیال و تثبیت شده نیاز به قرارداد معاوضه را کاهش می‌دهد. زیرا افراد می‌توانند با به جلو غلتاندن قرارداد آتی پوشش ریسک‌های بلندمدت را نیز انجام دهد. با این حال این روش جایگزین کاملی برای قرارداد معاوضه نیست زیرا در صورتی که بازار آتی بازار بدبینانه باشد سررسیدهای دورتر ارزان‌تر از سررسیدهای نزدیک‌تر خواهد بود به عبارت دیگر کشاورزی که می‌خواهد موقعیت فروش خود در سررسید نزدیک را با اتخاذ موقعیت معکوس ببندد و موقعیت فروش در سررسید دورتر اخذ نماید با زیان مواجه خواهد شد زیرا سررسیدهای دورتر ارزان‌تر از سررسیدهای نزدیک‌تر خواهند بود. البته این وضعیت به نفع مصرف کننده می‌باشد زیرا مصرف کننده با غلتاندن قرارداد به سررسیدهای دورتر سود کسب خواهد کرد.

۳-۵- بیمه درآمد

همانطور که در ابزارهای دیگر دیده شد، ماهیت ابزارهای مدیریت ریسک، مشارکت و توزیع ریسک است، همانطور که در بیمه نیز این گونه است. با این حال بیمه کشاورزی معمولاً برای ریسک‌های غیربازاری مانند تلفات محصول، ناشی از بلایای آب و هوایی و حملات آفات استفاده می‌شود. استفاده از بیمه در مدیریت ریسک قیمت، اغلب در مدیریت درآمد دیده می‌شود. بیمه قیمت، برای آن دسته از محصولاتی که داده‌های مربوط به قیمت آن‌ها به صورت شفاف و قابل اتکا موجود است پرکاربردتر می‌باشد، زیرا برای جلوگیری از مخاطرات اخلاقی لازم است ارزیابی ضرر بر اساس قیمت مرجع (قیمت آتی، قیمت نقدی بازار)، که تحت تأثیر دستکاری کشاورز قرار ندارد و به صورت شفاف و بدون هزینه منتشر می‌شود، صورت گیرد.

بیمه درآمد برای پوشش ریسک جامع طراحی شده است. این بیمه کاهش شدید درآمد انتظاری، احتمالاً ناشی از کاهش بازدهی محصول و یا قیمت، و یا ترکیبی از این دو را پوشش می‌دهد. غرامت به کشاورزان زمانی پرداخت می‌شود که درآمد حاصل

فصل سوم: ابزارهای بازاری مدیریت ریسک قیمت محصولات کشاورزی □ ۱۷۵

شده از مقدار درآمد تضمین شده کمتر باشد. طرح‌های بیمه درآمد زیر که توسط آژانس مدیریت ریسک آمریکا ارائه شده‌اند گویای راه‌های بالقوه‌ای است که در آن می‌توان بیمه درآمد را ارائه داد.

دولت به کشاورزان برای خرید این بیمه‌ها از شرکت‌های بیمه یارانه پرداخت می‌کند. البته دولت برنامه‌هایی را برای بازگرداندن بخشی از هزینه‌های یارانه از کشاورزان اجرا می‌کند. به عنوان مثال کشاورز بخشی از یارانه را هنگام فروش محصول باید به دولت باز پرداخت نماید.

• حفاظت درآمدی ریسک گروهی^۱ (GRIP)

در این بیمه، پرداخت جبرانی تنها زمانی به کشاورز تعلق می‌گیرد که درآمد متوسط بخش برای محصول بیمه شده کمتر از درآمد انتخاب شده توسط کشاورز باشد. یعنی خسارت زمانی پرداخت می‌گردد که درآمد متوسط بخش به ازای هر هکتار کمتر از درآمد هدف (ماشه)^۲ بیمه شده باشد. درآمد هدف (ماشه) از ضرب قیمت حفاظت درآمدی ریسک گروهی در عملکرد انتظاری بخش و سپس ضرب این دو در ۸۵، ۹۰، ۸۰، ۷۵، ۷۰ درصد (بر اساس حفاظت انتخاب شده) محاسبه می‌گردد. قیمت حفاظت درآمدی ریسک گروهی، متوسط قیمت معاملات آتی هیأت تجاری شیکاگو برای پنج روز کاری قبل از ۱ مارس است.

همان‌طور که مشخص است این بیمه پرداخت خسارت را براساس عملکرد یک منطقه در مورد یک محصول کشاورزی مشخص انجام می‌دهد و ممکن است عملکرد کشاورزی که این بیمه را خریده است بهتر و یا بدتر از عملکرد بخش باشد و در نتیجه خسارت پرداخت شده توسط بیمه به کشاورز از خسارت واقعی وی بیشتر یا کمتر باشد.

1. Group Risk Income Protection (GRIP)

2. trigger revenue

• درآمد ناخالص تعدیل شده (AGR)^۱

برخلاف مدل قبل، در این بیمه، درآمد کل مزرعه به جای یک محصول منحصر به فرد بیمه می‌شود. این طرح اطلاعات فرم‌های مالیاتی یک تولیدکننده و درآمد انتظاری مزرعه را برای محاسبه تضمین درآمد استفاده می‌کند.

همچنین در این بیمه برخلاف بیمه قبل که ملاک پرداخت خسارت، عملکرد بخش بود، این عملکرد کشاورز است که میزان خسارت تعلق گرفته به وی را مشخص می‌کند.

• پوشش درآمد محصول (CRC)^۲

پوشش درآمد محصول، حفاظت درآمدی را بر اساس انتظارات قیمت و عملکرد انجام می‌دهد. پرداخت براساس قیمت اول فصل و یا قیمت فصل برداشت، هر کدام که بزرگ‌تر باشد انجام می‌شود. برخلاف بیمه قبل در این بیمه به جای کل درآمد مزرعه، درآمد حاصل از تولید یک کالا مد نظر می‌باشد.

• حفاظت درآمدی (IP)^۳

حفاظت درآمدی، تولیدکنندگان را در برابر کاهش درآمد ناخالص محافظت می‌کند زمانی که قیمت محصول و یا عملکرد آن از انتظارات در شروع فصل کمتر باشد.

• تضمین درآمدی (RA)^۴

تضمین درآمدی پوشش دلاری را در محدوده ۶۵ تا ۷۵ درصدی از درآمد انتظاری با انتخاب تولیدکننده از یک درآمد هدف ارائه می‌دهد.

• قرارداد کشاورزی^۵

قرارداد کشاورزی توافقی بین کشاورزان و شرکت‌های فرآوری یا بازرگانی محصولات

1. Adjusted Gross Revenue (AGR)
2. Crop Revenue Coverage (CRC)
3. Income Protection (IP)
4. Revenue Assurance
5. contract farming

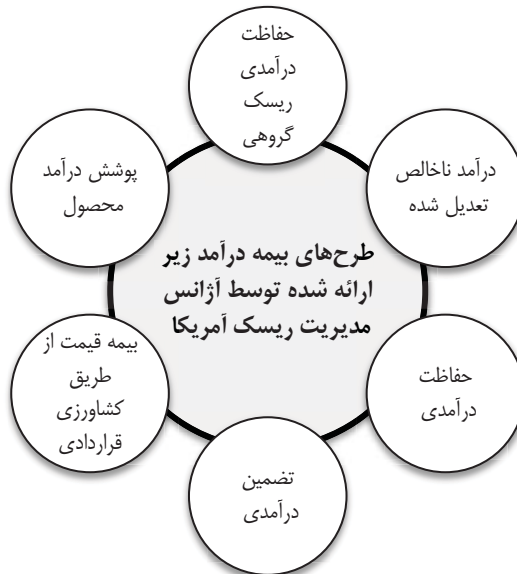
فصل سوم: ابزارهای بازاری مدیریت ریسک قیمت محصولات کشاورزی □ ۱۷۷

کشاورزی و دامی به منظور تولید و عرضه محصولات مورد نیاز آنها تحت موافقت‌نامه‌های از پیش تعیین شده است که در آن نرخ مشخصی برای محصول در نظر می‌گیرند. نرخ تعیین شده در این موافقت‌نامه‌ها عملاً ابزار پوشش ریسک قیمت برای کشاورزان می‌باشد.

به عنوان مثال در هند تولیدکنندگان پنبه محصولات خود را در قالب تفاهم‌نامه‌هایی که به کارخانه‌های نساجی دارند به قیمتی بالاتر از قیمت بازار یا به قیمتی که از قبل تعیین کرده‌اند می‌فروشند. در صورتی که کارخانه نساجی تعهد خود در خرید را ایفا نماید و محصول در دست کشاورز باقی بماند، دولت مکلف است براساس قیمت بازار و بالاتر از حداقل قیمتی که خود تعیین کرده است محصول را از کشاورز خریداری نماید. این مدل همانند قرارداد اختیار معامله فروش برای کشاورز عمل می‌کند زیرا همانند قرارداد اختیار معامله یک حداقل قیمتی را برای کشاورز تضمین کرده است ولی در صورتی که قیمت بازار از این حداقل قیمت بالاتر باشد کشاورز می‌تواند محصول خود را به قیمت بالاتر به فروش رساند. در نوع دیگری از این قراردادها، کارخانه قیمت خرید کالا را در شرایط توافقی تضمین می‌کند و یا حتی حداقل سطح درآمد بر اساس هکتار را برای کشاورز تضمین می‌نماید.

اشکال عمده بیمه قیمت که هم در بیمه درآمد و هم در قرارداد کشاورزی وجود دارد همبستگی بالای پرداخت خسارت با قیمت‌هاست، که با درجه بالایی از ریسک سیستماتیک همراه است لذا شرکت بیمه‌ای که با فروش بیمه، خود را در معرض این ریسک قرار می‌دهد، با یک ریسک سیستماتیک شدید در صورت تغییرات نامطلوب قیمت مواجه است زیرا در اینجا برخلاف بیمه‌ای مانند بیمه شخص ثالث اگر در یک محصول کشاورزی تغییرات قیمت نامطلوب باشد به تمامی بیمه‌نامه‌های فروخته شده به کشاورزان در آن محصول باید پرداخت خسارت صورت گیرد و این ریسک سیستماتیک زمانی افزایش می‌یابد که همبستگی قیمتی کالاهای مختلف کشاورزی با یکدیگر بالا باشد. به طور کلی، ریسک سیستماتیک را می‌توان به طور مؤثرتری با استفاده از ابزار مشتقه مانند قرارداد اختیار معامله، پیمان آتی و قراردادهای معاوضه

پوشش داد. در عمل هر قرارداد بیمه‌ای کارکردی مشابه قرارداد اختیار معامله فروش دارد زیرا قیمت اعمال قرارداد اختیار همان قیمت ماشه در بیمه برای پرداخت خسارت عمل می‌کند و قیمت اختیار همانند قیمت خرید بیمه است. بنابراین، امکان بیمه‌ها برای فروش این نوع بیمه‌نامه‌ها و در دسترس بودن انواع بیمه قیمت برای کشاورزان ممکن است به در دسترس بودن بازارهای مشتقه به عنوان ابزار انتقال ریسک برای بیمه‌ها و یا در دسترس بودن ظرفیت بیمه مجدد بستگی داشته باشد.



شکل ۳-۱۰- طرح‌های بیمه درآمد ارائه شده توسط آژانس مدیریت ریسک آمریکا

۳-۶- مثال‌هایی از استفاده کشورهای در حال توسعه

اگر چه استفاده از اوراق بهادار مبتنی بر کالا نظیر ابزارهای مدیریت ریسک قیمت مبتنی بر بازار و قبض انبار، توسط کشاورزان در کشورهای در حال توسعه رایج نیست، با این حال تجارب محدودی از این کشورها در این زمینه وجود دارد. در این قسمت تجارب کشاورزان در استفاده از ابزارهای مبتنی بر بازار برای مدیریت ریسک قیمت در گواتمالا، مکزیک و اوگاندا بررسی شده است. همچنین به تجارب تأمین مالی از طریق

فصل سوم: ابزارهای بازاری مدیریت ریسک قیمت محصولات کشاورزی □ ۱۷۹

قبض انبار در برزیل، مالزی و فیلیپین؛ و تأمین مالی از طریق موافقت‌نامه بازخرید^۱ در کلمبیا؛ و تأمین مالی از طریق تنزیل اسناد دریافتی^۲ در هند پرداخته می‌شود. البته غیر موارد بررسی شده، تجربه‌هایی در سایر کشورها نیز وجود دارد. به عنوان مثال، کشاورزان در آرژانتین و آفریقای جنوبی از بورس‌های آتی کالا به طور مستمر استفاده می‌نمایند و از طرفی تأمین مالی از طریق قبض انبار برای کشاورزان در کشورهای آمریکای لاتین، شرق و مرکز اروپا، و همچنین روسیه متداول است.

• گواتمالا - مدیریت ریسک قیمت برای دسترسی آسان به تأمین مالی

تجربه بخش قهوه در گواتمالا نشان می‌دهد امکان دسترسی کشاورزان خرد به ابزارهای مالی مدرن وجود دارد. در سال ۱۹۹۴، فدراسیون ملی تولیدکنندگان قهوه (ANACAFE)^۳ در گواتمالا که یک سازمان غیرانتفاعی خصوصی است به معرفی یک سیستم اعتباری با هدف بهبود دسترسی تولیدکنندگان قهوه به تأمین مالی از طریق بانک‌های تجاری پرداخت. در این طرح بانک‌ها برای اطمینان از توانایی کشاورز در پرداخت بدهی خود در سررسید، استفاده از ابزارهای مدیریت ریسک قیمت را به عنوان یک پیش‌نیاز برای کشاورزان مطرح کردند. این طرح بطور قابل توجهی ریسک را برای بانک‌ها کاهش داد، به آن‌ها اجازه اعطای اعتبار به کشاورزان قهوه در نرخ بهره پایین‌تر را می‌دهد. همچنین فدراسیون قهوه صرفاً یک تسهیل‌کننده برای اجرای طرح می‌باشد که نه اعتبار فراهم می‌کند و نه به عنوان یک کارگزار عمل می‌کند. البته اعطای اعتبار به کشاورزان خرد به طور کلی به برنامه فدراسیون قهوه بستگی دارد. در این سیستم خدمات ذیل توسط فدراسیون قهوه ارائه می‌شود:

• ارائه خدمات آموزشی ذیل به کشاورزان در مناطق مختلف:

- درک و محاسبه هزینه‌های تولید؛
- شرح مکانیسم اعطای اعتبارات کشاورزی؛

1. repo finance

2. receivables finance

3. the country's National Coffee Growers' Federation

- تشریح بازارهای جهانی؛
- تشریح مکانیسم کشف نرخ قهوه و نحوه مدیریت ریسک آن؛
- ارائه اطلاعات بازار به کشاورزان به صورت پیوسته؛
- ارزیابی پتانسیل هر کشاورز در میزان تولید بالقوه و کمک به وی در تهیه مستندات لازم برای دریافت وام؛
- ارائه لیست بانک‌های مشارکت‌کننده در طرح به کشاورزان و جمع‌آوری مدارک و درخواست وام؛

معمولاً بانک پس از ارائه درخواست کشاورز از طریق فدراسیون قهوه اعطای وام را تصویب می‌نماید، اما پرداخت مبلغ وام به کشاورز زمانی صورت می‌گیرد که ابزار پوشش ریسک توسط کشاورز انتخاب گردد (فروش کالا در قالب پیمان آتی با قیمت ثابت، فروش کالا در قالب قرارداد آتی، خرید قرارداد اختیار معامله، اتخاذ استراتژی حصار و یا سایر موارد). البته کشاورزان به طور معمول ریسک قیمت خود را از طریق مبادله با صادرکننده، پوشش می‌دهند. لذا کشاورزان ملزم به ارائه میزان قهوه تحت پوشش به صادرکننده آن هستند. صادرکنندگان نیز ریسک خود را با فروش قرارداد آتی و یا خرید و فروش قرارداد اختیار معامله در بورس بازرگانی نیویورک (NYBOT¹)، مدیریت می‌کنند. صادرکنندگان عموماً اجرای استراتژی مدیریت ریسک در بورس را از پیش تأمین مالی می‌کنند. به این صورت که صادرکننده بخشی از قیمت قهوه را در تاریخی بعد از تحویل آن توسط کشاورز پرداخت می‌نماید. لذا این کشاورز است که هزینه خرید اختیار یا وجه تضمین مورد نیاز برای قرارداد آتی صادرکننده را پرداخت می‌کند.

فدراسیون قهوه، اطلاعات لازم در خصوص قیمت‌ها را در اختیار صادرکنندگان قرار می‌دهد تا به آن‌ها در مدیریت ریسک کمک کند، اما هیچ تضمین عملکردی به آن‌ها نمی‌دهد. همچنین، به صادرکنندگان برای تأمین مالی این معاملات کمک نمی‌کند که

1. the New York Board of Trade

فصل سوم: ابزارهای بازاری مدیریت ریسک قیمت محصولات کشاورزی □ ۱۸۱

البته این احتمالاً ضعیف‌ترین بخش از این سیستم است زیرا صادرکننده به سادگی پول نقد کافی برای مدیریت ریسک قیمت بسیاری از کشاورزان را ندارد. همه کشاورزان در این کشور، طبق قانون، در ارتباط با فدراسیون قهوه هستند و می‌توانند در برنامه این فدراسیون شرکت کنند. در این طرح برای کشاورزان خرد (و بسیاری از کشاورزان قهوه در گواتمالا که کمتر از ۲۰۰۰ پوند تولید می‌کنند، در مقایسه با ۳۷۵۰۰ پوند برای قرارداد آتی بورس بازرگانی نیویورک)، امکان دسترسی به ابزار مدیریت ریسک فراهم شده است. تعاونی‌ها نیز می‌توانند در این طرح شرکت کنند. برای مثال، در یک مورد، یک تعاونی ۴۰۰ عضوی، از جمله بسیاری از کشاورزان خرد، رأی به پوشش ریسک محصول خود در بازار نیویورک داده‌اند. در نتیجه فعالیت فدراسیون قهوه، نسبت کشاورزانی که ریسک خود را از این طریق پوشش می‌دهند از صفر درصد در اواخر دهه ۱۹۹۰ به ۲۰ درصد در سال ۲۰۰۲ افزایش یافته است. کشاورزان نیز اظهار داشته‌اند که اجرای سیاست‌های پوشش ریسک برای بقای آن‌ها بسیار حیاتی بوده است.

• مکزیک - یک آژانس دولتی به عنوان واسطه مدیریت ریسک

در مکزیک یک سازمان دولتی با نام آسرکا، مسئول ارائه طیف وسیعی از خدمات به بخش کشاورزی این کشور، از جمله فروش قرارداد اختیار معامله خرید و اختیار معامله فروش به تولیدکنندگان غلات، پنبه و قهوه، و همچنین به صنایع تبدیلی می‌باشد. آسرکا بخشی از وزارت کشاورزی است و در سال ۱۹۹۱ به منظور تسهیل تبدیل کشاورزی مکزیک از یک نظام تحت سلطه و دخالت دولت به نظام بازار آزاد ایجاد شد.

دخالت آسرکا در مدیریت ریسک قیمت از سال ۱۹۹۲ میلادی، هنگامی که برای اولین بار تولیدکنندگان دانه‌های روغنی و پنبه امکان بیمه خود در برابر ریسک کاهش قیمت را یافتند، آغاز شد؛ ابزار قابل استفاده، قرارداد آتی، اختیار معامله و قرارداد معاوضه گندم، ذرت، سویا و پنبه معامله شده در بورس بازرگانی شیکاگو و نیویورک بودند.

هدف اصلی این طرح در سال اول اجرای آن اطمینان از کافی بودن بودجه برای پرداخت یارانه تولیدکنندگان بود. در ادامه و در سال ۱۹۹۴ برنامه تأمین قراردادهای اختیار معامله برای تولیدکنندگان معرفی گردید. این برنامه به تدریج تکامل و گسترش یافت؛ برای مثال، در سال ۱۹۹۹ قرارداد اختیار معامله فروش برای کشاورزان قهوه و قرارداد اختیار معامله خرید برای دامپروران معرفی شدند. تحت این برنامه، کشاورزان اقدام به خرید قرارداد اختیار معامله فروش از دفاتر منطقه‌ای آسرکا می‌کنند و آسرکا سپس به نمایندگی از کشاورز اقدام به خرید اختیار معامله از بورس‌های کالای مربوطه (نیویورک برای قهوه و پنبه، شیکاگو برای غلات و سویا) از طریق یک کارگزاری آمریکایی واسطه می‌کند. در واقع، آسرکا از طریق جمع‌آوری قیمت از تولیدکنندگان مختلف و پوشش ریسک آن در بورس‌های مناسب به عنوان یک کارگزار عمل می‌کند. تا سال ۱۹۹۷، آسرکا دوسوم از هزینه قرارداد اختیار معامله را پرداخت و تمام موقعیت‌ها را مدیریت می‌نمود. اما در سال ۱۹۹۸ این یارانه ۵۰٪ کاهش یافت. تا سال ۱۹۹۹، در صورتی که کشاورزان توافق می‌کردند مقدار اسمی قیمت اختیار را در یک حساب پس انداز (اختصاصی) مسدود نمایند، آن‌ها امکان گرفتن یارانه بالاتری (۱۰۰٪ تا سال ۱۹۹۸، ۷۵٪ در سال ۱۹۹۸ و ۱۹۹۹) را تحت برنامه پس انداز داشتند. آسرکا دارای یک برنامه آموزشی گسترده، تحت حمایت کارگزاران آمریکایی است. این برنامه به خوبی توسط تولیدکنندگان استفاده می‌شود. در سال ۲۰۰۰، ۱۷ درصد از تولیدکنندگان گندم، ۱۳ درصد از تولیدکنندگان ذرت، و ۳۲ درصد از تولیدکنندگان پنبه از طریق خرید قرارداد اختیار معامله فروش این برنامه تحت پوشش این برنامه مدیریت ریسک قرار گرفتند.

انتقادات از این برنامه مدیریت ریسک دو قسم است: اول، کشاورزان نیاز به نگهداری قرارداد اختیار معامله تا زمان سررسید قرارداد ندارند و اغلب قرارداد اختیار معامله فروش قبل از تولید واقعی به فروش می‌رسد و محصول تولید شده در قالب پیمان آتی و یا در بازار نقدی به فروش می‌رسد (این موضوع در ایالات متحده آمریکا نیز زمانی که دولت به کشاورزان برای خرید اختیار معامله یارانه می‌داد اتفاق افتاده است). دوم،

فصل سوم: ابزارهای بازاری مدیریت ریسک قیمت محصولات کشاورزی □ ۱۸۳

این برنامه بیشتر شبیه طرح انتقال درآمد (انتقال درآمد از دولت به کشاورزان) است تا این که یک برنامه استراتژیک مدیریت ریسک قیمت کالا باشد.

• اوگاندا - اتحادیه تعاونی پنبه اولین گام در مدیریت ریسک قیمت

در سال ۱۹۹۴، بازاریابی داخلی و خارجی پنبه در اوگاندا آزاد شد. اتحادیه تعاونی، با بار سنگین بدهی، مجبور به فروش بیشتر دستگاه پنبه پاک‌کنی^۱ خود به بخش خصوصی شد. بخش خصوصی در صنعت پنبه پاک‌کنی تسلط یافت و تجارت پنبه و صادرات آن در دست تجار بخش خصوصی قرار گرفت. گردش مالی تعاونی پنبه از ۱۸۰۰۰ عدل قبل از آزادسازی به ۴۰۰۰ عدل کاهش یافت.

تنها دو اتحادیه تعاونی پنبه با فعال‌تر کردن نقش خود در بازاریابی، بر مشکلات غلبه کردند. این اتحادیه‌ها که شرکت پنبه بوکدی شمالی^۲ و اتحادیه تعاونی لانگو^۳ نام داشتند شروع به استفاده از بازارهای آتی و اختیار معامله نمودند. این دو، کارگزاران و عواملی در بازار داشتند که اطلاعات حیاتی را به صورت روزانه کسب می‌نمودند. اولین استفاده از دسترسی به بازارهای مدیریت ریسک، تضمین حداقل قیمت محصول برای کشاورزان بود.

این دو اتحادیه آمار قیمت را به صورت روزانه از رویترز دریافت می‌نمودند که بعدها این اطلاعات از طریق اینترنت در دسترس قرار گرفت. البته در واقع، تمام اتحادیه تعاونی‌ها به اطلاعات بازار جهانی به صورت روزانه دسترسی داشتند اما این بدان معنی نبود که آن‌ها درک درستی از بازار جهانی داشته باشند. تقریباً نیمی از اتحادیه‌های تعاونی مورد بررسی در سال ۱۹۹۷ از بازار آتی و اختیار معامله آگاهی نداشتند و فقط ۱۵ درصد از آن‌ها نسبت به کارکرد این بازارها مطلع بودند. بعضی از تعاونی‌ها نیز از نرخ ارز آتی برای تبدیل قیمت‌های آتی به محلی استفاده می‌کردند تا مبادلات قیمتی در فروش‌های آتی را تسهیل نمایند. چند تن از اتحادیه‌های تعاونی از

1. ginneries

2. the North Bukedi Cotton Company

3. the Lango Cooperative Union

پیمان آتی قیمت ثابت برای مدیریت ریسک قیمت خود حتی برای بازه زمانی بیشتر از دو ماه پیش رو و به ندرت برای ۴ ماه پیش روی خود استفاده کردند. هرچند هیچ یک از تعاونی‌ها از پیمان با قابلیت ثابت‌شوندگی قیمت استفاده نمودند.

بانک‌ها که تا قبل از آزادسازی می‌توانستند با تکیه بر قیمت‌های تضمین‌شده اقدام به ارائه وام به کشاورزان نمایند به مشکل خوردند. زیرا از یک طرف تضمین قیمت از دست رفته بود از سوی دیگر در سیستم قبل به دلیل انحصاری بودن خریدار، کشاورزی که وام گرفته بود نمی‌توانست به صورت غیرقانونی محصول خود را به فرد دیگری بفروشد و وام بانک را بازپرداخت ننماید.

علاوه بر مشکل فوق آزادسازی باعث شد پنبه پاک‌کن‌ها^۱ که برای حمایت از تولید پنبه، بذر پنبه و نهاده‌های تولید به کشاورزان می‌دادند و در عوض بابت پیمان آتی با کشاورز هزینه بذر و دانه را از قیمت پرداختی به کشاورز کم می‌کردند با مشکل نکول مواجه شوند به نحوی که کشاورزان به منظور اجتناب از بازپرداخت بدهی‌های خود، محصول را به دیگر پنبه پاک‌کن‌ها تحویل می‌دادند. (در تولید پنبه، هزینه‌های بذر و نهاده به اندازه یک چهارم ارزش محصول تولیدی است).

در ۱۹۹۸-۱۹۹۹، پنبه پاک‌کن‌ها، به عنوان یک گروه، یک طرح اعتباری نهاده‌ای جدید را آغاز نمودند. سازمان دولتی توسعه پنبه، مسئول تنظیم و ترویج بخش پنبه، نقش اصلی را در این طرح تأمین مالی به عهده گرفت. این سازمان اعتبار طرح را از طریق بانک تجارت، برای خرید بذر پنبه و نهاده‌های تولید تأمین می‌کرد و بذر را به عنوان نهاده تولید از پنبه پاک‌کن‌ها خریداری می‌کرد، سپس بذر خریداری شده را از طریق خود پنبه پاک‌کن‌ها بین کشاورزان توزیع می‌کرد. در این فرآیند سازمان مذکور به عنوان یک نهاد مستقل مدیریت وثیقه، وظیفه کنترل توزیع بذر و نهاده را بر عهده داشت. این سازمان بر مقدار محصول تولید شده توسط کشاورزان و مقدار پنبه پاک‌شده توسط پنبه پاک‌کن‌ها نظارت می‌کرد. این سیستم نظارتی باعث می‌شود وام پرداختی

1. gineries

فصل سوم: ابزارهای بازاری مدیریت ریسک قیمت محصولات کشاورزی □ ۱۸۵

توسط بانک‌ها به دست کشاورزان برای تامین نهاده تولید برسد و از سوی دیگر بانک از باز پرداخت وام توسط کشاورز اطمینان حاصل نماید. این طرح موفق بود، و در سال‌های بعد نیز ادامه یافت.

• برزیل - گواهی سپرده کالای کشاورزی: یک ابزار مناسب برای تامین مالی و مدیریت ریسک

مانند بسیاری از کشورهای دیگر، کشاورزان در برزیل با مشکل دسترسی به اعتبارات روبرو هستند. بخش خصوصی قادر به پر کردن خلاء ناشی از کمبود طرح‌های تامین مالی کشاورزی و سوبسید دولتی نبود، و بانک‌هایی که سعی در پر کردن شکاف موجود می‌نمودند، اغلب کشاورزان را در بازپرداخت وام ناتوان می‌دیدند. در سال ۱۹۹۴، دولت از طریق بانک دولتی برزیل (یکی از بزرگترین بانک‌های کشاورزی جهان)، تصمیم به مقابله با بحران اعتباری با معرفی یک مکانیزم جدید، تحت عنوان گواهی سپرده کالای روستایی^۱ نمود. گواهی سپرده کالای روستایی یک پیمان آتی از پیش پرداخت شده‌ای است که به عنوان یک ابزار تأمین مالی شناخته می‌شود، این پیمان همانند قرارداد سلف اسلامی است. کشاورزان و یا تعاونی‌ها می‌توانند محصولات خود را از طریق گواهی سپرده کالای روستایی CPR به بانک دولتی برزیل بفروشند و معادل آن پول نقد دریافت کنند. گواهی سپرده‌ها قابل انتقال می‌باشند و می‌توانند در بازار ثانویه از طریق بورس‌های کالایی کشور معامله گردند. تا سال ۲۰۰۰، کشاورزان ملزم به تحویل کالا به بانک دولتی برزیل بودند که کالاها را از طریق بازارهای خارج از بورس یا از طریق حراج الکترونیکی به فروش می‌رساند. بانک به کشاورز معادل قیمت فروش محصول منهای هزینه‌های تأمین مالی منهای ۶ الی ۸ درصد قیمت می‌پرداخت. قیمتی که به کشاورز باید پرداخت شود در ابتدا به طور معمول بر اساس مبنای قیمت‌های آتی تعیین می‌گردد (برزیل بازار اختیار معامله و آتی کشاورزی فعالی در بازار بورس برزیل BM&F دارد). گواهی سپرده کالایی روستایی می‌تواند توسط

1. Cédula de Producto Rural (CPR)

کشاورز در هر زمانی بعد از کاشت محصول صادر شود. حداقل زمان سررسید سه ماه و حداکثر آن هشت ماه می‌باشد. گواهی سپرده کالای روستایی می‌تواند بر اساس کالاهای موجود در انبار صادر گردد. اما برای محصولاتی که هنوز برداشت نشده‌اند یک تأمین مالی مناسب است و هر چقدر به زمان سررسید نزدیک‌تر می‌شود مقدار تأمین مالی نسبت به ارزش محصول قابل برداشت افزایش می‌یابد (به عنوان مثال برای قهوه، تا ۳۰ درصد ارزش محصول انتظاری بین ۱۶ ژانویه و ۳۱ مارس و تا ۵۰ درصد بین ۱ آوریل تا ۳۰ ژوئن می‌تواند تأمین مالی صورت گیرد و برای محصولات موجود در انبار، تا ۷۰ درصد ارزش محصول). گواهی سپرده کالای روستایی در درجه اول برای قهوه (حدود ۳ درصد از تولیدات برزیل را شامل می‌گردد)، همچنین برای پنبه، برنج، دام، گندم، ذرت، جو، سویا استفاده می‌گردد.

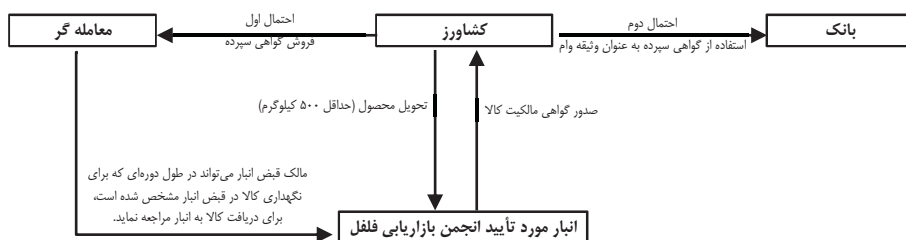
برای محصول قهوه، کسانی که گواهی سپرده کالای روستایی را صادر می‌کنند می‌توانند قراردادهای اختیار معامله را از طریق بانک دولتی برزیل خریداری نمایند. در نتیجه، به عنوان ابزاری برای پوشش ریسک نیز در نظر گرفته می‌شوند. در یک نظرسنجی در میان کشاورزان قهوه در سال ۱۹۹۹، مشخص شد که هدف اصلی ۴۸ درصد کشاورزان از صدور CPR تأمین مالی است، و هدف اصلی ۲۸ درصد از آن‌ها به دست آوردن تضمین قیمت است. برای ۲۴ درصد باقی‌مانده، CPR برای به دست آوردن هر دو هدف استفاده شده است. با توجه به بررسی‌های مشابه، CPR یک ابزار تأمین مالی نسبتاً کارآمد بود: در آن دوره (سال زراعی ۱۹۹۶-۱۹۹۷ و ۱۹۹۷-۱۹۹۸)، نرخ بهره مؤثر این روش حدود یک سوم زیر نرخ بهره سرمایه در گردش بود.

گواهی سپرده کالای روستایی آنچنان‌که انتظار می‌رفت به طور گسترده‌ای توسط کشاورزان، با توجه به اثر خود به عنوان یک ابزار تأمین مالی، پذیرفته نشده است. به نظر می‌رسد دلایل اصلی، نرخ بهره بالا در برزیل و مشکلات اجرایی است. در سال ۲۰۰۰، دولت تصمیم گرفت برای تحریک سرمایه‌گذاران در به کارگیری CPR (که باید به نرخ جذاب‌تر منجر شود) این امکان را هم برای کشاورزان و هم برای تجار فراهم نماید تا CPR را تسویه نقدی نمایند، به عبارت دیگر به جای تحویل کالا به بانک،

فصل سوم: ابزارهای بازاری مدیریت ریسک قیمت محصولات کشاورزی □ ۱۸۷

قیمت کالا در بازار نقد را به بانک پرداخت نمایند که این ریسک تحویل کالا را برای کشاورزان کاهش داد زیرا پیش از این، آنها در معرض ریسک تحویل کالا بودند.

• مالزی - یک سازمان دولتی به عنوان واسطه تأمین مالی به وسیله قبض انبار انجمن بازاریابی فلفل مالزی، در سال ۱۹۹۸ طرح مالی قبض انبار را معرفی نمود. بر اساس این طرح، کشاورزان می‌توانند فلفل را به یکی از انبارهای انجمن در کوچینگ^۱، ساریکیه^۲ یا سیبو^۳ برای ذخیره سازی محصول در طول یک دوره یک تا شش ماه تحویل دهند. در زمان تحویل، انبار، گواهی مالکیت فلفل را صادر نموده، که نشان دهنده نام مالک و کمیت و کیفیت محصول می‌باشد. قبض انبار می‌تواند به عنوان وثیقه مورد استفاده قرار گیرد یا به فروش برسد، اما این نیازمند آن است که در انجمن ثبت گردد. در شکل زیر این دو امکان نشان داده شده است. دارنده گواهی هزینه‌های انبار را می‌پردازد. این طرح تاکنون عمدتاً توسط کشاورزان به عنوان یک ابزار برای فروش فیزیکی کالا و نه به عنوان یک ابزار تأمین مالی استفاده می‌شود.



شکل ۳-۱۱- طرح گواهی مالکیت فلفل و ذخیره‌سازی فلفل توسط انجمن بازاریابی فلفل

• فیلیپین - تضمین دولت بر روی قبض انبار

در دهه ۱۹۷۰، چارچوب نهادی در فیلیپین در حمایت از رشد تولید محصولات

1. Kuching
2. Sarikei
3. Sibiu

کشاورزی با مشکل مواجه شد. به طور خاص مشکلات اعتباری در بخش کشاورزی یک مانع بزرگ در جهت رشد بخش کشاورزی بود به طوری که بانک‌ها تمایلی به دادن وام به کشاورزان نداشتند. برای کمک به حل این مشکل در سال ۱۹۷۸ دولت طرح تأمین مالی قبض انبار را تحت عنوان برنامه مالی کوایدن^۱ آغاز نمود. در این برنامه، تجار، کشاورزان و صنایع تبدیلی می‌توانستند به ازای محصولات موجود در انبار، وام (با تضمین دولت) از بانک‌ها دریافت کنند. وام توسط کالاهای موجود در انبار تضمین می‌شد. قبض انبار قابل استفاده در این طرح قابل مبادله بود. معامله‌گران، صنایع تبدیلی و سایر صاحبان انبار می‌توانستند از سازمان دولتی کوانداکور^۲ برای انبارشان، درخواست مجوز صدور قبض انبار قابل مبادله نمایند.

به منظور بدست آوردن حق صدور قبض انبار، صاحبان انبار باید به ارائه سند املاک و مستغلات تا ۷۰٪ از ارزش قبض انبارهای صادر شده، و ارائه بیمه آتش سوزی به سازمان کوانداکور پردازند. در سال ۱۹۹۱، سازمان ملی غذا (NFA) انبارهای خود را برای ذخیره سازی کالا توسط کشاورزان جهت دستیابی آن‌ها به اعتبار در برابر محصولات ذخیره سازی شده در انبار باز نمود. با این وجود همچنان نقش کشاورزان در برنامه کوانداکور محدود بودند که دلیل عمده آن محدودیت فضای ذخیره سازی بود.

به لحاظ تئوری، در این مدل کشاورزان باید می‌توانستند محصول خود را با سپردن به انبار در سررسیدهایی خارج از فصل برداشت و با قیمت‌های بالاتر به فروش رسانند. به عبارت دیگر این امکان ثمره وجود معاملات بازار ثانویه برای قبض انبار بود اما در عمل این اتفاق روی نداد. دلیل اصلی این موضوع این است که انبارها مستقل نبودند. زیرا اغلب کالاهایی که در انبارها وجود داشتند متعلق به خود انباردارها بودند. از سوی دیگر در بازار بزرگ غلات، فقدان استانداردهای کیفیتی لازم وجود داشت که تجارت را دشوار می‌ساخت.

1. Quedan Financing Programme

2. Quedancor

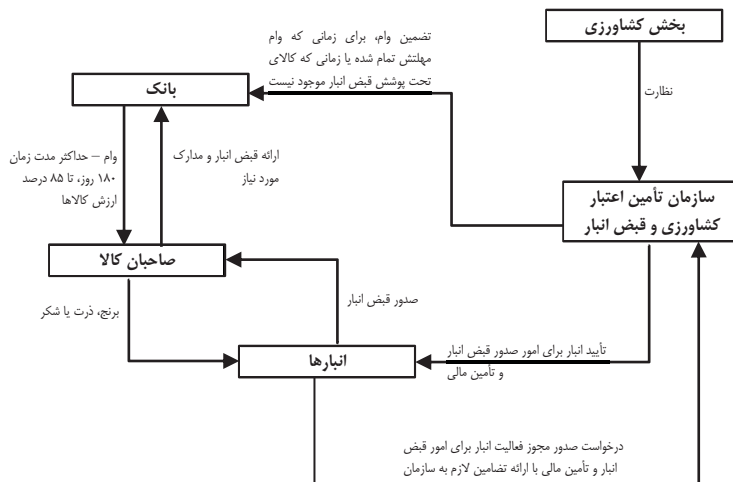
فصل سوم: ابزارهای بازاری مدیریت ریسک قیمت محصولات کشاورزی □ ۱۸۹

با وجود حجم وام سالانه بیش از ۲۰ میلیون دلار بین سال‌های ۱۹۹۴ و ۱۹۹۸، این برنامه در دسترسی به اعتبارات موثر نبود. درصد وام اعطا شده توسط سیستم بانکی رسمی به کشاورزی از ۲۲ درصد در سال ۱۹۷۷-۱۹۸۱ به ۷ درصد در سال ۱۹۹۰ رسید و کمتر از ۱ درصد در سال‌های ۱۹۹۶ تا ۱۹۹۸ بود.

درصد کشاورزان خرد که قادر به دریافت وام بودند از ۵۵ درصد در سال‌های ۱۹۶۷ تا ۱۹۷۰ به ۳۴ درصد در سال‌های ۱۹۹۴-۱۹۹۶ کاهش یافت. کشاورزان خرد قادر به تأمین الزامات سیستم کوایدن نبودند و در مواردی کشاورزان قادر به دستیابی به منابع مالی ارزان‌تر از طریق منابع مالی دیگر بودند. علاوه بر این، به دلیل نکول مکرر، بانک‌ها تمایلی به اعطای وام به مقادیر کم کالا نبودند و لذا الزامات مدارک سنگین را به آن‌ها تحمیل می‌کنند. از سویی بانک‌ها به سوابق کشاورزان نیز نگاه می‌کنند و به کسانی که سابقه محدودی در فروش کالا دارند وام اعطا نمی‌کنند.

«قرارداد اختیار معامله برای خرید متقابل»^۱ برنامه دیگری بود که در سال ۱۹۹۶ معرفی شد و در بین برخی از کشاورزان رایج گردید. تحت این برنامه، کشاورزان می‌توانند برنج و ذرت خود را با قرارداد اختیار معامله برای خرید مجدد همان مقدار و کیفیت محصول در شش ماه بعد در قیمت پرداختی سازمان ملی غذا در زمان تحویل محصول به اضافه هزینه‌های ذخیره‌سازی و حمل و نقل به سازمان بسپارند. مقادیر محصولی که در قالب این برنامه در سال ۱۹۹۷ فروخته شد تنها ۱۰۰۰۰ تن بود. عدم آگاهی کشاورزان از این طرح، فقدان فضای کافی انبار و مراحل اجرایی تأمین مالی در سازمان ملی غذا از عوامل این امر بودند.

1. Farmers' Option to Buy Back



شکل ۳-۱۲- برنامه کوانداکور در فیلیپین

• کلمبیا - با استفاده از موافقت‌نامه با خرید^۱ برای تأمین مالی دام

بورس کشاورزی و دام کلمبیا^۲ برنامه نوآورانه‌ی تضامین دام را در سال ۲۰۰۰ طراحی نمود. این برنامه این امکان را برای دامداران فراهم می‌کند که ده‌ها میلیون دلار آمریکا در تأمین مالی برای تغذیه دام خود را از طریق اوراق بهادار صادر شده در قالب این برنامه بدست آورند.

تحت این برنامه، بودجه برای تغذیه گاو بوسیله سرمایه‌گذاری سازمان‌های محلی از طریق اوراق بهادار دام افزایش یافت. این برنامه از طریق بورس کشاورزی و دام کلمبیا و بورس اوراق بهادار این کشور انجام شده است. ساختار این برنامه در شکل ۳-۱۳ شرح داده شده است. همانطور که دیده می‌شود، این معاملات برای سرمایه‌گذاری در جهت کاهش ریسک به حداقل ممکن آن طراحی شده است. دامداران در مناطق منتخب

1. repos

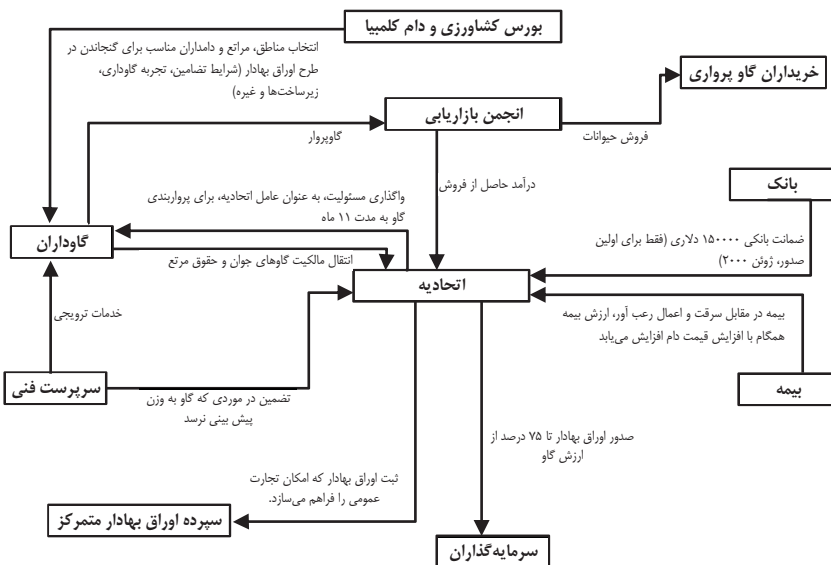
2. Colombia's National Agricultural and Livestock Exchange (BNA)

فصل سوم: ابزارهای بازاری مدیریت ریسک قیمت محصولات کشاورزی □ ۱۹۱

که معیارهای اتحادیه را دارند قراردادی را با اتحادیه^۱ به امضا می‌رسانند که بر طبق آن حقوق مالکیت گاو خود را به اتحادیه انتقال می‌دهند. اتحادیه پس از آن اوراق بهاداری را بر مبنای قرارداد به فروش می‌رساند و به کشاورزان سرمایه‌های دریافتی از خریداران این اوراق را پرداخت می‌کند. برای اطمینان از اینکه کشاورزان، به عنوان عامل اتحادیه به درستی کار می‌کنند و به دام تغذیه مناسب می‌دهند، یک شرکت مستقل، خدمات و کیفیت نگهداری از دام‌ها را کنترل می‌کند و در صورت خدمات بی‌کیفیت دامداران این شرکت مسئول خواهند بود.

فروش گاو توسط یک عامل بازاریابی مستقل، که مسئول انتقال پول دریافتی به انجمن است، انجام می‌شود. البته گاوداران موظف به «بازخرید» گاو خود می‌باشند (تمام فروش دام از طریق سیستم حراج بورس کشاورزی و دام کلمبیا صورت می‌گیرد) به عبارت دیگر خود گاودار تضمین بازخرید گاو خود را در صورتی که بازار حاضر به خرید در قیمتی که پوشش دهنده تامین مالی انجام شده نباشد، کرده است. در این مدل، بیمه نیز ریسک اعمال مجرمانه توسط دامداران را پوشش می‌دهد.

به صورت خلاصه می‌توان گفت این مدل بر پایه تأمین مالی بنا نهاده شد. دامداران، گاو خود را به اتحادیه فروخته و سپس به عنوان عامل اتحادیه عمل می‌کنند. در سررسید دام پروار شده، یا به وسیله دامدار بازخرید می‌شود یا در بورس به فروش می‌رسد. چندین اوراق بهادار موفق طبق این مدل برای دامداران و سرمایه‌گذاران صادر گردیده است.



شکل ۳-۱۳- تأمین مالی دام در کلمبیا

• هند - اعتبارات کشاورزی به پشتوانه فروش به سوپر مارکت‌ها

از اواخر دهه ۱۹۹۰، طرح‌های مالی نوآورانه‌ای برای تأمین مالی کشاورزان توسط بانک هند و سایر موسسات توسعه یافته‌اند (در اکثر موارد، ارائه دهندگان کود و سایر نهاده‌ها / تجهیزات، ابتکار عمل را به دست گرفته‌اند). به موجب این خدمات، نهاده یا تجهیزات (به عنوان مثال تراکتور) به صورت اعتباری به کشاورزان که محصولات خود را به کارخانجات صنایع تبدیلی می‌فروشند داده می‌شود. در مقابل کارخانه صنایع تبدیلی از قیمت محصول اقساط وام را کسر کرده و باقیمانده قیمت محصول را به کشاورز پرداخت می‌نماید.

شکل خاصی از این نوع تأمین مالی برای کشاورزانی است که به تولید کالاها تحت قرارداد سبزیجات و میوه‌جات برای سوپر مارکت‌ها و غلات با کیفیت بالا برای آسیابان‌ها می‌پردازند، اجرا می‌شود. در این مورد، تأمین مالی، بخشی از یک بسته جامع

فصل سوم: ابزارهای بازاری مدیریت ریسک قیمت محصولات کشاورزی □ ۱۹۳

خدمات است. یک شرکت تخصصی نهاده، خدمات ترویجی، خدمات بازاریابی و امور مالی را فراهم می‌کند. اگر چه چنین طرحی به نظر می‌رسد که کشاورزان را وابسته کند، اما به طور کلی به خوبی در هند کار کرده، و کشاورزان را قادر به افزایش عملکرد نموده، در حالی که به طور هم زمان میزان مصرف نهاده و هزینه‌های مالی را کاهش داده است.

جمع‌بندی

ابزارهای قیمت‌گذاری آتی مانند قراردادهای آتی، اختیار معامله، یا پیمان آتی، مانع بدتر شدن مداوم قیمت کالاها نمی‌شوند، اما اگر به درستی مورد استفاده قرار گیرند به طور مؤثری می‌توانند در خدمت کشاورزان و فعالیتهای کشاورزی به عنوان یک ابزار برای کاهش نوسانات قیمت کوتاه‌مدت عمل کنند. در این بخش به طور خلاصه جمع‌بندی از ابزارهای مدیریت ریسک قیمت مبتنی بر بازار بیان می‌گردد و پیشنهادهای برای ذی‌نفعان و سیاست‌گذاران ارائه می‌شود.

۱- خلاصه‌ای از ابزارهای مدیریت ریسک قیمت مبتنی بر بازار

پیمان آتی به خریداران و فروشندگان کالا این امکان را می‌دهد تا مقدار معینی از کالاها را از طریق قراردادهای خصوصی به قیمت مشخص برای آینده مبادله کنند. انواع مختلفی از پیمان‌های آتی مورد بحث قرار گرفته شد که کلیدی‌ترین آن‌ها در این بین پیمان با قابلیت ثابت شونددگی قیمت (PTBF) است، که در آن فروشنده توانایی ثابت کردن قیمت در هر لحظه را با تلقی مناسب‌ترین فرصت دارد. قرارداد قیمت‌گذاری معوق به فروشنده اجازه می‌دهد کالا را در یک دوره زمانی تحویل دهد، اما این امکان را می‌دهد که قیمت در تاریخ دیگری ثابت شود. نوع دیگری از قرارداد قیمت‌گذاری معوق، قرارداد مبنا است که مبنا را در زمان تحویل کالا ثابت می‌کند، اما قیمت‌های آتی را باز نگه می‌دارد. پیمان HTA عکس این شرایط را دارد که قیمت‌های آتی را ثابت می‌کند اما مبنا را باز نگه می‌دارد. پیمان پرداخت معوق اجازه می‌دهد تحویل و

قیمت‌گذاری در یک دوره زمانی رخ دهد، اما پرداخت واقعی در تاریخ دیگری اتفاق افتد. این امر به ویژه برای اهداف مالیاتی سودمند است. پیمان حداقل قیمت، حداقل قیمتی را با فرصتی برای سهم شدن در سود قیمت آتی تضمین می‌کند.

قراردادهای آتی مشابه پیمان آتی هستند اما استانداردسازی شده‌اند و قابل معامله در بورس هستند. دو راه وجود دارد که این قراردادها می‌توانند برای مدیریت ریسک استفاده شوند. در مکانیزم اول، شرکت‌ها به جای خرید و یا فروش در بازار فیزیکی می‌توانند در بازار بورس کالا، تجارت کنند و در سررسید قرارداد از طریق انبارهای بورس اقدام به تحویل کالای فروخته نمایند. در مکانیزم دوم که رایج‌تر می‌باشد، خریدار یا فروشنده موقعیت اتخاذ شده خود در قرارداد آتی را بسته و سود (زیان) نقدی دریافت (پرداخت) می‌کند و کالای خود را در بازار فیزیکی به فروش می‌رساند.

قراردادهای اختیار معامله ابزار مدیریت ریسک مناسب برای تولیدکنندگان کشاورزی هستند. عملکرد این قراردادها مشابه بیمه می‌باشد. این قراردادها برعکس قراردادهای آتی و پیمان‌های آتی برای خریدار اختیار این امکان را فراهم می‌کند که از سود در تغییرات قیمتی مطلوب بهره‌مند شود. دو نوع اساسی از قراردادهای اختیار معامله وجود دارد: اختیار معامله خرید و اختیار معامله فروش. اختیار معامله فروش فروشنده کالا را از کاهش قیمت‌ها حفاظت می‌کند. در صورت کاهش قیمت‌ها، خریدار اختیار معامله، حق فروش کالا را در قیمتی توافق شده در قرارداد اختیار معامله که بالاتر از قیمت جاری است، دارد. به طور مشابه در اختیار معامله خرید، خریدار کالا در برابر افزایش قیمت‌ها حفاظت می‌شود. در صورت افزایش قیمت‌ها، خریدار اختیار معامله حق خرید کالا در قیمتی توافق شده در قرارداد که پایین‌تر از قیمت جاری است، دارد.

قراردادهای معاوضه، قراردادهای تثبیت قیمت چند دوره‌ای هستند. قرارداد معاوضه کالا توافقنامه‌ای است که قیمت شناور برای یک کالا با حجم مشخصی، با قیمت ثابت برای همان کالا در طی یک دوره مشخص مبادله می‌شود. قیمت شناور به طور معمول قیمت (نقدی) بازار برای دارایی‌هاست و قیمت ثابت، قیمتی است که مبادله می‌شود و در قرارداد معاوضه توافق شده است. قراردادهای معاوضه ابزار مالی با تسویه نقدی

فصل سوم: ابزارهای بازاری مدیریت ریسک قیمت محصولات کشاورزی □ ۱۹۵

هستند که در آن هیچ مبادله فیزیکی کلایی اتفاق نمی‌افتد. این ویژگی، قراردادهای معاوضه را نسبت به قراردادهای آتی و اختیار معامله، که در آن‌ها ممکن است تحویل فیزیکی کالا رخ دهد متمایز می‌سازد.

بیمه در بخش کشاورزی اساساً با فراهم نمودن حفاظت از مخاطرات تولید محصول مورد توجه است اما نوع خاصی از بیمه تحت عنوان بیمه درآمد وجود دارد که به طور همزمان حفاظت در برابر کاهش قیمت و کاهش عملکرد محصول را ارائه می‌دهد و به عنوان یک راه حل جامع که عملکرد و قیمت را به صورت همزمان پوشش می‌دهد مورد استفاده قرار می‌گیرد. قراردادهای کشاورزی توافق‌نامه‌هایی است که بین کشاورزان و کارخانجات فرآوری محصول یا تجار منعقد می‌شود که بر اساس آن خریدار در زمانی قبل از فصل برداشت متعهد می‌شود محصول را در فصل برداشت به قیمت توافق شده خریداری نماید. هم بیمه درآمد و هم قرارداد کشاورزی برای کشاورز عملکردی مشابه قرارداد اختیار معامله فروش دارند.

۴. توصیه‌هایی برای تشویق استفاده از ابزار مدیریت ریسک قیمت مبتنی بر بازار

الف) توصیه‌هایی برای ذی‌نفعان

قبل از مبادله ابزارهای مدیریت ریسک قیمت، به خصوص قراردادهای آتی و اختیار معامله، باید توجه داشت این ابزارها برای موارد زیر قابل استفاده و بهره‌برداری می‌باشند:

قراردادهای آتی و اختیار معامله می‌توانند به‌طور مستقیم برای پوشش ریسک و یا مبادله کالا در بازار بورس معامله شوند.

اطلاعات قیمتی بورس را می‌توان برای قیمت‌گذاری قراردادهای فیزیکی استفاده نمود.

دسترسی به سیستم‌های انتشار قیمت می‌تواند به عنوان یک مرجع برای مذاکره قیمت منصفانه استفاده شود. مزایای ضمنی اطلاعات بازار، به ویژه به منظور افزایش قدرت چانه‌زنی کشاورزان کوچک مقیاس، باید به خوبی شناخته شود.

در این معاملات، معامله‌گر باید توانایی‌های فنی و در دسترس بودن منابع موجود برای دسترسی پایدار به این بازارها را بررسی کند. بازارهای مشتقه کالایی فعلی بر پایه حجم‌های معاملاتی بالایی هستند، و دسترسی به آن‌ها، نیازمند زیرساخت‌های قابل توجهی (سخت افزار، دانش، سرمایه، اطلاعات بازار، و غیره) است. در برخی موارد، هزینه‌های دسترسی به این ابزار (اخطار به افزایش وجه تضمین در قراردادهای آتی و قیمت اختیار در قراردادهای اختیار معامله) و حداقل واحد معاملات ممکن است برای کشاورزان کوچک مقیاس گران تمام شود. کشاورزان کوچک مقیاس به جای استفاده مستقیم از این بازارها می‌توانند از طریق سازمان‌های کشاورزی و بنگاه‌های کشاورزی از تمام این ابزارها متنفع شوند.

• دولت‌ها

دولت‌ها می‌توانند همانند مدل‌هایی که در این فصل بررسی شدند و یا از هر طریق دیگری به بهره‌گیری کشاورزان از این بازارها کمک نمایند.

• انجمن‌ها و اتحادیه‌های کشاورزی

انجمن‌ها و اتحادیه‌های کشاورزی می‌توانند نقش کلیدی در آموزش و تسهیل استفاده از مدیریت ریسک بازی کنند. آن‌ها می‌توانند کشاورزان را در درک مزایای استفاده از مدیریت ریسک قیمت از طریق ابزارهای مبتنی بر بازار کمک کنند. آن‌ها همچنین می‌توانند از طریق همکاری با دیگر سازمان‌های متخصص برای انجام آموزش جامع و کارگاه‌های آموزشی شبیه‌سازی شده نسبت به افزایش دانش در مورد این موضوع اقدام نمایند. به عنوان گام دوم، آن‌ها می‌توانند همکاری‌های استراتژیکی ایجاد کنند که به طور بالقوه هزینه‌های استفاده از این ابزار را کاهش داده و راه را برای بدست آوردن منابع مالی آسان‌تر، در میان بقیه باز نماید. آن‌ها می‌توانند با هدف ارائه عملکرد مدیریت ریسک به کشاورزان کوچک مقیاس در پوشش ریسک با استفاده از خرید و فروش اختیار معامله به وسیله حساب خود کمک کنند. متناوباً، آن‌ها می‌توانند نقش یک کارگزار را بازی نموده، الزامات کشاورزان کوچک مقیاس را جمع‌آوری و از طرف

فصل سوم: ابزارهای بازاری مدیریت ریسک قیمت محصولات کشاورزی □ ۱۹۷

آن‌ها داد و ستد کنند. آن‌ها همچنین می‌توانند در تنظیم پیمان آتی برای کشاورزان دخالت کنند.

• انتخاب یک شرکت کارگزاری و کارگزار

از آنجا که قراردادهای آتی و اختیار معامله تنها از طریق شرکت‌های کارگزاری قابل معامله هستند، به عنوان اولین گام، نیاز است که یک شرکت کارگزاری انتخاب گردد. اگرچه شرکت‌های کارگزاری توسط مقامات نظارتی مالی تحت نظارت دقیقی قرار دارند ولی لازم است کشاورزان در انتخاب یک شرکت کارگزاری و یک کارگزار فردی محتاط باشند. معیارهای زیر به عنوان برخی از معیارهای انتخاب یک کارگزار مناسب به کار می‌رود.

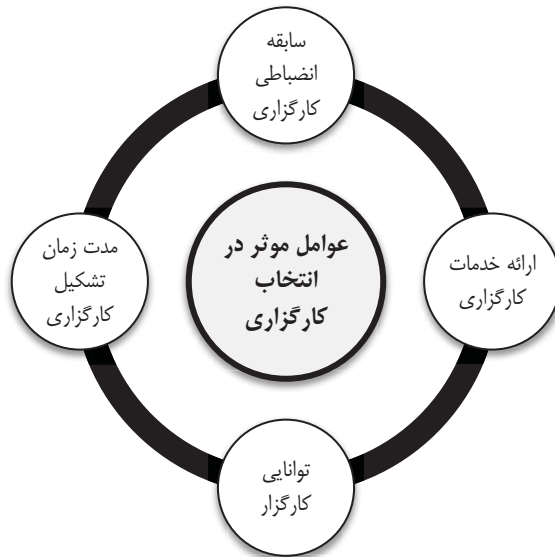
سابقه انضباطی: شرکت کارگزاری باید از بالاترین صداقت اخلاقی برخوردار باشد. «صداقت اخلاقی» بدان معنی است سابقه معاملات کارگزاری نشان دهد در معاملات برای مشتریان خود رفتاری منصفانه داشته‌اند. در واقع می‌توان این کار را از طریق بررسی اسناد مربوط به کارگزاران و شرکت‌های کارگزاری ثبت شده که توسط نهادهای نظارتی نگهداری می‌شوند بررسی نمود.

مدت زمان کسب و کار: بسیاری از کارگزاری‌ها در ۵ سال اول فعالیت، از کسب و کار خارج می‌شوند. بنابراین باید به مدت زمان فعالیت کارگزاری توجه شود- پنج سال یک معیار مناسب است. همچنین باید توجه داشت که همان بنگاه با نام دیگری فعالیت نکند.

خدمات: مهم‌ترین خدمات برای مشتریان کیفیت تحقیقات و اطلاعات ارائه شده توسط شرکت‌های کارگزاری است. بخش تحقیقات شرکت کارگزاری باید گزارش روزانه اهم حوادث معاملاتی و اخبار را ارائه دهد. همچنین باید در تحقیقات بنیادی و تجزیه و تحلیل فنی مهارت لازم را داشته باشد.

معامله‌گر کارگزاری: پس از تصمیم در مورد شرکت کارگزاری، مشتری باید با کمک یک کارمند شرکت کارگزاری تصمیم بگیرد. کار معامله‌گر رسیدگی و اجرای

سفارشات مشتری، مطلع کردن وی از اخبار بالقوه و راهنمایی در زمینه مدیریت ریسک است. مشتری باید مطمئن شود که معامله‌گر دارای درک کامل از تمام کالاها و یا حداقل آن‌هایی که او به طور خاص به آن‌ها علاقه‌مند است، می‌باشد.



شکل ۳-۱۴- عوامل مؤثر در انتخاب کارگزاری

ب) توصیه‌های سیاستی

با وجود اثربخشی و مزایای استفاده از ابزار مشتقه برای مدیریت ریسک قیمت، استفاده کشاورزان از ابزارهای مبتنی بر بازار برای پوشش ریسک در کشورهای در حال توسعه محدود است. برآورد شده است که کمتر از دو درصد از حجم قراردادهای آتی و قراردادهای اختیار معامله به کشورهای در حال توسعه مربوط است. دلایل قابل توجهی برای مشارکت کم تولیدکنندگان کشاورزی وجود دارد:

سیاست‌های حمایتی قیمتی و یارانه مستقیم باعث جدا شدن تولیدکنندگان کشاورزی از مزایای بازار می‌گردد.

فصل سوم: ابزارهای بازاری مدیریت ریسک قیمت محصولات کشاورزی □ ۱۹۹

در بخش کشاورزی عدم آگاهی از چگونگی کارکرد و استفاده از این ابزارها وجود دارد. محدودیت‌های تکنولوژی و ارتباطات نیز به تشدید این مساله کمک کرده است و مانع دسترسی بیشتر کشاورزان شده است.

هزینه‌های مبادله (سپرده وجه تضمین و قیمت اختیار) ممکن است دسترسی تولیدکنندگان کوچک مقیاس را محدود نماید.

حداقل اندازه قرارداد قابل معامله در بورس‌های سازمان یافته به مراتب بیشتر از مقدار تولید سالانه تولیدکنندگان کوچک و متوسط است.

سیاست‌های نظارتی ممکن است محدودیت‌هایی در معاملات این نوع از محصولات به همراه داشته باشد.

فروشنندگان چنین ابزارهایی، به طور کلی بانک‌های بین‌المللی و شرکت‌های کارگزاری هستند که اغلب تمایلی به تعامل با مشتری جدید و ناآشنا از جمله تولیدکنندگان کوچک مقیاس ندارند.

دولت‌ها می‌توانند نقش مهمی در فراهم کردن یک محیط مساعد برای ارائه‌دهندگان این ابزارها و مشتریان آن‌ها (کشاورزان، تجار) بازی کنند. در اینجا برخی از توصیه‌های سیاستی خاص به دولت برای تشویق استفاده گسترده از مدیریت ریسک قیمت آورده شده است.

• آموزش و ظرفیت‌سازی

مانع مهم استفاده از این بازارها، عدم آشنایی با کاربردهای راهبردی آن‌هاست. علاوه بر این، تصورات غلطی در این باره که پوشش ریسک همان سفته بازی است وجود دارد و اغلب سیاست‌گذاران از هزینه‌های مدیریت ریسک بی‌اطلاع هستند. بنابراین، ذینفعان (از جمله تولیدکنندگان، تجار و سازمان‌های دولتی) باید آموزش کافی ببینند و ظرفیت‌سازی برای به دست آوردن درک کاملی از روش‌های مدیریت ریسک، از جمله بهره‌برداری از ابزار بازار مشتقه و استفاده از آن‌ها برای پوشش ریسک صورت گیرد. از طرح‌های ظرفیت‌سازی در نهادهای واسطه‌ای به خصوص، تعاونی‌ها، بانک‌ها و سایر

موسسات مالی و معامله‌گران محلی که کشاورزان را قادر می‌سازد ابزار مدیریت ریسک در بازارهای بین‌المللی را معامله کنند نباید غفلت شود.

• **انعطاف‌پذیری بیشتر در تدوین قراردادهای اختیار معامله**

از آنجایی که قراردادهای اختیار معامله انعطاف‌پذیری بیشتری در کسب سود از تغییرات قیمتی مطلوب دارند کشاورزان داوطلب طبیعی استفاده از قراردادهای اختیار معامله می‌باشند. با این حال، کشاورزان در استفاده از این قراردادها با موانع زیادی روبرو هستند:

✓ نوع درجه‌بندی و پارامترهای کیفیت قابل تحویل در قراردادها ممکن است مطابق با تولید نباشد.

✓ ممکن است موانع قانونی در استفاده از این ابزار وجود داشته باشد.

✓ تاریخ سررسید و مشخصات قرارداد ممکن است با چرخه کشت محصول مطابقت نداشته باشد.

✓ تنگنای مالی کشاورزان و سرمایه محدود آن‌ها ممکن است یک مشکل در پرداخت هزینه قیمت اختیار ایجاد کند.

✓ مسائل فنی از جمله قیمت‌گذاری اختیار معامله و راهبردهای معاملاتی که در تجارت اختیار معامله پیچیده هستند، ممکن است بسیاری از کشاورزان را دلسرد کند.

برای مقابله با این موانع، برخی ملاحظات خاص می‌تواند توسط ارائه‌دهندگان این ابزارها (مقامات ناظر بر بازار سرمایه و بورس) ارائه شود. به عنوان مثال، کمیسیون معاملات آتی کالا^۱ (CFTC) در ایالات متحده، به معرفی یک برنامه پایلوت در قراردادهای اختیار معامله کشاورزی می‌پردازد، که این برنامه به هر بورس تحت نظارتی برای عرضه قرارداد اختیار معامله به کشاورزان، با هر قیمت اعمالی، تاریخ انقضا، شرایط تحویل، و قیمت اختیار تا حدی که مورد قبول کشاورز و بورس باشد اجازه

1. the Commodity Futures Trading Commission

فصل سوم: ابزارهای بازاری مدیریت ریسک قیمت محصولات کشاورزی □ ۲۰۱

می‌دهد.

برای کاهش بار کشاورز در قرارداد اختیار معامله، بزرگترین تاجر غلات آمریکا، شرکت کارگیل، خواستار تدوین مقرراتی شده که به تولیدکنندگان محصولات کشاورزی اجازه انتشار و فروش اختیار معامله‌های پوششی^۱ را بدهد. به عنوان مثال یک قرارداد حداقل - حداکثر^۲، تضمین می‌کند تولیدکنندگان کمتر از قیمت کشف شده در تالار بورس قبل از معامله و بیشتر از سقف قیمت توافقی دریافت نخواهند کرد. قراردادهای حداقل - حداکثر دارای ویژگی‌های راهبرد حصار، متشکل از خرید همزمان قرارداد اختیار فروش و فروش قرارداد اختیار خرید می‌باشد.

• استفاده از بازار قراردادهای مشتقه برای برنامه‌های حمایت قیمت یا درآمد

علاوه بر کاهش ریسک برای کشاورزان و تجار محصولات کشاورزی، ابزار مشتقه می‌تواند توسط دولت برای مقابله با نوسان قیمت در سطح کلان استفاده گردد. در مقایسه با برنامه‌های تثبیت قیمت دولت، استفاده از ابزار مشتقه کالایی از سوی دولت دارای مزایای زیر است:

۱. هزینه کم مدیریت و اجرا؛
۲. سازگار با موافقتنامه بین‌المللی تجارت (سازمان تجارت جهانی و غیره)؛
۳. ایجاد مزایای قابل توجه برای کشاورزان در مقایسه با برنامه‌های سنتی؛
۴. ایجاد بازارهای بی طرف^۳ (بازاری که نسبت به افزایش یا کاهش قیمت‌ها بی طرف است) و در نتیجه ایجاد بازار آزاد؛

دولت‌های آمریکا و کانادا طرح‌های پایلوتی را اجرا نمودند که تولیدکنندگان به جای استفاده از برنامه‌های سنتی حمایت درآمدی کشاورزان از ابزارهای مشتقه کالایی استفاده می‌کنند. البته باید توجه داشت استفاده از ابزار مدیریت ریسک مبتنی بر بازار توسط دولت باید یک گام گذرا باشد به نحوی که فقط بخش خصوصی در توسعه ابزار

1. write covered calls
2. min-max contract
3. market-neutral

پوشش ریسک قیمت درگیر باقی بماند.

استفاده از بازار قراردادهای مشتقه برای ایجاد درآمدهای پایدار

همان‌طور که مشخص است بسیاری از درآمدها و یا هزینه‌های دولت‌ها (از طریق مالیات صادرات، و یا مالیات درآمد و هزینه) وابسته به قیمت کالاها (نفت، فلزات و یا کشاورزی) هستند لذا در صورتی که با استفاده از بازار قراردادهای مشتقه کالایی پوشش ریسک مناسبی برای نوسان قیمت‌ها ایجاد گردد، درآمدها و هزینه‌های دولت‌ها نیز پایدارتر خواهند بود. در غیر این صورت اگر درآمد دولت‌ها به طور غیر منتظره به دلیل کاهش قیمت کالاها کاهش یابد، دولت با کسری بودجه مواجه و مجبور به قرض‌گرفتن از بازارهای بین‌المللی خواهد شد. پوشش ریسک قیمت کالا در بازار قراردادهای مشتقه می‌تواند درآمدهای ارزی غیرقابل پیش‌بینی را به حداقل برساند.

فصل چهارم:
چشم انداز سیاست‌های حمایتی بخش کشاورزی در بورس
کالای ایران

فصل چهارم در یک نگاه

سیاست قیمت تضمینی

قراردادهای اختیار فروش

قراردادهای آتی

قرارداد اختیار معامله

معاملات گواهی سپرده کالایی

راه اندازی صندوق های کالایی

معاملات نسبه و خرید دین

سلف و سلف موازی استاندارد

مقدمه

شیکاگو به عنوان یکی از مراکز مبادلات محصولات کشاورزی آمریکا در دهه ۱۸۴۰ میلادی شاهد شکل‌گیری نهاد جدیدی در حوزه محصولات کشاورزی بود. در این دوران معاملات پیمان آتی بر روی محصولات کشاورزی در حال گسترش بود و بر همین اساس فعالان بازار به فکر سامان‌دهی این معاملات بودند. نتیجه این سامان‌دهی شکل‌گیری یکی از قدیمی‌ترین بورس‌های کالایی شناخته شده در جهان تحت عنوان هیأت تجاری شیکاگو (CBOT)^۱ آمریکا بود. در حال حاضر این بورس در قالب گروه بورس بازرگانی شیکاگو (CMEGroup) فعالیت می‌کند و هم‌چنان به عنوان یکی از مراکز معاملات قراردادهای آتی و اختیار معامله محصولات کشاورزی در جهان می‌باشد.

علی‌رغم این‌که بورس‌های کالایی در حوزه محصولات کشاورزی، از قدمت چند صد ساله در برخی کشورهای توسعه یافته برخوردارند ولی سابقه این بورس‌ها در بیشتر کشورهای در حال توسعه به کمتر از ۲۰ سال می‌رسد. در ایران نیز اولین بورس کالایی با عنوان بورس فلزات تهران جهت معاملات محصولات فلزی در شهریورماه سال ۱۳۸۲ شمسی شروع به کار نمود. یک سال بعد بورس کالای کشاورزی ایران به منظور معاملات محصولات کشاورزی تأسیس گردید. با تغییر قانون بازار اوراق بهادار در سال ۱۳۸۶، دو بورس مذکور با یکدیگر ادغام شدند و بورس کالای ایران در قالب یک شرکت سهامی عام تأسیس شد و در حال حاضر مشغول به فعالیت می‌باشد. هرچند بیش از یک دهه از تأسیس بورس کشاورزی در ایران می‌گذرد ولی ساختار سنتی بخش کشاورزی به دلیل پاره‌ای از مشکلات نظیر ساختار کشاورزی خرد در ایران، نبود دانش مالی در کشاورزان و تجار بخش کشاورزی و عدم حمایت دولت از بورس باعث شده‌اند همچنان بخش کشاورزی از کارکردهای بورس در توسعه این

1. Chicago Board Of Trade

بخش محروم بماند. همان‌طور که در فصل اول کتاب اشاره شد، سیاست خرید تضمینی یکی از ابزارهای دولت در حمایت از بخش کشاورزی است. در قالب این سیاست دولت به منظور تنظیم بازار در فصل برداشت، اقدام به خرید کالا به قیمت مصوب هیأت دولت از کشاورزان نموده، این کالاها را انبارداری می‌نماید تا در مواقع لزوم و نیاز بازار، محصول خریداری شده را به قیمت مصوب به مصرف‌کنندگان کالا بفروشد. در قالب این سیاست از یک سو مکانیسم بازار تعطیل می‌شود و از سوی دیگر ناکارآمدی‌های بخش دولتی نظیر عدم شفافیت و فساد در خرید، نگهداری و فروش منجر به اتلاف منابع می‌شود؛ لذا ضروری است اصلاحاتی در اعمال این سیاست ایجاد شود. البته همان‌طور که در گزارش سازمان همکاری اقتصادی و توسعه (OECD) ذکر شد راه‌کار بهینه و بلندمدت، حذف سیاست خرید تضمینی و جایگزینی آن با روش‌های مبتنی بر بازار نظیر استفاده از اوراق مشتقه و بیمه می‌باشد ولی در کوتاه‌مدت نیز می‌توان از بسترهای موجود در بورس کالای ایران جهت بهبود فرآیندها استفاده کرد.

با وجود بستر مناسب، شفاف و نظام‌مند در بورس کالای ایران برای برگزاری حراج، دولت می‌تواند محصولات خریداری شده در قالب خرید تضمینی را با توجه به نیاز بازار از طریق بورس عرضه نماید. در این روش قیمت بازار براساس مکانیسم عرضه و تقاضا کشف می‌شود که این خود با تولید اطلاعات تقاضا و قیمت‌های تعادلی زمینه را برای اجرای مناسب‌تر تنظیم بازار در دوره‌های بعد فراهم می‌کند. همچنین این روش زمینه بروز فساد را به حداقل ممکن کاهش می‌دهد.

با توجه به نتایج بررسی تجربیات سایر کشورها در فصل‌های پیشین، نهاد بورس می‌تواند با همکاری سایر ذی‌نفعان بخش کشاورزی در توسعه این بخش نقش بسزایی ایفا نماید. در ادامه این فصل پیشنهادهای در این خصوص برای رفع مشکلات بخش کشاورزی در کشورمان در حوزه سیاست‌های حمایتی مطرح شده است.

۱- سیاست قیمت تضمینی در سال ۱۳۹۴

براساس تجارب بین‌المللی ایده‌آل‌ترین مدل برای پوشش ریسک تغییرات قیمت محصولات کشاورزی استفاده از قراردادهای مشتقه در بورس‌ها و بازارهای خارج از بورس در کنار ارائه بیمه درآمد به کشاورزان می‌باشد که در حال حاضر در کشور آمریکا عملیاتی شده‌اند. این دو در کنار هم علاوه بر این که حمایت از بخش کشاورزی را محقق می‌کند کاملاً مبتنی بر نظام بازار می‌باشند و کمترین مداخله در فرآیند کشف نرخ محصول ایجاد می‌نمایند.

اما همان‌طور که واضح است به دلیل عدم توسعه صنعت بیمه و بازارهای مشتقه و همچنین نبود آمارهای قابل اعتماد در حوزه تولید محصولات کشاورزی در ایران، در فاز نخست نمی‌توان در یک مرحله شرایط فعلی خرید تضمینی را تغییر داد. لذا دولت می‌تواند با هدف قراردادن استفاده از دو ابزار مذکور در آینده، از سیاست خرید تضمینی به سمت سیاست‌های بهتر حرکت نماید.

کشورهای عضو سازمان تجارت جهانی علی‌رغم محدودیت‌هایی که از سوی این سازمان در اجرای سیاست‌های حمایتی بخش کشاورزی بر آن‌ها اعمال می‌کند، در یک روند تدریجی بسته‌ای از سیاست‌های حمایتی را در بخش کشاورزی به کار برده‌اند؛ لذا ایران نیز باید در فرآیند حرکت به سمت سازوکارهای ایده‌آل، سیاست حمایتی متناسب با ساختار اقتصاد کشاورزی خود، توسعه یافتگی بازارهای مالی آن و میزان یکپارچگی آن با بازارهای بین‌المللی، بسته‌ای از سیاست‌های حمایتی را اجرا نماید و این حرکت به تدریج و با آزمون کردن سیاست‌های مختلف در دوره‌های زمانی خاصی صورت گیرد.

همان‌طور که در فصل اول کتاب اشاره شد در ایران، سیاست قیمت تضمینی به عنوان جایگزینی برای سیاست خرید تضمینی معرفی گردید. این سیاست در سال ۱۳۹۴ با تأخیر نسبت به زمان تصویب قانون در سال ۱۳۸۹، به مرحله اجرا رسید. سیاست قیمت تضمینی در سال ۱۳۹۴ در خصوص محصولات نظیر جو در کرمانشاه و ذرت در خوزستان عملیاتی شد.

۲۰۸ □ سیاست‌های حمایتی بخش کشاورزی

برای اجرای سیاست قیمت تضمینی در سال ۱۳۹۴ نهادهای مختلفی مشارکت نمودند که جدول ۴-۱ به فعالیت اجرایی هر یک از آنها اشاره کرده است.

جدول ۴-۱- نهادهای اجرایی سیاست قیمت تضمینی

فعالیت اجرایی	سازمان
<ul style="list-style-type: none"> • تعیین محصولات مشمول قیمت تضمینی و اعلام قیمت آنها تا شهریور ماه هر سال برای سال آینده؛ • تعیین استاندارد محصولات مشمول قیمت تضمینی با همکاری بورس کالای ایران؛ • پیش‌بینی و تخصیص بودجه مورد نیاز برای پرداخت مابه‌التفاوت قیمت‌ها و نیز بودجه مورد نیاز برای بازاریابی؛ • انتخاب نهادهای بازاریاب برای هر محصول؛ • ارایه لیست کشاورزان هر استان به بورس کالای ایران از طرف سازمان جهاد کشاورزی استان‌ها؛ • تخمین هزینه‌های تبعی به ازای هر کیلوگرم محصول؛ • پرداخت مابه‌التفاوت به کشاورزان از طریق سازمان جهاد کشاورزی هر استان؛ 	وزارت جهاد کشاورزی
<ul style="list-style-type: none"> • انتخاب کارگزار و اعمال سفارش خرید در تمامی نمادها؛ 	بازارساز
<ul style="list-style-type: none"> • پذیرش انبارهای استاندارد محصولات زراعی در استان‌های مورد نظر؛ • برگزاری دوره‌های آموزشی لازم در خصوص فرآیند قیمت تضمینی برای کشاورزان، انبارداران و عوامل اجرایی طرح؛ • استقرار سامانه صدور گواهی سپرده کالایی در انبارهای مورد پذیرش؛ • اخذ حق درج و پذیرش انبارها؛ • تعیین سقف هزینه‌های انبارداری؛ • بازرسی دوره‌ای از انبارها و نظارت بر صدور گواهی سپرده کالایی؛ • تعیین روش انجام معاملات و نظارت بر معاملات؛ • ارایه گزارش معاملات انجام شده و میزان مابه‌التفاوت قابل پرداخت به کشاورزان، به سازمان مدیریت و وزارت جهاد کشاورزی؛ • پیش‌بینی فرآیندهای خروج محصول از انبارها؛ • ترویج و فرهنگسازی سیاست قیمت تضمینی؛ 	بورس کالای ایران

فصل چهارم: چشم‌انداز سیاست‌های حمایتی بخش کشاورزی □ ۲۰۹

فعالیت اجرایی	سازمان
<ul style="list-style-type: none"> پذیرش تضامین انبارهای معرفی شده از سوی بورس و تعریف نماد برای آن‌ها در سامانه؛ صدور کد بورسی برای کشاورزان معرفی شده از سوی جهاد کشاورزی؛ تسویه معاملات و کسر هزینه‌های انبارداری؛ ارایه گزارش تسویه معاملات؛ تسویه هزینه‌های انبارداری با انبارداران؛ 	<p>شرکت سپرده گذاری مرکزی اوراق بهادار و تسویه وجوه</p>
<ul style="list-style-type: none"> تهیه و راه اندازی سامانه الکترونیکی صدور گواهی سپرده کالایی؛ پشتیبانی سامانه معاملاتی گواهی سپرده کالایی و افتتاح نمادهای انبارها؛ 	<p>شرکت مدیریت فن آوری بورس تهران</p>
<ul style="list-style-type: none"> بررسی و تصویب هزینه‌های تبعی؛ پیش بینی و تخصیص بودجه مورد نیاز طرح قیمت تضمینی در قالب بودجه سنواتی وزارت جهاد کشاورزی و تخصیص اعتبار در هنگام اجرای طرح؛ 	<p>سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی</p>
<ul style="list-style-type: none"> استقرار نماینده در استان‌های منتخب برای اجرای طرح؛ اخذ دستور فروش از کشاورزان و اعمال آن در سامانه معاملات در هر جلسه معاملاتی؛ تسویه معاملات تا دو روز کاری پس از انجام معامله؛ 	<p>کارگزاران</p>

در کل به نظر می‌رسد مهم‌ترین آسیب این سیاست، نیاز به پذیرش تعداد زیادی انبار محصولات کشاورزی توسط بورس کالا است. از طرفی موضوعات مرتبط با انبارهای پذیرش شده و احتمال وقوع برخی از اقدامات خلاف مقررات از طرف انبارداران ریسک شدیدی را متوجه بورس خواهد کرد.

۱-۱- اصلاح سیاست قیمت تضمینی

سیاست قیمت تضمینی علی‌رغم مغایر بودن آن با سیاست‌های سازمان تجارت جهانی توانسته با احیاء مکانیسم بازار یک گام اساسی در بهبود مکانیسم تخصیص ایجاد نماید؛ این سیاست باید با اعمال اصلاحات ذیل به صورت منطقه‌ای و به تدریج گسترش یابد. این اصلاحات در قالب دو رویکرد بیان شده است که در رویکرد اول اصلاحاتی جزئی

در روش اجرای فعلی سیاست و در رویکرد اصلاحی دوم، تغییر مرجع انتشار گواهی سپرده کالایی مورد توجه می‌باشد.

۱-۱-۱- رویکرد اعمال اصلاحات بر اجرای فعلی سیاست قیمت تضمینی

به دلیل عدم همکاری مناسب شرکت سپرده‌گذاری مرکزی و تسویه وجوه ریسک بسیار بالایی از جانب انبارها متوجه شرکت بورس کالای ایران به عنوان متولی پذیرش انبارها است. براساس تجربه بورس ملی نقدی هند (NSEL)^۱ عدم نظارت مناسب بر انبارها می‌تواند خسارت‌های جبران‌ناپذیری بر بورس تحمیل نماید^۲. لذا برای اصلاح روش فعلی موارد زیر پیشنهاد می‌شود:

تعدد انبارهای پذیرش شده، مشکلات نظارتی و ریسک‌های عملیاتی برای نهاد پذیرش انبار (بورس کالا) به همراه دارد و از سوی دیگر برای انبارها هزینه‌هایی نظیر تودیع تضامین ایجاد کند؛ لذا لازم است پذیرش انبارها را منحصر به انبارهای با ظرفیت‌های بالا و در مناطقی که نیاز واقعی به آن‌ها وجود دارد نمود. برای این منظور باید قبل از اجرای طرح در هر منطقه، مطالعات دقیق‌تری از نیازسنجی انبارها صورت گیرد.

افزایش مهلت زمانی پرداخت مابه‌التفاوت به کشاورزان.

به منظور ایجاد اعتماد در کشاورزان به سازوکار قیمت تضمینی، دولت بودجه مورد نظر برای اجرای این سیاست را پیش‌بینی و به تصویب مجلس شورای اسلامی برساند. معمولاً خریداران واقعی محصول نقدینگی لازم برای خرید محصولات را ندارند؛ لذا شرکت‌های تأمین سرمایه یا سایر نهادهای تخصصی بازار سرمایه که تمایل دارند که به بازارهای کالایی ورود پیدا کنند، با ایجاد صندوق‌های کالایی اقدام به خرید محصول و فروش آن به صورت مدت‌دار به مصرف‌کنندگان نهایی نمایند. همچنین امکان انتشار

1. National Spot Exchange Limited

۲. در بورس مذکور انبارها به دلیل عدم نظارت کافی اقدام به صدور قبض انبارهای صوری کرده بودند که با مراجعه خریدار قبض به انبار مشخص شد کالایی در انبار وجود ندارد یا مشخصات کالای موجود با مشخصات اعلام شده در قبض انبارها تطابق ندارد.

فصل چهارم: چشم‌انداز سیاست‌های حمایتی بخش کشاورزی □ ۲۱۱

اوراق مباحثه برای شرکت‌های فعال در حوزه مبادلات محصولات کشاورزی برای ورود به این بازار و تقویت طرف خرید در بازار اولیه وجود خواهد داشت. این موضوع علاوه بر این که به کشف نرخ بهتر در بازار منجر خواهد شد، انگیزه معاملات ثانویه را در بازار گواهی سپرده کالایی تقویت خواهد کرد. البته لازم است برخلاف سناریو فعلی اجرا شده برای این منظور انبارهایی در نظر گرفته شوند که امکان ذخیره‌سازی محصول به صورت طولانی مدت را نیز داشته باشند.

۱-۱-۲- رویکرد استفاده از مباشر در انتشار گواهی سپرده کالایی

با توجه به تجربه برخی از کشورهای مورد بررسی، لازم است از ظرفیت شرکت‌هایی به عنوان مباشر از جمله نهادهای موجود نظیر تعاون روستایی یا پشتیبانی امور دام برای اجرای این سیاست استفاده شود. لازم است برای این شرکت‌ها کارمزد مناسبی در نظر گرفته شود تا فعالیت‌شان توجیه اقتصادی پیدا کند. وظیفه پذیرش انبارها و اخذ تضامین از آن‌ها و نظارت بر فعالیت انبارها بر عهده این نهاد خواهد بود. در واقع این نهادها با جمع‌آوری محصول از کشاورزان و ذخیره‌سازی آن در انبارهای مورد نظر خود از طرف کشاورزان اقدام به فروش محصول در بورس خواهند کرد.

<p>رویکرد تغییر مرجع انتشار گواهی سپرده کالایی</p>	<p>رویکرد اعمال اصلاحات بر اجرای فعلی سیاست قیمت تضمینی</p>
<ul style="list-style-type: none"> • ایجاد یا تعیین نهادی مستقل برای پذیرش انبارها، اخذ تضامین و نظارت بر آنها. 	<ul style="list-style-type: none"> • پذیرش انبارها با ظرفیت‌های بالا و در مناطقی که نیاز واقعی به آنها وجود دارد. • افزایش مدت زمان پرداخت ما به متفاوت. • پیش بینی بودجه مورد نیاز این سیاست در دولت و تصویب آن در مجلس. • ایجاد صندوق‌های کالایی برای خرید و فروش مدت‌دار. • انتشار اوراق مرابحه برای شرکت‌های فعال در حوزه مبادلات محصولات کشاورزی.

شکل ۴-۱- رویکردهای اصلاح سیاست قیمت تضمینی

۲- سیاست قیمت تضمینی در سال ۱۳۹۵

مشکلات به وجود آمده در اجرای سیاست قیمت تضمینی در سال ۱۳۹۴ وزارت جهاد کشاورزی و بورس کالای ایران را بر آن داشت تا با اعمال اصلاحاتی این سیاست را در سال ۱۳۹۵ ادامه دهند. تفاوت‌های اساسی این سیاست در سال ۱۳۹۵ با سال قبل آن به شرح ذیل است:

۱. تبدیل شدن قبض انبار به گواهی سپرده کالایی: در سال ۱۳۹۴ کالایی که به انبار سپرده می‌شد به ورقه بهادار موضوع قانون بازار اوراق بهادار تبدیل نمی‌شد. در حالی که در سال ۱۳۹۵ کالای سپرده شده به انبار به ورقه بهادار موضوع قانون بازار اوراق بهادار تبدیل می‌شود.
۲. ایجاد مباشر پذیرش انبار: در مدل قبل بورس خود مکلف به جستجو و تعیین انبارهایی که در نقاط مختلف برای اجرای قیمت تضمینی لازم بوده است، بود ولی در مدل جدید مباشری که برای این منظور تعیین می‌شود

فصل چهارم: چشم‌انداز سیاست‌های حمایتی بخش کشاورزی □ ۲۱۳

این وظیفه را برعهده می‌گیرد و با معرفی وی بورس اقدامات لازم در خصوص پذیرش انبار را انجام می‌دهد.

۳. ایجاد مباشر عرضه فیزیکی: همان‌طور که در بخش قبل به عنوان راه‌کار اشاره شد، بورس و وزارت جهاد کشاورزی مدل استفاده از مباشر را برای برخی از کالاها و برخی از مناطق اجرا نمودند. این‌که در مورد چه کالایی و چه منطقه‌ای از روش مباشر استفاده شود باید توافق بورس و وزارت‌خانه ایجاد شود. در این مدل مباشر کالا را از کشاورز تحویل گرفته روی تابلو بورس به فروش می‌رساند و ثمن معامله مستقیم به حساب کشاورز واریز می‌شود. رابطه بین کشاورز و مباشر رابطه بین موکل و وکیل می‌باشد.

با اجرایی شدن این مدل اصلاحات در سال ۱۳۹۵ برخی از کاستی‌های به وجود آمده در مدل قبلی مرتفع شد ولی همان‌طور که اشاره شد این تنها آغاز راه تحول در حمایت از بخش کشاورزی مبتنی بر نظام بازار در ایران می‌باشد.

۳- راه‌اندازی معاملات قرارداد اختیار فروش برای محصولات مشمول خرید تضمینی

به دلیل عدم توسعه‌یافتگی بازارهای مشتقه در ایران براساس تجارب سایر کشورها، دولت باید اقدام به استفاده و حمایت از این بازارها نماید. با توجه به نیاز شدید به آمارهای قابل اتکا در خصوص حجم تولید سالانه کشاورزان روش‌هایی مانند استفاده از اختیار فروش کالایی، لازم است اجرای این روش‌ها در مناطق و محصولات که حداقل یک‌بار سیاست قیمت تضمینی در آن‌ها اجرا شده و داده‌های آماری قابل اتکایی به وجود آمده است، مد نظر قرار گیرند.

۳-۱ - رویکرد اول در استفاده از قراردادهای اختیار فروش

این رویکرد منطبق بر رویکرد اجرایی کشور برزیل می‌باشد. در این روش دولت به شرح ذیل اقدام به دادن اختیار فروش به کشاورزان می‌نماید:

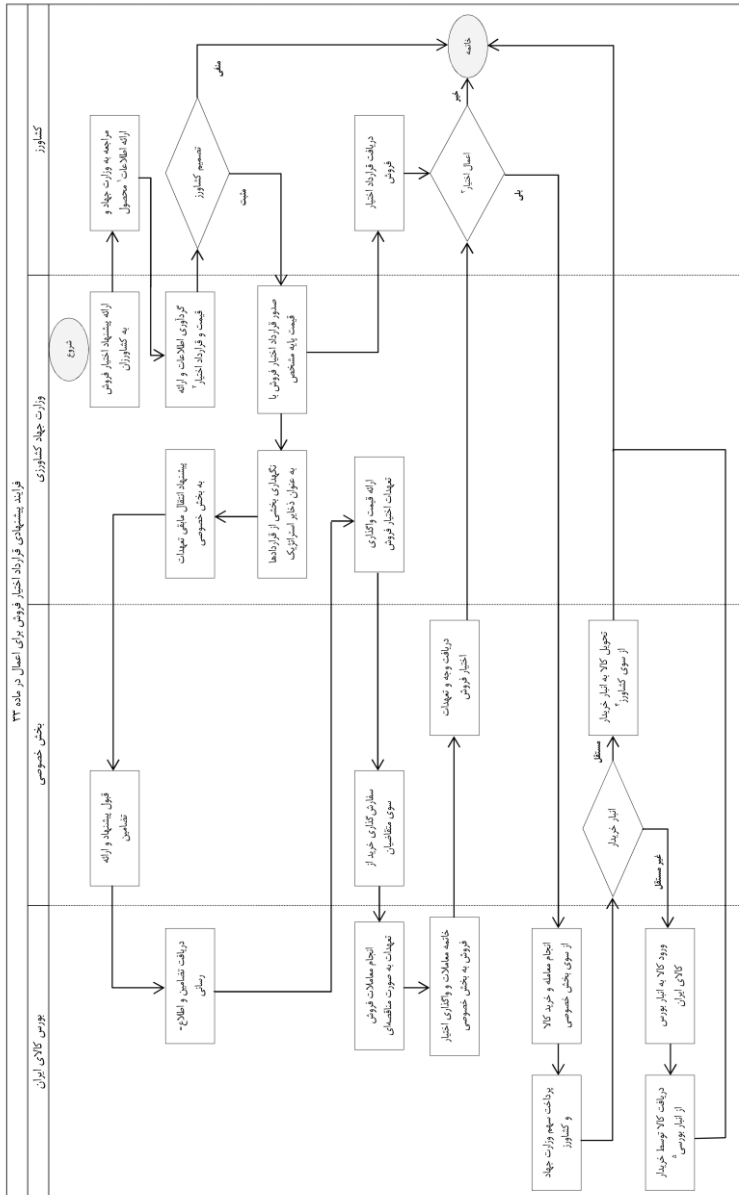
به منظور ایجاد آمادگی و تولید اطلاعات پیش از برداشت محصول دولت اقدام به فروش قرارداد اختیار فروش به کشاورزان روی قیمت تضمینی در فصل کاشت می‌نماید. مقدار اختیار فروشی که دولت به هر کشاورز می‌فروشد ارتباط به آمار تولید کشاورز در سال قبل خواهد داشت و با نظر وزارت جهاد کشاورزی این به اندازه ضربی از تولید سال قبل قابل افزایش است. قیمت این اختیار باید براساس قیمت تئوریک محاسبه شود و کشاورز متعهد شود درصدی از قیمت را در زمان اعمال اختیار پرداخت نماید. لازم به توضیح است حتی اگر کشاورز اختیار خود را اعمال ننماید به دولت بدهکار خواهد ماند تا در سال زراعی بعد، خرید اختیار منوط به تسویه بدهی وی باشد. این مسأله باعث خواهد شد کشاورزان در خرید اختیار مقدار برداشت محصول خود را واقعی‌تر اعلام نمایند. در زمان اعمال اختیارها، بورس سهم دولت را از حساب کشاورز برداشت و به دولت پرداخت خواهد نمود.

بورس براساس اختیار معامله‌های واگذار شده انبارهای مورد نیاز برای دریافت محصول را پذیرش می‌نماید.

دولت می‌تواند موقعیت تعهدی خود در قراردادهای اختیار معامله را در بازار ثانویه به خریدارن بالقوه محصول واگذار نماید. برای این منظور بورس باید تضامین لازم را از پذیرندگان موقعیت تعهدی دولت اخذ نماید.

دولت برای ایجاد جذابیت برای پذیرندگان موقعیت تعهدی در قرارداد اختیار معامله متعهد می‌شود در صورتی که قیمت محصول در تاریخ اعمال قرارداد اختیار از یک مقدار مشخص در بازار پایین‌تر بود بدون نیاز به تحویل گرفتن کالا مابه‌التفاوت قیمت بازار و قیمت مشخص شده را به دارنده موقعیت تعهدی قرارداد اختیار معامله پرداخت نماید.

فصل چهارم: چشم‌انداز سیاست‌های حمایتی بخش کشاورزی □ ۲۱۵



شکل ۴-۲- رویکرد پیشنهادی اول قرارداد اختیار فروش برای اعمال در ماده ۳۳

اجرای رویکرد فوق مزایای ذیل را خواهد داشت:

این روش برخلاف سیاست قیمت تضمینی منطبق بر سیاست‌های سازمان تجارت جهانی است و در صورتی که ایران به دنبال عضویت در سازمان تجارت جهانی باشد این روش تسهیل کننده خواهد بود.

برخلاف روش فعلی قیمت تضمینی که تا زمان برداشت محصول برآورد مناسبی از میزان محصول وجود نداشت، در این روش علی‌رغم این که فروش اختیارها مبتنی بر آمار تولید شده در سال قبل می‌باشد اما با توجه به ضریب تلورانسی که وزارت جهاد کشاورزی مشخص می‌کند امکان فروش اختیار بیش از آمار سال قبل وجود خواهد داشت؛ لذا یک برآورد نسبتاً دقیق در زمان کاشت محصول ایجاد خواهد شد تا از همان زمان نسبت به آماده‌سازی انبارها و مکان‌یابی آن‌ها اقدام شود.

در این روش به دلیل این که دولت تمام یا بخشی از موقعیت خود در قرارداد اختیار معامله را به خریدار واقعی انتقال داده است می‌توان در خصوص خریداران بزرگ به جای حمل محصول به انبار شخص ثالث، انبار خود مصرف‌کننده را به عنوان محل تحویل استفاده کرد و در هزینه‌های حمل مجدد صرفه‌جویی نمود و یا در زمان بارگیری از مزرعه، اقدام به ارزیابی محصول و تحویل کالا به خریدار نمود (البته در خصوص محصولاتتی که امکان آن وجود داشته باشد).

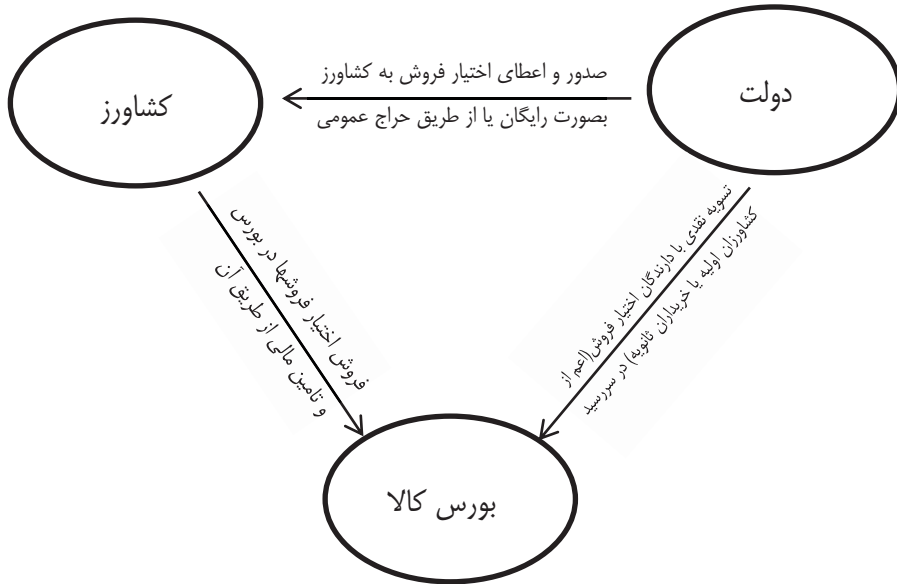
این روش می‌تواند با فرهنگ‌سازی گسترده‌ای که در خصوص مفهوم ابزارهای مشتقه انجام می‌دهد بازار را برای راه‌اندازی معاملات اختیار معامله بخش خصوصی برای انواع محصولات کشاورزی آماده نماید.

۳-۲- رویکرد دوم در استفاده از قراردادهای اختیار فروش

در این روش کشاورزان برخلاف روش قبل این اجازه را خواهند داشت در صورت تمایل قرارداد اختیار معامله‌ای را که دولت به آن‌ها اعطا کرده است، قبل از سررسید به شخص ثالث واگذار نمایند. از آنجایی که در این روش اتکای اصلی به آمارهای سال‌های گذشته برای صدور اختیار است و عملاً در سررسید لزومی به اعمال اختیار

فصل چهارم: چشم‌انداز سیاست‌های حمایتی بخش کشاورزی □ ۲۱۷

توسط خود کشاورز وجود ندارد لذا به نظر می‌رسد می‌تواند به عنوان روش تکمیلی پیشنهاد قبل اجرایی شود. در شکل زیر سازوکار پیشنهادی صدور و تسویه اختیار فروش توسط دولت نشان داده شده است.



شکل ۴-۳- پیشنهاد استفاده از قراردادهای اختیار فروش

اگر دولت به جای اعلام قیمت تضمینی، قرارداد اختیار معاملی فروش روی قیمت تضمینی را از طریق بورس کالای ایران به کشاورزان بدهد این روش مزایای قابل توجهی نسبت به سازوکار اعلام قیمت تضمینی خواهد داشت که شامل موارد ذیل است.

در روش قیمت تضمینی تا روزی که محصول برداشت شود و به انبارهای اعلام شده توسط دولت منتقل گردد، اطلاعات دقیقی از میزان تولید و تمایل کشاورزان به فروش محصولات خود براساس قیمت‌های تضمینی وجود ندارد. در حالی که در روش فروش قرارداد اختیار فروش توسط دولت به کشاورزان (با واگذاری رایگان آن به

کشاورزان)، کشاورز با پرداخت یک هزینه‌ی ناچیز برای خرید اختیار، اطلاعات ارزشمندی در خصوص تمایلش به کشت محصول مورد نظر و همچنین تمایلش به فروش محصول تولید شده به دولت را در اختیار دولت قرار خواهد داد.

دولت می‌تواند با کمک این اطلاعات آمادگی لازم برای تأمین منابع نظیر انبار، نیروی انسانی، تجهیزات حمل و نقل و بودجه‌ی مورد نیاز برای خرید محصول را فراهم نماید. لازم به ذکر است می‌توان برای سازمان‌دهی کشاورزان برای استفاده از این روش، نهادهایی نظیر تعاونی‌های روستایی را فعال کرد.

در صورتی که بخش خصوصی تمایل به خرید محصول و رقابت با دولت را داشته باشد به راحتی می‌تواند در مرحله دوم با فروش قراردادهای اختیار فروش به دولت، از این ابزار مالی استفاده نماید.

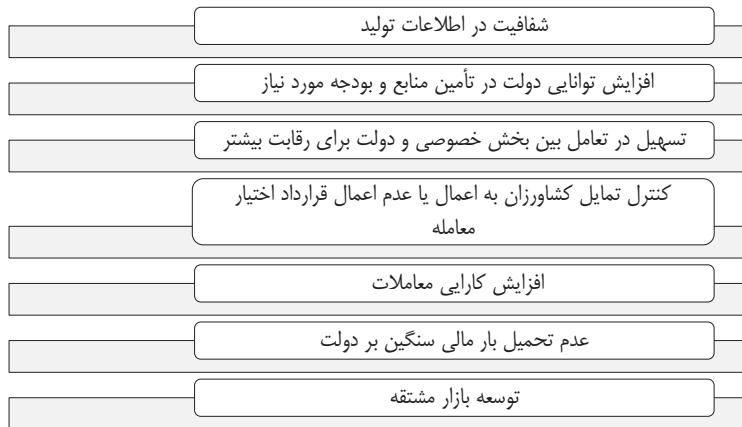
با نزدیک شدن به زمان سررسید، دولت می‌تواند با کنترل عرضه در بازار نقد محصول کشاورزی، براساس اهدافی که دنبال می‌کند تمایل کشاورزان به اعمال یا عدم اعمال قراردادهای اختیار معامله را کنترل نماید.

کشاورز می‌تواند قبل از سررسید اختیار فروشی که در دست دارد، در بازار ثانویه معاملات اختیار اقدام به واگذاری اختیار خود به دیگران کند و از این طریق نقدینگی مورد نیاز خود را قبل از سررسید تأمین نماید. لذا افراد با انگیزه‌های سفته‌بازی، می‌توانند ورود پیدا کرده و اختیار فروش را از کشاورزان خریداری نمایند و به نقدشوندگی این معاملات و افزایش کارایی در این معاملات کمک نمایند.

در سررسید دولت می‌تواند جهت پرداخت مابه‌التفاوت اختیار فروش و قیمت بازار، و در نتیجه عدم تحمیل بار مالی سنگین خرید تضمینی، قراردادهایی که دولت همچنان در آن‌ها متعهد می‌باشد را تسویه نقدی نماید.

در بورس کالای ایران زیرساخت‌های مقرراتی لازم برای معاملات اختیار فروش وجود دارد. اجرای این سیاست باعث توسعه بازار مشتقه از درون بازار سنتی خواهد شد.

فصل چهارم: چشم‌انداز سیاست‌های حمایتی بخش کشاورزی □ ۲۱۹



شکل ۴-۴- مزایای استفاده از قرارداد اختیار فروش

محدودیت‌های صدور اختیار معامله توسط دولت به روش مذکور به شرح ذیل می‌باشد:

نبود شناخت و آموزش کافی کشاورزان و سایر فعالان بخش کشاورزی: نبود شناخت نسبت به ابزارهای مالی قابل معامله در بورس از جمله اختیار معامله از اولین مشکلات دولت و بورس کالا است.

نبود معیاری مناسب جهت تعیین مقدار اختیار معامله هریک از کشاورزان: این مشکل شاید مهم‌ترین مسئله پیش روی دولت برای صدور اختیار معامله محصولات کشاورزی باشد. میزان تولید محصولات کشاورزی به عوامل محیطی زیادی بستگی دارد بطوری که نوسانات میزان تولید در این بخش به نسبت بالاست و حتی برای کشاورزان حرفه‌ای نیز امکان برنامه‌ریزی دقیق در مورد میزان تولید وجود ندارد. با توجه به این نکته دولت باید معیاری را تعیین کند که به هریک از کشاورزان مقدار اختیار فروشی را تخصیص بدهد که این مقدار برابر با میزان تولید واقعی وی باشد.

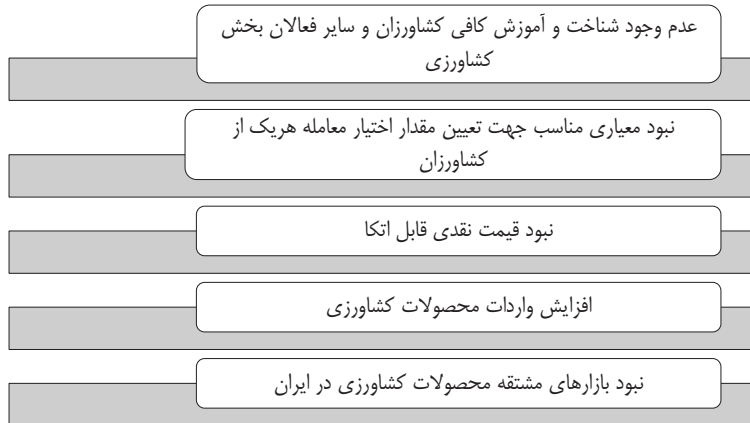
نبود قیمت نقدی قابل اتکا: در صورتی که دولت قصد تسویه نقدی در سررسید را داشته باشد وجود یک قیمت نقدی قابل اتکا به عنوان معیار تسویه نقدی بسیار اهمیت

خواهد داشت که به نظر می‌رسد با توجه به این‌که در ابتدای امر روش فروش اختیار بخشی از سیاست‌های حمایتی دولت را تشکیل می‌دهد کشف قیمت در روش‌های دیگر صورت می‌گیرد.

افزایش واردات محصولات کشاورزی: اگر به هر طریقی اختیار فروش‌های صادر شده توسط دولت به دلالتان یا واردکنندگان محصولات کشاورزی واگذار شود آنگاه ممکن است این افراد اقدام به واردات محصولات کشاورزی با قیمت‌های پایین به کشور کرده و با قیمت تضمینی اوراق اختیار فروش به دولت بفروشند. این موضوع باعث افزایش بار مالی دولت می‌شود که البته یکی از راه‌های پیشگیری از آن تسویه نقدی تمامی اوراق اختیار فروش‌ها توسط دولت و عدم امکان تحویل دادن محصول می‌باشد.

نبود بازارهای مشتقه محصولات کشاورزی در ایران: در بورس کالای ایران تنها قرارداد آتی برای دو محصول زیره سبز و کنجاله سویا منتشر شد که هیچ استقبالی از این قراردادها نشده است. به طوری که پس چندین ماه، معاملات این قراردادهای آتی متوقف شد. تجربه سایر کشورها نشان می‌دهد که بازارهای مشتقه با راه اندازی قراردادهای آتی شروع شده و پس از آن معاملات قرارداد اختیار معامله راه اندازی شده است. این کار منجر به افزایش عمق بیشتر بازار و استقبال بیشتر از اختیار معاملات می‌شود. در ایران معاملات قراردادهای آتی و اختیار معامله برای محصولات کشاورزی وجود ندارد. لازم به ذکر است که زیرساخت‌های مقرراتی و نرم افزاری راه اندازی معاملات قرارداد اختیار معامله در بورس کالا وجود دارد.

فصل چهارم: چشم‌انداز سیاست‌های حمایتی بخش کشاورزی □ ۲۲۱



شکل ۴-۵- محدودیت‌های صدور قرارداد اختیار فروش

۴- راه‌اندازی معاملات قراردادهای آتی

همان‌طور که در فصل قبل ذکر گردید قراردادهای آتی یکی از ابزارهای بازار محور مدیریت ریسک تغییرات قیمت می‌باشد. هرچند در ایران قراردادهای سلف که می‌توان آن‌ها را نوع خاصی از پیمان‌های آتی در نظر گرفت در بخش کشاورزی مورد استفاده قرار می‌گیرد اما علی‌رغم وجود بسترهای فنی در بورس کالای ایران برای راه‌اندازی این معاملات و تلاش این بورس برای انجام این معاملات بر روی زیره و کنجاله سویا، این نوع معاملات در بخش کشاورزی توفیق چندانی بدست نیاورد. می‌توان دلایل این عدم موفقیت را در موارد ذیل خلاصه کرد:

خرد بودن تولیدکنندگان محصولات کشاورزی: براساس تجربه کشور برزیل تهیه شده عمده استفاده‌کنندگان از قراردادهای مشتقه برای مدیریت ریسک قیمت شرکت‌های بزرگ فعال در بخش کشاورزی بوده‌اند و تولیدکنندگان کوچک محصولات کشاورزی از این ابزار استفاده نمی‌کنند.

تمایل فعالان بازار به عدم شفافیت: به خاطر مسائلی نظیر فرارهای مالیاتی و یا بهره‌مند شدن از سودهای غیر متعارف در فضای غیر شفاف فعالان بزرگ بازار تمایلی به حضور در معاملات این بازار ندارند.

هزینه‌های وجه تضمین: مکانیسم معاملات قراردادهای آتی در اخذ وجه تضمین به منظور تضمین تعهدات طرفین معامله در کنار تنگنای مالی فعالان بخش کشاورزی و وجود هزینه فرصت از دست رفته برای وجه تضمین سپرده شده یکی از عواملی است که از جذابیت این بازار کاسته است.

عدم آشنایی فعالان بازار: عدم وجود دانش مالی در فعالان بخش کشاورزی و نداشتن شناخت نسبت به این نوع از معاملات خود باعث شده است از این معاملات استقبالی صورت نگیرد.

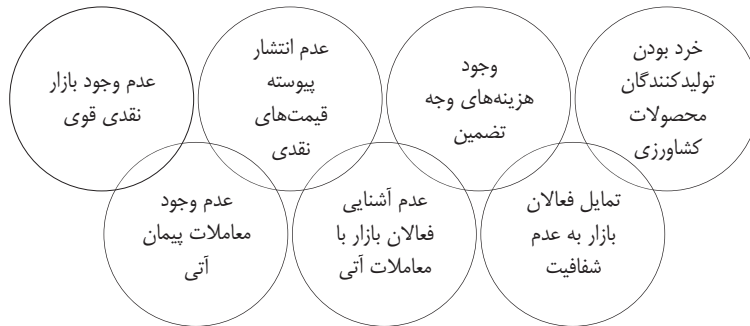
عدم وجود بازار نقدی قوی: لازمه یک بازار آتی که معاملات به صورت پیوسته در آن انجام شود وجود قیمت‌های نقدی پیوسته قابل اتکاست. قیمت‌گذاری دولتی و دخالت‌های متعدد دولت در نظام بازار امکان ایجاد یک بازار نقد قوی را سلب کرده است.

عدم انتشار پیوسته قیمت‌های نقدی: انتشار قیمت کالاها به صورت قابل اتکا و پیوسته در بازار نقد موضوع دیگری است که لازمه شکل‌گیری بازار آتی است. در صورتی که قیمت‌های نقدی به صورت شفاف و بدون هزینه در اختیار بازار آتی باشد، حضور سفته‌بازان در بازار آتی به رونق این بازار منجر خواهند شد.

عدم وجود معاملات پیمان‌های آتی: در آمریکا، معاملات پیمان‌های آتی منجر به تأسیس بورس‌های آتی کالایی شد. به عبارت دیگر بازار خود احساس نیاز به وجود قراردادهای آتی را به وجود آورد و در نتیجه این بازار شکل گرفت. در ایران بازار پیمان‌های آتی به غیر از موارد بسیار محدودی نظیر پیمان‌های آتی در ارز، سکه، زیره و زعفران، آن هم برای فعالان بسیار محدود، وجود نداشته است. می‌توان برای این که چرا این نوع از معاملات در ایران گسترش نیافته است دلایلی نظیر نبود سرمایه اجتماعی، نبود امکان اعتماد متقابل در بخش بازرگانی ناشی از خرد بودن ذی‌نفعان، تصور غالب بر غیر شرعی بودن این نوع از معاملات و عدم آشنایی با این نوع از معاملات را مطرح کرد.

فصل چهارم: چشم‌انداز سیاست‌های حمایتی بخش کشاورزی □ ۲۲۳

پررنگ بودن نیاز تأمین مالی: مشکل تأمین مالی به حدی در اقتصاد ایران پررنگ می‌باشد که فعالان بازار مباحث مربوط به مدیریت ریسک را در اولویت‌های اصلی خود قرار نمی‌دهند. رونق قراردادهای سلف در بخش کشاورزی که ماهیت تأمین مالی آن پررنگ‌تر از ماهیت مدیریت ریسک آن است نیز تأیید کننده همین موضوع است.



شکل ۴-۶- دلایل عدم موفقیت بازار آتی کشاورزی در ایران

همان‌طور که مشاهده می‌شود دلایل متعددی وجود دارد که مانع از موفقیت معاملات قراردادهای آتی می‌شود. برای حل مشکلات فوق می‌توان از راه‌کارهای ذیل استفاده نمود:

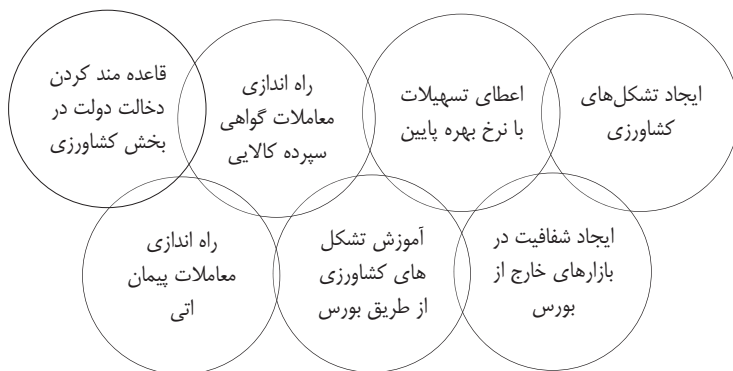
خرد بودن تولیدکنندگان محصولات کشاورزی: می‌توان از تشکلهای موجود در بخش کشاورزی نظیر اتحادیه استفاده کرد تا به جای ورود تک تک کشاورزان به این بازار تشکلهای کشاورزی به نمایندگی از کشاورزان وارد این بازارها شوند.

تمایل فعالان بازار به عدم شفافیت: لازم است دولت در بازارهای خارج از بورس شفافیت ایجاد نماید. به عنوان مثال اگر فعالان در بازار خارج از بورس هم مجبور باشند مالیات خود را به درستی پرداخت نمایند و امکان فرار مالیاتی برای آنها وجود نداشته باشد انگیزه آنها برای حضور در بورس به دلیل قاعده‌مند بودن و حمایت قانون از قواعد بورس افزایش خواهد یافت.

هزینه‌های وجه تضمین: دولت می‌تواند به شکل‌های کشاورزی تسهیلات با نرخ بهره پایین جهت تودیع وجه تضمین اعطا نماید. عدم آشنایی فعالان بازار: دولت می‌تواند شکل‌های کشاورزی را با همکاری بورس آموزش دهد.

عدم وجود بازار نقدی قوی: ضروری است دخالت‌های دولت در بخش کشاورزی به صورت قاعده‌مند و براساس یک مکانیسم قابل پیش‌بینی صورت گیرد تا فعالان در بازار آتی بتوانند پیش‌بینی مناسب‌تری از تحولات آینده داشته باشند. عدم انتشار پیوسته قیمت‌های نقدی: راه‌اندازی معاملات گواهی سپرده کلایی که در ادامه این فصل توضیح داده خواهد شد، ابزاری است که می‌تواند منجر به ایجاد بازار نقد قوی و انتشار پیوسته قیمت‌ها شود.

عدم وجود معاملات پیمان آتی: وجود معاملات پیمان آتی به موفقیت راه‌اندازی معاملات قرارداد آتی کمک می‌کند. البته لازم به ذکر است که در اکثر کشورهای در حال توسعه بدون وجود معاملات گسترده پیمان آتی، معاملات قرارداد آتی به صورت موفقیت‌آمیزی شده است، لذا در صورتی که بندهای فوق محقق شوند می‌توان به موفقیت راه‌اندازی قراردادهای آتی بدون تحقق بند جاری امیدوار بود. پررنگ بودن نیاز تأمین مالی: در صورت حل مشکل تأمین مالی در اقتصاد مباحثی نظیر مدیریت ریسک اولویت لازم را به دست خواهد آورد.



شکل ۴-۷- راه‌کارهای کمک به موفقیت بازارهای آتی در بخش کشاورزی

۵- راه‌اندازی معاملات اختیار معامله

قراردادهای اختیار معامله که کارکرد آن شبیه بیمه برای خریدار آن می‌باشد می‌تواند ابزار مبتنی بر بازار مناسبی برای حمایت از کشاورزان در مقابل کاهش قیمت باشد. این ابزار که به خوبی می‌تواند جایگزین سیاست خرید تضمینی و یا حتی سیاست قیمت تضمینی باشد مورد استفاده بخش کشاورزی در کشورهای توسعه یافته است. همان‌طور که در مدل‌های معرفی شده در قسمت سیاست قیمت تضمینی ذکر گردید این ابزار به خوبی می‌تواند نقش حمایت از کشاورزان در مقابل کاهش قیمت‌ها را ایفا نماید. البته این ابزار محدود به مدل‌هایی که برای کالاهای مشمول مالیات دولت در قالب خرید تضمینی می‌شوند نمی‌باشد و کلیه محصولات کشاورزی می‌توانند در قالب قرارداد اختیار معامله مبادله شوند.

البته شکل‌گیری معاملات قراردادهای اختیار معامله در ایران نیازمند همان پیش‌نیازهای مطرح شده در بخش قراردادهای آتی است. در صورتی که زمینه‌ی معاملات قراردادهای آتی فراهم باشد می‌توان به راه‌اندازی معاملات اختیار معامله نیز امیدوار بود.

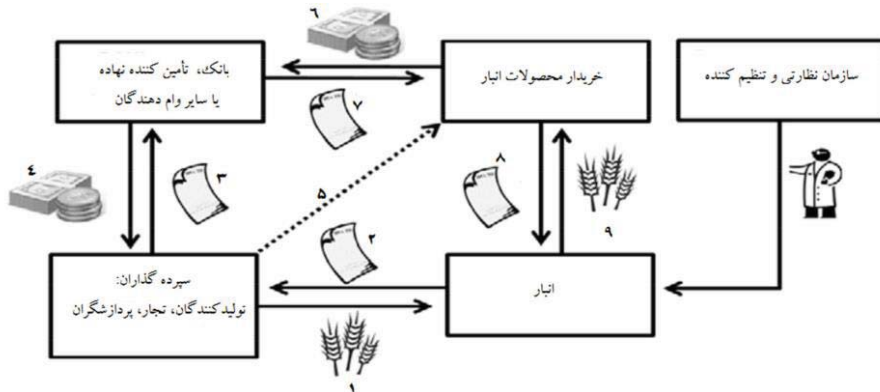
۶- راه‌اندازی معاملات گواهی سپرده کالایی

همان‌طور که در بخش‌های قبل ذکر گردید با تصویب ماده ۳۳ قانون افزایش بهره‌وری بخش کشاورزی و منابع طبیعی در ایران، راه برای اجرای سیاست قیمت تضمینی به جای خرید تضمینی فراهم شد. براساس این قانون و آیین‌نامه اجرایی آن کشاورزان می‌توانند محصول خود را به یکی از انبارهای پذیرش شده بورس کالای ایران تحویل داده، قبض انبار (گواهی سپرده کالایی) دریافت کنند و سپس محصول خود را به پشتوانه قبض انبار در بورس کالای ایران به فروش رسانند. هرچند بورس کالای ایران برای عملیاتی شدن این قانون در سال ۱۳۹۴ اقدام به پذیرش انبار کرد و سیاست قیمت تضمینی به صورت پایلوت اجرایی شد، اما بررسی تجربه سایر کشورها نشان می‌دهد بحث انبارداری و معاملات قبض انبار موضوعی بسیار فراتر از بورس‌های کالایی و سیاست قیمت تضمینی است و لازم است در سطح قوانین ملی و نهادهایی نظیر وزارت جهاد کشاورزی و وزارت صنعت، معدن و تجارت از موضوع انبارداری و معاملات قبض انبار حمایت شود زیرا سیستم قبض انبار، تولیدکنندگان کشاورزی را قادر می‌سازد تا فروش محصولات خود را در فصل برداشت با قیمت‌های پایین به تعویق انداخته و محصول را در زمان مناسب شدن قیمت‌ها ارائه دهند. در واقع قبض انبار در بخش کشاورزی عاملی برای بهبود تجارت است. سیستم قبض انبار منافع دیگری را نیز برای بخش کشاورزی به ارمغان می‌آورد؛ از جمله ذخیره‌سازی مناسب محصول، کاهش تلفات، ثبات نوسانات قیمت و در بلندمدت افزایش امنیت غذایی را به همراه خواهد داشت. لذا با توجه به چالش‌های موجود کشاورزان ایران در عدم دسترسی به اعتبارات کوتاه مدت و فقدان امکانات ذخیره‌سازی پس از برداشت محصولات، ایجاد یک سیستم انبارداری و قبض انبار مناسب برای بهره‌مندی از مزایای آن در کشور ضروری به نظر می‌رسد.

بسیاری از کشورها به معرفی و یا اصلاح سیستم انبارداری و قبض انبار خود در راستای تأمین اعتبارات برای بخش کشاورزی و افزایش درآمد کشاورزان پرداخته‌اند؛ این تجربیات می‌توانند به عنوان یک الگو برای کشور مورد توجه قرار گیرند.

۶-۱ - مفهوم اساسی تأمین مالی قبض انبار

مفهوم اساسی تأمین مالی قبض انبار برای کشاورزی تا حد زیادی در همه کشورها با یک سیستم قبض انبار یکسان است. گام اول این است که کشاورز و یا سپرده‌گذار یا تولیدکننده مقداری از محصولات کشاورزی را در انبار ذخیره سازی کند. بسته به کشور و نوع کالا، سپرده ممکن است در یک انبار عمومی، خصوصی یا انبار عرضه ذخیره گردد. انبار عمومی، کالاها را برای اشخاص ثالث با میزان مبلغ مشخص هزینه نگهداری می‌کند. انبار خصوصی یک مرکز ذخیره‌سازی در سایت تولیدی و یا شرکت پردازشی است. انبار عرضه یک مرکز ذخیره سازی است که به طور کامل یا جزئی، توسط یک شرکت مدیریت وثیقه و یا پشتیبانی اعتبار از سپرده‌گذار و یا یک انبار عمومی به ازای هزینه جزئی اجاره شده است. شرکت مدیریت وثیقه و یا پشتیبانی اعتبار مسئول کنترل کالاهای ذخیره شده است.



شکل ۴-۸- مفهوم اساسی تأمین مالی قبض انبار

همانطور که در شکل ۴-۸ نشان داده شده، پس از اینکه یک کشاورز و یا دیگر سپرده‌گذاران کشاورزی محصولات کشاورزی را در یک انبار ذخیره می‌کنند (۱)، انبار قبض انبار برای آن‌ها صادر می‌کند (۲) که پس از آن می‌تواند از این قبض انبار به عنوان وثیقه (۳) و برای به دست آوردن وام از بانک و یا تأمین نهاده‌های کشاورزی (۴) استفاده کند.

وام برای یک درصد مشخص از ارزش بازاری محصولات ذخیره‌سازی شده، بسته به ارزیابی وام‌دهنده از ریسک می‌باشد. قرار دادن محصولات در انبار ذخیره‌سازی اجازه می‌دهد تا تولیدکنندگان فروش محصول را تا رسیدن به قیمت مطلوب به تعویق بیندازند. پس از موعد سررسید و یا در شرایط مطلوب بازار، تولیدکننده به فروش محصولات ذخیره شده بر اساس قبض انبار اقدام می‌کند (۵). بسته به توافق، خریدار وجه معامله را به وام‌دهنده به طور مستقیم می‌پردازد (۶) یا به تولیدکننده برای پرداخت بدهی‌اش به وام‌دهنده می‌پردازد. پس از بازپرداخت وام، وام‌دهنده قبض انبار را برگردانده (۷) و اجازه می‌دهد تا خریدار به انبار مراجعه نموده و قبض انبار را ارائه نماید (۸) و محصولات خریداری شده را دریافت کند (۹). در صورت نکول تولیدکننده و عدم پرداخت بدهی در تاریخ سررسید، وام‌دهنده با در دسترس داشتن قبض انبار و توانایی فروش محصولات در انبار ضرر خود را جبران می‌کند.

با توجه به اینکه تمرکز سیستم در بسیاری از کشورها بر کشاورزان و دیگر تولیدکنندگان کشاورزی به عنوان سپرده‌گذار است این نکته لازم به ذکر است که واسطه‌گران کشاورزی، معامله‌گران، واردکنندگان و صادرکنندگان نیز ممکن است از سیستم قبض انبار برای تأمین مالی استفاده کنند.

۶-۲- مزایای سیستم قبض انبار

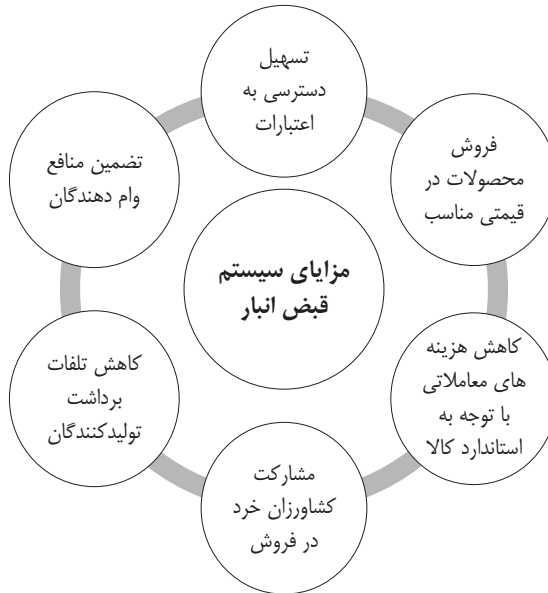
سیستم قبض انبار می‌تواند مزایای زیادی را برای همه‌ی طرف‌های ذیربط از جمله تولیدکنندگان، تجار، وام‌دهندگان و انبارها و همچنین بخش کشاورزی به طور کلی ارائه دهد. مزایا ممکن است از کشوری به کشور دیگر، بسته به شرایط کشور متفاوت باشد. برای کشاورزان و دیگر تولیدکنندگان کشاورزی، یکی از مزایای مهم، تسهیل دسترسی به اعتبارات و امکان فروش با تأخیر محصولات کشاورزی تا زمانی که شرایط قیمتی مناسب‌تر شود می‌باشد. تولیدکننده می‌تواند قبض انبار را به عنوان وثیقه اعتبارات کوتاه‌مدت برای تأمین مالی نیازهای سرمایه‌گذاری یا مصرفی خانوار به کار گیرد. سیستم قبض انبار همچنین کشاورزان خرد را قادر به مشارکت در بازار کالا و

فصل چهارم: چشم‌انداز سیاست‌های حمایتی بخش کشاورزی □ ۲۲۹

فروش محصولات‌شان به صورت گروهی به تجار بزرگ با قیمت‌های بالاتر می‌نماید. این یک مزیت مهم در کشورهای در حال توسعه است که شواهد نشان می‌دهد که خرده مالکان می‌تواند با استفاده از این سیستم از این امکان بهره‌مند شوند. این سیستم همچنین موجب کاهش هزینه‌های معاملاتی در بازار با توجه به استانداردهای کالا می‌شود.

سیستم قبض انبار مؤثر مزایای دیگری را نیز برای کشاورزان خرد به همراه دارد. کشاورزان خرد به‌ویژه می‌توانند از ارائه خدمات انبارهای ذخیره‌سازی از جمله تمیز کردن، خشک کردن، درجه بندی، بسته بندی، ذخیره‌سازی و حفظ کیفیت محصول به‌طوری که تولیدکننده می‌تواند محصول را بعدها به قیمت مناسب به‌فروش برساند بهره‌مند شوند.

استانداردهای اجباری ذخیره‌سازی و نگهداری به کاهش تلفات برداشت تولیدکنندگان کمک می‌کند. یک سیستم قبض انبار مؤثر نیز به نفع سرمایه‌گذاران است. این سیستم می‌تواند ریسک ناشی از اعطای وام به کشاورزان و دیگر تولیدکنندگان کشاورزی را با ایجاد وثیقه امن کاهش دهد. منافع وام دهندگان، در صورت از دست دادن یا آسیب کالاها، توسط تضامین عملکرد مجوز انبارها محافظت می‌شود. در نهایت، بخش کشاورزی از تأمین اعتبارات و عملکرد بهبود یافته سیستم بازاریابی کشاورزی منتفع می‌شود. علاوه بر این، افزایش ذخیره‌سازی محصولات کشاورزی بعد از برداشت به ثبات قیمت کالاها و در نتیجه کاهش نوسانات فصلی قیمت‌ها کمک می‌کند. همچنین یک سیستم قبض انبار می‌تواند کیفیت محصول را از طریق تعیین استانداردهای کیفیت، بهبود ذخیره‌سازی و حمل و نقل و نظارت بر انطباق انبار بهبود بخشد. سیستم قبض انبار می‌تواند معاملات بازار برای ذینفعان مختلف تجارت کشاورزی را تسهیل کند. اگر انبارها به بورس کالا مرتبط شده باشند، این سیستم تسهیل تجارت ارز را به همراه دارد، و قبض می‌تواند به عنوان سند تحویل در بازار بورس کالا استفاده شوند.



شکل ۴-۹- مزایای سیستم قبض انبار

لازم به ذکر است که سیاست‌های کشاورزی موجود، ساختار بازار و چارچوب قانونی باید به دقت برای تعیین مناسب بودن سیستم قبض انبار برای کشور مورد بررسی قرار گیرند. عواملی که احتمالاً بر منافع بالقوه سیستم انبار اثر می‌گذارند عبارتند از: مداخلات دولت در بازار مربوطه؛ سیاست‌های تجاری کشاورزی موجود (به عنوان مثال محدودیت واردات، مالیات صادرات و یا ممنوعیت صادراتی)؛ پویایی قیمت حاکم بر بازار کشاورزی؛ و میزان و ماهیت یارانه‌های کشاورزی که در کشور اعمال می‌شود. به همین ترتیب، چارچوب قانونی گسترده‌تر - در مورد وثیقه، حقوق مالکیت، ورشکستگی و روش‌های اجرایی - ممکن است شامل مقرراتی باشد که منافع قانون قبض انبار را محدود کند.

۳-۶- اهمیت قانون قبض انبار

برای دستیابی به این مزایا، سیستم‌های قبض انبار باید به خوبی در چارچوب قانونی

فصل چهارم: چشم‌انداز سیاست‌های حمایتی بخش کشاورزی □ ۲۳۱

طراحی شده باشند. قانون می‌تواند باعث تقویت و هماهنگی سیستم شود و یکپارچگی و شفافیت سیستم را به همراه داشته باشد، زیرا ایجاد محیط سیاستی قابل پیش‌بینی برای بازار ضروری است.

قانون به طور کلی برای رسیدن به یک یا چند هدف سیاستی عمل می‌کند. در بسیاری از موارد، هدف سیاستی گسترده، تسهیل دسترسی کشاورزان به اعتبارات کشاورزی و تحریک جریان اعتبارات به بخش کشاورزی است. برای انجام این کار، سیستم باید وام‌دهندگانی را جذب کند که به اندازه کافی به سیستم اعتماد کرده و اعتبارات خود را در نرخ معقول در دسترس قرار می‌دهند. برای وام‌دهندگان، چارچوب قانونی حمایتی پیش شرط مشترک اعتماد در پذیرش قبض انبار است.

برای تقویت یکپارچگی بخش انبارداری، کشور می‌تواند کسانی را که خدمات انبار ارائه می‌دهند و قبض انبار صادر می‌کنند تنظیم نماید. این از طریق ایجاد روند صدور مجوز اجباری برای انبارها و ارائه نظارت و بازرسی بر آن‌ها به دست آید. قانون قبض انبار نحوه صدور مجوز و الزامات صدور آن، نهاد مسئول و بازرسی برای کنترل انطباق انبارها را تعیین می‌نماید.

برای اطمینان بیشتر به یکپارچگی سیستم قبض انبار، مجازات برای نقض مقررات قبض انبار مهم است. تدوین واضح و روشن جرائم و مجازات، که تنها می‌تواند در قانون تعیین شوند، مانع از نقض حقوق و منافع شرکت‌کنندگان در سیستم قبض انبار است. اثر بازدارندگی جریمه‌ها زمانی افزایش می‌یابد که نه تنها قانون جزا بلکه قانون حاکم بر سیستم قبض انبار نیز این مجازات‌ها را تدوین کرده باشند.

علاوه بر این، در صورت نکول بدهکار، ساز و کار اجرایی سریع در جذب اعتماد وام‌دهندگان مهم است. قوانین و روش‌های رسیدگی به انحلال و اولویت‌بندی دعاوی حقوقی تنها در قانون تعیین می‌شود. قانون قبض انبار در صورت نکول بدهکار با الویت‌بندی طلبکاران روند بازپرداخت بدهی را تسهیل می‌کند. این قانون بطور قابل توجهی باعث ایجاد اطمینان وام‌دهندگان به سیستم قبض انبار می‌شود زیرا که می‌دانند حقوق‌شان در برابر نکول بدهکار محافظت خواهد شد.

ممکن است کشوری نیز به دنبال افزایش عرضه قبض انبار در بازار باشد که این بسته به صداقت و شفافیت صدور و تجارت آن‌ها می‌باشد. برای تقویت این سطوح، قانون فرایند اجباری ثبت قبض انبار را معرفی می‌کند. علاوه بر این، وضعیت حقوقی روشن، الزامات اجباری فرم و محتوا و قوانین مبادله و انتقال قبض انبار را برای عرضه آن در بازار مشخص می‌کند. قانون نیز شرایط به رسمیت شناختن قبض انبار الکترونیکی را معادل قبض کاغذی اعلام می‌کند که این نیز به نوبه خود می‌تواند تجارت را تسهیل و هزینه‌های انتقال را کاهش دهد.

یکی دیگر از اهداف سیاستی تسهیل تجارت منطقه‌ای می‌باشد. این از طریق هماهنگ کردن سیستم قبض انبار در میان کشورها انجام می‌شود. به عنوان مثال، با استانداردهای هماهنگ شده کالا، کالاها را می‌توان بر اساس مشخصاتشان معامله نمود. کشورها ممکن است به تجدیدنظر قوانین ملی خود مربوط به تأمین مالی قبض انبار بپردازند. به عنوان مثال، ممکن است وام‌دهندگان از اعطای اعتبارات در برابر قبض انبار در صورتی که عملکرد انبار به اندازه کافی بیمه نشده باشد خودداری کنند. اصلاحات قانونی می‌تواند شامل تضمین عملکرد قوی‌تر، مانند معرفی یک صندوق ضمانت اجباری باشد. تناقضات و یا عدم قطعیت در مورد قوانین قابل اجرا، ممکن است کاربران بالقوه و به ویژه سرمایه‌داران را از پذیرش قبض انبار دلسرد کند. قانون خاص حاکم بر سیستم قبض انبار می‌تواند این مقررات را هماهنگ کند و با ایجاد اطمینان از عدم قطعیت جلوگیری کند.

۷- راه‌اندازی صندوق‌های کالایی

همانند سهام، اوراق قرضه و مسکن، کالاها^۱ نیز بخش مهمی از دارایی‌ها به حساب می‌آیند. کالاها دارایی‌های مشهودی هستند که برای تولید و ساخت محصولات نهایی مصرفی استفاده می‌شوند. محصولات از قبیل محصولات کشاورزی، انرژی، فلزات،

فصل چهارم: چشم‌انداز سیاست‌های حمایتی بخش کشاورزی □ ۲۳۳

الوار و الیاف نمونه ای از کالاها هستند. به عنوان مثال بخش کشاورزی شامل کالاهای آشنایی مثل پنبه، ذرت، قهوه و گندم می باشد.

اضافه کردن کالاها به سبد سرمایه گذاری امکان تنوع بخشی بیشتری برای سرمایه گذاران فراهم می کند و می تواند به کاهش نوسانات سبد سرمایه گذاری منجر شود. کالاها همچنین می توانند به عنوان سپری برای محافظت در مقابل تورم باشند. کالاها همبستگی نسبتاً کمی با سهام و اوراق قرضه دارند. یکی از عوامل مهم کم بودن همبستگی بین آنها این است که قیمت کالاها تحت تأثیر عوامل ریسکی متفاوتی است، عواملی از قبیل ظرفیت انبارها، عرضه، تقاضا، محدودیت‌های تحویل و شرایط آب و هوایی. لذا سرمایه گذاران بازارهای مالی همواره به دنبال ابزارهایی مناسب جهت سرمایه گذاری در بازارهای کالایی بوده اند.

سرمایه گذاری در کالاها می تواند به صورت مستقیم با خرید دارایی فیزیکی، سرمایه گذاری در قراردادهای آتی، سرمایه گذاری در اختیارهای خرید و فروش و یا خرید اوراق مبتنی بر کالا انجام شود. استفاده از مورد آخر این امکان را فراهم می سازد که سبد سرمایه گذاری خود را در معرض نوسانات قیمت یک کالا یا سبدهی از کالاها قرار داد.

مالکیت فیزیکی کالاها چالش‌های غیرقابل حل زیادی را ایجاد می کند. اگرچه از طریق این کار بطور مستقیم فرد مالک کالا می شود اما هزینه‌های تحویل گرفتن کالا، هزینه‌های نگهداری آن و بیمه کردن کالا؛ هزینه‌های غیرقابل اجتنابی هستند که باید پرداخت شوند.

استفاده از قراردادهای آتی یا سایر مشتقات برای اضافه کردن کالاها به سبد سرمایه گذاری نیز بطور مکرر توسط سرمایه گذاران نهادی بزرگ انجام می شود. زیرا آنها ابزار و منابع لازم جهت نظارت بر چنین سرمایه گذاری‌هایی را دارند. برای بیشتر سرمایه گذاران فردی و خرد استفاده از چنین استراتژی‌های سرمایه گذاری در کالاها بسیار پرریسک و پیچیده است.

استفاده از اوراق قابل معامله مبتنی بر کالا، برای داشتن کالاها در سبد سرمایه

گذاری، جایگزینی بسیار مناسب برای تمامی موارد فوق می باشد. این اوراق اغلب عملکرد یک کالا را دنبال می کنند. همچنین می توانند عملکرد سبدی از کالاها را نیز به خوبی دنبال کنند. علاوه بر این هزینه‌های مربوط به نگهداری فیزیکی کالا و ریسک اوراق مشتقه کالایی را نیز ندارند. صندوق‌های کالایی به عنوان محبوب‌ترین اوراق مبتنی بر کالا، توسعه قابل توجهی طی سال‌های گذشته در بازارهای بین‌المللی داشته‌اند.

صندوق‌های قابل معامله در بورس یکی از انواع صندوق‌های سرمایه‌گذاری هستند. این صندوق‌ها یکی از پرطرفدارترین ابزارهای مالی هستند که رشد کاملاً محسوس آن‌ها بعد از پیدایش، مؤید موفقیت غیر قابل انکار آن‌ها در بازارهای مالی جهان است. این صندوق‌ها امکان پیروی از بازده یک شاخص معین را فراهم می‌آورند و همانطور که از نام آن‌ها پیداست، سهام آن‌ها در بورس قابل معامله است. فعالیت اصلی این صندوق‌ها سرمایه‌گذاری در اوراق بهادار یا دارایی‌های فیزیکی است که به عنوان دارایی پایه صندوق در نظر گرفته می‌شوند. بنابراین عملکرد صندوق، به عملکرد دارایی پایه آن بستگی دارد.

صندوق‌های قابل معامله از نهادهای مالی فعال بازار کالا و اوراق بهادار در بازارهای توسعه یافته و در حال توسعه هستند. فعالیت اصلی آن‌ها سرمایه‌گذاری در کالاهای مختلف و همچنین اوراق بهادار است. این صندوق‌ها با استفاده از وجوه سرمایه‌گذاران، در مقیاس بزرگ سرمایه‌گذاری می‌کنند و به دنبال کسب بازدهی مناسب برای سرمایه‌گذاران صندوق هستند. سرمایه‌گذاران یا دارندگان واحدهای سرمایه‌گذاری^۱ صندوق به نسبت سهم یا میزان سرمایه‌گذاری خود در صندوق، در سود و زیان آن شریک می‌شوند. به طور کلی عملکرد صندوق‌های سرمایه‌گذاری به عملکرد دارایی‌های و اوراق بهادار موجود در سبد آن‌ها بستگی دارد.

۷-۱ - صندوق‌های کالایی قابل معامله در بورس

صندوق کالایی قابل معامله^۱ (ETC) یکی از ابزارهای مالی نوین هستند که به سرمایه‌گذاران این امکان را می‌دهند که به جای خرید و نگهداری کالای مورد نظر و تحمل هزینه‌های حمل و نقل، انبارداری و خسارت‌های احتمالی آن، اوراق این صندوق‌ها را خریداری نمایند. با خرید این اوراق، سرمایه‌گذار در عین داشتن مالکیت کالای مورد نظر یا سبدي از کالاهای مورد نظر، مسئولیت نگهداری از آن کالا را بر عهده ندارد. به عبارت دیگر، این صندوق‌ها بخش قابل ملاحظه‌ای از وجوه گردآوری شده خود را به سرمایه‌گذاری در کالاها خاص اختصاص می‌دهند و علاقه‌مندان به سرمایه‌گذاری در آن کالای خاص اقدام به خرید واحدهای این صندوق‌ها می‌کنند.

بورس‌هایی چون بورس لندن تلاش کرد که دسترسی به کالاهای اساسی را از طریق توسعه ابزارهای جدید نظیر صندوق‌های کالایی قابل معامله در بورس و ایجاد سیستم‌های معاملاتی ویژه تسهیل کند؛ به طوری که سرمایه‌گذاران بدون نیاز به انجام معاملات آتی یا تحویل فیزیکی کالای اساسی، از طریق این صندوق‌ها به کالای مورد نظر خود دسترسی یابند.

صندوق‌های کالایی قابل معامله در بورس از ابزارهای سرمایه‌گذاری هستند که روند قیمتی یک شاخص کالایی پایه را دنبال کرده و این شاخص می‌تواند صرفاً متشکل از یک کالای اساسی یا ترکیبی از مجموعه کالاها نیز باشد. نهاد ناشر به طور مستقیم بر روی دارایی پایه یا قرارداد مشتقه آن کالا یا شاخص، سرمایه‌گذاری می‌کند. بنابراین انتظار می‌رود ارزش سرمایه‌گذاری پرتفوی هم سو با قیمت دارایی پایه افزایش یا کاهش یابد. این ابزار در واقع فرصت‌های سرمایه‌گذاری جدیدی را برای سرمایه‌گذاران بالقوه به وجود می‌آورد، زیرا بسیاری از شرکت‌های تولیدکننده کالاهای اساسی در بورس پذیرفته نشده‌اند.

این ابزار دقیقاً مانند سهام عادی و صندوق‌های قابل معامله در بورس معامله شده و

1. Exchange Traded Commodities

فرآیند تسویه آن نیز مانند سایر اوراق صورت می‌گیرد. از آنجا که این اوراق بازارگردانی می‌شوند، از نقدشوندگی بالایی برخوردارند. نکته قابل ذکر این است که صندوق‌های کالایی که بر اساس شاخص قیمت سهام شرکت‌های کالایی در بازارهای اوراق بهادار معامله می‌شوند، در حقیقت نوعی صندوق سرمایه‌گذاری مشترک (ETF)^۱ بوده و با صندوق‌های کالایی قابل معامله که بر اساس دارایی پایه می‌باشند متفاوت است.

صندوق‌های کالایی قابل معامله در بورس، صندوق‌های با سرمایه متغیر هستند که واحدهای آن بنا به درخواست ناشر آن صادر و بازخرید شده و صدور واحدهای جدید براساس تقاضای بازار امکان پذیر است. این ویژگی منحصر به فرد در واقع اطمینان ایجاد می‌کند که قیمت بازار صندوق‌های کالایی قابل معامله در بورس بسیار نزدیک به ارزش خالص دارایی‌های آن است، زیرا در غیر این صورت موجب ایجاد فرصت آربیتراژ می‌شود. این صندوق‌ها به طور کلی به دو صورت تک کالایی (طلا، نفت و غیره) یا شاخصی (سبزی از چند کالا) منتشر می‌شوند.

۷-۲ - حوزه‌های مختلف فعالیت صندوق‌های کالایی

اولین صندوق کالایی در سال ۲۰۰۴ در بورس لندن راه اندازی شد. کالای پایه این صندوق فلز گرانبهای طلا بود. با گذشت حدود ۱۲ سال از راه اندازی این صندوق‌ها طیف وسیعی از کالاها و حجم زیادی از سرمایه جذب این صندوق‌ها شده است.

تجربه موفق جهانی در زمینه راه اندازی ETCها نشان‌دهنده جذابیت و اهمیت وجود این‌گونه صندوق‌ها برای سرمایه‌گذاران فعال در بازارهای مالی می‌باشد. با توجه به این نکته، وجود چنین ابزاری برای توسعه و رشد بازار سرمایه ایران نیز بسیار ضروری است. زیرا یکی از عوامل اصلی توسعه بازارهای سرمایه افزایش ابزارهای مالی قابل معامله در این بازارها است. حوزه‌های اصلی فعالیت صندوق‌های کالایی شامل: محصولات کشاورزی، فلزات صنعتی، حامل‌های انرژی و فلزات گرانبها است. در جدول ۴-۲ مهمترین محصولات هر یک از بخش‌ها آورده شده است.

1. Exchange Traded Fund

فصل چهارم: چشم‌انداز سیاست‌های حمایتی بخش کشاورزی □ ۲۳۷

صندوق‌های مبتنی بر کالاهای نفت خام و فلزات گرانبها، شامل طلا و نقره، بیشترین محبوبیت را بین سرمایه‌گذاران دارند؛ زیرا نوسانات قیمتی این کالاها در بازارهای جهانی به نسبت زیاد است و به دنبال آن بازار این کالاها از نقدینگی بالایی برخوردارند. همچنین برای این کالاها در بازارهای جهانی تقاضای فیزیکی زیادی وجود دارد.

جدول ۴-۲- حوزه‌های فعالیت صندوق‌های کالایی

کشاورزی	فلزات صنعتی	انرژی	فلزات گرانبها
غلات	آلومینیوم	نفت خام برنت	طلا
ذرت	مس	نفت خام تگزاس	نقره
کاکائو	نیکل	کربن	پلاتین
قهوه	سرب	گاز طبیعی	پالادیوم
شکر	قلع	مشتقات تصفیه شده نفتی	
گندم	روی		
سویا			
پنبه			

۸- معاملات نسبه و خرید دین

معاملات اعتباری یا نسبه یکی دیگر از ابزارهای مالی است که می‌تواند در تأمین مالی خریداران کالا در بخش کشاورزی مورد استفاده قرار گیرد. براساس این روش معامله، خریدار در مقابل دریافت کالا در زمان معامله متعهد می‌شود وجه معامله را در سررسیدی که در قرارداد مشخص شده است به فروشنده پرداخت نماید. معاملات نسبه یکی از روش‌های معاملات در بورس کالای ایران است و ابزاری است که در آن فروشنده اقدام به تأمین مالی خریدار می‌نماید و همین مسأله نقطه ضعف این قرارداد

می‌باشد زیرا باید فروشنده از چنان توان مالی برخوردار باشد که تأمین مالی خریدار خود را برعهده گیرد. تجربه سایر کشورها نشان می‌دهد که برای حل این مشکل خریدار و فروشنده معامله خود را از طریق اعتبار اسنادی مدت‌دار انجام می‌دهند و یک نهاد مالی، اعتبار اسنادی را براساس نرخ بهره بازار تنزیل می‌نماید و پول فروشنده را به صورت نقد پرداخت می‌نماید. در سررسید اعتبار اسنادی خریدار کالا وجه معامله را از طریق اعتبار اسنادی به تنزیل کننده پرداخت می‌نماید.

نوع خاصی از تنزیل اعتبار اسنادی که در دنیا مرسوم می‌باشد و در جهت توسعه‌ی صادرات استفاده می‌شود فورفیتینگ^۱ نام دارد که در آن نیز زمانی که صادرکننده می‌خواهد کالایی را نسیه به فروش رساند ولی پول آن را نقد دریافت نماید به فورفیتر مراجعه می‌نماید و از وی می‌خواهد با یک نرخ بهره مشخص طلب وی از واردکننده را تنزیل نماید و نقداً پول را از فورفیتر دریافت نماید. این تأمین مالی دارای بازار ثانویه است یعنی فورفیتر در بازار ثانویه می‌تواند اسنادی را که تنزیل کرده است، به فرد دیگری منتقل نماید.

با توجه به مطالب فوق می‌توان در راستای رونق معاملات نسیه به عنوان یک ابزار تأمین مالی و مدیریت ریسک قیمت، معاملات خرید دین را در معاملات بخش کشاورزی که تأمین مالی یکی از مشکلات آن می‌باشد راه‌اندازی کرد. در ادامه روش‌هایی که برای این منظور می‌توان از آن‌ها استفاده کرد معرفی شده‌اند.

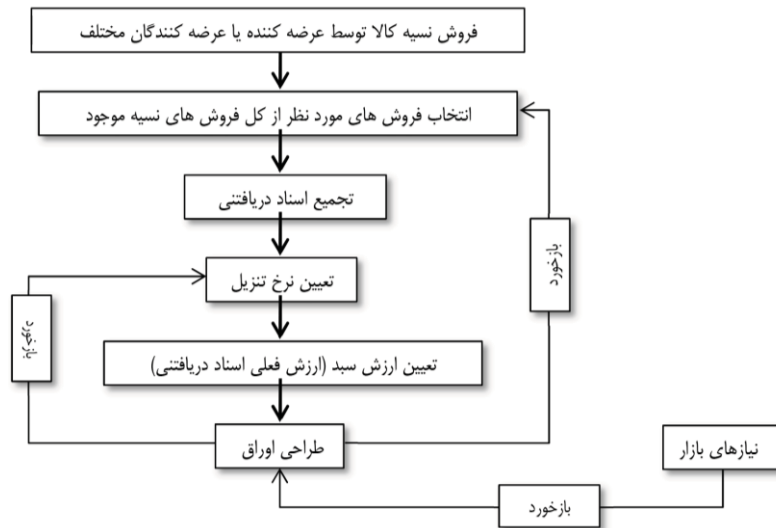
۸-۱- انتشار اوراق خرید دین با حضور نهاد واسط

در این روش فروشنده یا فروشندگان محصولات کشاورزی کالاهای خود را در قالب قراردادهای نسیه و در قبال دریافت سند تجاری قابل قبول به فروش می‌رسانند. تضمین پرداخت تعهد پذیرفته شده در سند تجاری می‌تواند توسط فروشنده یا شخص ثالثی نظیر صندوق‌های تضمین یا بانک‌ها صورت پذیرد. نهاد واسط با تجمیع اسناد و محاسبه جریان‌ات نقدی حاصل از آن‌ها براساس نرخ بهره بازار اقدام به انتشار اوراق

1. Forfaiting

فصل چهارم: چشم‌انداز سیاست‌های حمایتی بخش کشاورزی □ ۲۳۹

خرید دین در بازار به صورت اوراق تنزیلی خواهد کرد. در سررسیدهای مختلف که اسناد قابل وصول خواهند بود نهاد واسط پس از وصول وجوه اقدام به بازپرداخت اصل اوراق خرید دین و یا سرمایه‌گذاری (در صورتی که جریان نقدی اسناد و اوراق بر هم منطبق نباشد) خواهد نمود.



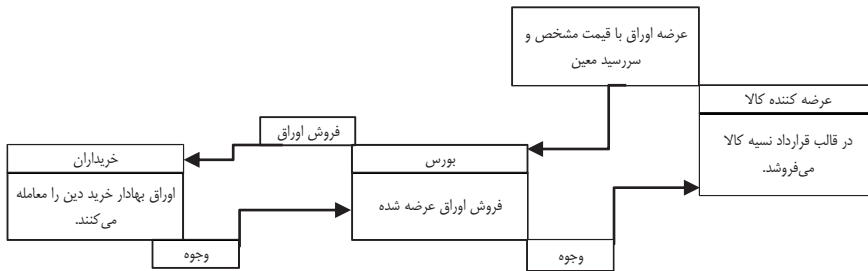
شکل ۴-۱۰- فرآیند طراحی اوراق خرید دین توسط نهاد واسط

۸-۲- انتشار اوراق خرید دین بدون حضور نهاد واسط

این روش مشابه انتشار اوراق خزانه اسلامی توسط دولت می‌باشد. در اوراق خزانه اسلامی دولت به پشتوانه بدهی که به پیمانکاران دارد اقدام به انتشار اوراق کرده است. در این روش فروشنده کالای کشاورزی (به عنوان مثال واردکننده خوراک دام) با تودیع تضامین لازم که ممکن است این تضامین را از خریداران کالای خود اخذ نموده باشد، به پشتوانه کالایی که در قالب قرارداد نسبه فروخته است و دینی که خریدار نسبت به

۲۴۰ □ سیاست‌های حمایتی بخش کشاورزی

وی دارد اوراق خرید دین را منتشر خواهد کرد. این اوراق براساس نرخ بهره بازار به قیمتی کمتر از قیمت اسمی آن در بازار توسط سرمایه‌گذاران خریداری خواهد شد. به عنوان مثال فروشنده، کالایی را که قیمت نقدی آن ۱۰۰ واحد است در قالب قرارداد نسبه به قیمت ۱۱۰ واحد با سررسید ۶ ماهه به فروش می‌رساند و اوراق با قیمت اسمی ۱۱۰ با سررسید ۶ ماهه را برای فروش در بورس عرضه می‌نماید. خریداران براساس نرخ بهره بازار ممکن است این اوراق را به قیمت بالاتر یا پایین‌تر از ۱۰۰ واحد خریداری نمایند. با این روش فروشنده کالا برای فروش نسبه کالا به خریداران و تأمین مالی آن‌ها از منابع بازار سرمایه بهره‌مند خواهد شد. انتشار اوراق خرید دین در قالب این روش همانند مدل انتشار اوراق سلف موازی استاندارد در بورس کالای ایران خواهد بود و این موضوع در بخش بعد به تفصیل توضیح داده شده است.



شکل ۴-۱۱- فرآیند طراحی اوراق خرید دین بدون حضور نهاد واسط

۳-۸-۳- تنزیل اسناد تجاری یا اعتباری اسنادی توسط صندوق‌های کالایی یا بانک

متقاضیان خرید با مراجعه به بانک و ارائه تضامین لازم (یکی از تضامین قابل قبول بانک‌ها از جمله ضمانت صندوق ضمانت سرمایه‌گذاری تعاون یا صندوق ضمانت سرمایه‌گذاری صنایع کوچک) یک اعتبار مشخص از بانک دریافت خواهند که در صورت خرید کالا در قالب قرارداد نسبه تا یک سقف مشخص در یک بازه زمانی مشخص، بانک یا صندوق کالایی بدهی خریدار به فروشنده را تنزیل کرده و پول

فصل چهارم: چشم‌انداز سیاست‌های حمایتی بخش کشاورزی □ ۲۴۱

فروشنده را پرداخت خواهد نمود. بنابراین فروشنده کالای خود را در قالب قرارداد نسبه در بورس عرضه خواهد کرد و افراد دارای اعتبار اقدام به خرید کالا خواهند کرد. سپس بانک یا صندوق کالایی با یک نرخ مشخص بدهی خریدار به فروشنده را تنزیل خواهد نمود و در سررسید خریدار بدهی خود را به بانک پرداخت خواهد کرد. این مدل مشابه مدل فورفیتینگ می‌باشد که در دنیا مورد استفاده قرار می‌گیرد.

البته در حال حاضر برخی از بانک‌ها برای متقاضیان خرید کالا از بورس وام اعطا می‌نمایند ولی به دلیل عدم جامعیت و اطلاع رسانی شفاف در خصوص وجود چنین سازوکاری و عدم حضور صندوق‌های تضمین در فرآیند فعلی، بخشی از خریداران کالا از بورس از این امکان محروم می‌باشند که این خود باعث رونق گرفتن پدیده دلالتی در معاملات شده است زیرا افرادی که به چنین تسهیلاتی دسترسی ندارند مجبورند اقدام به خرید کالا به صورت نسبه از دلالتان نمایند که نرخ سودی بیش از نرخ سود بانکی مطالبه می‌نمایند.

البته در این روش می‌توان به جای تضامین خریدار، از تضمین فروشنده و تودیع تضامین توسط وی نزد اتاق پایاپای یا بانک یا صندوقی که قصد تنزیل اوراق را دارد نیز استفاده کرد. در این حالت فروشنده خود به خریداران اعتبار می‌دهد و تعهد آن‌ها در مقابل خود را که در قالب عقد خرید دین به بانک یا صندوق کالایی واگذاری می‌شود، تضمین می‌نماید.

۹- سلف و سلف موازی استاندارد

قرارداد سلف قراردادی است که براساس آن، کالا با قیمت معین در زمانی مشخص در آینده تحویل داده می‌شود و بهای آن در هنگام معامله پرداخت می‌گردد. این قرارداد یکی از ابزارهای تأمین مالی تولیدکنندگان و مدیریت ریسک می‌باشد که به صورت سنتی در ایران توسط تولیدکنندگان بخش کشاورزی مورد استفاده قرار می‌گیرد.

برای صحت عقد سلف علاوه بر شرایط عمومی صحت قراردادها شرایطی لازم

است که به اختصار به شرح زیر است^۱:

- توصیف جنس و اوصاف مبیع (اوصاف اثرگذار بر قیمت در یک جنس) به گونه‌ای که با این توصیف هیچ گونه ابهامی در خصوص کالای مورد تحویل باقی نماند.
- معین شدن مقدار مبیع از جهت وزن، پیمان، عدد یا هر معیار معتبر دیگر
- مضبوط و معین شدن سررسید تحویل به طور کاملاً دقیق
- معین شدن مکان تحویل
- پرداخت کل ثمن (وجه معامله) توسط خریدار قبل از ترک مجلس؛ وگرنه معامله نسبت به ثمن باقی مانده باطل است.

اگر خریدار چیزی به سلف خریده باشد، قبل از سررسید نمی‌تواند آن را بفروشد؛ نه به خود فروشنده و نه غیر او، مساوی ثمن اول باشد یا غیر مساوی. فروش آن بعد از سررسید جایز است چه آن را تحویل گرفته باشد یا نه؛ به خود فروشنده و نه غیر او، مساوی ثمن اول باشد یا غیر مساوی.

اگر در سررسید فروشنده بنا به دلایلی چون نبود کالا به خاطر آفت، کمیابی در مکان تحویل، نتواند کالا را تحویل دهد، خریدار مخیر است معامله را فسخ کند (یعنی وجه پرداختی را دریافت کند) و یا منتظر بماند تا بایع متمکن از پرداخت شود. به هر حال خریدار نمی‌تواند فروشنده را ملزم به پرداخت قیمت کالا در روز سررسید کند.^۲

مطالعات نشان می‌دهد در چندین کشور اسلامی اقداماتی در راستای استفاده از عقد پایه سلف در تأمین مالی انجام شده است. در ایران نیز به صورت نظام یافته در بورس کالای ایران معاملات قراردادهای سلف یکی از ابزارهایی است که مورد استقبال خریداران و فروشندگان کالا قرار گرفته است. البته معاملات قراردادهای سلف موازی استاندارد که به ایجاد بازار ثانویه برای قراردادهای سلف در بورس کالای ایران منجر

۱. موسویان، ۱۳۸۷.

۲. معصومی‌نیا، ۱۳۸۷.

فصل چهارم: چشم‌انداز سیاست‌های حمایتی بخش کشاورزی □ ۲۴۳

شده است یکی دیگر از ابزارهایی است که می‌تواند به منظور تأمین مالی بخش کشاورزی مورد استفاده قرار گیرد.

در حال حاضر در بورس کالای ایران، محصولات مختلف در قالب قراردادهای سلف ساختاریافته برای بازه‌های زمانی مختلف با نظر تولیدکننده در دوره‌های زمانی منظم و با توجه به سیاست‌های فروش آن‌ها ارائه می‌شوند. قراردادهای سلف بر روی انواع فلزات، مورد معامله قرار گرفته و تولیدکنندگان این کالاها به دفعات از آن برای تأمین مالی خود استفاده کرده‌اند. در حال حاضر نیز این قراردادها از محبوبیت خاصی در بین تولیدکنندگان و عرضه‌کنندگان برخوردار است. این قراردادها توسط تولیدکنندگان تمامی کالاهای قابل عرضه در بورس جهت تأمین مالی مورد استفاده قرار می‌گیرد.

در این معاملات فقط تولیدکنندگان واقعی کالاها می‌توانند اقدام به فروش محصولات خود در قالب محصولات سلف کنند و ریسک طرف قرارداد تولیدکنندگان نیز، با ارائه تضامین مورد نیاز بر اساس دستورالعمل تسویه و پایاپای بورس کالای ایران پوشش داده می‌شود. عرضه‌کننده در صورت توثیق تضامین می‌تواند اقدام به عرضه کالاهای خود نموده و از این طریق نسبت به تأمین مالی کوتاه مدت فعالیت‌های اقتصادی خود اقدام نماید. البته از آنجایی که عمده عرضه‌کنندگان سلف ماهیت دولتی داشته و یا به نوعی به نهادهای دولتی وابسته‌اند، با ارائه تضامین از سوی نهاد بالاسری دولتی از توثیق وثیقه‌های سنگین بی‌نیاز می‌باشند.

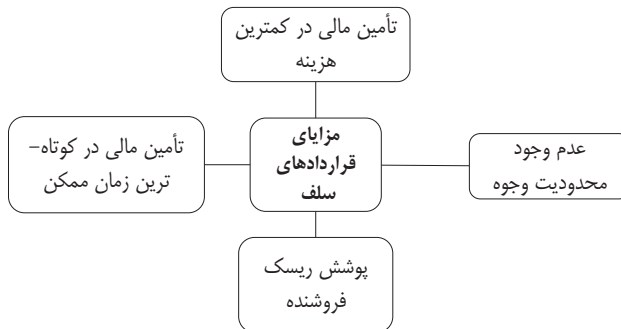
طبق دستورالعمل معاملات بورس کالای ایران محدودیتی زمانی برای سررسید قراردادهای سلف وجود ندارد و با توجه به تقاضای بازار قراردادهای سلف می‌تواند با هر سررسیدی منتشر شود. در این بازار کالاها با قیمتی پایین‌تر از قیمت نقدی آن‌ها فروخته می‌شوند که دلیل آن وجود ارزش زمانی پول است.

عمده خریداران در بازار سلف بورس کالای ایران مصرف‌کنندگان واقعی کالاهای فروخته شده می‌باشند؛ لذا در این معاملات تمامی معاملات انجام شده در قالب سلف منجر به تحویل فیزیکی در سررسید می‌شود و بورس کالای ایران بر فرایند تحویل

نظارت دارد. در برخی از کالاها مشاهده می‌شود که سفته بازان بازارهای کالایی نیز در طرف خرید حضور دارند، لذا بعضاً مشاهده شده است که در بازار خارج از بورس حواله‌های سلف توسط خریداران سلفی که با قصد سفته بازی وارد این بازار شده‌اند، قبل از سررسید مورد معامله قرار گرفته است. تأمین مالی با استفاده از قراردادهای سلف در بورس کالای ایران دارای برخی مزایا و محدودیت‌ها به شرح زیر می‌باشد:

مزایا

۱. امکان تأمین مالی کوتاه مدت با کمترین هزینه وجود دارد (این تأمین مالی عمدتاً برای مصارف سرمایه در گردش مناسب است).
۲. تأمین مالی در کوتاه‌ترین زمان ممکن انجام می‌شود.
۳. محدودیتی از نظر وجوه مورد نیاز جهت تأمین مالی وجود ندارد.
۴. این ابزار کارکرد پوشش ریسک برای طرف فروشنده را به طور کامل ایفا می‌کند.



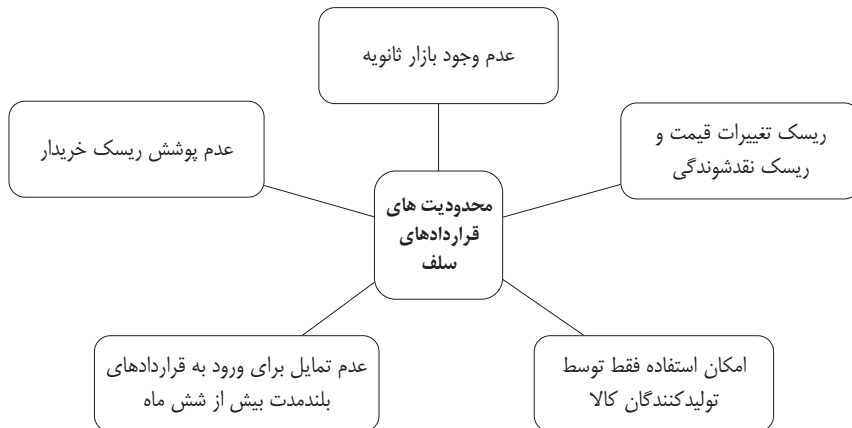
شکل ۴-۱۲- مزایای تأمین مالی با استفاده از قراردادهای سلف

محدودیت‌ها

۱. بازار ثانویه برای دارندگان این قراردادها وجود ندارد و خریداران بایستی تا زمان سررسید قرارداد، منتظر بمانند لذا همواره با دو ریسک یعنی

فصل چهارم: چشم‌انداز سیاست‌های حمایتی بخش کشاورزی □ ۲۴۵

- ریسک تغییرات قیمت و ریسک نقدشوندگی مواجه می‌باشند.
۲. به دلیل وجود دو ریسک مذکور خریداران تمایلی برای ورود به تأمین مالی بلندمدت (بیش از ۶ ماه) ندارند.
۳. این بازار صرفاً ابزار تأمین مالی تولیدکنندگان کالاها می‌باشد و سایر فعالان اقتصادی که نیازمند تأمین مالی پروژه‌های خود هستند، امکان استفاده از آن را ندارند.
۴. این ابزار با مکانیسمی که در بورس کالا برای اجرا دارد، اصولاً نمی‌تواند کارکرد پوشش ریسک را برای خریدار به طور کامل ایفا کند. زیرا در صورت عدم تحویل کالا از طرف خریدار و حتی عدم تحویل با تأخیر تنها راه کار خریدار اقدام به فسخ قرارداد با دریافت جرائم مندرج در دستورالعمل تسویه و پایاپای بورس کالا می‌باشد.^۱
۵. قراردادهای سلف یکی از ابزارهای تأمین مالی محبوب برای تولیدکنندگان کالاها می‌باشد و توسط طیف وسیعی از آنها مورد استفاده قرار می‌گیرند.



شکل ۴-۱۳ - محدودیت‌های تأمین مالی با استفاده از قراردادهای سلف

معرفی قرارداد سلف موازی استاندارد

همان‌طور که بیان شد، یکی از مشکلات خریدارانی که وارد قرارداد سلف می‌شوند عدم وجود بازار ثانویه برای این قرارداد و عدم امکان نقد شوندگی آن تا سررسید به دلایل شرعی می‌باشد. زیرا اگر خریدار، کالایی را به سلف خریده باشد، قبل از سررسید نمی‌تواند آن را بفروشد، نه به خود فروشنده و نه غیر او، مساوی ثمن اول باشد یا غیر مساوی.

برای رفع این مشکل در معاملات سلف، نوآوری جدیدی در بازار سرمایه تحت عنوان قراردادهای سلف موازی مطرح شده است. این ابزار علاوه بر این که برای تولیدکنندگان کالاها امکان تأمین مالی فراهم می‌آورد، یک ابزار سرمایه‌گذاری در اوراق بهادار کالایی برای سرمایه‌گذاران نیز به شمار می‌رود.^۱

بر اساس سازوکار معاملات سلف موازی مقدار معینی از دارایی پایه به فروش می‌رسد که وجه قرارداد مذکور باید نقدی پرداخت و دارایی پایه در سررسید مشخصی در آینده تحویل داده شود. در طول دوره معاملات قرارداد، خریدار سلف اول می‌تواند اقدام به فروش دارایی پایه به میزان خریداری شده در قرارداد سلف اول به شخص دیگری در قالب یک قرارداد سلف ثانویه کند. این قرارداد سلف ثانویه را سلف موازی می‌گویند. این فرایند می‌تواند به همین صورت ادامه یابد و خریدار سلف دوم نیز در قالب یک معامله سلف دیگر آن را به فرد دیگری بفروشد. بدین ترتیب معاملات ثانویه سلف شکل می‌گیرد.

طبق نظر مشهور فقها فروش کالایی که در قالب قرارداد سلف خریداری شده است (قبل از سررسید و تحویل گرفتن آن)، به فرد دیگری محل اشکال است. لذا کالایی که در قالب معاملات سلف موازی معامله می‌شود (مبیع) حتماً باید به اصطلاح فقهی کلی فی ذمه^۲ باشد. کلی در مقابل عین معین قرار می‌گیرد. مال کلی به جهت کثرت

1. Von Pock, 2007

۲. در منطق که منشاء استخراج اصطلاحات مزبور است، مفهوم کلی است و یا جزئی. مفهوم کلی، مفهومی است که قابل تطبیق بر افراد متعدد باشد؛ مانند مفهوم انسان که بر فرد فرد این مفهوم صادق است، یعنی مثلاً می‌توان گفت محمود انسان است، حسن انسان است، سعید انسان است و ... جزئی مفهومی

فصل چهارم: چشم‌انداز سیاست‌های حمایتی بخش کشاورزی □ ۲۴۷

مصادیق، مالی است که عثلاً آن را موضوع اعتبار قرار می‌دهند. به همین دلیل وقتی فردی که خریدار سلف اول است اقدام به فروش کالا در قالب یک قرارداد سلف دیگر می‌کند، چون کالای مورد معامله کلی فی ذمه است، لذا لزوماً به این معنا نیست که عین کالایی که از عرضه کننده اول در قالب سلف خریده است را قبل از سررسید به فرد دیگر می‌فروشد.

در نتیجه قراردادهای سلف باید از هم مستقل باشند و فروشنده سلف ثانویه (خریدار سلف اولیه) به استناد گواهی سلف اول، خریدار سلف ثانویه را به فروشنده سلف اولیه جهت تحویل فیزیکی حواله می‌دهد. در این حالت پذیرنده حواله مسئولیت مراجعه به فروشنده اولیه را پذیرفته و حق رجوع به فروشنده در معامله ثانویه را ندارد. این دو قرارداد سلف از یکدیگر کاملاً مستقل می‌باشند.^۱

سلف‌هایی که بعد از سلف اول منعقد می‌شود به سلف موازی مشهور است و از آنجایی که در فرایند انتشار این اوراق باید داریی پایه و مشخصات آن از جمله اندازه قرارداد، نوع دقیق داریی پایه استاندارد شده باشد، به آن سلف استاندارد گفته می‌شود. لذا به این قراردادها سلف موازی استاندارد اطلاق می‌شود. سازوکار سلف موازی در مصوبه کمیته فقهی سازمان بورس اوراق بهادار ذکر گردیده است:

«خریدار سلف یک کالا می‌تواند قبل از سررسید، بر اساس قرارداد سلف دیگری، مقدار معینی از همان کالا را به صورت کلی فی الذمه به خریدار جدید بفروشد و او را به شرکت عرضه کننده اوراق سلف جهت دریافت کالا یا تسویه نقدی حواله دهد. به این قرارداد سلف موازی می‌گویند، چند نکته در سلف موازی مورد توجه است.

سلف‌های موازی همه مستقل از هم بوده، هر فروشنده‌ای مقدار معینی از کالای استاندارد را به صورت کلی فی الذمه می‌فروشد، بنابراین مشکل فقهی فروش مبیع سلف قبل از سررسید پیش نمی‌آید.

است که برعکس کلی، قابل انطباق بر افراد متعدد نیست و منحصرأ به یک فرد صدق می‌کند، مثلاً حسن فرزند علی، متولد در فلان مکان، یک مفهوم جزئی است که فقط بر یک نفر منطبق است نه بر افراد متعدد. مفهوم کلی در فقه، نام کلی فی الذمه به خود گرفته است و مفهومی که در منطق، جزئی خوانده می‌شود، در فقه عین معین اصطلاح می‌گردد.

گرچه قراردادهای سلف مستقل از هم هستند لکن برای احراز قدرت بر تحویل تنها شرکت عرضه کننده اوراق سلف، و یا کسانی که دارای گواهی سلف کالا هستند حق معامله سلف موازی کالا دارند.

شرکت عرضه کننده اوراق سلف در عرضه اولیه با اعطای گواهی سلف، به خریدار سلف کالا اجازه می‌دهد در صورتی که قبل از سررسید اقدام به فروش سلف موازی کالا کرد، بتواند با تحویل گواهی سلف، خریدار جدید را جهت تحویل کالا یا تسویه نقدی به شرکت عرضه کننده اوراق سلف حواله دهد.^۱

با توجه به توضیحاتی که مطرح شد سلف موازی استاندارد می‌تواند دو کارکرد اساسی داشته باشد و با دو الگوی متفاوت مورد استفاده قرار گیرد. الگوی اول برای مقاصد تأمین مالی کوتاه مدت و مستمر و الگوی دوم برای مقاصد تأمین مالی بلند مدت و طرح‌های توسعه‌ای. اگرچه چنین تفکیکی در دستورالعمل معاملات وجود ندارد ولی با توجه به منطق تأمین مالی کوتاه مدت و بلند مدت به لحاظ عملیاتی این تفکیک متصور می‌باشد.

تأمین مالی کوتاه مدت

با استفاده از الگوی اول می‌توان امکان انجام معاملات سلف موازی را بر روی معاملات سلف کوتاه مدت فعلی که در بورس کالای ایران به صورت مستمر انجام می‌شود، فراهم کرد. در واقع با این کار یک بازار معاملات ثانویه برای این معاملات ایجاد می‌شود و معاملات سلف عادی که در این بورس انجام می‌شود جذاب‌تر شده و مصرف کنندگان کالا و سفته‌بازها با ریسک کمتری اقدام به ورود به این بازار برای خرید کالای مورد نیاز خود در قالب عقد سلف می‌کنند.

اگر عرضه اولیه، یعنی معاملات سلف اولیه کالا در قالب قراردادهای استاندارد که دارای مشخصات قرارداد است، برای سررسید معینی به متقاضیان فروخته شود، در این

فصل چهارم: چشم‌انداز سیاست‌های حمایتی بخش کشاورزی □ ۲۴۹

سازوکار یک دوره عرضه برای فروشنده اولیه در نظر گرفته خواهد شد که در آن دوره عرضه، حجم مشخص از قبل تعیین شده کالا را برای سررسید معینی عرضه سلف می‌کند. این عرضه در قالب اندازه‌های قرارداد استاندارد بوده و خریداران با توجه به حجم تقاضای خود تعداد مشخصی از این قراردادها را خریداری می‌کنند. پس از اتمام دوره عرضه امکان انجام معاملات سلف موازی بر روی معاملات سلف اولیه در طول دوره معاملاتی تا سررسید وجود خواهد داشت. به این نوع معاملات، سلف موازی استاندارد گفته می‌شود که واژه استاندارد به معنی استاندارد بودن مشخصات قرارداد از حیث استاندارد دارایی پایه، سررسید تحویل و اندازه قرارداد و ... است.

در این الگوی انتشار، پس از پذیرش امیدنامه عرضه سلف موازی شرکت تولید کننده در هیأت پذیرش، شرکت تولیدی در دوره‌های منظم اقدام به عرضه سلف محصول خود در بازار با سررسیدهای مشخص شده در مشخصات قرارداد خواهد کرد (این سررسیدها کوتاه مدت خواهند بود). همچنین نوع کالای عرضه شده در تمامی سررسیدها استاندارد بوده و عرضه در قالب اندازه‌های قرارداد استاندارد صورت می‌گیرد. این عرضه‌ها در قالب عرضه‌های اولیه انجام می‌شود و پس از اتمام عرضه اولیه امکان معاملات ثانویه بر روی این اوراق که با توجه به استاندارد بودن مشخصات قراردادها تسهیل شده است وجود خواهد داشت.

در این نوع الگوی انتشار، عرضه کننده اوراق سلف به دنبال تأمین سرمایه در گردش و یا تأمین مالی بلند مدت با یک زمان‌بندی خاص می‌باشد و هدف خریداران نیز عمدتاً تأمین کالا برای مقاصد مصرفی و یا خرید اوراق با درآمد ثابت کوتاه مدت است. لذا عرضه کننده و نیز خریدار در این الگو عمدتاً در سررسید تمایل به تحویل فیزیکی دارند، اگرچه در مشخصات قرارداد قید شده باشد امکان تسویه نقدی قرارداد نیز وجود خواهد داشت. در این معاملات عرضه اولیه عمدتاً به کسر قیمت نقدی به فروش می‌رسد.

تأمین مالی بلندمدت

در این الگو سازوکار سلف موازی ابزارای جهت تأمین مالی بلندمدت خواهد بود، که در آن عمدتاً هدف، تأمین مالی مشترکننده اوراق است. خریداران نیز عمدتاً فعالان بازارهای مالی هستند که با هدف سرمایه‌گذاری در اوراق بهادار وارد این بازار می‌شوند و معمولاً هدف آن‌ها تحویل نیست. لذا در سررسید نیز فروشنده و خریداران اوراق تمایلی به تحویل فیزیکی ندارند به همین دلیل امکان تسویه نقدی در مشخصات قرارداد در نظر گرفته می‌شود. اگرچه بنا به درخواست خریدار امکان تحویل فیزیکی نیز وجود دارد. همچنین در طول دوره مانده تا سررسید قرارداد طبق سازوکار سلف موازی امکان انجام معاملات ثانویه بر روی این اوراق وجود خواهد داشت.

در صورتی که سلف موازی به صورت کوتاه مدت منتشر شود، تا حد زیادی تغییرات قیمت دارایی پایه و در نتیجه بازدهی این اوراق برای خریدار و نیز هزینه‌های تأمین مالی برای فروشنده قابل محاسبه خواهد بود. اما با توجه به اینکه در این الگو اوراق سلف به صورت بلندمدت منتشر می‌شوند بازده این اوراق ارتباط مستقیم با قیمت کالایی که سلف بر مبنای آن منتشر شده است، خواهد داشت. لذا نوسانات غیر قابل پیش بینی قیمت کالا ممکن است ریسک شدیدی را به فروشنده و یا خریدار این اوراق تحمیل کند. لذا برای جذاب‌تر کردن این اوراق بلندمدت برای خریدار و نیز پوشش ریسک طرف عرضه کننده اوراق اختیار تبعی بر روی این اوراق قابل تعریف می‌باشد.^۱

کمیته فقهی سازمان بورس و اوراق بهادار امکان همراه شدن این قرارداد را با یک اختیار تبعی فروش برای خریدار و نیز یک اختیار تبعی خرید برای فروشنده در سررسید، در قالب شرط ضمن عقد بلامانع می‌داند:

«خریدار و فروشنده سلف کالا ضمن قرارداد سلف کالا شرط می‌کنند که خریدار سلف حق اختیار فروش مقدار معینی از کالا را به قیمت معین در سررسید داشته باشد و

فصل چهارم: چشم‌انداز سیاست‌های حمایتی بخش کشاورزی □ ۲۵۱

فروشنده نیز حق اختیار خرید مقدار معینی کالا را به قیمت معین در سررسید داشته باشد. همچنین عرضه‌کننده سلف ضمن قرارداد سلف کالا اجازه می‌دهد که خریدار سلف این دو اختیار را به خریدار سلف موازی کالا منتقل نماید.^۱

اگرچه اختیار خرید و فروش تبعی لزوماً مختص به اوراق سلف بلند مدت نیست و در مورد اوراق سلف کوتاه مدت نیز قابل فرض است ولی به هر حال با توجه به اینکه ریسک تغییرات شدید قیمت در مورد اوراق سلف بلند مدت بیشتر محسوس است عمدتاً در مورد این اوراق متصور می‌باشد. با توجه به توضیحات مطرح شده اصطلاحات زیر در خصوص قراردادهای سلف موازی استاندارد به کار گرفته می‌شود.

اختیار فروش تبعی: اختیاری است که همراه با معامله سلف، از سوی عرضه‌کننده به خریدار داده می‌شود و براساس آن، اختیار فروش دارایی پایه قراردادی را که خریده است به قیمت اعمال تعیین شده در مشخصات قرارداد در تاریخ سررسید خواهد داشت. این اختیار به موجب قرارداد سلف موازی استاندارد منحصراً به خریدار سلف موازی استاندارد و همراه با قرارداد انتقال می‌یابد و قابلیت معامله جداگانه ندارد.

اختیار خرید تبعی: اختیاری است که همراه با معامله سلف، از سوی خریدار به عرضه‌کننده داده می‌شود و براساس آن، اختیار خرید دارایی پایه قراردادی را که فروخته است به قیمت اعمال تعیین شده در مشخصات قرارداد در تاریخ سررسید خواهد داشت.

قیمت اعمال: قیمت خرید و فروش دارایی پایه برای خریدار و فروشنده در قالب اختیارهای تبعی است که در مشخصات قرارداد درج می‌گردد.

تسویه نقدی: تسویه نهایی قرارداد سلف موازی استاندارد به طور نقدی براساس قیمت پایانی آخرین روز معاملاتی که منجر به سقوط تعهدات طرفین می‌شود. دستورالعمل امکان تسویه نقدی در سررسید را به فروشنده و خریدار به شرطی که در مشخصات قرارداد درج شده باشد می‌دهد.

با توجه به اینکه این اوراق در قالب عرضه گسترده پذیره نویسی می‌شوند. لذا در کلیه مراحل پذیرش تا عرضه عمومی آن وجود نهادهای مالی متخصص در فرایند تأمین سرمایه الزامی است. از این رو وجود نهادی مانند تأمین سرمایه با کارکردهایی مانند مشاور پذیرش، متعهد پذیره نویسی و ضامن بازارگردان در مراحل مختلف انتشار اوراق ضرورت دارد. شرکت تأمین سرمایه با توجه به مقررات موجود در کشور تنها نهادی است که می‌تواند هر سه کارکرد، مشاور پذیرش، متعهد پذیره نویسی و نیز بازارگردانی را ایفا کند.

اولین نمونه از این الگو در بخش کشاورزی، انتشار اوراق سلف موازی استاندارد گندم در سال ۱۳۹۵ بود. در جدول ۴-۳ مشخصات قرارداد این اوراق آورده شده است.

فصل چهارم: چشم‌انداز سیاست‌های حمایتی بخش کشاورزی □ ۲۵۳

جدول ۴-۳- مشخصات قرارداد سلف موازی استاندارد گندم

مشخصات قرارداد سلف موازی استاندارد گندم	
نام ابزار تأمین مالی	اوراق سلف موازی استاندارد گندم (به همراه اختیار خرید و فروش تبعی)
نوع اوراق	بانام، قابل معامله در بورس کالای ایران و معاف از مالیات
دارایی پایه	گندم خوراکی
مشخصات و استاندارد دارایی پایه	گندم خوراکی، طبق استاندارد شماره ۱۰۴ سازمان ملی استاندارد که در بخش استاندارد و مشخصات امیدنامه ذکر گردیده است.
هدف از عرضه	تأمین سرمایه در گردش شرکت مادر تخصصی بازرگانی دولتی ایران
بازار عرضه اولیه و معاملات ثانویه	بورس کالای ایران
مشخصات اوراق سلف	
میزان مجاز عرضه اولیه	حجم عرضه اولیه حدود ۳،۲۰۰،۰۰۰ تن به شرط آن‌که ارزش کل اوراق از ۲۶،۵۰۰ میلیارد ریال بیشتر نباشد.
حداکثر حجم قابل عرضه	محدود به حجم عرضه اولیه
اندازه هر قرارداد	یک برگ (معادل ۱۰۰ کیلوگرم)
روش عرضه اولیه	روش عرضه گسترده با قیمت ثابت
سقف حجم هر سفارش	توسط بورس کالا تعیین می‌شود.

<p>یک ریال</p>	<p>حداقل تغییر قیمت هر سفارش</p>
<p>ریال</p>	<p>واحدهای پولی قیمت و ارزش مورد تسویه</p>
<p>آخرین قیمت کشف شده در بورس کالای ایران تقسیم بر (نرخ اختیار فروش تبعی + ۱)</p> <p>● شرکت بازرگانی دولتی متعهد شد گندم غیرمشمول فروش یارانه‌ای را قبل از انتشار اوراق تا زمان سررسید اوراق صرفاً از طریق بورس کالای ایران عرضه و معامله نموده و از هر گونه عرضه محصول مذکور در خارج از بورس اجتناب نماید تا قیمت گندم بر این اساس کشف گردد.</p> <p>● در صورتی که ناشر اقدام به عرضه گندم در بورس کالا نکند، متعهد گردید حداکثر قیمت اختیار خرید مبنای تسویه اوراق قرار گیرد.</p>	<p>قیمت خرید هر قرارداد</p>
<p>قیمت عرضه اولیه، به‌علاوه ۲۰ درصد سالیانه آن قیمت، به‌صورت روزشمار (با توجه به بازه زمانی عرضه تا سررسید اوراق)</p>	<p>قیمت اعمال اختیار فروش تبعی</p>
<p>قیمت عرضه اولیه، به‌علاوه ۲۱ درصد سالیانه آن قیمت، به‌صورت روزشمار (با توجه به بازه زمانی عرضه تا سررسید اوراق)</p>	<p>قیمت اعمال اختیار خرید تبعی</p>
<p>قیمت عرضه اولیه به‌علاوه ۱۹ درصد سالیانه به‌صورت روزشمار</p>	<p>قیمت خرید بازار- گردان در معاملات ثانویه</p>

فصل چهارم: چشم‌انداز سیاست‌های حمایتی بخش کشاورزی □ ۲۵۵

<p>بازدهی این اوراق در دو حالت قابل تبیین است. ۱) در صورتی که قیمت دارایی پایه در سررسید کمتر از «قیمت اعمال اختیار فروش تبعی» باشد سرمایه‌گذاران می‌توانند از اختیار فروش استفاده کرده و نسبت به فروش قرارداد به قیمت «قیمت اعمال اختیار فروش تبعی» به شرکت مادر تخصصی بازرگانی دولتی ایران اقدام کنند. بدین ترتیب برای سرمایه‌گذاران، بازدهی در این بازه حداقل، معادل ۲۰ درصد سالیانه خواهد بود.</p> <p>۲) در صورتی که قیمت دارایی پایه در سررسید بیشتر از «قیمت اعمال اختیار خرید تبعی» باشد، شرکت مادر تخصصی بازرگانی دولتی ایران می‌تواند از اختیار خرید استفاده کرده و نسبت به خرید قرارداد به قیمت «قیمت اعمال اختیار خرید تبعی» از دارندگان اوراق، اقدام کنند. بدین ترتیب بازدهی برای سرمایه‌گذاران در این بازه حداکثر، معادل ۲۱ درصد سالیانه خواهد بود.</p>	<p>بازده اوراق</p>
<p>اوراق سلف موازی استاندارد، سود بین دوره‌ای ندارد. در پایان دوره، خریدار می‌تواند نسبت به تحویل فیزیکی یا تسویه نقدی با توجه به قیمت دارایی پایه در سررسید و بر اساس قیمت اعمال اختیارات تبعی اقدام کند.</p>	<p>مقاطع پرداخت سود</p>
<p>متعاقباً همزمان با انتشار اطلاعیه عرضه اعلام خواهد شد.</p>	<p>مدت قرارداد</p>
<p>متعاقباً در اطلاعیه عرضه اعلام خواهد شد.</p>	<p>دوره عرضه اولیه</p>
<p>معاملات ثانویه</p>	
<p>از طریق شبکه کارگزاران مورد تأیید سازمان بورس بر اساس ضوابط معاملات بورس کالا حداکثر ۱۰ روز کاری پس از پایان عرضه اولیه</p>	<p>معاملات ثانویه</p>

<p>بازارگردان در طول عمر اوراق موظف است ضمن عملیات بازارگردانی، تقاضاهای فروش اوراق سلف موازی استاندارد موضوع این امیدنامه را در حداقل قیمت تضمین‌شده (شامل اصل مبلغ پرداخت‌شده در روز عرضه عمومی و سود ۱۹٪، سالیانه روزشمار) برای هر ورق بر اساس مقررات معاملات اوراق بهادار در بورس کالای ایران خریداری نموده و تقاضاهای خرید اوراق سلف موازی استاندارد موضوع این امیدنامه را نیز تا سقف اوراق در اختیار، به متقاضیان عرضه کند.</p> <p>• توضیحات تکمیلی مندرج در بخش نحوه انجام معاملات (فصل سوم) امیدنامه سلف موازی استاندارد گندم.</p>	<p>شرایط بازارگردانی طی دوره معاملاتی</p>
<p>۰,۵٪ (نیم درصد) حجم کل اوراق</p>	<p>حداقل سفارش انباشته بازارگردان</p>
<p>۱٪ (یک درصد) حجم کل اوراق</p>	<p>حداکثر تعهد معاملات روزانه بازارگردان</p>
<p>۲ درصد</p>	<p>دامنه مظنه</p>
<p>صندوق سرمایه‌گذاری یکم کارگزاری بانک کشاورزی بر اساس مدل بازارگردانی تضمین حداقل قیمت، نقدشوندگی اوراق سلف گندم را قبل از سررسید تعهد می‌نماید و اوراق سلف را طی دوره معاملاتی با نرخ سود ۱۹ درصد سالیانه به صورت روزشمار به علاوه قیمت اوراق در عرضه اولیه، بازخرید خواهد کرد.</p>	<p>نقد شوندهگی اوراق قبل از سررسید</p>
<p>بر اساس مصوبه هیأت‌مدیره سازمان بورس و اوراق بهادار</p>	<p>کارمزد</p>

فصل چهارم: چشم‌انداز سیاست‌های حمایتی بخش کشاورزی □ ۲۵۷

خرید و فروش اوراق	
سررسید و شرایط تحویل	
سررسید اوراق	متعاقباً همزمان با انتشار اطلاعیه عرضه اعلام خواهد شد.
تاریخ ارائه درخواست تحویل فیزیکی	۱۰ روز پیش از سررسید
دوره تحویل	حداکثر یک‌ماه پس از تاریخ سررسید
مکان تحویل	انبارهای گندم تحت نظارت شرکت مادر تخصصی بازرگانی دولتی ایران با انتخاب شرکت مادر تخصصی بازرگانی دولتی ایران
امکان تحویل فیزیکی و تسویه نقدی در پایان دوره معاملاتی	دوره تحویل فیزیکی پس از زمان سررسید اوراق، طبق برنامه زمانبندی ارائه شده توسط شرکت مادر تخصصی بازرگانی دولتی ایران شروع و به مدت یک‌ماه ادامه خواهد داشت. عدم ارائه درخواست جهت تحویل فیزیکی کالا ۱۰ روز پیش از تاریخ سررسید اوراق به‌منزله انصراف خریدار از تحویل دارایی پایه و انجام تسویه نقدی خواهد بود.
حداقل اوراق جهت تسویه فیزیکی	۱۰۰ هزار قرارداد معادل ۱۰،۰۰۰ تن
شرایط لازم جهت تحویل کالا	➤ منوط به اعلام آمادگی تحویل از سوی دارندگان قراردادهای سلف موازی استاندارد (به ترتیبی که هیأت‌مدیره شرکت سپرده‌گذاری مرکزی تعیین و اعلام می‌کند) حداکثر تا پایان ساعت معاملاتی، ۱۰ روز پیش از

<p>سررسید اوراق مذکور خواهد بود.</p> <p>➤ تنها دارندگان اوراق سلف، مورد تأیید شرکت بازرگانی دولتی ایران که تا ۲۰ روز قبل از تاریخ سررسید اعلام می شود، می توانند اعلام آمادگی تحویل کنند.</p> <p>➤ حداقل تعداد قرارداد جهت تحویل فیزیکی ۱۰۰ هزار قرارداد معادل ۱۰،۰۰۰ تن گندم است.</p> <p>عملیات اجرایی تحویل:</p> <p>➤ تحویل کالا در سررسید در انبارهای گندم تحت نظارت شرکت مادر تخصصی بازرگانی دولتی ایران با انتخاب شرکت مادر تخصصی بازرگانی دولتی ایران خواهد بود.</p> <p>➤ تمامی شرایط تحویل فیزیکی کالا مطابق با شرایط فروش کالا در بورس کالای ایران بر تحویل فیزیکی این قرارداد نیز حاکم است.</p>	
<p>شرکت، متعهد به پرداخت جریمه‌ای معادل ۰,۲۵ (بیست و پنج صدم) درصد کالای تسویه نشده به ازای هر روز دیرکرد می‌باشد. (طبق استاندارد بورس کالای ایران).</p>	<p>خسارت ناشی از عدم تحویل کالا</p>
<p>ارکان عرضه</p>	
<p>شرکت مادر تخصصی بازرگانی دولتی ایران</p>	<p>عرضه‌کننده</p>
<p>دولت جمهوری اسلامی ایران</p>	<p>ضامن</p>
<p>صندوق سرمایه‌گذاری یکم کارگزاری بانک کشاورزی</p>	<p>متعهد خرید در عرضه اولیه</p>
<p>صندوق سرمایه‌گذاری یکم کارگزاری بانک کشاورزی</p>	<p>بازارگردان</p>
<p>کارگزاری بانک کشاورزی</p>	<p>مشاور عرضه</p>

فصل چهارم: چشم‌انداز سیاست‌های حمایتی بخش کشاورزی □ ۲۵۹

کارگزاری بانک کشاورزی	عامل عرضه
شرکت بورس کالای ایران	محل انجام معاملات
دوره عرضه اولیه قرارداد: در اطلاعیه عرضه مشخص خواهد شد؛ تاریخ شروع معاملات ثانویه قرارداد: حداکثر ۱۰ روز پس از پایان دوره عرضه اولیه؛ تاریخ ارائه درخواست برای تسویه فیزیکی کالا: ۱۰ روز پیش از سررسید قرارداد؛ سررسید قرارداد؛ متعاقباً همزمان با انتشار اطلاعیه عرضه اعلام خواهد شد.	تاریخ‌های مهم
اطلاعیه‌های مرتبط با اوراق سلف موازی استاندارد گندم در پایگاه رسمی شرکت مادر تخصصی بازرگانی دولتی ایران به نشانی gtc-portal.com ، بورس کالای ایران به نشانی www.ime.co.ir و شرکت کارگزاری بانک کشاورزی به نشانی www.agribourse.com درج خواهد شد.	اطلاع‌رسانی

➤ به استناد تبصره ۲ ماده ۱۳ دستورالعمل معاملات کالا و اوراق بهادار مبتنی بر کالا در بورس کالای ایران مصوب ۱۳۸۹/۰۷/۰۵ شورای عالی بورس و اوراق بهادار، اطلاعات منتشره در قالب امیدنامه جزء لاینفک اطلاعیه عرضه است.

اهداف و مزایای قراردادهای سلف موازی

این نوع قرارداد، علاوه بر این که به تنوع ابزارهای معاملاتی بورس می‌افزاید مزایایی را برای فعالان بازار دارا می‌باشد. با توجه به دو کارکرد اصلی این ابزار و دو الگوی متفاوت انتشار، در هر یک از الگوهای انتشار مزایای خاصی برای انتشار این اوراق متصور می‌باشد.

الگوی تأمین مالی کوتاه مدت این ابزار در مقایسه با قرارداد سلف عادی بورس کالا

دارای برخی مزایا است:

۱. قرارداد سلف موازی استاندارد به نقدشوندگی معاملات سلف کمک می‌کند. چرا که در قرارداد سلف، وجه معامله توسط خریدار پرداخت می‌شود و تا زمان سررسید، او دسترسی به وجه و کالای مورد نظر را ندارد. اما با انتشار سلف موازی او خواهد توانست از مزیت نقدشوندگی قرارداد سود ببرد.
 ۲. به دلیل وجود بازار ثانویه، جذابیت بیشتری برای خریداران دارد.
 ۳. به تسهیل تأمین مالی کوتاه مدت تولیدکنندگان کمک شایانی می‌کند.
 ۴. در این فرآیند معاملاتی به صورت پیوسته کشف قیمت صورت می‌گیرد. بنابراین می‌توان گفت قیمت‌ها شفاف‌تر هستند.
 ۵. این قرارداد ابزار پوشش ریسک کامل‌تری را نسبت به قرارداد سلف معمولی به خریداران می‌دهد.
- در مورد تعدد نمادهای معاملاتی در تعیین تعداد سررسیدها بورس روند تولید و عرضه‌ی عرضه‌کنندگان را مدنظر قرار می‌دهد. چرا که برخی تولیدکنندگان به صورت پیوسته تولید خواهند کرد و تحمل هزینه‌های انبارداری برای آن‌ها صرفه اقتصادی ندارد. بنابراین سررسیدهای تحویل به‌گونه‌ای تعیین می‌شود که برای عرضه‌کنندگان جذابیت داشته باشد.
- با توجه به اینکه سلف موازی استاندارد توسط شورای عالی بورس^۱ به عنوان اوراق بهادار موضوع بند (۲۴) ماده (۱) قانون بازار اوراق بهادار جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۸۴ تلقی شناسایی شده است، بر اساس تبصره ۱ ماده ۷ قانون توسعه ابزارها و نهادهای مالی جدید، معاف از مالیات خواهد بود. البته این معافیت مختص الگوی انتشار کوتاه مدت نیست و اوراق سلف بلندمدت را نیز شامل می‌شود.
- الگوی تأمین مالی بلند مدت این اوراق نیز دارای مزیت‌های قابل توجهی می‌باشد:

۱. صورت جلسه مورخ ۱۳۸۹/۱۲/۰۹ هفتادونهمین جلسه شورای عالی بورس و صورت جلسه مورخ ۱۳۹۱/۱۱/۱۶ نود و هفتمین جلسه شورای عالی بورس

فصل چهارم: چشم‌انداز سیاست‌های حمایتی بخش کشاورزی □ ۲۶۱

برخلاف اوراق مشارکت و یا اوراق استتصناع^۱ که اوراق مالی پروژه محور هستند و وجوه حاصل از فروش آن‌ها باید منحصراً در پروژه خاص مصرف شود، وجوه حاصل از فروش اوراق سلف به مالکیت ناشر اوراق در می‌آید؛ در نتیجه این امکان را به شرکت می‌دهد تا برای تأمین مالی طرح‌ها، پروژه‌ها و حتی برای سرمایه گذاری‌های کوتاه مدت و سرمایه در گردش، با پیش فروش بخشی از محصول آینده، نیاز مالی خود را تأمین کند. همچنین این اوراق می‌تواند برای اجرای سیاست‌های پولی و یا تأمین کسری بودجه دولت مورد استفاده قرار گیرد.

با توجه به امکان تعریف اختیار فروش و همچنین اختیار خرید بر روی آن بسیار انعطاف پذیر بوده و می‌توان زیان (سود از دست رفته) منتشرکننده اوراق را در صورت افزایش قیمت کالا محدود نمود و نیز حداقلی از سود را برای خریدار در نظر گرفت. این اوراق به نوعی اوراق با بازده‌ای مرتبط به قیمت یک کالا است و در صورت تعیین مناسب نرخ اختیارهای خرید و فروش تبعی بر روی این اوراق می‌توان اوراق با بازده‌های مرتبط با یک شاخص کالایی را با استفاده از این اوراق شبیه سازی کرد. در این نوع اوراق از آنجایی که ضرورتی برای وجود ضامن بانک وجود ندارد، اعتبار شرکت عرضه کننده و تضامینی که نزد شرکت سپرده‌گذاری تودیع می‌کند ضمانت اوراق می‌باشند. از این رو شرکت در تعیین نرخ‌های اختیار تبعی فروش و خرید آزادی عمل بیشتری دارند تا با توجه به اعتبار خود در خصوص نرخ اوراق تصمیم گیری کنند.

۱. اوراق بهادار با بازدهی ثابت است. با هدف ایجاد ابزاری جدید در زمینه تأمین مالی پروژه‌ها و تأمین مالی پیمانکاران طراحی شده است.



شکل ۴-۱۴- مزایای قراردادهای سلف موازی

جمع‌بندی

بخش کشاورزی به دلیل پایین بودن درآمد سرانه و اهمیت آن در تولید کالاهای استراتژیک در کشورهای توسعه‌یافته و توسعه نیافته مورد حمایت دولت‌ها می‌باشد. در گذشته‌ای نه چندان دور، حمایت از تولیدکننده کشاورزی در مقابل کاهش قیمت‌ها، محدود به سیاست خرید تضمینی بوده است. اما این سیاست به دلیل تعطیل کردن مکانیسم قیمت در تخصیص، باعث کاهش کارایی در اقتصاد می‌شود. بر همین اساس کشورهای مختلف در دنیا اقدام به تغییر سیاست‌های خود در حوزه کشاورزی کرده‌اند. سازمان تجارت جهانی نیز یکی از نهادهایی بوده است که باعث شده سرعت تغییر در این سیاست‌ها به شدت در سال‌های اخیر افزایش یابد؛ زیرا این سازمان به شدت با سیاست‌هایی که باعث انحراف در مکانیسم بازار می‌شوند مخالف است.

در ایران نیز سیاست خرید تضمینی در سال ۱۳۶۸ با تصویب قانون تضمین خرید محصولات اساسی کشاورزی آغاز گردید و تا کنون نیز ادامه داشته است. اما در سال

فصل چهارم: چشم‌انداز سیاست‌های حمایتی بخش کشاورزی □ ۲۶۳

۱۳۸۹ ماده ۳۳ قانون افزایش بهره‌وری بخش کشاورزی و منابع طبیعی به دولت اجازه داد علاوه بر اجرای قانون تضمین خرید محصولات اساسی کشاورزی سیاست قیمت تضمینی را نیز اجرا نماید و برای اولین بار در سال ۱۳۹۴ این سیاست به صورت پایلوت بر روی جو کرمانشاه و ذرت خوزستان اجرایی شد. هرچند این اقدام تحول عظیمی در اصلاح سیاست‌های دولت در بخش کشاورزی است ولی به شدت ناکافی است. بر همین اساس در این بخش تلاش شد انواع ابزارهایی که دولت می‌تواند با حمایت از اجرای آن‌ها به توسعه بخش کشاورزی کمک نماید معرفی شوند. این سیاست‌ها که از طریق بورس کالای ایران قابل عملیاتی شدن هستند به شرح ذیل می‌باشند:

۱. اجرای سیاست قیمت تضمینی موضوع ماده ۳۳ قانون افزایش بهره‌وری بخش کشاورزی و منابع طبیعی توسط دولت به منظور بهره‌مندی از مزایای تشکیل بازار براساس مکانیسم عرضه و تقاضا،
۲. فروش کالاهای خریداری شده در قالب سیاست خرید تضمینی توسط دولت در بازار بورس کالای ایران به منظور بهره‌مندی از مزایای تشکیل بازار بر اساس مکانیسم عرضه و تقاضا،
۳. فروش کالاهای خریداری شده توسط دولت در قالب قراردادهای سلف موازی استاندارد به منظور تامین مالی دولت و تنظیم بازار محصولات کشاورزی در آینده، استفاده از قراردادهای اختیار فروش توسط دولت به جای سیاست خرید و قیمت تضمینی به منظور ترویج استفاده از ابزارهای نوین مالی مدیریت ریسک قیمت مبتنی بر نظام بازار در بخش کشاورزی،
۴. تدوین و تصویب قانون جامع انبارداری و قبض انبار، به منظور تقویت یکپارچگی بخش انبارداری و تسهیل دسترسی به اعتبارات با استفاده از قبض انبار.
۵. ایجاد ابزارهای تشویقی و کمک به تشکیل بازارهای ذیل در بخش کشاورزی:
۶. قراردادهای آتی به عنوان یکی از ابزارهای بازار محور مدیریت ریسک، با قابلیت نقد شوندگی بالا، تضمین تعهدات طرفین معامله و ریسک اعتباری پایین مورد

اقبال است.

۷. قراردادهای اختیار معامله که ابزای مناسب برای حمایت کشاورزان در برابر کاهش قیمت می‌باشد.

۸. سلف یکی از ابزارهای تأمین مالی و مدیریت ریسک می‌باشد که توسط تولیدکنندگان بخش کشاورزی مورد استفاده قرار می‌گیرد که بر اساس آن، کالا باقیمت معین در زمان مشخصی در آینده تحویل داده شده و بهای آن در هنگام معامله پرداخت می‌گردد.

۹. اوراق سلف موازی استاندارد به عنوان نوآوری جدید در بازار سرمایه می‌باشد و ابزاری برای تأمین مالی برای تولیدکنندگان و سرمایه‌گذاری در اوراق بهادار برای سرمایه‌گذاران می‌باشد.

۱۰. نسیه ابزار تأمین مالی خریداران کالا در بخش کشاورزی است و در واقع فروشنده اقدام به تأمین مالی خریدار می‌نماید.

۱۱. اوراق خرید دین به عنوان ابزار تأمین که در آن فروشنده کالا که می‌خواهد کالا را به نسیه بفروشد اما پول آن را نقد دریافت نماید به فورفیتر مراجعه می‌کند و از وی می‌خواهد با یک نرخ بهره مشخص طلب وی را از خریدار تنزیل و نقدا پول را از فورفیتر دریافت نماید. این تأمین مالی دارای بازار ثانویه است؛ لذا فورفیتر می‌تواند در بازار ثانویه اسنادی را که تنزیل کرده به فرد دیگری منتقل نماید.

۱۲. اوراق گواهی سپرده کالایی تولیدکنندگان کشاورزی را قادر می‌سازد تا فروش محصولات خود را در فصل برداشت با قیمت‌های پایین به تعویق انداخته و محصول را در زمان مناسب شدن قیمت‌ها ارائه دهند. در واقع این ابزار در بخش کشاورزی عاملی برای بهبود تجارت است. این اوراق منافع دیگری را نیز برای بخش کشاورزی به ارمغان می‌آورد؛ از جمله ذخیره سازی مناسب محصول، کاهش تلفات، ثبات نوسانات قیمت و در بلندمدت افزایش امنیت غذایی را به همراه خواهد داشت.

۱۳. تشکیل صندوق‌های کالایی در بخش کشاورزی به عنوان محبوب‌ترین اوراق مبتنی

فصل چهارم: چشم‌انداز سیاست‌های حمایتی بخش کشاورزی □ ۲۶۵

بر کالا، توسعه قابل توجهی طی سال‌های گذشته در بازارهای بین‌المللی داشته‌اند. انتشار این ورقه‌ی بهادار جدید می‌تواند بستری آسان برای تأمین مالی تولیدکنندگان و شفاف و مطمئن برای سرمایه‌گذاران ایجاد نماید.

منابع و مأخذ

- پیره، مجید؛ زهتابیان، مصطفی. ۱۳۸۷. اصول قرارداد سلف موازی، مدیریت پژوهش. توسعه و مطالعات سازمان بورس و اوراق بهادار تهران.
- دستورالعمل اجرایی عرضه و معامله قرارداد سلف نفت، مصوب هیأت مدیره سازمان بورس و اوراق بهادار، مورخ ۱۳۹۰/۰۹/۱۹
- دستورالعمل اجرایی معاملات قراردادهای سلف موازی استاندارد نفت و فرآورده‌های نفتی در بورس کالا. مصوب هیأت مدیره سازمان بورس و اوراق بهادار، مورخ ۸۹/۱۲/۱۴
- دستورالعمل معاملات سلف استاندارد در بورس کالا مصوب هیأت مدیره سازمان بورس و اوراق بهادار، مورخ ۹۲/۰۱/۲۴
- دستورالعمل تسویه و پایاپای معاملات بورس کالای ایران « مصوب هیأت مدیره سازمان بورس و اوراق بهادار مورخ ۱۳۸۹/۰۸/۲۲
- شایان آرانی، شاهین. ۱۳۹۰. مصاحبه با خبرگزاری فارس؛ ۱۳/۰۹/۱۳۹۰.
- صورتجلسه کمیته تخصصی فقهی، جلسه شماره ۲۷، تاریخ برگزاری ۸۶/۵/۱۶، موضوع: بررسی معاملات سلف موازی.

۲۶۸ □ سیاست‌های حمایتی بخش کشاورزی

- صورتجلسه کمیته تخصصی فقهی، جلسه شماره ۵۷، ۵۶، ۵۴. تاریخ برگزاری ۹۰/۰۸/۱۸، ۹۰/۰۹/۱۶، ۹۰/۰۹/۳۰ موضوع: بررسی فروش سلف نفتی.
- صورت جلسه شورای عالی بورس، جلسه شماره ۷۹ و ۹۷، تاریخ برگزاری ۱۳۸۹/۱۲/۰۹ و ۹۱/۱۱/۱۶.
- عسگری، فاطمه؛ محمد زاده، رویا. ۱۳۹۴. ترجمه «پایش و ارزشیابی سیاست‌های کشاورزی در کشورهای عضو سازمان همکاری اقتصادی و توسعه و هشت اقتصاد نوظهور (۲۰۱۵)». موسسه پژوهش‌های برنامه‌ریزی، اقتصاد کشاورزی و توسعه روستایی.
- کیانی راد، علی. ۱۳۸۶. برآوردهای حمایت از بخش کشاورزی PSE در کشورهای در حال توسعه: مشکلات اندازه گیری و رهیافت‌ها برای ایران. ششمین کنفرانس اقتصاد کشاورزی ایران.
- کیانی راد، علی. ۱۳۸۶. برآوردهای حمایت از بخش کشاورزی در کشورهای در حال توسعه: مشکلات اندازه گیری و رهیافت‌ها برای ایران. اقتصاد کشاورزی ۲۰۵.
- مجله الشرق الأوسط، ربيع ال اول ۱۴۲۲ق، ۲۹ العدد ۸.
- محمودی، ابوالفضل؛ کاظم نژاد، مهدی. ۱۳۸۳. بررسی حمایت کشورهای عضو OECD و ایران از بخش کشاورزی. اقتصاد کشاورزی و توسعه ۱، ۱.
- معصومی‌نیا، غلامعلی؛ بهاروندی، احمد؛ ۱۳۸۷. بررسی فقهی قراردادهای پوشش ریسک دارایی های ارزی. اقتصاد اسلامی. تابستان ۳۸۶ - شماره ۲۶ (۳۰ صفحه - از ۱۱۹ تا ۱۴۸)
- موسویان، سید عباس. ۱۳۸۷. ابزارهای مالی اسلامی (صکوک). پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی. شماره ۲۶.
- ناروئی، محبوبه؛ مهربانی بشرآبادی، حسین. ۱۳۹۱. تاثیر سیاست‌های حمایتی دولت بر بهره‌وری بخش کشاورزی در ایران. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. وزارت علوم، تحقیقات و فناوری. دانشگاه شهید باهنر کرمان.
- Aishath Muneeza, Nik Nurul Atiqah Nik Yusuf, Rusni Hassan, 2011, The possibility of application of salam in Malaysian Islamic banking system, Humanomics, Vol. 27 Iss: 2, pp.138 – 147
- Alizadeh, A. & Nomikos, N. 2005. Agricultural reforms and the use of market mechanisms for risk management. A study commissioned by the Futures and Options Association. March 2005. London, UK, Centre for Shipping, Trade & Finance, Cass Business school (available at www.foa.co.uk/publications/agricultural_report_2005.pdf).
- Apostolou, N.G. & Apostolou, B. 2000. Keys to investing in options and futures. Hauppauge, NY, USA, Barron's Educational Series, Inc.
- Arnold, G. 2004. The financial times guide to investing: a definitive companion to investment and the financial markets. Upper Saddle River, NJ, USA, FT Prentice Hall.

- Bannock, G., Davis, E., Trott, P. & Uncles, M.2002.The new penguin business dictionary. Penguin Books.
- Bannock, G. & Manser, W.1999.The penguin international dictionary of finance.Penguin Books.
- Barrie, S. 2002. The complete idiot's guide to options and futures.New York, New York, USA, Alpha Books.
- Bryla, E., Dana, J., Hess, U. & Varangis, P. 2003. The use of price and weather risk management instruments. Presented at the International Conference, Paving the Way Forward for Rural Finance, June 2-4, Washington, DC, USA.
- Cashin, P.2003. Commodity prices and terms of trade. IMF Research Bulletin, Vol 4, No. 4
- Chisholm, A.M.2004.Derivatives demystified.A step-by-step guide to forwards, futures, swaps and options. Hoboken, NJ, USA, the Wiley Finance Series, John Wiley & Sons, Ltd.
- Claessens, S. & Jonathan Coleman, J.1991. Hedging commodity price risks in Papua New Guinea.Working PaperNo.749. Washington, USA, World Bank.
- Commodity Futures Trading Commission (CFTC). 2005.The economic purpose of futures markets. Washington, DC, USA.
- Cordier, J.2000. Farmer risk management and futures markets. Presented at the OECD Workshop on Income Risk Management in Agriculture, 15-16 May, Paris, France.
- Daniel A. Sumner, (2015), "Agricultural Subsidy Programs" The Concise Encyclopedia of Economics, Library of Economics and Liberty.
- Dismukes, R., Bird, J.L. Jr., & Linse, F. 2004. Risk management tools in Europe: agricultural insurance, futures, and options.Agriculture and Trade Report, No.WRS-04-04. Economic Research Service, USDA.
- Downes, J. & Jordan Elliot Goodman, J.E.2003.Dictionary of finance and investment terms. Hauppauge, NY, USA, Barron's Educational Series, Inc.
- FAO.2005. Innovations of agricultural insurance products and alternative instruments for protection against production and price risks, by M.G. Kang Kang (unpublished paper). Rome.
- Faruqee, R. & Coleman, J.1996. Managing price risk in the Pakistan wheat market. Discussion PaperNo. 334. Washington, DC, USA, World Bank.
- Fox, J and Haight, L, (2011) Mexican agricultural policy: Multiple goals and conflicting interests, La política agrícola Mexicana.

- Gardner, B.L.2000. Recent risk management policy developments in North America and the prospects for commodity price insurance in developing countries. Presented at the World Bank Conference, Development Thinking for the Millennium, Paris, France, and June 26-28.
- Gilpin, A.1986.Dictionary of economics and financial markets.London, UK, Butterworth & Co. References 35
- Hardker, J.B., Huirne, R.B.M, & Anderson, J.R.2004.Coping with risk in agriculture. New York, USA, Cab International.
- Harwood, J. Heifner, R., Coble, K., Perry, J. & Somwaru, A.1999. Managing risk in farming: concepts, research, and analysis.Agricultural Economic Report,no. 774. Economic Research Service, USDA.
- Hull, J.C. 2006. Options, futures & other derivatives. Upper Saddle River, New Jersey, USA, Prentice Hall International Editions.
- The Institute for Financial Markets. 2003. Futures and options. Washington, D.C., U.S.A. International Task Force on Commodity Risk Management. 1999. Dealing with commodity price risk volatility in developing countries: a proposal for a market-based approach. Discussion Paper for the Roundtable on Commodity Risk Management in Developing Countries, September. (Available at www.itf-commrisk.org/documents/dsp73.pdf).
- International Task Force on Commodity Risk Management. 2001. Tanzania coffee price risk management phases 2 report. (Available at www.itf-commrisk.org/documents/tanzaniacoffee2.pdf).
- Ithurbide P. & Chaigneau, V. 2005. Product fever: what can commodities bring to portfolio diversification? SG Corporate & Investment Banking. Euromoney Workshop. The € Fixed Income Market At 7 Years: The Calm Amid the Storm, 28-29 November 2005, Paris, France. (Available at: www.euromoneyconferences.com/downloads/SG.pdf).
- Juliano, A; Gandour, A and Hemsley, P, (2015), Improving Agricultural Productivity in Brazil: The Unmet Potential of Price Risk Policy, climate policy initiative publication. Strategy, Multi Commodity Exchange of India Ltd.
- Kleinman, G. 2004. Trading Commodities and Financial Future: A Step-by-Step Guide to Mastering the Markets.Financial Times Prentice Hall.
- Larson, D., Varangis, P. & Yabuki, N. 1998. Commodity risk management and development. Working Paper No.1963. Washington, DC., USA, World Bank.
- Moles, P. & Terry, N.1997.The handbook of international financial terms. New York, USA, Oxford University Press. Nesbitt Burns. No date. Global financial products group of Nesbitt Burns, Bank of Montreal, Harris Bank Derivations, vol 3.

- Ngategize, P.K.1997. Use of commodity risk management and collateralized finance by farmers' associations in Uganda (mimeo). UNCTAD.
- Nilanjan, G, (2014); OPTIONS: A Critical Missing Link in India's Commodity Marke, Occasional Paper Series No.5, Department of Research and
- OECD (2015),Agricultural Policy Monitoring and Evaluation 201٥: OECD Countries, OECD Publishing, Paris,http://dx.doi.org/10.1787/agr_pol-2014-en
- Myong Goo Kang and Nayana Mahajan, (2006), an introduction to market-based instruments for agricultural price risk management, working document, Food and Agriculture Organization of the United Nations.
- Page, S. & Hewitt, A, 2001.World commodity prices: Still a problem for developing countries? London, England, Overseas Development Institute.
- Pass, C., Lowes, B. & Davies, L.2005. Collins dictionary of economics.Glasgow, UK, HarperCollins Publishers.
- Ryland, P.2003. Essential investment. London, UK, the Economist.
- Santana-Boado, L. & Gross, A.2006.Overview of world's commodity exchanges. UNCTAD.
- Schnepf, R. 1999. Assessing agricultural commodity price variability. Agricultural outlook (October). Washington, DC., USA, Economic Research Service, US Department of Agriculture (USDA).
- Schnepf, R., Heifner, R. & Dismukes, R.1999. Insurance & hedging: two ingredients for a risk management recipe.Agricultural Outlook (April). Washington, DC., USA, Economic Research Service, US Department of Agriculture (USDA).
- Snowden, P.N. & Benavides, and G.2005.Futures for farmers: hedging participation and the Mexican corn scheme. Lancaster, UK, Lancaster University Management School. Working Paper.
- Stasko, G.F.1997.Marketing grain and livestock.Iowa, USA, Iowa State University Press.
- UNCTAD.1998.A survey of commodity risk management instruments. Geneva, Switzerland. 36An introduction to market-based instruments for agricultural price risk management
- UNCTAD.1999.The impact of changing supply-and-demand market structures on commodity prices and exports of major interest to developing countries. TD/B/COM.1/EM.10/2, 1999. Geneva, Switzerland.
- UNCTAD.2002. Farmers and farmers' associations in developing countries and

their use of modern financial instruments. Geneva, Switzerland.

- Varangis, P. & Larson, D. 1996. Dealing with commodity price uncertainty. Working paper No.1667. Washington, DC., USA, World Bank.
- Von Pock, Alexander, Strategic Management in Islamic Finance , Deutscher Universitätsverlag, Aug 23, 2007.
- Vijaya Bhaskar, P. & Mahapatra, P. 2003. Derivatives simplified: an introduction to risk management. New Delhi, India, Response Books.
- Varangis, P., Larson, D. & Anderson, J.R. 2002. Agricultural markets and risks: management of the latter, not the former. Working Paper, No. 2793. Washington, DC. World Bank.
- Varangis, P; Larson, D, (1996), Dealing with Commodity Price Uncertainty, Policy Research Working Paper.
- World Business Council for Sustainable Development. 2004. Case study provided by Rabobank, insuring fair prices for farmers in developing countries. Geneva, Switzerland.
- World Bank 1996. Managing price risks in India's liberalized agriculture: can futures markets help? Report No.15453-IN. Washington, DC. World Bank.
- World Bank. 2004a. Commodity price risk management. Agricultural Investment Note, Agriculture Investment Sourcebook Module 10. (Available at www.esd.worldbank.org/ais/index.cfm?Page=mdisp&m=10&p=1).
- World Bank. 2004b. Tanzania: accessing market-based price risk management instruments. Innovative Activity Profile, Agriculture Investment Sourcebook Module 10. (Available at www-sd.worldbank.org/ais/index.cfm?Page=mdisp&m=10&p=6).
